

کاشان

مجله کاشان‌شناسی مقالات پژوهشی مربوط به تاریخ، فرهنگ، ادبیات، هنر، معماری تاریخی، جغرافیای تاریخی و مشاهیر منطقه کاشان شامل شهرستان‌های کاشان، نطنز و آران و بیدگل را منتشر می‌کند.

شیوه‌نامه درج منابع و استناد

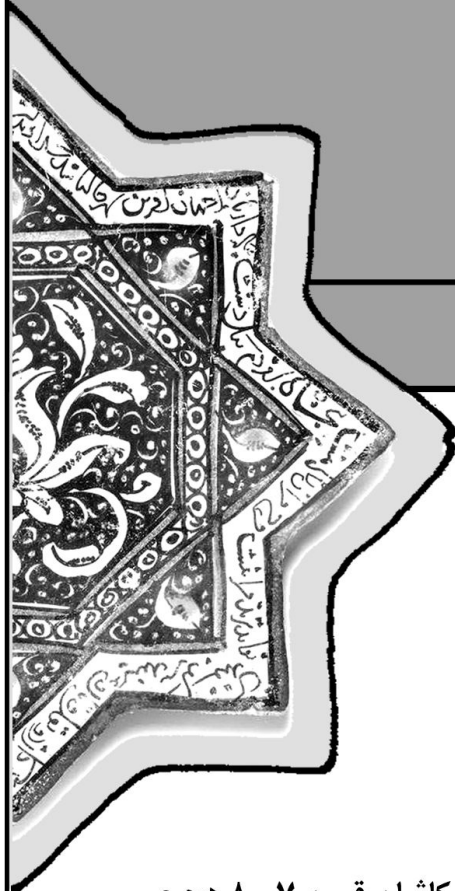
- درج مشخصات منابع متن و تصاویر، براساس شیوه‌نامه ایران (تهیه‌شده توسط پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران) است.
- این شیوه‌نامه در وبگاه نشریه موجود و قابل بارگیری است.
- در متن مقاله به‌صورت: نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار، صفحه.
- در فهرست منابع پایان مقاله به‌صورت:
 - کتاب‌ها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان کتاب، نام مترجم یا مصحح، محل نشر، ناشر.
 - مقاله‌ها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان مقاله، نام مجله، دوره (شماره مجله): شماره صفحه ابتدا – شماره صفحه انتها.
 - مقاله اینترنتی: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان مقاله، عنوان مجله علمی، دوره ش. نشانی الکترونیکی مقاله (دسترسی در تاریخ)

ضوابط و راهنمای تدوین مقالات

- مقاله ارسالی قبلاً در جایی چاپ یا ارائه نشده باشد.
- مقاله مبتنی بر تحقیق و شامل مطالب نو و ابتکاری می‌باشد.
- چاپ مقالات و تقدم و تأخر آن با بررسی و تأیید هیئت تحریریه تعیین می‌گردد.
- هیئت تحریریه در ویرایش مطالب و یکسان‌سازی مقاله آزاد است و مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شود.
- مقاله‌های مندرج صرفاً مبین آرای نویسندگان است.
- مقاله‌ها پس از داوری تخصصی و احراز شرایط در مجله چاپ می‌شوند.
- مقاله باید در محیط Word تایپ و از طریق سامانه «کاشان‌شناسی» به‌صورت الکترونیک ارسال شود.
- چکیده فارسی و انگلیسی مقاله حداکثر در ۳۰۰ واژه بیاید.
- ذکر کلید واژه‌های مقاله (حداکثر ۵ واژه) الزامی است.
- نویسندگان برای مطالعه راهنمای تدوین مقالات به سامانه sh-kashan.kashanu.ac.ir مراجعه کنند.

کاشان‌شناسی

مجله علمی کاشان‌شناسی، مرکز پژوهشی کاشان‌شناسی دانشگاه کاشان
دوره ۱۶، شماره ۱ (پیاپی ۳۰)، بهار و تابستان ۱۴۰۲



- ۳ بازشناسی تکنیک فرم‌دهی در کتیبه‌های کاشی زرین‌فام در کاشان قرون ۷ و ۸ هجری
روزبه نمازی، علیرضا شیخی
- ۳۷ بررسی ابریشم‌بافته‌های کاشان در مؤسسه هنر شیکاگو و موزه متروپولیتن
شهدخت رحیم‌پور
- ۶۱ پیشنهاد مدلی برای انتخاب رنگ فضای خواب در معماری مسکونی معاصر، مبتنی بر مبانی...
محمد رضا حاتمیان، فهیمه گلباغ مهبیاری
- ۹۷ مبانی حدیث‌پژوهی فیض کاشی در کتاب شافی
حسین ستار، حمیدرضا فهیمی‌تبار، محسن قاسم‌پور، محمدتقی رحمت‌پناه
- ۱۲۷ مترجمان و شارحان کاشانی نهج‌البلاغه (سده‌های ششم تا دهم هجری)
مرتضی امامی
- ۱۵۱ سنجش و تحلیل رقابت‌پذیری ادراک‌شده از مقاصد گردشگری (مطالعه موردی: شهر کاشان)
احمد حجاریان
- ۱۸۳ ارائه مدل پارادایمی چابکی نیروی انسانی در شرکت‌های صنعتی براساس نظریه داده‌بنیاد...
مهدی راحمی نوش‌آبادی، مریم مجیدی، محمد مهتری آرانی

بازشناسی تکنیک فرم‌دهی در کتیبه‌های کاشی زرین‌فام در کاشان قرون ۷ و ۸ هجری

روزبه نمازی*

علیرضا شیخی**

چکیده

در میان پژوهش‌های زرین‌فام، تعداد بسیاری به روش ساخت لعاب، خاستگاه‌های تولید، مفاهیم نقوش، فرم‌شناسی پرداخته و کمتر به جنبه تولید جسم این کاشی‌ها اهتمام شده است. بدنه سنگی تحولی شگرف در سفالگری تمدن اسلامی به حساب می‌آید. این نوع با استناد بر یافته‌های باستان‌شناسی در قرن پنجم در ایران ساخته شده و قابلیت‌های فراوانی را در اختیار هنرمندان سفالگر قرار داده است تا جایی که قطعات بزرگ و قطور محراب‌ها و ظروف ظریف را با آن ساخته‌اند. تنوع ساخت فرم با چرخ‌کاری و قالب‌گیری، گستردگی کاشی‌های ستاره‌ای، کوکبی و صلیبی و نیز کتیبه‌های برجسته، مصداق این ادعاست. استفاده نکردن از آن و نبود اطلاعات عملی کافی برای بازشناسی قابلیت‌های عملی این ماده، تصوراتی نادرستی را در پی داشته است. شاید مقایسه گل رس با این آمیزه، این اشتباهات را به وجود آورده؛ در گل‌های رسی به علت چسبندگی و آب میان‌مولکولی و ریز بودن دانه‌ها فرم‌پذیری بسیار بالاست و روش‌هایی متفاوت برای ایجاد نقوش و ایجاد حجم اختیار می‌شود. می‌توان گفت جز ایجاد ترک‌خوردگی که در فرایند خشک شدن به وجود می‌آید، محدودیت دیگری برای سازندگان آثار به وجود نمی‌آید و نیز کشف تعدادی قالب هم برای ساخت ظروف و هم برای ایجاد نقوش و مخصوصاً طراز تکرار شونده فوقانی در کاشی‌های دارای کتیبه برجسته که قطعاً به صورت قالبی انجام پذیرفته، این پنداشت را به همراه داشته که کتیبه کاشی‌های دوران میانه، قالبی بوده است. هدف از این مقاله بازشناسی شیوه اجرای کتیبه‌نویسی و بررسی فنی و تحلیل ایرادات نظریه قالبی تزیینات کاشی‌های کتیبه‌دار زرین‌فام سده‌های ۷ و ۸ هجری است. لذا سعی شده است با طرح تلفیق دو روش قالبی و ایجاد نقش به روش مستقیم - با نمایش قطعات کاشی ساخته‌شده در کارگاه به شکل عملی - فرضیه جایگزین مورد آزمون قرار گیرد. بدین ترتیب این پژوهش به دنبال پاسخ بدین پرسش‌هاست: شیوه اجرایی کتیبه‌نویسی در محراب‌های زرین‌فام سده‌های ۷ و ۸ هجری در *عرایس الجواهر* چگونه بیان شده و قابل تبیین است؟ و با توجه به مراحل آزمایشگاهی چگونه قابل اجراست؟ در حالی که طبق نظریه کنونی، هریک از کاشی‌های کتیبه‌دار نیازمند یک قالب جداگانه است و در صورت قالبی نبودن، اشکال تکرار شونده چگونه اجرا می‌گردیده است. نتیجه این تحقیق را می‌توان این گونه بیان داشت که کاشی‌های با کتیبه برجسته به صورت مستقیم و در بسیاری موارد به صورت بداهه با استفاده از مهارت هنرمند و نوع مخصوصی از خمیرسنگ بر روی کاشی که در قالب شکل گرفته و قسمت‌های تکرار شونده را بر خود داشته و بستری خالی جهت ایجاد حروف و تزیینات داشته، ایجاد می‌گردیده است. روش تحقیق در بخش نظری به صورت توصیفی تحلیلی و در بخش آزمایشگاهی و کارگاهی به صورت تجربی و جمع‌آوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی است.

کلیدواژه‌ها: سفال کاشان، دوره میانی اسلامی، کاشی زرین‌فام، کتیبه نقش برجسته، بدنه خمیرسنگی، سفال قالب‌زده.

* دانشجوی کارشناسی ارشد گروه صنایع دستی، دانشگاه هنر، تهران، ایران / roozbehnamazi@gmail.com

** دانشیار گروه صنایع دستی، دانشگاه هنر، تهران، ایران، نویسنده مسئول / a.sheikhi@art.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۸



۱. مقدمه

مزیت ساخته‌های سفالین از لحاظ بصری و فنی در ماندگاری، ابعاد و قابلیت جابه‌جایی و اجرا قابل توجه است. چندوجهی بودن سفال به‌شکلی مشخص در خشت‌های کاشی، بیشتر خودنمایی می‌کند. آثار باقی‌مانده از کاشان در قرون میانی دست‌مایه نام‌گذاری خشت‌های سفالین به نام این شهر یعنی «کاشی» شده است.^۱ ساخته‌ها از جنس کاشی شهرتی فرامنطقه‌ای داشته؛ چنان‌که در آثار مکتوب مانند *سفرنامه ابن بطوطه* از آن نام برده شده و به‌عنوان کالایی صاحب‌اصالت که به جنسی خاص اشاره دارد، یاد شده است (ابن بطوطه، ۱۳۷۱، ج ۱: ۲۱۹ و ۲۴۷). هدف پژوهش، بازشناسی شیوه اجرای کتیبه‌نویسی و بررسی فنی و تحلیل ایرادات نظریه‌قالبی تزیینات کاشی‌های کتیبه‌دار زرین‌فام سده‌های ۷ و ۸ هجری است. از این‌رو به‌دنبال پاسخ بدین پرسش‌هاست: ۱. شیوه اجرایی کتیبه‌نویسی در محراب‌های زرین‌فام سده‌های ۷ و ۸ هجری در *عرایس الجواهر* چگونه بیان شده و قابل تطبیق با ساخته‌های آن دوران است؟ ۲. با توجه به مراحل مورد بررسی چگونه قابل اجراست؟

ظروف کوچک، کاشی و مهرهای ساخته‌شده از جنس خمیرسنگی در تمدن‌های بزرگ و کوچک قابل یافت است. کیفیت رنگی که لعاب بر روی این آمیزه می‌یابد، از لحاظ درخشش و شفافیت رنگ، نیز استحکام قشای لعاب با بدنه، برتری محسوسی نسبت به ساخته‌های با گل رس قرمز دارد. با پیشرفت تمدن در ایران می‌توان شاهد استفاده کمتر از سفالینه (اعم از کاشی‌های لعاب‌دار و ظروف لعاب‌دار بدل چینی و رسی) و جایگزینی سفال با اقلام فلزی و آبگینه، گچی و سنگی بود. در تمدن عیلام، کاربرد سفال و ظروف بدل چینی لعاب‌دار و کاشی بسیار پررنگ بوده در قصر داریوش از کاشی‌های لعاب‌دار برای تزیین دیوارها استفاده شده است. یافته‌های باستان‌شناسی در بوکان و قلیچی نیز استفاده گسترده از خشت‌های لعاب‌دار را در تمدن مانایی و ماد نمایان نموده (کامبخش‌فرد، ۱۳۷۹: ۴۵۱). با گذشت زمان، این تزیینات به نقش برجسته‌های سنگی دوران هخامنشی و گچی در دوران ساسانی تغییر پیدا کرد و نقش سفال در تزیینات فاخر کم‌رنگ گردید و البته این سیر در ظروف نیز قابل مشاهده است. ظروف فاخر سفالین دوران عیلام در سده‌های بعد جایگزین آبگینه و فلزات گران‌بها شد. تصرف ایران ساسانی توسط اعراب مسلمان، فروپاشی نظام طبقاتی را در پی داشت. در اواخر قرن دوم هجری قمری قیام‌هایی در شرق ایران رخ داد که باعث روی کار آمدن حکومت‌هایی با خاستگاه ایرانی شد و مجالی برای بروز دوباره ذوق هنری را فراهم آورد. در این سیر، سفالینه جایگاه خاصی داشت؛



بازشناسی تکنیک فرم‌دهی در کاشی زرین‌فام در کاشان...، روزبه نمازی و علیرضا شیخی

چراکه ظروف طلا و نقره حرمت فقهی داشت و سفال از این تجمل، مبرا بود. واردات سفالینه از همسایه شرق با لعابی بی‌نقص بر پیکر، مانند آبگینه ظرافت را القا نموده و به دربار بزرگان راه یافته بود. این جنبش به‌سرعت خود را در زرین‌فام اولیه و سفال قالب‌زده مرکز ایران نشان داد و در ادامه با ظروف فاخر مینایی، جایگزین شایسته‌ای برای هنرهای مختلف گردید (همان: ۴۴۹-۴۵۲). ظروف سفالین که در سده‌های نخستین در نیشابور و شوش و سامرا تولید و عرضه می‌شد، هم نقش برجسته بر خود داشت و هم نقاشی، هم فلز فام بود هم رنگین؛ در عین حال ظرافت هم داشت و این قابلیت‌ها را مرهون ترکیبی بود که به‌واسطه یک قشای نازک سفیدرنگ که از نظر ترکیب به آبگینه می‌مانست و به‌لحاظ سختی، به سفال و مابین لعاب و بدنه قرار می‌گرفت، ایجاد می‌نمود. این فن در سده‌های بعد با تغییراتی روزآمدشده، توان تولید بدنه با قابلیت چرخ‌کاری و فرم‌دهی در قالب، در ابعاد بزرگ را ارائه نمود. اکنون در صنعت سفالگری بستری فراهم گردید تا هنرمندان قطعات بزرگ سفالین با مقاومتی همچون سنگ و فرم‌دهی همچون گچ و شفافیتی مانند آبگینه و جلای فلزی همچون طلا ایجاد کنند. زمان آن شد تا محراب‌ها و سنگ مزارها و کتیبه‌های فراوان با این ماده ساخته شود که آثار به‌جای‌مانده مؤید آن است.

محققان، ساخته‌های سرامیکی با کتیبه برجسته را در زمره کاشی‌های قالب‌زده قرار دادند و بین کاشی‌های با نقش برجسته و کاشی‌های حاوی کتیبه برجسته، تفکیکی قائل نشدند و روش تولید آن‌ها را نیز به‌صورت قالبی قلمداد کردند؛ درحقیقت این‌گونه ابراز داشته که هر قطعه کاشی کتیبه‌دار باید دارای یک قالب جداگانه باشد.^۲ در نوشتار حاضر با تأکید بر شواهد باستان‌شناختی و بررسی شواهد مکتوب، سعی در یافتن روش تولید این نوع کاشی شده است. مبنای این پژوهش بر توصیف و تحلیل داده‌های کتابخانه‌ای استوار گردیده است. نمونه‌گیری داده‌ها شامل نمونه‌های شاخص است و در بخش آزمایشگاهی و کارگاهی به‌صورت تجربی است. روش تحقیق در مقاله حاضر، از نظر هدف کاربردی است و به‌لحاظ ماهیت و روش تحلیلی تاریخی است؛ تاریخی بدان جهت که موضوعی را در نظر گرفته که مباحث مختلف تاریخی در ارتباط با آن اتفاق افتاده و به نظر می‌رسد با توجه به یافته‌های نگارندگان، مسائل درستی تا به امروز مطرح نشده و می‌تواند مسائل جدیدی مطرح شود. در بخش تحلیل، در گام نخست به بررسی انواع آمیزه‌های سفالین در ایران و انواع فرم‌دهی و ایجاد نقوش برجسته بر این آمیزه‌ها پرداخته شده است و در گام دوم، با بررسی سند مکتوب قرن هشتم (عرایس الجواهر) به تحلیل و تطبیق



واژگان موجود در این سند پرداخته شده و سعی در فهم این واژگان در مواجهه با آثار آن دوران گردیده است. در گام سوم آثار باقی مانده از آن دوران به جهت وضوح زوایای پنهان مورد بررسی دقیق فنی قرار گرفته؛ موضوعاتی کاملاً فنی از این آثار مطرح گردیده و در نهایت برای آزمودن یافته‌ها، با توجه به بخش‌های مذکور به بازتولید قطعاتی با کتیبه برجسته پرداخته شده است.

۱-۱. پیشینه تحقیق

به واسطه ساخت این کاشی‌ها با جنسی موسوم به خمیرسنگ، ابتدا به منابعی که این جنس را مورد بررسی قرار داده، پرداخته و سپس منابع نوع فرم‌دهی در کاشی‌ها مورد واکاوی قرار داده شده است. منابعی که در آن به ساخت بدل چینی^۳ پرداخته‌اند، عبارت‌اند از: موسوی و یایه و اکبری (۱۳۹۷) در مقاله «مقایسه خرمهره در ایران و آثار مشابه آن در مصر باستان»، به عنوان اولین ساخته‌ها با خمیرسنگ به ساخت خرمهره در ایران و مصر پرداخته و ترکیب، لعاب و پخت آن را بررسی کرده‌اند. واتسون (۱۳۸۲)، در کتاب *زیرین‌فام/ ایرانی* به ساخت بدنه با خمیرسنگ پرداخته و به نوع آمیزه آن با تأکید بر کتاب *عرایس الجواهر* اشاره کرده است. کامبخش‌فرد (۱۳۷۹) نیز در کتاب *سفال و سفالگری در ایران از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر*، به این نوع از سرامیک پرداخته است. پوپ و اکرم‌ن (۱۳۸۷، ج ۳) در کتاب *سیری در هنر ایران* به نقل از ابوریحان بیرونی، نحوه ساخت آمیزه بدل چینی را بیان داشته است. جوهری نیشابوری (۱۳۸۳) در کتاب *جواهرنامه نظامی*، به این نوع بدنه برای ساخت فیروزه به روش مصنوعی اشاره دارد. کاشانی (۱۳۸۶) در کتاب *عرایس الجواهر و نغایس الاطاب* در بخش ساخت فیروزه مصنوعی و بخش سفالگری، به چگونگی ساخت بدل چینی پرداخته است. علاء‌الدینی و مقبلی (۱۳۹۲) در مقاله «بررسی مواد و روش ساخت خرمهره»، به فرایند ساخت خرمهره در شکل امروزی و کارگاه‌های معاصر پرداخته و سعی داشته‌اند مواد و روش تولید این جنس را واکاوی نموده، چگونگی تولید آن را بررسی نمایند.

منابعی که به روش فرم‌دهی پرداخته‌اند، عبارت‌اند از: ذریه زهرا (۱۳۹۱) در کتاب *آشنایی با صنایع دستی ایران* در فصل ۵ به سفالگری پرداخته و انواع فرم‌دهی را توضیح داده است. حسینی (۱۳۹۱) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد *روند تولید سفال قالبی در ایران از دوران سلجوقی تا تیموری*، به نحوه شکل‌دهی ظروف قالبی در دوره سلجوقی پرداخته و آن را به تفکیک انواع روش‌ها بررسی و توضیح داده است. کارگر (۱۳۸۸) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان *بررسی ویژگی‌های سفال معاصر در مناطق شاخص ایران (نطنز، میبد، لالجین، شهرضا، قم، استهبان)*،



بازشناسی تکنیک فرم‌دهی در کاشی زرین‌فام در کاشان...، روزبه نمازی و علیرضا شیخی

به‌طور کامل به مناطق اصلی ساخت سفال در ایران پرداخته، و نیز مواد تشکیل‌دهندهٔ بدنه و لعاب و روش‌های تولید در این مناطق را بررسی کرده است. وولف، تایت و ماسون^۴ (۲۰۱۱) در مقاله «فناوری توسعه‌یافتهٔ سفالینهٔ خمیرسنگ به‌دست‌آمده از دوران اسلامی خاورمیانه، به ساختارهای مختلف خمیرسنگ و آنالیز آن در کشورهای سوریه، ایران، عراق و مصر پرداخته و با مقایسهٔ میان این بدنه‌ها اهتمام داشته است. دیمیتریو و بورزاکوف^۵ (۲۰۲۰) در مقاله «تجزیه و تحلیل عنصری خمیر قالب‌گیری خرمهره‌های شرقی قرون میانه»، به‌واسطهٔ یافت قطعاتی در تاتارستان روسیه، به بررسی عملی درخصوص ساخت بدنه‌های خمیرسنگ پرداخته است. مولدر^۶ (۲۰۱۱) در مقاله «بررسی و گونه‌شناسی ظروف قالب‌گیری اسلامی (قرون ۹ تا ۱۳) براساس کشف کارگاه سفالگری در بالیس قرون وسطی سوریه»، به انواع روش‌های قالب‌زدن در کارهای سفالین مناطق اسلامی پرداخته و این روش‌ها را بررسی کرده است. در مقاله حاضر با بررسی بخشی از کتاب *عرایس الجواهر* که در ابتدای قرن هشتم توسط فردی از خانوادهٔ معروف سفالگر (محمد بن ابی‌طاهر کاشانی) نگاشته شده و اطلاعات دقیقی از چگونگی فن سفالگری، در اختیار قرار می‌دهد، سعی گردیده طریقهٔ ساخت و تولید کاشی‌های کتیبه‌ای تحلیل و بازسازی شود. البته دانش موادشناسی و آگاهی از آنالیز مواد تشکیل‌دهندهٔ قطعات کاشی‌های دوران میانه و دانش معدن‌شناسی فلات مرکزی ایران و تجربیات عملی محققان این نوشتار، در این بازآفرینی نقش بسزایی داشته است.

۲. بررسی انواع آمیزهٔ سفالین در ایران

در ایران از دیرباز، انواع آمیزه‌های سفالین برای ساخت پیکره، ظروف، آجر و کاشی به کار رفته که در جدول ۱ به آن‌ها اشاره شده است. جدول ۱ نشان می‌دهد که اکثر آمیزه‌های سفالین در طول این چندین هزار سال همچنان به کار برده می‌شود. البته این نوشتار به همهٔ آمیزه‌ها نخواهد پرداخت؛ چراکه در یک‌صد سال اخیر، با گسترش دانش بشر در ساخت انواع مواد سرامیکی، گسترهٔ این مواد بسیار زیاد شده و موضوع بحث در این نوشتار نیست.

جدول ۱: انواع آمیزه‌های سفالین در ایران

ردیف	عنوان	دوران تولید	محل کشف	محل نگهداری	نوع	تصویر	توضیحات	منابع
۱	سفال اخزایی	هزاره چهارم قبل از میلاد تا امروز	سیلک کاشان	موزه ایران باستان	ظرف		ساخته شده از خاک رس معمولی پخته شده در درجه حرارت حدودی ۸۰۰ تا ۸۵۰ درجه سانتی‌گراد	url1: https://www.photo.mn.fi زمان بازیابی: بهمن ۱۴۰۰
۲	سفال نخودی	هزاره چهارم قبل از میلاد تا امروز	سیلک کاشان	موزه لوور	ظرف		ساخته شده از خاک رس معمولی با درصد اکسید آهن کم و درجه پخت ۹۰۰ تا ۹۵۰ درجه سانتی‌گراد	url2: https://www.photo.mn.fi زمان بازیابی: بهمن ۱۴۰۰
۳	سفال خاکستری	هزاره اول قبل از میلاد	تمدن ایلام (شوش)	موزه ایران باستان	ظرف		سفال معمولی پخته شده در شرایط احیا در ۸۵۰ تا ۹۰۰ درجه سانتی‌گراد	url3: https://www.photo.mn.fi زمان بازیابی: بهمن ۱۴۰۰
۴	خمیرسنگ اولیه (بدل چینی)	هزاره اول قبل از میلاد، به صورت خرمهره تا امروز	تمدن عیلام (شوش)	موزه لوور	بخشی از گلدان		ساخته شده از خمیرسنگ اولیه (۹۰ درصد سیلیس، ۵ درصد اکسید آلومینیوم، ۲ درصد اکسید کلسیم و ۱ درصد اکسید سدیم با مقادیر کم اکسیدهای منیزیم، آهن، منگنز و تیتانیوم) نتایج آزمایش‌های دانشگاه کاسل آلمان	موسوی ویاپه و اکبری، ۲۰۱۳۹۷
۵	سفال بدنه آهکی	۵۰۰ قبل از میلاد، به صورت کاشی جسمی تا امروز	هخامنشیا ن (شوش)	موزه لوور	آجر لعاب‌دار		ساخته شده از بدنه رسی با مقادیر بیشتری از سنگ‌های آهکین پخت بدنه و لعاب ۹۰۰ تا ۱۰۰ درجه سانتی‌گراد	url4: https://www.photo.mn.fi زمان بازیابی: بهمن ۱۴۰۰
۶	سفال گلابی	سده‌های نخستین اسلامی، به صورت آنگوب تا امروز	نیشابور	موزه رضا عباسی	ظرف		بدنه از سفال با اندکی مواد آهکین و لایه‌ای به نام آنگوب که به گفته کندی در کتاب الخمطوبخ والایار: قلع سفید ۱۰ قسمت و شیشه شفاف ۱۰ قسمت و سنگ مغنیسیا سفید ۱۰ قسمت. این‌ها را با کتیبرای حل شده در الکل ترکیب نموده و در درجه ۹۵۰ تا ۱۰۵۰ پخته‌اند.	نویسندگان



بازشناسی تکنیک فرم‌دهی در کاشی زرین‌فام در کاشان...، روزه نمازی و علیرضا شیخی

10.22052/KASHAN.2023.248763.1065

۷	خمیرسنگ دوران اسلامی	قرون ۵ و ۶ هجری، به‌ندرت ادامه دارد.	کاشان	موزه بوروکلین	ظرف قالب‌زده		بدنهٔ موسوم به خمیرسنگ اسلامی در بلاد مختلف اسلامی در ساخت ظروف به کار برده شده است.	URL5: https://brooklynmuseum.org زمان بازیابی: بهمن ۱۴۰۰
۸	خمیرسنگ کاشانی	اواخر قرن ۶ و اوایل قرن ۷ و ۸ هجری، به‌ندرت تا امروز ادامه دارد.	کاشان	موزه ویکتوریا آلبرت	کاشی		بدنهٔ خمیرسنگی که ابوالقاسم کاشانی در کتاب <i>عریس الجواهر</i> آن را توضیح داده: شکرسنگ (سیلیس کوهی) ۱۰ قسمت، جوهر آبیگینه ۱ قسمت و گلی به نام ورکانی ۱ قسمت	uRI6: http://collections.vam.ac.uk زمان بازیابی: بهمن ۱۴۰۰

۳. انواع فرم‌دهی سفالینه در ایران

این بخش انواع فرم‌دهی در آثار باقی‌مانده از هزاره‌های چهار و پنجم پیش از میلاد تا قرون هفت و هشت هجری در ایران را شامل می‌شود.

الف. فرم‌دهی با دست (روش فتیله‌ای و ورقه‌ای): در این روش بدون استفاده از چرخ، با قرار دادن قطعات گل بر روی هم یا در کنار هم به‌شکل فتیله یا ورقه، حجم‌های سفالین ساخته می‌شود. ظروف بزرگ برای نگهداری غلات در گذشته، مجسمه‌ها و احجامی همچون مکعب و حتی امروزه ساخت تنورهای پخت نان به‌شکل سستی، با این روش ساخته می‌شود.

ب. فرم‌دهی با چرخ سفالگری: در این روش، گل به‌واسطهٔ نیروی گشتاوری که به‌وسیلهٔ صفحهٔ گردان ایجاد می‌شود و به‌خاطر اعمال فشار به نقاط مختلف و جهت‌بخشی به این نیرو، فرم‌دهی صورت می‌گیرد. ظروف به‌صورت قرینه و بر مبنای دوران صفحهٔ چرخ شکل می‌گیرد. ساخته‌ها در این روش، تمامی اشکال منشعب از مخروط، کره، استوانه و سکه را شامل می‌شود.

ج. فرم‌دهی با قالب: در این روش قالب با نقوش کنده‌شده به‌صورت منفی با سرامیک و یا گچ ساخته شده و گل داخل آن قرار می‌گیرد و با اعمال فشار باعث ایجاد شکلی خاص در گل شده، فرم یا نقش مشخصی را ایجاد می‌نماید. از این روش برای ساخت ظروف، پیکره، کاشی و... استفاده شده است.

د. روش تلفیقی: شیء ساخته‌شده می‌تواند تلفیقی از روش‌های یادشده باشد.^۷

جدول ۲: اشیای مختلف با روش فرم‌دهی متفاوت

ردیف	عنوان	دوره محل ساخت	محل نگهداری	نوع	تصویر	توضیحات	منبع
۱	ظرف لوله‌دار، سفال خاکستری	هزاره اول پیش از میلاد محل کشف گیلان	موزه رضا عباسی	سفال خاکستری		فرم‌دهی ترکیبی، (بدنه چرخ‌کاری و لوله و دستگیره به روش قتیله‌ای)	نویسندگان
۲	گلدان، سفال مینایی	قرن ششم هجری محل ساخت ری	موزه رضا عباسی	خمیرسنگ		فرم‌دهی به‌وسیله چرخ سفالگری	نویسندگان
۳	پارچ قالب زد با لعاب فیروزه‌ای	قرن هفتم هجری	موزه رضا عباسی	خمیرسنگ		فرم‌دهی با قالب	URLS: https://brooklynmuseum.org زمان بازیابی بهمن ۱۴۰۰
۴	ابریق قالب زد با لعاب لاجورد	قرن ششم و هفتم هجری، نیشابور	موزه رضا عباسی	خمیرسنگ		فرم‌دهی به روش تلفیق	نویسندگان

۴. ایجاد نقش برجسته بر ساخته‌های سفالین

نقش‌اندازی به‌شکلی برجسته بر روی سفال به روش‌های گوناگونی صورت گرفته است:

الف. نقش افزوده: در این روش با افزودن گل به پیکره اصلی، فرم کلی به دست می‌آید. درحقیقت تمامی ساخته‌های سفالینی که برای یک بار صورت‌سازی می‌شوند و نیازمند تکرار نیستند، با این روش ساخته می‌شوند.

ب. نقش کنده: در این شیوه، با برداشتن گل‌های اضافه از اطراف طرح اصلی، نقش برجسته شکل می‌گیرد.

ج. نقش بریده: این فن در تزیینات خاصی به کار برده شده است که بهترین نمونه‌های آن را می‌توان در ظروف موسوم به «دو پوست» متعلق به دوره میانی اسلامی یافت.

د. نقش فشرده: درحقیقت این روش به‌دلیل خاصیت خمیری در گل به وجود آمده و قدمتی چندین هزارساله دارد؛ بسیار پرکاربرد بوده و در مواقعی که نیاز به تولید انبوه یک کالا وجود داشته و یا سرعت در ایجاد ساخته‌ها مطرح بوده، به کار آمده است. البته باید گفت ظرافت بعضی از نقوش تنها در این روش حاصل می‌شود. وسایل مورد نظر در این روش عبارت‌اند از:

۱. مهر، مهرهای ساخته‌شده از سنگ، سفال و فلز، وسیله‌ای بود برای ایجاد نقوش بر روی ظروف و منشورهایی جهت امر تجارت و مهر و موم کالای صادراتی. البته بسیاری از این مهرها جنبه اطلاع‌رسانی نیز داشته است؛ مانند مهرهای تمدن عیلام.




۲. قالب‌های تخت که برای ساخت ظروف تخت و یا کاشی کاربرد داشته است.

۳. قالب‌های دوار که برای تولید ظروف گرد و یا حجم‌های کامل به کار برده شده است.

هـ تلفیقی: بسیاری از کارهای فاخر سفالین در طول تاریخ، از تلفیق فنون مذکور ساخته شده

است.^۸ در جدول ۳ نمونه‌هایی از روش‌های مختلف ایجاد نقش آورده شده است.

جدول ۳: نمایش انواع روش‌های ایجاد نقش

ردیف	عنوان	دوره محل ساخت	محل نگهداری	نوع	تصویر	توضیحات	منبع
۱	تکوک سفالین	هزاره اول پیش از میلاد سیلک	موزه متروپولیتن	حجم توخالی سفالین		تولید به روش نقش افزوده	URL7: https://metmuseum.org زمان بازرایی بهمن ۱۴۰۰
۲	کتیبه قرآنی به خط کوفی مشجر	قرن پنجم هجری، نظامیه خرگرد	موزه ملی ایران قسمت اسلامی	کتیبه از جنس آجر پخته		تولید به روش نقش کنده	نویسندگان
۳	پارچ دوپوست مشبک	قرن هفتم هجری، کاشان	محل نگهداری موزه متروپولیتن	پارچ دوپوست از جنس خمیرسنگ		تولید به روش نقش بریده	URL8: https://metmuseum.org زمان بازرایی بهمن ۱۴۰۰
۴	قالب برای تولید ظروف از جنس سفال	قرن ششم هجری، نیشابور	موزه متروپولیتن	قالب سفالین		برای تولید ظروف به روش نقش فشرده	URL9: https://metmuseum.org زمان بازرایی بهمن ۱۴۰۰
۵	ابریق با نقوش مشبک و برجسته	قرن هفتم و هشتم، کاشان	موزه برلین	ابریق از جنس خمیرسنگ		تولید شده با روش تلفیقی	URL10: https://smb-digital.de زمان بازرایی بهمن ۱۴۰۰

از پراوازه‌ترین سرامیک‌های ساخت ایران، محراب‌های زرین‌فام است که تلفیقی از تکنیک‌های فوق‌می‌باشد. البته محققان این محراب‌ها را زیرمجموعه کارهای قالب‌زده و با تکنیک «نقش فشرده» قلمداد نموده‌اند که در ادامه مطالب سعی شده با آوردن مستندات به روش تولید و چگونگی کار شدن این کاشی‌های فاخر، پرداخته شود.

۵. بررسی فنی و تحلیلی چگونگی تولید کتیبه‌های برجسته زرین‌فام قرون هفتم و هشتم

با بررسی نسخه *عرایس الجواهر* سعی در بازشناسی و تحلیل داده‌ها و الفاظی است که ابوالقاسم کاشانی به‌عنوان فردی آگاه از چگونگی تولید بدنه زرین‌فام توضیح داده و با تطابق و تحلیل الفاظی که هنرمندان کاشی‌ساز در آثار خود نگاشته و با آن عملکرد خود را در ساخت یک اثر بیان داشته‌اند، می‌توان به نکاتی باارزش دست یافت. کاشانی کتاب *عرایس الجواهر فی نفائس الاطائب* را در سال ۷۰۰ هجری نگاشته و در آن به تولیدات کاشی نیز پرداخته است: «چون خواهند که جسدی ترکیب کنند که از آن اثاث و اوانی سازند چون قصاع و زبادی و کوزه‌ها و ازارخانه، بستانند از شکر سنگ سفید مذکور مطحون منخول به حریر صفیق ده جزو و از جوهر آبگینه مطحون یک جزو مخلوط با یکدیگر و یک جزو گل لوری سفید در آب حل کرده ... و استاد بر سر چرخ به آلات لطیف سازد و بنهند تا نیم خشک شود ... ماده ازاره و کتابت از بطانه و صاشکنه معجون کنند، اعنی به جوهر آبگینه و گل» (کاشانی، ۱۳۸۶: ۳۴۴). اهمیت این مطلب در دو نکته‌ای است که در اینجا بیان می‌شود:

اول آنکه نویسنده از خانواده کاشی‌سازی است که بسیاری از محراب‌ها و کتیبه‌های موجود را آفریده‌اند؛ لذا اصطلاحات به‌کاررفته در کاشی‌ها و توسط کاشیگران می‌تواند با متن نوشتار ابوالقاسم به مفهومی مشابه قلمداد شود. به‌طور کلی چهار اصطلاح در این کاشی‌ها به کار رفته است: «عمل»، «صنع و یا صنعت»، «کتبه و یا کتب» و «بخط» که البته پرداختن به این اصطلاحات، مجال دیگری را می‌طلبد، ولی از آنجاکه این نوشتار در پی بازشناسی «آلات کتابت» است، به «عمل» و «کتابت» خواهیم پرداخت.

الف. عمل: این اصطلاح را هنرمندان در معرفی کلی اثری که می‌خواستند منسوب به خود کنند، به کار می‌بردند. در نمونه‌هایی بسیار از ظروف سفالین و فلزی نیز این کلمه برای انتساب فعل ساختن و سازندگی آثار به کار رفته است (جدول ۴).

جدول ۴: نمونه کاشی‌هایی با نوشته، عمل

ردیف	عنوان	دوره محل ساخت	محل نگهداری	نوع	تصویر	توضیحات	منبع
۱	کتیبه سفالین با نوشته: من عمل العبد المذنب الراجی... علی ابن محمد المقری	اوایل قرن هفتم، کاشان	مجموعه حرم رضوی	جنس خمیرسنگ		کتیبه درب ورودی به بقعه ثامن الحجج از رواق دارالحفاظ	نویسندگان
۲	قسمتی از کتیبه سفالین محراب با نوشته: عمل حسن بن علی ابن احمد بابویه	اواخر قرن هشتم هجری، کاشان	موزة متروپولیتن	جنس خمیرسنگ		قسمت فوقانی محراب	URL11: https://metmuseum.org زمان بازسازی بهمن ۱۴۰۰
۳	قسمتی از کتیبه سفالین محراب با نوشته: عمل یوسف بن علی بن محمد بن ابی‌طاهر	اوایل قرن هفتم هجری، کاشان	موزة شانگری لا	جنس خمیرسنگ		قسمتی از مجموعه کتیبه‌های یک محراب یا ازاره	URL12: https://pinterest.com زمان بازسازی بهمن ۱۴۰۰

ب. کتبه: این اصطلاح برای بیان عمل نوشتن است و ارتباط مستقیم به هنر خوشنویسی داشته و درحقیقت برای معرفی کسی است که نوشته را انجام می‌دهد. می‌توان در این آثار ملاحظه نمود که برخی از کاشی‌سازان، خود بر فنون خوش‌نویسی مسلط بودند و این فن را بشخصه انجام می‌دادند و برخی نیز از قلم خوش‌نویسان دیگر استفاده می‌کردند. البته در کارهای غیرحجمی که با مرکب زرین‌فام انجام شده نیز این لفظ به کار رفته و به معنای «کتابت شد توسط...» است؛ از این‌رو در کارهای مسطح نیز به کار برده شده است (جدول ۵).

جدول ۵: نمونه کاشی‌هایی با نوشته، کتبه

ردیف	عنوان	دوره محل ساخت	محل نگهداری	نوع	تصویر	توضیحات	منبع
۱	قسمتی از کتیبه سفالین سنگ مزار حضرت معصومه(س)	اوایل قرن هفتم هجری، کاشان	موزه حضرت معصومه قم	خمیرسنگ		با نوشته: کتبه ابوزید بخت	قانونی صادقی‌مهر، ۱۳۹۶: ۸۶
۲	قسمتی از کتیبه سفالین از مجموعه آزاره‌های سنگ مزار حضرت معصومه(س)	اوایل قرن هفتم هجری، کاشان	موزه حضرت معصومه قم	خمیرسنگ		با نوشته: کتبه ابوزید فی	قانونی و صادقی‌مهر، ۱۳۹۶: ۸۶
۳	قسمتی از لوح مزار با کتیبه برجسته سفالین	به سال ۷۱۰ ق، کاشان	موزه گلیانکیان کاشان	خمیرسنگ		با نوشته: عاقبت و کتبه فی...	URL13: https://rugrabbit.com زمان بازیابی ۱۴۰۰ بهمن
۴	قسمتی از کتیبه سفالین از مجموعه آزاره‌های سنگ مزار حضرت معصومه	ربیع دوم قرن هفتم هجری، کاشان	موزه حضرت معصومه قم	خمیرسنگ		با نوشته: کتبه علی بن محمد	نگارندگان
۵	قسمتی از متن پیرامون کاشی کوکی مربوط به امامزاده علی بن جعفر قم	اواسط قرن هشتم، کاشان	موزه حضرت معصومه قم	خمیرسنگ		با نوشته: کتب ذالک فی عاشور... به تاریخ ۳۳۸ ق، ساخته‌شده در کارگاه سید رکن‌الدین در کاشان	نویسندگان

ج. کتبه و عمل: در مواردی که هنرمند هم ساخت و هم کتیبه را کتابت کرده، این‌گونه امضا

نموده: «کتبه و عمله» (جدول ۶). قابل ذکر است در اکثر محراب‌های مورد بحث، سازنده و کاتب شخص واحدی است.

جدول ۶: نمونه کاشی‌هایی با نوشته، عمله و کتبه

ردیف	عنوان	دوره محل ساخت	محل نگهداری	نوع	تصویر	توضیحات	منبع
۱	قسمتی از کاشی‌های آزاره یافت‌شده از امامزاده علی بن جعفر در قم	قرن هشتم هجری، کاشان	موزه حضرت معصومه قم	خمیرسنگ		قسمتی از کتیبه قرآنی و نوشته: کتبه و عمله لغفر عبادالله النبی احمدالحسنی	نویسندگان

ردیف	عنوان	دورهٔ محل ساخت	محل نگهداری	نوع	تصویر	توضیحات	منبع
۳	قسمتی از کاشی‌های محراب	سال ۶۶۳ ق، کاشان	موزهٔ شانگری ۷	خمیرسنگ		با نوشته: العمل هنا المحراب و کتبه علی بن محمد بن ابی‌طاهر تحریرا فی شعبان المعظم سنه ۶۶۳	URL14:https://Collection shangrihawaii.org زمان بازرسی بهمن ۱۴۰۰

همان‌طور که بیان شد، ابوالقاسم کاشانی برای ساخت کاشی‌های کتیبه‌ای ترکیبی مجزایی را اعلام کرده، می‌گوید: «و مادهٔ آزار خانه و کتابت از بطانه و صاشکنه معجون کنند، اعیی به جوهر آبگینه و گل» (کاشانی، ۱۳۸۶: ۳۴۵). در واقع در این دستورالعمل باید به خمیرسنگ اصلی که از جوهر آبگینه و گل لوری و شکرسنگ تشکیل گردیده، معجونی از بطانه و صاشکنه اضافه گردد. نگارندگان احتمال می‌دهند این بخش به آماده ساختن نوعی خمیرسنگ برای ایجاد کتیبه به‌شکل مستقیم اشاره دارد. البته برای این فرضیه دلایلی در ادامه بیان خواهد شد.

مبنای این فرضیه بر دو بخش استوار شده است. نخست تحلیل آثار به‌جای‌مانده و سعی در یافتن نکاتی است که در خود کتیبه‌ها وجود دارد و دوم تحلیل داده‌های فنی که از بررسی دقیق فنی این آثار حاصل گردیده است.

بخش نخست: بررسی متنی و مفهومی نوشتار و تحلیل و دقت در متن و مفهوم مستتر در




کتیبه‌ها

کاشانی اشارات بسیار دقیقی از چگونگی کار دارد. در قسمتی که در این نوشتار آورده شده است، اشارهٔ مستقیم به روش فرم‌دهی با چرخ دارد و نیز در ادامهٔ متن، اشارهٔ دقیق به چگونگی پخت و طریقهٔ لعاب زدن. درخصوص «آلات کتابت» یا همان کاشی‌های کتیبه‌ای هم به نوع جنس تشکیل‌دهندهٔ کاشی اشاره دارد، ولی به چگونگی ایجاد نقش بر روی خشت اشاره‌ای نکرده است. البته اگر این کار با قالب انجام می‌گرفت، احتمال می‌رود ابوالقاسم بدان اشاره می‌کرد. به هر صورت برای روشن شدن این فرضیه موارد زیرین بیان می‌گردد.

الف. جدا بودن هنرمند کاتب از هنرمند سازندهٔ اثر: در نمونه‌ای منحصربه‌فرد، قطعه کاشی تکه‌ای از لوح مزار امامزاده یحیی ورامین (پایین‌ترین کاشی حاوی نام دو هنرمند) وجود دارد: یکی یوسف بن علی بن محمد که «کتب» در محرم ۷۰۵ به عمل او نسبت داده شده و دیگری علی بن

احمد بن علی الحسینی کاشی که «صنعت» این سنگ مزار به او نسبت داده شده است (جدول ۷).

جدول ۷: لوح مزار امامزاده یحیی (ورامین)

ردیف	عنوان	دوره محل ساخت	محل نگهداری	نوع	تصویر و متن	توضیحات	منبع
۱	لوح مزار امامزاده یحیی، ورامین	ابتدای قرن هشتم هجری (۷۰۵)	موزه ارمنیژ	کاشی کتیبه‌دار از جنس خمیرسنگ		لوح مزار امامزاده یحیی، که از چهار کاشی بزرگ تشکیل یافته است.	URL15: https://depts.washington.edu زمان بازرسی بهمن ۱۴۰۰
۲	قسمت مشخص شده سمت راست	ابتدای قرن هشتم هجری (۷۰۵)	موزه ارمنیژ	کاشی کتیبه دار از جنس خمیرسنگ	 صنعت علی بن احمد بن علی الحسینی کاشی	متن حاوی نسبت صناعت به یک فرد	URL15: https://depts.washington.edu زمان بازرسی بهمن ۱۴۰۰
۳	قسمت مشخص شده سمت چپ	ابتدای قرن هشتم هجری (۷۰۵)	موزه ارمنیژ	کاشی کتیبه دار از جنس خمیرسنگ	 کتاب فی عاشر محرم سنه ۷۰۵ عمل یوسف بن علی محمد	متن حاوی نسبت کتابت به یک فرد	URL15: https://depts.washington.edu زمان بازرسی بهمن ۱۴۰۰

ب. نسبت امر کتابت و امر ترتیب (ایجاد) به صورت جداگانه توسط هنرمندی واحد

محراب به تاریخ ۷۱۰ هجری موجود است که هنرمند در آن از امر به ترتیب محراب (ساخت محراب) و کتابت آن توسط شمس‌الدین حسین می‌گوید (نوشته دلالت دارد که این دو فعل جدا از یکدیگر بوده و به‌طور جداگانه انجام می‌شده است) که در ماه‌های سال ۷۱۰ به اتمام رسیده است (جدول ۸).

جدول ۸: محراب به تاریخ ۷۱۰

ردیف	عنوان	دوره محل ساخت	محل نگهداری	نوع	تصویر و متن	توضیحات	منبع
۱.	محراب کاشی زرین‌فام	اوایل قرن هشتم هجری، (۷۱۰) کاشان	موزه کالوست گلبنکیان	کاشی کتیبه‌ای از جنس خمیرسنگ		محراب ساخته‌شده از سه قطعه کاشی	URL16: https://rugrabbit.com/content زمان بازبینی بهمن ۱۴۰۰
۲.	قسمت مشخص شده در سمت راست	اوایل قرن هشتم هجری، کاشان	موزه کالوست گلبنکیان	کاشی کتیبه‌ای از جنس خمیرسنگ	 امر بترتیب هذه المحارِبِ و الکتابه العبد شمس‌الدین حسین نجیب تفرنا احسن الله	نوشته مینی بر ساخت محراب و کتبت	URL16: https://rugrabbit.com/content زمان بازبینی بهمن ۱۴۰۰
۳.	قسمت مشخص شده در سمت چپ	اوایل قرن هشتم هجری، کاشان	موزه کالوست گلبنکیان	کاشی کتیبه‌ای از جنس خمیرسنگ	 عاقبتہ و کتب ذلک فی شهر سنه عشر و سبع مائه هجریه نوبه مصطفویه	نوشته مینی بر تاریخ اتمام کار محراب	URL16: https://rugrabbit.com/content زمان بازبینی بهمن ۱۴۰۰

ج. وجود سه تاریخ متفاوت در یک لوح مزار (دو تاریخ در یک قطعه کاشی یکپارچه)

لوح مزار مربوط به امامزاده حبیب بن موسی کاشان دارای سه تاریخ ۶۶۷، محرم ۶۷۰ و سومین با برجستگی کمتر اوایل صفر ۶۷۰. البته تاریخ ۶۶۷ به صورت عدد و محرم ۶۷۰ با حروف بر روی یک قطعه کاشی یکپارچه قرار دارد که این موضوع نشان از آن است که این تاریخ‌ها در قالب ایجاد نشده، که اگر چنین بود، نمی‌شد یک قالب با دو تاریخ به فاصله سه سال حک شده باشد. تنها می‌شود متصور کرد سازنده، کتیبه مرکزی را در دوره‌ای نوشته و به دلایلی که از بحث ما جداست؛ کار متوقف شده و پس از سه سال کتیبه دورگرد را کتابت کرده و تاریخ جدید را نیز برای اتمام کار مرقوم نموده. تاریخ سوم هم در انتهای قاب بالای محراب با برجستگی کمتر نگاشته شده است (جدول ۹).

جدول ۹: محراب امامزاده حبیب بن موسی

ردیف	عنوان	دوره محل ساخت	محل نگهداری	نوع	تصویر و متن	توضیحات	منبع
۱	لوح مزار حبیب بن موسی (قم)	اواخر قرن هفتم هجری کاشان	قسمت اسلامی، موزه ملی ایران	کاشی کتیبه‌دار از جنس خمیرسنگ		تشکیل شده از دو قطعه کاشی	نویسندگان
۲	قسمت بالا در تصویر مشخص شده	اواخر قرن هفتم هجری، کاشان	قسمت اسلامی، موزه ملی ایران	کاشی کتیبه دار از جنس خمیرسنگ	 اوایل صفر سنه سبعین و ست‌مانه	تاریخ با برجستگی اندک در طاق نما	نویسندگان
۳	قسمت پایین راست در تصویر مشخص شده	اواخر قرن هفتم هجری، کاشان	قسمت اسلامی، موزه ملی ایران	کاشی کتیبه دار از جنس خمیرسنگ	 سنه ۶۶۷	تاریخ به صورت عددی	نویسندگان
۴	قسمت پایین چپ در تصویر مشخص شده	اواخر قرن هفتم هجری، کاشان	قسمت اسلامی، موزه ملی ایران	کاشی کتیبه‌دار از جنس خمیرسنگ	 فی محرم سنه سبعین و ست‌مانه	تاریخ با برجستگی هم‌اندازه نوشتار در انتها	نویسندگان

د. وجود دو تاریخ در یک محراب

در محراب معروف به درب بهشت مربوط به امامزاده جعفر قم واقع در موزه ملی قسمت اسلامی، می‌توان رقم سازنده را با تاریخ ۷۳۴ به‌وضوح مشاهده نمود (با حروف). این تاریخ در انتهای سمت چپ اثر واقع شده، به‌همراه نام سازنده (یوسف بن علی بن محمد بن ابی‌طاهر) و به‌صورت عددی تاریخ ۷۱۳ را در کتیبه دورگرد مرکزی می‌توان دید. لازم به ذکر نیست که اگر کتیبه‌های این مجموعه که به‌شکل محرابی کامل و بزرگ نمایان است، به شکل قالبی ساخته شده بود، نیازی به نوشتن دو تاریخ به‌صورتی مجزا نبود (تعداد بسیار زیادی کاشی کوبی در موزه حضرت معصومه مربوط به امامزاده علی بن جعفر وجود دارد که با کلمه «کتبه» و تاریخ ۷۳۸ بدون

نام کاتب آورده شده که این نشان از اهتمام برخی هنرمندان در نوشتن تاریخ در انتهای نوشتار خود می‌باشد و تاریخ عددی این محراب نیز می‌تواند طبق همین سنت ارزیابی گردد (جدول ۱۰).

جدول ۱۰: محراب امامزاده جعفر در قم

ردیف	عنوان	دوره محل ساخت	محل نگهداری	نوع	تصویر و متن	توضیحات	منبع
۱	محراب مربوط به امامزاده جعفر قم معروف به امامزاده درب بهشت	اوایل قرن هشتم هجری، کاشان	بخش اسلامی موزه ملی ایران	کاشی کتیبه دار از جنس خمیرسنگ		قسمت‌هایی از این محراب به‌صورت بازسازی شده است.	نویسندگان
۲	قسمت راست مشخص شده	اوایل قرن هشتم هجری، کاشان	بخش اسلامی موزه ملی ایران	کاشی کتیبه دار از جنس خمیرسنگ	 لمنضوب علیهم و لالضالین فی سنه ۷۱۳	شامل تاریخ عددی	نویسندگان
۳	قسمت چپ مشخص شده	اوایل قرن هشتم هجری، کاشان	بخش اسلامی موزه ملی ایران	کاشی کتیبه دار از جنس خمیرسنگ	 عمل العبد یوسف بن محمد بن ابی‌طاهر کاشی سنه اربع و ثلثین سبع‌مائه	شامل رقم و تاریخ به صورت حرفی	نویسندگان

هد نسبت دادن کتابت و عمل به یک هنرمند

در بسیاری از ساخته‌های این سبک، سازنده، کار خود را به این صورت معرفی کرده است: «کتب و عمل». در واقع به دلیل اینکه بعضی از هنرمندان هم به ساخت و پخت و لعاب‌کاری اثر اهتمام داشته و هم کتابت و طراحی نقوش، این‌گونه رقم می‌زدند. البته در مواردی که تولید اثر به صورت گروهی صورت پذیرفته، هریک از هنرمندان قسمتی را که بر عهده داشته، به خود نسبت داده‌اند (تصویر ۶ یک نمونه از این گروه است). البته در مجموعه حرم امام رضا(ع) و حضرت معصومه(س) بسیاری رقم‌هایی وجود دارد که می‌توان عملکرد هریک از هنرمندان را مشخص نمود. جدول ۱۱ سه نمونه کار را نشان می‌دهد که ساخت و کتابت به عهده یک نفر بوده است:

اولی مربوط به کاشی لاجوردین کتیبه ازاره متعلق به ۷۱۸ مربوط به امامزاده جعفر در قم، و دومی مربوط به لوح مزار حضرت معصومه که در محل کنونی آن بر روی سنگ مزار حضرت قرار دارد و سومی مربوط به محراب امامزاده جعفر قم است.

جدول ۱۱: کاشی‌هایی با عنوان کتب و عمل

ردیف	عنوان	دوره محل ساخت	محل نگهداری	نوع	تصویر	توضیحات	منبع
۱	کاشی‌های لاجوردین مطلا قسمتی از کتیبه ازاره امامزاده جعفر قم	اوایل قرن هشتم هجری، کاشان	موزه حضرت معصومه در قم	خمیر سنگ		نوشته: کتب فی رجب الاصح سنه ثمان عشر و سبع مائه عمل	نویسندگان
۲	قسمتی از لوح مزار حضرت معصومه	اوایل قرن هفتم	موزه حضرت معصومه قم	خمیر سنگ		نوشته: کتبه و عمل محمد بن ابی‌طاهر بن ابی‌الحسن	قانونی و صادقی مهر، ۸۴:۱۳۹۶
۳	کتیبه قسمتی از محراب امامزاده جعفر قم	قرن هشتم، کاشان	موزه ملی ایران قسمت اسلامی	خمیر سنگ		نوشته: عمل العبد یوسف بن علی بن محمد بن ابی‌طاهر و کتب فی غر رمضان سنه اربع ثلثین سبع مائه	نویسندگان

بخش دوم: تحلیل فنی و بررسی وجوه تکنیکی مستتر در آثار

الف. وجود یک قالب برای تولید دو خشت با دو متن و دو نوشته: همان‌گونه که در سطور اولیه بیان شد، ساخت کاشی‌های کتیبه‌ای به روش تلفیقی صورت می‌گرفته؛ یعنی قسمت‌های تکرارشونده مانند نقش نوار فوقانی و یا تفاوت سطح (پلان) مختلف، برای ایجاد قاب‌بندی و یا ایجاد نقش خاصی مانند مقرنس که در قالب منفی راحت‌تر ساخته می‌شده، به‌شکل مدلسازی و قالب‌گیری انجام می‌شده و نوشته‌ها و یا چرخش‌های اسلیمی در میان نوشته‌ها و یا تاج‌های اسلیمی که تکراری نبوده، به‌صورت مستقیم کار می‌شده است. تصویر ۱ دو محراب کوچک در کنار یکدیگر قرار داده شده که از یک قالب درآمده و لکن نوشته و اسلیمی‌ها در آن متفاوت است (کلیت خشت و قاب‌بندی و پلان‌بندی کاملاً یکی است و حتی کجی باند میانی در هر دو تقریباً به یک



صورت است.) (تفاوت مختصر را می‌توان به‌واسطه ماهیت خمیرسنگ دانست که حالتی بیش‌ازحد نرم و فرم‌پذیر داشته، در هنگام خروج از قالب دفرمه می‌شود.)



تصویر ۱: دو محراب کوچک، کاشی زرین‌فام، جنس خمیرسنگ، حدوداً قرن هشتم هجری، کاشان، محل نگهداری موزه ویکتوریا آلبرت، منبع: URL17 و URL18 بازیابی بهمن ۱۴۰۰

در جدول ۱۲ نیز ملاحظه می‌شود که طراز تکرارشونده، به‌صورت باند قرار دارد و این نقش کاملاً در هر کاشی تکرار شده و قسمت نوشتار در هر خشت متفاوت است.

جدول ۱۲: کاشی‌های پیرامون درب بقعه مبارک امام رضا(ع)

ردیف	عنوان	دوره محل ساخت	محل نگهداری	نوع	تصویر	توضیحات	منبع
۱	قسمتی از کاشی‌های زرین‌فام پیرامون درب بقعه مبارک ثامن الحجج از سمت رواق دارالحفاظ	اوایل قرن هفتم هجری (۶۱۲)	مشهد، بارگاه ثامن الحجج	کاش کنبه‌ای خمیرسنگ		قسمت کنبه همراه با نقش تکرارشونده	نگارندگان
۲	قسمت مشخص شده (طراز بالا)	اوایل قرن هفتم هجری (۶۱۲)	مشهد، بارگاه ثامن الحجج	کاش کنبه‌ای خمیرسنگ		نقش تکرارشونده بالای کاشی	نگارندگان

ب. کونیک نبودن در بعضی از قسمت‌های کتیبه (وجود قسمت‌هایی با زواید منفی) در بعضی از کتیبه‌ها به‌وضوح قسمت‌هایی دارای زوایدی هستند که اگر قرار بود با قالب‌گیری این حروف ایجاد شود، باید این زواید از بین می‌رفت تا خشت می‌توانست از قالب خارج شود. در اصطلاح قالب‌سازی این عمل را کونیک کردن قالب می‌نامند. در این عمل باید فضاهای منفی در قالب از بین رفته تا جسم بتواند از آن خارج شود. البته به‌دلیل آنچه ابوالقاسم توضیح داده، به‌واسطه صاف کردن کار با پارچه کرباسی (لیف‌کشی کار) و بعد ایجاد لایه لعاب، بسیاری از این زواید صاف شده ولی در کارهایی می‌توان آن را یافت؛ به‌ویژه آثاری که به‌دلیل مبتدی بودن سازنده از کیفیت پایین‌تری نسبت به کارهای اصلی برخوردار است (تصویر ۲).

تصویر ۲: قسمتی از محراب با کاشی فیروزه‌ای، قرن هفتم هجری، خراسان، فروخته‌شده در حراج خانه کریستی

(۲۰۰۴). منبع: URL19 زمان بازیابی بهمن ۱۴۰۰



ج. مستعمل شدن قسمت قالب‌زده و تیز و دقیق بودن قسمت کتیبه کاشی‌های ازاره و کتیبه معمولاً از دو بخش اصلی تشکیل یافته است: بخش اول به‌صورت نقشی تکرارشونده در بالای کاشی در سطحی برجسته‌تر قرار داشته و طراز (باند) مربوط به طرح تکرارشونده را شامل می‌شود و بخش دوم که سطحی مسطح بوده، حروف را در بر داشته است. درحقیقت، بخش اول به‌صورت منفی در قالب ایجاد می‌شده و با زدن خشت در قالب بر سطح کار به وجود می‌آمده و حروف بر روی قسمت مسطح به‌صورت مستقیم اجرا شده است. با استفاده متعدد از قالب، نقش فرسوده می‌شود و قسمت‌هایی از نقش از تیز بودن و تازه بودن خارج می‌شود و به‌اصطلاح قالب مستعمل می‌گردد. در نمونه‌هایی می‌توان مشاهده کرد که نقش طراز بالا مستعمل شده ولی نوشته، تیز و دقیق باقی مانده است. دلیل آن است که حروف به‌صورت مستقیم و نه به‌صورت قالبی ایجاد گردیده است (جدول ۱۳).




جدول ۱۳: کاشی‌های کتیبه‌دار قالب‌زده متعلق به قرن هشتم هجری

ردیف	عنوان	دوره محل ساخت	محل نگهداری	نوع	تصویر	توضیحات	منبع
۱	کاشی فیروزه‌ای قالب‌زده با کتیبه برجسته	قرن هشتم هجری، کاشان	نامعلوم	خمیرسنگ		فروخته شده در حراج بن هامس طراز بالایی، تکرارشونده در کاشی	URL21: https://bonhams.com بازیابی بهمن ۱۴۰۰
۲	کاشی قالب‌زده با کتیبه برجسته و لعاب لاجوردی	قرن هشتم هجری، کاشان	نامعلوم	خمیرسنگ		فروخته شده در حراج خانه سستی طراز بالایی، تکرارشونده در کاشی	URL20: https://nl.pinterest.com بازیابی بهمن ۱۴۰۰

د. خارج شدن نوشتار از محدوده مورد نظر جهت نوشتن کتیبه

معمولاً کارهای قالبی به دلیل دقت نظرهای قالب‌سازی و طراحی از نظمی در قرار گرفتن عناصر تشکیل‌دهنده مثل خط و نقش برخوردار است که در کارهای بداهه کمتر صورت می‌پذیرد؛ هرچند هنرمند از توانایی فوق‌العاده‌ای برخوردار باشد و اگر طرح و نقش به صورت پیش‌طراحی (اتود) بر روی کار انداخته نشده باشد، فضاهای اجرا ممکن است کم یا زیاد بیاید؛ مثلاً فواصل حروف در جایی زیاد و یا در جایی خیلی فشرده گردد و یا ابعاد نوشته در جایی کم و در جایی زیاد بشود. در مورد خشت‌های کتیبه‌ای زرین‌فام، این شکل از کار بسیار دیده می‌شود؛ چراکه خشت به واسطه جنس (خمیرسنگ) مقداری شل و کم‌قوام و دارای سطح بسیار نرم است و امکان انتقال طرح به صورت پیش‌طرح کمتر فراهم می‌گردد. و نیز به دلیل اجرای مستقیم حروف و نه به صورت قالبی، در بسیاری از خطوط، ناهماهنگی‌های ابعادی و فاصله‌ای وجود دارد. جدول ۱۴ یکی از این نمونه‌هاست که خالق اثر به دلیل نوشتن مستقیم و به صورت بداهه، مجبور به استفاده از فضای حاشیه در اندازه حروف کوچک‌تر برای اتمام متن خود گردیده است.

جدول ۱۴: لوح مزار یا محراب با کاشی زرین فام کتیبه‌دار، قرن هشتم هجری

ردیف	عنوان	دوره محل ساخت	محل نگهداری	نوع	تصویر و متن	توضیحات	منبع
۱	محراب یا سنگ مزار، کاشی زرین فام و کتیبه برجسته	قرن هفتم و هشتم هجری، کاشان	موزه ویکتوریا آلبرت	خمیر سنگ		تشکیل شده از سه قطعه کاشی کتیبه‌دار	URL.22:https://collections.vam.ac.uk زمان بازیابی بهمن ۱۴۰۰
۲	قسمت مشخص شده در ردیف ۱	قرن هفتم و هشتم هجری، کاشان	موزه ویکتوریا آلبرت	خمیر سنگ	 سبیل الله ابی عبدالله الحسین بن الامام بالحق التاقم بالقسط...	ادامه متن کتیبه مرکزی در قسمت حاشیه	URL.22:https://collections.vam.ac.uk زمان بازیابی بهمن ۱۴۰۰
۳	قسمت مشخص شده در ردیف ۲	قرن هفتم و هشتم هجری، کاشان	موزه ویکتوریا آلبرت	خمیر سنگ	 ...سامیر المؤمنین و قائد غر المجلین علی بن ابی طالب صلوات الله و سلام علیهم	قسمت نوشته شده در حاشیه که جایگزین تزیینات گشته	URL.22:https://collections.vam.ac.uk زمان بازیابی بهمن ۱۴۰۰

هـ- قسمت‌های شکسته کتیبه (جدا شدن از بدنه)

به واسطه برخی آسیب‌های فیزیکی وارد شده به قسمت‌هایی از کاشی‌های کتیبه‌ای می‌توان ملاحظه نمود که قسمت شکسته شده از بدنه جدا شده و بعضاً سطح مسطح بدنه نمایان گردیده است؛ این در حالی است که اگر این تزیینات به صورت یکپارچه در قالب با بدنه اجرا می‌شد، می‌بایست قطعات قلوه‌کن می‌شدند و قسمتی از سطح مسطح بدنه نیز به همراه حرف و یا گل اسلیمی کنده می‌شد که این‌گونه نشده و این نیز نشان از اجرای جداگانه و مستقیم خط و نقش برجسته بر روی سطح کاشی است (جدول ۱۵).

جدول ۱۵: قسمت‌هایی از نوشته برجسته که از بدنه جدا شده است

ردیف	عنوان	دوره محل ساخت	محل نگهداری	نوع	تصویر	توضیحات	منبع
۱	کاشی با کتیبه و اسلیمی برجسته	اوایل قرن هفتم، کاشان	مجموعه حرم رضوی	خمیرسنگ		قسمت اسلیمی کنده شده	نویسندگان
۲	قسمت مشخص شده در ردیف ۱ سمت راست	اوایل قرن هفتم، کاشان	مجموعه حرم رضوی	خمیرسنگ		جزئیات اسلیمی کنده شده	نویسندگان
۳	قسمت مشخص شده در ردیف ۱ سمت چپ	اوایل قرن هفتم، کاشان	مجموعه حرم رضوی	خمیرسنگ		جزئیات اسلیمی کنده شده	نویسندگان
۴	کاشی با کتیبه و اسلیمی برجسته	اوایل قرن هفتم، کاشان	مجموعه حرم رضوی	خمیرسنگ		قسمت اسلیمی کنده شده	نویسندگان
۵	قسمت مشخص شده در ردیف ۴	اوایل قرن هفتم، کاشان	مجموعه حرم رضوی	خمیرسنگ		قسمت نشان کنده شده	نویسندگان
۶	قسمت مشخص شده در ردیف ۵	اوایل قرن هفتم، کاشان	مجموعه حرم رضوی	خمیرسنگ		جزئیات نشان کنده شده	نویسندگان
۷	کاشی با کتیبه و اسلیمی برجسته	اواسط قرن هشتم، کاشان	گالری فریر	خمیرسنگ		قسمت حرف کنده شده	URL23:https://collections.vam.ac.uk
۸	قسمت مشخص شده در ردیف ۷	اواسط قرن هشتم، کاشان	گالری فریر	خمیرسنگ		جزئیات انتهای حرف کنده شده	URL23:https://collections.vam.ac.uk

۶. شکل عملی باز تولید یک قطعه کاشی

نگارندگان برای بررسی درستی این فرضیه با استفاده از مواد مشابه خمیرسنگ قرن هشتم (البته

ترکیب این بدنه با آزمایش‌های متعدد و با استفاده از مبانی سرامیک امروز ساخته شده است) و روشی که به نظر، توسط هنرمندان قرون ششم و هفتم انجام می‌شده، سعی در بازتولید قطعه کاشی کتیبه‌ای مشابه ازاره پیرامون ضریح مطهر امام رضا(ع) در مشهد نموده و با ساخت قالبی گچی و ایجاد نقوش تکرارشونده در قسمت بالایی این قالب، قسمتی صاف و بدون نقش در وسط، جهت ایجاد حروف به صورت مستقیم، شرایط را برای مشابه‌سازی فراهم آورده‌اند که نتیجه این تلاش در جدول ۱۶ آورده شده و مراحل تولید یک کاشی کتیبه‌دار همراه با نقوش از مرحله مدل‌سازی تا پخت کاشی بدون لعاب آورده شده است. (نقوش تکرارشونده طراز فوقانی در قالب ایجاد شده و حروف و ختایی‌های پیچیده در لابه‌لای حروف به صورت مستقیم بر روی خشت به روش نقش افزوده ایجاد گردیده است).

جدول ۱۶: مراحل تولید کاشی کتیبه‌دار

ردیف	عنوان	نوع	تصویر	توضیحات	منبع
۱	مدل اولیه کاشی	فوم زرد		مدل کاشی براساس اندازه و فرم مشخص با سطوح مختلف ساخته شده	نویسندگان
۲	مدل اولیه کاشی همراه با نقش طراز تکرارشونده فوقانی	فوم زرد و فوم ۲ میل سفید		طرح اسلیمی‌های طراز فوقانی، برش خورده به مدل افزوده می‌شود.	نویسندگان
۳	قالب گچی همراه با نقوش به صورت منفی	گچ		پس از قالب‌گیری با گچ و استفاده از ابزار مناسب، بر نقوش، گودی لازم ایجاد می‌شود.	نویسندگان
۴	خشت گلی خارج شده از قالب و قالب آن	سرامیک و گچ		گل داخل قالب زده می‌شود و بعد از خارج کردن آماده ایجاد کتیبه و نقش می‌گردد.	نویسندگان
۵	خشت خام و کتیبه و نقش	سرامیک خام		حروف و نقوش به صورت مستقیم بر روی کاشی ایجاد می‌گردد.	نویسندگان
۶	کاشی پخته شده همراه با کتیبه و نقش	سرامیک پخته		بعد از تمیزکاری و لیف‌کشی، کاشی پخته می‌شود و آماده لعاب‌کاری می‌گردد.	نویسندگان

باید گفت این روش در قطعات ظریف‌تر و حتی در بعضی نمونه‌ها به‌صورت ظرف، قابل مشاهده است. این نمونه‌ها هم به‌شکل مسطح و کاشی قابل شناسایی است و هم به‌شکل ظرف. در یک نمونه استثنایی موجود در قسمت اسلامی موزه ملی، ظرفی قرار دارد که نقوش ظریف آن نه در قالب که به‌صورت مستقیم بر روی ظرف ایجاد شده و این موضوع را می‌توان از نقش برجسته‌ای که بر روی لبه داخلی ظرف ایجاد گردیده استنباط نمود. (اگر این نقوش به‌صورت قالبی بر روی ظرف ایجاد شده بود، نقوش نمی‌توانست هم بر روی ظرف و هم بر داخل ظرف قرار بگیرد.) در واقع این ظرف به روش چرخ‌کاری ساخته شده و سپس تزیینات به آن اضافه گردیده است (جدول ۱۷).

جدول ۱۷: اشیای تزیین‌شده نقش برجسته به روش مستقیم

ردیف	عنوان	دوره محل ساخت	محل نگهداری	نوع	تصویر	توضیحات	منبع
۱	قسمتی از یک ظرف مینایی با نقوش برجسته	قرن ششم و هفتم هجری، احتمالاً کاشان یا ری	موزه لوور	خمیرسنگ		به‌احتمال زیاد نقش به‌صورت مستقیم ایجاد شده	URL.25:https://photo.rmn.fr زمان بازبینی بهمن ۱۴۰۰
۲	قسمتی از یک کاشی دیواری با نقش برجسته	قرن هشتم هجری، احتمالاً کاشان	موزه لوور	خمیرسنگ		به‌احتمال زیاد نقش به‌صورت مستقیم ایجاد شده	URL.24:https://photo.rmn.fr زمان بازبینی بهمن ۱۴۰۰
۳	ظرف دست‌دار با نقوش برجسته و لعابی سبزه‌فام کاشان	قرن هشتم هجری، احتمالاً کاشان	موزه ملی قسمت اسلامی	جنس خمیر	 	نقوش برجسته به‌صورت مستقیم و نه قالب بر ظرف ایجاد شده قسمت داخلی ظرف ردیف ۳ نشان می‌دهد نقش در داخل ظرف نیز انجام شده	نویسندگان

۷. نتیجه‌گیری

با توجه به مستندات ارائه‌شده از کتاب *عرایس الجواهر* و تطابق آن با بررسی ساخته‌های آن دوران، باید در پاسخ به سؤال اول بیان داشت: نگارش کتیبه، امری جدا از ساخت کاشی بوده و به‌شکل جداگانه بر روی کاشی‌ها کار شده است و این حروف و نقوش در قالب ایجاد نشده بلکه به‌صورت مستقیم و با روش نقش افزوده بر روی هر خشت اعمال می‌شده است. و نیز درباره کارهایی که در کارخانه کاشی‌سازی آن دوران رواج داشته، می‌توان بیان داشت: قلم‌گیری آمیزه زرین‌فام و نوشتن کتیبه، امری جدا از صنعت ساخت کاشی و به عمل آوردن زرین‌فام از داخل کوره بوده و درست است که بسیاری از کتیبه‌های مورد بررسی در این مقاله توسط هنرمند سازنده کاشی‌ها انجام شده، ولی این امر کاملاً به توانایی فردی و مهارت شخص هنرمند متکی بوده و مسئله‌ای فراگیر نبوده است. بر روی کاشی کوکبی مربوط به امامزاده جعفر قم چنین آمده: «کتبه ذلک فی عاشر ربیع الاول سنة ثمان ثلاثین سبع مائه بمقام کاشان بکارخانه سید السادة سید رکن‌الدین محمد بن المرحوم سید زین‌الدین». درحقیقت داشتن کارگاهی مجهز با کوره‌هایی که می‌توانسته سفالینه‌هایی با کیفیت کارهای مذکور ایجاد کند، نیازمند تجربه و سرمایه‌ای بسیار بوده و تنها کارگاه‌هایی موروثی (انتقال از پدر به پسر) می‌توانسته طی سالیان دراز این امکانات را فراهم آورند و کارخانه‌ای را به وجود آورند که تولیدات فاخر و متنوعی داشته باشد. نیز باید گفت اگر محراب‌های عظیم با تعداد کاشی فراوان در حداقل زمان ممکن تولید شده و نابسامانی‌های اجتماعی چون حمله مغولان باعث توقف آن نشده است، به‌دلیل مهارت و دانش ویژه این هنرمندان در ابداع روشی برای انتقال طرح و خط به‌صورتی مستقیم و در کمترین زمان، بر روی خشت‌های مزین به نقوش تکرارشونده بوده که قطعاً جنس خمیرسنگ توانسته بود این قابلیت را ایجاد نماید؛ قابلیتی که در قرون بعد با از میان رفتن بدنه خمیرسنگی در کاشی‌های کتیبه‌ای کنار گذاشته شد و این سبک کار در قرون بعد انجام نشد؛ درحالی‌که هم بدنه خمیرسنگی وجود داشت و هم تکنیک زرین‌فام. با مطالعه سندی که از خانواده کاشی‌ساز در کاشان در دست است، مفاهیم و دریافتی جدید حاصل شد که این دریافت با شواهد تاریخی موجود در آثار این خانواده (و هنرمندان همکار ایشان در کاشان) مورد واکاوی قرار گرفت و شواهدی که دال بر نظریه جدید بود، استخراج و بیان شد. به جهت فنی بحث، به بررسی فنی آثار توجه گردید و با در نظر گرفتن مسائل فنی و نمایش این نکات فنی، به تبیین ویژگی‌های خاص آثار مذکور پرداخته شد؛ سپس برای آزمودن درستی این دریافت، و در جهت پاسخ به سؤال دوم، بازتولید قطعه‌ای مشابه به‌شکل مرحله‌ای به تصویر کشیده شد (جدول ۷) تا این نظریه به‌شکلی

عملی مورد آزمون قرار گیرد و نکاتی را که ممکن بود به‌شکلی نظری درست به نظر برسد، منتفی بگرداند. نگارندگان امیدوارند با انجام این نوشتار راهی را در بازتولید قطعات اصیل برای هنرمندان فراهم آورده باشند و فنی فراموش‌شده را برای انجام کارهایی نوین ارائه کنند.

پی‌نوشت‌ها

۱. در فرهنگ عمید برای واژه کاشی آمده: صفت نسبی، منسوب به کاشان، تهیه‌شده در کاشان و در اسم، به آجر یا خشت لعاب‌دار و پخته‌شده گویند (<https://vajehyab.com/amid>).
۲. این واژه معادل انگلیسی stonepaste است.
۳. در توضیحاتی که برای این دسته آثار در موزه‌های معتبر دنیا آورده شده، از واژه modelled به‌معنای «مدل‌سازی شده است» استفاده می‌شود (برای نمونه می‌توان به [URL26:https://www.metmuseum.org/art/collection](https://www.metmuseum.org/art/collection) مربوط به موزه متروپولیتن مراجعه نمود). واتسون نیز در فرایند تولید این نوع می‌نویسد: «شکل‌گیری کاشی دارای کتیبه‌های برجسته می‌بایستی کم‌وبیش پیچیده بوده باشد. ظاهراً قالب جداگانه‌ای برای شکل‌گیری بدنه اصلی کاشی به کار می‌رفت و قالب‌هایی هم برای قسمت‌هایی نظیر کناره‌های تزئینی، که برای هر کاشی این قالب را تکرار می‌کردند سپس، حروف کتیبه را به‌طور جداگانه شکل می‌دادند (واتسون، ۱۳۸۲: ۳۰). درواقع وی با پیچیده خواندن فرایند تولید این دسته کاشی ابراز می‌دارد که شاید حروف در این کاشی‌ها به‌طور جداگانه شکل داده شده ولی در ادامه تنها می‌گوید: این حروف از روی طرحی، احتمالاً کاغذی، بر روی سطح کاشی گل‌گرفته منتقل می‌شد». درواقع می‌گوید تزئینات که قطعاً قالبی است و حروف هم ساخته شده جدا به روی کاشی انتقال می‌یافته.

4. Wolf, Tite & Mason
5. Dmitriev & Borzakov
6. Mulder

۷ و ۸ مطالب این دو بخش بیشتر بر تجربه بیش از بیست‌وپنج‌ساله نگارندگان در تولید ظرف و کاشی و حجم با انواع آمیزه‌های سرامیکی و روش‌های فرم‌دهی گوناگون، فرم و نقش، استوار بوده و البته در کتب مختلف آموزش حجم‌سازی و سفالگری، اشارات مفصلی در مورد تکنیک‌های مطرح آورده شده است. کتاب *آشنایی با صنایع دستی ایران* در فصل ۶ به سفالگری اختصاص داشته و به این مقوله پرداخته است.

منابع

- ابن بطوطه، ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن محمد بن ابراهیم لواتی طنجی. (۱۳۷۱). *سفرنامه ابن بطوطه* (محمدعلی موحد، مترجم). ج ۶. تهران: سپهر نقش.
- پوپ، آرتور اپهام، و اکرم، فیلیس. (۱۳۸۷). *سیری در هنر ایران* (سیروس پرهام، ویراستار). تهران:



علمی و فرهنگی.

جوهری نیشابوری، محمد بن ابی البرکات. (۱۳۸۳). *جوهرنامه نظامی*. به کوشش ایرج افشار و محمدرسول دریاگشت. تهران: مؤسسه نشر میراث مکتوب.

حسینی، مرضیه. (۱۳۹۱). *روند تولید سفال قالبی در ایران از دوران سلجوقی تا تیموری*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه هنر. دانشکده هنرهای کاربردی.

ذریه زهرا، سید امیر احمد. (۱۳۹۱). *آشنایی با صنایع دستی ایران (۱)* - ۲۵۹/۳۰ - ج ۷. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

علاء‌الدینی، احمدرضا، و مقبلی، آناهیتا. (۱۳۹۲). *فناوری بومی تولید خرمهره و فناوری‌های غیربومی مشابه*. نشریه آموزشی، پژوهشی و تحلیلی پژوهش هنر، شماره ۴، ۸۵-۹۱.

عمید، حسن. (۱۳۶۴). *فرهنگ فارسی عمید*. تهران: انتشارات امیرکبیر.

قانونی، محسن، و صادقی مهر، سمانه. (۱۳۹۶). *بررسی کتیبه کاشی‌های زرین‌فام موزه حضرت معصومه (س) در قم*. *هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی*، ۲۲ (۲)، ۷۷-۸۸.

<https://doi.org/10.22059/JFAVA.2017.62403>

کارگر، محمود. (۱۳۸۸). *بررسی ویژگی‌های سفال معاصر در مناطق شاخص ایران (نطنز، میبد، لالچین، شهرضا، قم، استهبان)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه هنر تهران. دانشکده هنرهای کاربردی.

کاشانی، ابوالقاسم عبدالله. (۱۳۸۶). *عرایس الجواهر نفایس الاطائب*. به کوشش ایرج افشار. تهران: انتشارات المعی.

کامبخش فرد، سیف‌الله. (۱۳۷۹). *سفال و سفالگری در ایران از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر*. تهران: ققنوس.

موسوی ویایه، انسبه سادات، و اکبری، عباس. (۱۳۹۷). *مقایسه خرمهره در ایران و آثار مشابه آن در مصر باستان، هنرهای صناعی ایران ۱* (۲)، ۶۵-۸۰. <https://doi.org/10.22052/1.2.65>

واتسون، آلیور. (۱۳۸۴). *سفال زرین‌فام ایرانی (شکوه ذاکری، مترجم)*. تهران: سروش.

Dmitriev, A., & Borzakov, S. (2020). Elemental Analysis of the Molding Paste of Medieval Oriental Faïences. *Physics of Particles and Nuclei Letters*, 17 (6): 893-899, <https://doi.org/10.1134/S1547477120060072>.

Mulder, S. (2015). A Survey and Typology of Islamic Molded Ware (9th-13th centuries) based on the Discovery of a Potter's Workshop at Medieval Balis. *Syria*, <https://doi.org/10.1558/jia.v1i2.21864>.

Wolf, S., Tite, M.s. Robert, & Mason, B. (2011). The technological development of



stonepaste ceramics from the Islamic Middle East. *Journal of Archaeological Science*, 38 (3): 570–580, <https://doi.org/10.1016/j.jas.2010.10.011>.

- URL1:<https://www.photo.rmn.fr/archive/08-533200-2C6NU0TG7ZOA.html>
URL2:<https://www.photo.rmn.fr/archive/08-513834-2C6NU0I3M6LT.html>
URL3:<https://photo.rmn.fr/archive/10-525965-2C6NU0Y9XJ02.html>
URL4:<https://www.photo.rmn.fr/archive/08-517496-2C6NU0I9JADQ.html>
URL5:<https://brooklynmuseum.org/opencollection/objects/125959>
URL6:<http://collections.vam.ac.uk/item/O67415/salting-mihrab-mihrab-unknown>
URL7:<https://metmuseum.org/art/collection/search/325695?ft=iran&offset=840&mp;pos=858>
URL8:<https://metmuseum.org/art/collection/search/448671?ft=iran&offset=280∓rpp=40&pos=310>
URL9:<https://metmuseum.org/art/collection/search/450761/searchfield=All&sortBy=Relevance&ft=Kashan&offset=200&rpp=20&pos=2>
URL10:[https://smb-digital.de/emuseumplus?service=direct/1/ResultlightboxView/result.tl.collection_lightbox.\\$TsoTi](https://smb-digital.de/emuseumplus?service=direct/1/ResultlightboxView/result.tl.collection_lightbox.$TsoTi)
URL11:<https://metmuseum.org/art/collection/search/445953?ft=iran&offset=1520&rpp=40&pos=1540>
URL12:<https://pinterest.com/pin/390265123962567946/>
URL13:<https://rugrabbit.com/content/gulbenkian-museum-lisbon>
URL14:<https://collection.shangriilahawaii.org/objects/4334/cobalt-and-turquoise-glazed-molded-lusterware-prayer?ctx=d5567f1c431bd>
URL15:<https://depts.washington.edu/silkroad/museums/shm/shmme.html>
URL16:<https://rugrabbit.com/content/gulbenkian-museum-lisbon>
URL17:<https://collections.vam.ac.uk/item/O67415/salting-mihrab-mihrab-unknown/>
URL18:<https://collection.vam.ac.uk/item/O85138/tile/>
URL19:https://christies.com/lot/lot-4279458?ldp_breadcrumb=back&intObjectID=4279458&from=salessummary&lid=1
URL20:<https://nl.pinterest.com/pin/640144534522995991/>
URL21:<https://bonhams.com/auctions/20020/lot/62/?category=list&epic=djOyjnU9NkdnTO5iS1EwSnF4UzBaVUxCNG5JcWtOcVFKVKxUR2EmcUR2EmcDOWJm49>
URL22:<https://collections.vam.ac.uk/item/O100737/tomb-tile-unknown/>
URL23:<https://collection.mfa.org/objects/9481/epigraphic-tile?ctx=27917f11-9c3b-4b76-9f2d-5c18f7962a65&idx=790>
URL24:<https://photo.rmn.fr/CS.aspx?vp3=searchresult&VBID=2CMFCIUHTLB2J#/searchResult&VBID=2CMFCIUHTLB2J&PN=47>
URL25:<https://photo.rmn.fr/CS.aspx?vp3=searchresult&VBID=2CMFCIUHTLB2J#/searchResult>



&VBID=2CMFCIUHTLB2J&PN=18

URL26:https//

www.metmuseum.org/art/collection/search/450370?ft=tile&offset=0&rpp=40&pos=33

References

- Alaaldini, A. & Moqbali, A. (2013). Native technology of walnut production and similar non-native technologies. *Honar Research Journal*, 4, 85-91. [In Persian].
- Aamid, H. (1985). *Farhang Farsi Aamid*. Tehran: Amir Kabir Publications. [In Persian].
- Johari Neishabouri, M. (2004). *Javahernameh IKB*. By the effort of Iraj Afsharou Mohammad Rasul Daryagasht. Tehran: The Written Heritage Publishing House.
- Hosseini, M. (2017). *The production process of molded pottery in Iran from the Seljuk era to the Timurid period*. Master's thesis. University of Arts. School of Applied Arts (Supervisor: Mohammad TaghiAshouri). [In Persian].
- Ibn Battuta, A. (1992). *Ibn Battuta's travel*. trans. by M. A. Movahhed. Tehran: Sepehr Naqsh. [In Persian].
- Kambakhsh Fard, S. (2000). *Pottery and pottery in Iran from the beginning of the Neolithic to the modern era*. Tehran: Qaqnos. [In Persian].
- Kargar, M. (2008). *Studying the characteristics of contemporary pottery in important regions of Iran (Natanz, Meibod, Laljin, Shahreza, Qom, Estehban)*. Master Thesis. University of Arts Faculty of Applied Arts. [In Persian].
- Kashani, A. (2006). *Arais al-Jawahar Nafabs al-Ataib* by the efforts of Iraj Afshar. Tehran: Al-Ma'i. [In Persian].
- Mulder, S. (2015). A survey and typology of Islamic molded ware (9th-13th centuries) based on the Discovery of a potter's workshop. *Medieval Balis*, Syria, doi:10.1558/jia.v1i2.21864.
- Mousavi, A. & Akbari, A. (2018). Comparison of Khurmahreh in Iran and its similar works in ancient Egypt. *Journal of Industrial Arts of Iran*, 1(2), 65-80, doi:10.22052/1.2.65. [In Persian].
- Pope, A. & Ackerman, Ph. (1999). *A Survey of Iranian Art* (Cyrus Parham, editor). Tehran: ElamiFarhang. . [In Persian].
- Qanouni, M. & Sadeghi Mehr, S. (2016). Investigation of the inscriptions on the gold tiles of Hazrat Masoumeh (PBUH) Museum in Qom. *Scientific Journal of Fine Arts-Visual Arts*, 22(2), 77-88, https://doi:10.22059/JFAVA.2017.62403. [In Persian].
- Watson, A. (2003). *Iranian Zarinfam pottery* (Shokoh Zakiri translator). Tehran: Soroush. [In Persian].
- Wolf S. T. & Mason, R. (2011). The technological development of stonepaste ceramics from the Islamic Middle East. *Journal of Archaeological Science*, 38(3), 570-580. https://doi:10.1016/j.jas.2010.10.011.



- Zorriyeh Zahra, S. (2013). *Familiarity with Iran's Handicrafts* (1) 259/30-30. Chapter 6. 7th edition. Tehran: Iran Textbook Publishing Company. [In Persian].
- URL1:<https://www.photo.rmn.fr/archive/08-533200-2C6NU0TG7ZOA.html>
- URL2:<https://www.photo.rmn.fr/archive/08-513834-2C6NU0I3M6LT.html>
- URL3:<https://photo.rmn.fr/archive/10-525965-2C6NU0Y9XJ02.html>
- URL4:<https://www.photo.rmn.fr/archive/08-517496-2C6NU0I9JADQ.html>
- URL5:<https://brooklynmuseum.org/opencollection/objects/125959>
- URL6:<http://collections.vam.ac.uk/item/O67415/salting-mihrab-mihrab-unknown>
- URL7:<https://metmuseum.org/art/collection/search/325695?ft=iran&offset=840∓pos=858>
- URL8:<https://metmuseum.org/art/collection/search/448671?ft=iran&offset=280∓rpp=40&pos=310>
- URL9:<https://metmuseum.org/art/collection/search/450761/searchfield=All&sortBy=Relevance&ft=Kashan&offset=200&rpp=20&pos=2>
- URL10:[https://smbdigital.de/emuseumplus?service=direct/1/ResultlightboxView/result.1.collection_lightbox.\\$TsoTi](https://smbdigital.de/emuseumplus?service=direct/1/ResultlightboxView/result.1.collection_lightbox.$TsoTi)
- URL11:<https://metmuseum.org/art/collection/search/445953?ft=iran&offset=1520∓rpp=40&pos=1540>
- URL12:<https://pinterest.com/pin/390265123962567946/>
- URL13:<https://rugrabbit.com/content/gulbenkian-museum-lisbon>
- URL14:<https://collection.shangriilahawaii.org/objects/4334/cobalt-and-turquoise-glazed-molded-lusterware-prayer?ctx=d5567f1c431bd>
- URL15:<https://depts.washington.edu/silkroad/museums/shm/shmme.html>
- URL16:<https://rugrabbit.com/content/gulbenkian-museum-lisbon>
- URL17:<https://collections.vam.ac.uk/item/O67415/salting-mihrab-mihrab-unknown/>
- URL18:<https://collection.vam.ac.uk/item/O85138/tile/>
- URL19:https://christies.com/lot/lot4279458?ldp_breadcrumb=back&intObjectID=4279458&from=salessummary&lid=1
- URL20:<https://nl.pinterest.com/pin/640144534522995991/>
- URL21:<https://bonhams.com/auctions/20020/lot/62/?category=list&epic=djOyjnU9NkdnTO5iS1EwSnF4UzBaVUxCNG5JcWtOcVFKVKxUR2EmcUR2EmcDOWJm49>
- URL22:<https://collections.vam.ac.uk/item/O100737/tomb-tile-unknown/>
- URL23:<https://collection.mfa.org/objects/9481/epigraphic-tile?ctx=27917f11-9c3b-4b76-9f2d-5c18f7962a65&idx=790>
- URL24:<https://photo.rmn.fr/CS.aspx?vp3=searchresult&VBID=2CMFCIUHTLB2J#/searchResult&VBID=2CMFCIUHTLB2J&PN=47>
- URL25:<https://photo.rmn.fr/CS.aspx?vp3=searchresult&VBID=2CMFCIUHTLB2J#/searchResult&VBID=2CMFCIUHTLB2J&PN=18>
- URL26:<https://www.metmuseum.org/art/collection/search/450370?ft=tile&offset=0∓rpp=40&pos=33>



Understanding and revision of the technical aspects of lustre inscription- Kashan 7th & 8th Hijri C

Roozbeh Namazi

MA of Handicrafts, University of Arts, Tehran, Iran, roozbehnamazi@gmail.com

Alireza Sheikhi

Associate Professor, Department of Handicrafts, University of Arts, Tehran, Iran, (Corresponding Author), a.sheikhi@art.ac.ir

Received: 01/02/2023

Accepted: 18/06/2023

Introduction

Among researchers majored in luster works, many have focused on the methodology of making glaze, the origins of its production, the implications behind motifs, or its style and form; few paid attention to the production and the actual physical features of these tiles. The diversity of different styles, whether using the pottery wheel or the mold method, is evident in the varieties of different tiles having been remained. The discovery of several molds both for making dishes and for creating embossed tiles, especially the in above-mentioned styles observed in tiles with embossed inscriptions, has put forward the idea that they were done using molds. The purpose of this article is to re-examine the methods used for writing inscriptions; it also undertakes a technical review and analysis of the shortcomings of this method: using molds for creating patterns for the decorations of luster inscription tiles of the 7th and the 8th centuries Hijri. In this way, this research seeks to answer the following questions: a) how can the execution method of writing inscriptions in the golden altars of the 7th and the 8th centuries of Hijri in Arais al-Javahir be explained? b) how can it all be feasible using scientific steps and experiments according to the laboratory standards?

According to the current theory, each of the tiles with inscriptions had a separate mold. Thus, if there were no mold, the method used for the repeated inscriptions would remain a mystery.

Materials and Methods

Small dishes, tiles, and seals made of stone paste can be found in large and small civilizations. The quality of the pigmentation that the glaze gets in this mixture, in



terms of the brightness, transparency, as well as the strength of the glaze-coating both on the surface and on the body has a noticeable superiority compared with the red clay constructions. With the advancement of civilization in Iran, one can witness the decreased use of earthenware dishes (including glazed tiles, stone paste crockery, and clay pottery dishes) and their replacement with metal and terracotta, plaster, and stone items. In the palace of Darius the Great, the walls were decorated with glazed tiles. The archeological findings of Bukan and Ghalichi, as Kambakhsh Fard notes, also show the extensive use of glazed clay in the Median and Sassanid civilizations. Throughout the time, however, these stone-relief decorations of the Achaemenid era and the plaster version common in the Sassanid era all changed.

With the arrival of Muslim Arabs in the lands under the Sassanid rule and with the import of pottery from the eastern neighbors with perfect glass-like glazing, instilling elegance like precious metals, and including delicate motifs, a movement in these lands was developed, which embodied in the early luster works and the molded pottery of the central Iran. Then, it eventually became a worthy substitute for various artefacts leading to the creation of the refined and luxurious enamelware in Kambakhsh Fard's view. The pottery artefacts that were produced and offered in Nishapur, Shush, and Samarra in the first centuries had prominent high relief works. They were designed with colorful paintings on them and were delicately elegant. These qualities were due to the combination of a thin white film that was like glazing in terms of composition; in terms of hardness, they could be placed somewhere in between the toughness of glass and its body's malleability. In the following centuries, this method with updated techniques provided the ability to produce the surface with the ability that offered the possibility to be worked on and to be shaped in large size molds. At that time, in pottery industry, it was possible for artists to create large pieces of pottery with resistance like a stone, flexibility like a plaster, transparency like a mirror/glass, and metallic polish like gold. It was time to build many altars, tombstones, and inscriptions with these materials, which was confirmed by the remaining works. The research method in the theoretical part is descriptive/analytical, and in the laboratory and workshop part, it is experimental; data collection was undertaken using library study and available historical documents.

Results and Findings

The use of stone paste brought about a great transformation in the pottery of Islamic civilization. This method, based on archeological findings, was used in Iran in the 5th century and provided plenty of opportunities to the artisans to the extent that they were able to make large and thick pieces from great altars to fine dishes. In this article, an attempt was made to test an alternative hypothesis by combining both the accepted mold method while creating patterns on the tiles in the free hand. To achieve this, the tile pieces were made in the workshop in practice and step by step. In the first step, the types of earthenware mixtures in Iran and different types of patterns shaping and creating with these mixtures were scrutinized. In the second step, by examining the written documents of the 8th century (Araish al-Jawahar), the findings in those documents were analyzed and compared; an attempt was made to understand and compare those writings with the evidential works of that era. In the third step, the remaining works from that era were analyzed to clarify the findings put forth by previous researchers. For this purpose, the procedure was subjected to a



detailed, technical investigation and was applied methodically. For the accuracy of this experiment and to test the findings, following the mentioned methods, tiles with prominent inscriptions were reproduced with the proposed method, and was decorated as they would have been historically. Finally, the research method shared in this article embodied practical connotations in its nature, using laboratory process and scientific steps. Also, it is historical in terms of the use of broad and analytical approach, to set it within its period. The term 'historical' is emphasized since it is a topic that is subject to various historical biases that need clarification. According to the findings of the researcher, accurate historical facts have not been raised until now, and in this way new findings will be introduced.

Conclusion

This research can be concluded as follows: tiles with raised inscriptions are organically made and, in many cases, improvised using the skill set of the artist and a special type of stone paste. This was used on the tiles already made using a special mold with the repeating parts already baked on them. An old premise classified ceramic works with embossed inscriptions as molded tiles. Researchers have also expressed that every piece of tile with an inscription must have a separate mold. In this article, by focusing on archaeological and written evidences, an attempt has been made to find the real production method of this type of tiles. To test this new hypothesis in a practical and scientific way, using the available historical and theoretical documents, the tiles were reproduced using the new proposed methods; the results can confirm that the findings can replace the old theories to a large extent.

Keywords: Kashan pottery, Middle Islamic period, lustertiles, relief inscription, stone paste body.

دو فصلنامه علمی کاشان‌شناسی، بهار و تابستان ۱۴۰۲
دوره ۱۶، شماره ۱ (پیاپی ۳۰)، صفحات: ۳۷-۶۰
مقاله علمی پژوهشی

بررسی ابریشم‌بافته‌های کاشان در مؤسسه هنر شیکاگو و موزه متروپولیتن

شهدخت رحیم‌پور*

چکیده

ابریشم‌بافته‌های کاشان بخشی از هویت کهن دست‌بافته‌های نفیس ایران است. اوج رونق این محصولات به دوره صفوی و تحت حمایت دربار و توسعه کارگاه‌های پارچه‌بافی و فرش‌بافی بازمی‌گردد. کاشان با تمدن کهن سیلک، حضور هنرمندان نساج، و موقعیت جغرافیایی آن، به‌عنوان گذرگاه تبادلات تجاری نقش مهمی در تهیه منسوجات ایران دارد. توانایی بافندگان کاشان در پارچه‌بافی و تولید قالی‌های ظریف ابریشمی در دوره‌های متعدد، سبب گردید که بافته‌های بومی این منطقه به‌عنوان بخشی از میراث ملموس فرهنگ و هنر این دیار شناخته شوند. در بررسی پارچه‌های ابریشمی مؤسسه هنر شیکاگو و گنجینه عظیم بافته‌های ایران در موزه متروپولیتن، دست‌بافته‌های ابریشمی کاشان به‌وفور یافت می‌شود. این مسئله که محصولات جایگزین ارزان‌قیمت و گران‌قیمت بودن تأمین مواد اولیه برای بافت منسوجات ابریشمی سبب رکود فرهنگ سنتی ابریشم‌بافی شد، شناسایی روش‌های بافت و نمونه پارچه‌های تولیدشده، بستری برای بازخوانی اهمیت دانش بومی بافته‌ها خواهد بود. پژوهش حاضر با هدف شناسایی و بررسی ویژگی‌های پارچه‌های ابریشمی کاشان در مؤسسه هنر شیکاگو و قالی و پارچه‌های ابریشمی موزه متروپولیتن انجام شده است. داده‌های پژوهش به روش کتابخانه‌ای و دیجیتالی جمع‌آوری گردید و روش پژوهش، توصیفی تحلیلی است. جامعه آماری این پژوهش مشتمل بر ۲۴ نمونه منسوج ابریشمی کاشان است. نتایج نشان می‌دهد در بافت پارچه‌های مؤسسه هنر شیکاگو، ترکیب ابریشم با زر و سیم کاربرد دارد و نقوش واگیره‌های متأثر از عناصر طبیعی است. منسوجات ابریشمی موزه متروپولیتن شامل قالی و پارچه است. مساحت قالی‌ها تا ۶ متر مربع و با نقوش گرفت‌وگیر و لچک و ترنج متعلق به دوره صفوی بوده‌اند. نگاره‌های پارچه‌ها به اشکال انسانی، حیوانی و گیاهی و با نخ‌های ابریشمی رنگین بافته شده‌اند. تنوع نقوش و روش‌های بافت پارچه قابل ملاحظه است و می‌تواند الگویی در تداوم حیات دست‌بافته‌های ابریشمی کاشان باشد.

کلیدواژه‌ها: پارچه‌های ابریشمی و زریافت، قالی، مؤسسه هنر شیکاگو، موزه متروپولیتن.

* مری گروه فرش، دانشگاه اراک، اراک، ایران / araku.ac.ir/rahimpoor@S-

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۹

۱. مقدمه

سنت کهن بافندگی در کاشان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز تولید منسوجات از یافته‌های باستان‌شناسی در این شهر آغاز می‌شود. سردوک‌های گلی و سنگی کشف‌شده از سیلک توسط گریشمن، و بازخوانی نقش بافته‌ها بر سفال‌های مکشوفه از این شهر، از دامنه دانش تولید منسوجات در این منطقه حکایت دارد. همچنین واقع شدن کاشان بر گذرگاه راه ابریشم، این شهر را به یکی از مراکز کهن تبادل فرهنگ و تجارت کالا تبدیل نمود.

در فرهنگ ایرانی، سنت ابریشم‌بافی به دوره هخامنشی بازمی‌گردد و در دیگر دوره‌های پس‌از آن، بافته‌های ابریشمی به‌عنوان کالایی مصرفی و تجاری نقش مهمی در اقتصاد داشته است. وضعیت اقلیم کاشان و مواجهه با کم‌آبی در این منطقه سبب گردید تا به‌جای کشاورزی، صنایع و حرفه کوچک انواع بافته‌ها رونق یابد و تجربه و دانش بومی منجر به تولیدات ممتازی گردید که بخشی از فرهنگ، هنر و هویت را در خود نهفته دارد. اوج ابریشم‌بافته‌های کاشان متعلق به دوره صفوی است. در این عصر شاهان صفوی به ابریشم و منسوجات ابریشمی توجه ویژه داشتند. تولید ابریشم و ایجاد اشتغال سبب رونق اقتصادی در داخل کشور شد. شمار زیادی تولیدکننده و فروشنده، در کارگاه‌های بافندگی شهرهای مختلف با محصولات گوناگون ابریشمی به فعالیت مشغول بودند. «شاه‌عباس (۹۹۶-۱۰۳۸) صنایع بافندگی را به اوج رساند و سازمان ابریشم‌بافی کشور را شخصاً زیر نظر گرفت» (مک‌داول، ۱۳۷۴: ۱۵۹-۱۶۶). در آغاز این دوره، تبریز، کاشان، یزد، اصفهان، قزوین، شیراز، کرمان و شهرهای خراسان از مراکز بافندگی بودند و در این شهرها حریرهای زربفت، پارچه‌های ابریشمی، مخمل و منسوجات خاص دوره صفوی چون پارچه‌های جناغی باف نخ، اطلس، ابریشمینه‌های گل‌برجسته، زری و مخمل تولید می‌شد (گرانوفسکی، ۱۳۹۰: ۲۷۳؛ مک‌داول، ۱۳۷۴، ۱۵۹).

پس از دوره صفوی، روند نزولی تولیدات ابریشمی سرعت یافت که پیامد آن کاهش رونق و فراموشی بسیاری از روش‌های تولید پارچه‌های ابریشمی بود. «با سقوط صفویان نادرشاه در گیلان از پذیرش ابریشم کشاورزان امتناع ورزید و در ازای مالیات از مردم پول نقد گرفت» (فلور، ۱۳۶۸: ۷۹). در منطقه گیلان به‌عنوان مهم‌ترین مرکز تهیه ابریشم اکثر املاک و مستغلات از حیز ارتفاع و آبادانی افتاده بود (ورهرام، ۱۳۸۵: ۱۰۶). صنعت ابریشم که نقش مهمی در رونق اقتصادی و تجارت دوره صفویه بود، دچار افول شد. حکومت زندیه همانند دوره صفوی دارای اقتدار نبود که به توسعه حرفه‌های بومی پرداخته شود. روند نزولی صنایع بومی در دوره قاجار با صادرات ابریشم

خام، سبب تعطیلی کسب‌وکار هنرمندان نساج و صنایع دستی شد و هنرمندان به‌صورت کارگران روزمزد درآمدند. «ورود پارچه‌های نخ‌ی اروپایی در اواسط سده سیزدهم که بهای بسیار ارزانی داشتند، صنایع بافندگی شهری ایران را با خطر جدی کاهش تولید روبه‌رو کرد» (جنسن، ۱۳۶۹: ۵۹). تعطیلی کارخانه‌های ریسمان‌ریسی تهران، و معدوم شدن شعربافی‌ها و نساجی‌های کاشان و اصفهان و یزد و کرمان و خراسان و بوشهر، از اثر تعرفه گمرکی بود که با ریسمان و پارچه‌های ابریشمی و پشمی و نخ‌ی روسیه، که عمدتاً ارزان‌تر، به این مملکت وارد می‌شد نتوانستند رقابت کنند، بلکه مقاومت نمایند و به تعطیل و فنا محکوم شدند (مستوفی، ۱۳۴۳: ۸۲). پس از آن به‌دلیل عدم مدیریت و برنامه‌ریزی در کسب‌وکارهای مبتنی بر تولیدات ابریشمی بسیاری از سنت‌های بافندگی رو به فراموشی نهادند. هرچند در کاشان شعربافی همچنان ادامه دارد، در مقایسه با ظرفیت توانمندی هنرمندان نساج به‌طور کلی کاهش و یا منجر به رکود بسیاری از روش‌های تولید منسوجات ابریشمی شد. از این‌رو مطالعه پیشینه و فرهنگ دست‌بافته‌ها در نمونه‌های موزه‌ای تلاشی در راستای حفظ دانش فرهنگی بافته‌های رو به فراموشی است.

از دوره صفویه «نمونه‌هایی از بافته‌ها را می‌توان در موزه‌های جهان و مجموعه‌های خصوصی از قبیل موزه متروپولیتن، هنرهای زیبای بوستون، ویکتوریا و آلبرت و لیون یافت» (توسلی، ۱۳۸۷: ۸۸). در مؤسسه هنر شیکاگو مجموعه اهدایی پارچه‌های ابریشمی و ابریشم زری‌باف وجود دارد که قریب به نیمی از پارچه‌های ایرانی ابریشم‌بافته‌هایی از کاشان است. در موزه متروپولیتن نیز دست‌بافته‌های ابریشمی به‌صورت قالی و پارچه متعلق به کاشان وجود دارد که قابل توجه است. از این‌رو، این پژوهش با هدف شناسایی و بررسی ویژگی‌های بافته‌های ابریشمی کاشان نمونه‌های مورد نظر را از سایت مؤسسه هنر شیکاگو و موزه هنر متروپولیتن دریافت نموده و با مطالعه این مستندات سعی در پاسخ‌گویی دو پرسش دارد: ۱. ویژگی‌های نقوش منسوجات ابریشمی کاشان در مؤسسه هنر شیکاگو و موزه هنر متروپولیتن کدام‌اند؟ ۲. ویژگی‌های ساختاری منسوجات ابریشمی متعلق به مؤسسه هنر شیکاگو و موزه هنر متروپولیتن چیست؟ این پژوهش یک مطالعه کتابخانه‌ای است که به‌صورت توصیفی به تحلیل و بررسی درباره پرسش‌های مطرح‌شده در ارتباط با منسوجات ابریشمی کاشان انجام شده است. جامعه آماری شامل ۲۴ نمونه بافته ابریشمی است.

۱-۱. پیشینه پژوهش

در این بخش، درباره بافته‌های ابریشمی و پژوهش‌های موزه‌ای به مطالعات یافت‌شده اشاره می‌گردد. حمیدی منش و جعفری دهکردی (۱۳۹۹) در مقاله «نقش شهریاران صفوی در پیشرفت



صنعت پارچه‌های ابریشمین ایران» به علاقه‌مندی پادشاهان صفوی به پارچه‌بافی اشاره دارند و رشد این صنعت را متأثر از زمینه‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی می‌دانند. طالب‌پور (۱۳۹۷) در مقاله «پارچه‌بافی در عصر صفوی: از منظر تاریخی»، مهم‌ترین خصوصیات هنری این دوره را تشکیل کانون‌های هنری تحت حمایت دربار و ارتباط تنگاتنگ رشته‌های هنری به‌ویژه، پارچه‌بافی با نقاشی می‌داند. چیت‌سازیان (۱۳۸۸) در کتاب *فرش کاشان* به معرفی جغرافیای کاشان، فرهنگ و پیشینه تولید منسوجات با تأکید بر قالی‌بافی و نقش اقتصادی فرش در کاشان به طور کلی، به معرفی قالی کاشان در دوره‌های متعدد پرداخته است. دادرس و خسروی (۱۳۹۴) در مقاله «طبقه‌بندی فرمی قالی‌های ایرانی دوره صفوی در موزه متروپولیتن» دریافته‌اند که بیشترین مواد اولیه استفاده‌شده به ترتیب، پشم، پنبه، ابریشم و گلابتون است و نقشه اسلیمی بیشتر از بقیه نقشه‌ها مورد استقبال جامعه فرش بوده است. استرکی و نیازی (۱۳۹۱) در مقاله «شعربافی در کاشان (تحلیلی بر فرایند تاریخی، فعالیت‌ها، مراحل و دست‌بافته‌های شعربافی)»، به بررسی مراحل تولید این بافته ابریشمی در کاشان پرداخته است.

مطالعات انجام‌شده به اهمیت ابریشم به‌عنوان کالایی تجاری، و تولید منسوجات ابریشمی پرداخته است. اهمیت موضوع ابریشم و ابریشم‌بافته‌ها به‌عنوان فضایی در ایجاد اشتغال و نیز درآمدزای برای دولت‌های متعدد مورد توجه بوده است. این پژوهش به بررسی ابریشم‌بافته‌های کاشان (پارچه و قالی) در مؤسسه هنر شیکاگو و موزه هنر متروپولیتن دقت نظر دارد.

۲. ابریشم‌بافی در ایران

ایرانیان در دوره هخامنشیان با نخ و پارچه‌های ابریشمی به‌لحاظ تجارت با سرزمین‌های دیگر آشنا بوده‌اند (ذکاء، ۱۳۴۲: ۹). منابع یونانی از قالی‌های زربفت ایران یاد کرده‌اند (ای وولف، ۱۳۷۲: ۱۹۲). از دوره اشکانی، قطعه پارچه نمدی ابریشمی کشف‌شده از شهر قومس حدود نیمه اول قرن اول قبل از میلاد در موزه متروپولیتن وجود دارد. ابن‌اثیر در شرح فرش بهارستان محصول دوره ساسانی آورده است: «زمینه آن زربافت بود... برگ‌ها از ابریشم بودند» (ابن‌اثیر، ۱۳۷۴). لباس شاهان ساسانی زربفت و ابریشمین بوده است.

در متون دوره اسلامی، به ادامه کاربست ابریشم‌های خسروانی در دربار و مناطق تولید و فراوری ابریشم اشاره شده است. «بافت پارچه‌های ابریشمی در شوش و شوشتر و کرباس‌بافی در خراسان و بخارا، طرازبافی در فارس، پارچه ابریشم دورو (دو پودی) یا منیر در ری و بافت پارچه ابریشم با تکنیک معروف به "رنگ و نیم‌رنگ" رایج بوده است» (روح‌فر، ۱۳۹۴: ۲۳-۴۰). ابریشم‌بافی



و بافت پارچه زری که به تعبیر طالب‌پور بر روی دستگاه ژاکارد امروزه انجام می‌شود، در دوره سلجوقی وجود داشته است و بر روی دستگاه تولید می‌شدند. در دوره ایلخانی کارگاه‌های معتبر پارچه‌بافی به همت رشیدالدین فضل‌الله در تبریز دایر شد و انواع پارچه‌های زربفت و مخمل بافته می‌شد. در طبرستان انواع پارچه‌های پشمی و ابریشمی تهیه می‌شد. یزد به بافت نوعی پارچه زیبای ابریشمی معروف به یزدی معروفیت داشت. به‌طور کلی، پارچه‌های ابریشم، ساده و یا منقوش (حریر)، زربفت، قلمکار و پارچه‌های دوخته‌دوزی شده با الیاف زر و سیم و ابریشم، و پارچه مخمل رونق داشت.

سنت بافت ابریشمینه‌های دوره تیموری به دوره صفوی منتقل گردید و رونق تولید منسوجات در این عصر به تولید انواع پارچه‌های زری، قلمکار و مخمل انجامید. به تعبیر شاردن «فراوانی محصول ابریشم سبب افزایش مهارت ایرانیان در صنعت ابریشم شده و دستگاه‌های ریسندگی و بافندگی که صنعتگران ایرانی ابداع کرده‌اند، همانند ابزار اروپائیان است» (شاردن، ۱۳۵۰: ۳۷۰-۳۸۰). از ابریشم، محصولات بسیار متنوعی چون انواع پارچه‌های زربفت و سیم‌بافت، البسه و قالی تهیه می‌کردند. در دوره صفوی بافت پارچه‌های ابریشمی به دوره طلایی خود رسیده و کارخانه‌های ایران، بهترین گونه‌های دیبا و مخملی را تولید می‌کرده‌اند که با رشته‌های ابریشمی رنگ به رنگ بافته و گاهی با رشته‌های نقره نیز تزئین می‌شدند (محمدحسن، ۱۳۶۶: ۲۴۲). مخمل، پارچه‌ای مورد پسند درباریان صفوی بود که طرح‌های زیبای آن و نقوش انسان و گیاهان، به‌طور برجسته بر زمینه اطلس طلایی نقش می‌شد و صحنه‌های روزمره نیز راه خود را به طرح‌های تزئینی پارچه‌ها باز کرد (فریه، ۱۳۷۴: ۱۵۹-۱۶۹).

ارمنیان به صدور ابریشم از راه‌های آسیای صغیر و خاک عثمانی به اروپا، و درعین حال، از راه‌های دریایی نیز هم با کشتی‌هایی که خود داشتند و هم با کرایه کردن کشتی از کمپانی‌های انگلیسی و هلندی، ابریشم و سایر کالاهای ایرانی را به شرق و غرب در جهان صادر می‌کردند (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۵۹). پارچه‌های ایرانی در بازارهای اروپا و به‌ویژه اروپای شرقی خواهان بسیاری داشت. این پارچه‌ها در بازارهای روسیه به نام قماش قزلباش شناخته شده بودند که برگرفته از نام یکی از قبایل عهد صفوی است (اسکارچیا، ۱۳۷۶، ج ۱۰: ۳۰).

در دوره افشاریه به‌واسطه مالیات‌های گزاف نادرشاه و استخدام نیروهای تولیدی برای سپاه، مشاغل تولیدی افول نمود. تجار به‌واسطه اخاذی‌های نادر مهاجرت کردند یا سرمایه خود را از دست دادند (طباطبایی، ۱۳۸۱: ۱۲۹). جلفایی‌ها ناچار بودند برای پرداختن هشت هزار تومان

مالیات به آزادخان افغان حتی مندیل‌ها پارچه‌های زربفت را بسوزانند تا طلا و نقره آن‌ها را استحصال نمایند (ترهوهانیان، ۱۳۷۹، ۲۱۸ و ۲۱۷). آرامش نسبی دوره زندیه سبب شد تا علاوه بر یزد، ابریشم‌بافی در کاشان رونق یابد. «یکی از کسب‌وکارهای یهودیان کاشان، تهیه، فرآوری و تجارت ابریشم بود. یهودیان در کاشان کارگاه ابریشم‌کشی داشتند که در دوره افشار فعالیتشان از رونق افتاده بود. در دوره زند، هدایت‌خان گیلانی والی مناطق شمالی، بسیاری از یهودیان و هندی‌ها را در امور تجاری از جمله ابریشم وارد کرد و آن‌ها را مورد حمایت قرار داد» (فلاحیان و ادقانی و حیدری، ۱۳۹۸: ۱۷۸ به نقل از گیلان‌نامه: ۱).

در دوره قاجاریه «احیای صنعت ابریشم، بافته‌های مجللی را برای دربار به ارمغان آورد که ناظران خارجی را به شدت تحت تأثیر شکوه پوشاک سلطنتی و مردان قرار می‌داد» (دیبا، ۱۳۹۱: ۲۱۶). اما نظارت نمایندگان انگلیس و روسیه، اقتصاد ایران را متکی به بازاری مصرفی نمود. به‌جای زربفت‌های ایرانی پارچه چیت منجستری باب شد و انقراض هنر بافندگی بعد از دوره افشار دوباره رو به اوج نهاد. این روند منجر به کاهش منابع درآمدی حاصل از ابریشم‌بافی و مشاغل جایگزین بود که در قرن بعد نیز ادامه یافت و سبب نزول بافته‌های سنتی شد.

۳. ابریشم‌بافی کاشان

بر اساس مستندات تاریخی، کاشان در دوره صفوی یکی از مهم‌ترین مراکز بافت منسوجات بوده است. از سفارشات ابریشمین پادشاه لهستان تا تکه‌بافته‌هایی که تا به امروز در موزه‌های جهان باقی است، حکایت از تداوم دانش تولید منسوجات و آگاهی عمیق این مردمان دارد. «در زمان شاه‌عباس اول، کاشان نیز مرکز بافت و تجارت پارچه‌های متنوع شد. اکثر سفرنامه‌های این دوران، از شهر کاشان، از مراکز مهم بافت پارچه‌های درباری و فاخر از جمله مخمل یاد کرده‌اند» (Spuhler, 1978: 161) پادشاه لهستان در سال ۱۶۰۱م، بازرگان معروف ارمنی سفر موراتوویتز را برای مذاکره و برقراری روابط بازرگانی با ایران در مورد تجارت ابریشم، انجام دادن برخی کارهای مخفیانه سیاسی، ارزیابی توان نظامی، امکان اتحاد بین ایران و لهستان و خرید فرش‌های زیبای ایرانی به دربار صفوی فرستاد. او به کاشان رفت تا سفارش‌های فرش ابریشم زرباف، چادر، سنگ‌های گران‌بها، شمشیر و... پادشاه لهستان را تهیه کند. برخی از این فرش‌ها جزء جهیزیه دختر پادشاه لهستان بودند (رکنی و یاشکوفسکی، ۱۳۹۳: ۸۰).

علاوه بر بافت قالی ابریشمی رونق دستگاه‌های بافندگی پارچه در کاشان سبب تولیدات شاخص ابریشمینی شد، که گاه الگویی برای پارچه‌بافی سایر مناطق بوده است. «شاه‌عباس علاوه بر



بررسی ابریشم‌بافته‌های کاشان در مؤسسه هنر شیکاگو و موزه متروپولیتن، شهیدخت رحیم‌پور

10.22052/KASHAN.2023.248757.1063

کارگاه‌های مخمل‌بافی در یزد و کاشان، در اصفهان نیز کارگاه‌های مخمل‌بافی تأسیس و استادان ماهری را به آنجا دعوت کردند» (روح‌فر، ۱۳۸۴: ۴۵). دقیق‌ترین دستگاه‌های بافندگی پارچه ابریشمی در یزد، کاشان و اصفهان قرار داشت (دیماند، ۱۳۶۵: ۲۷۸). استادکاران این هنر به دو بخش تقسیم می‌شدند: استادان بافنده و نقش‌پردازان بر روی پارچه. پارچه‌های عصر صفوی دارای نام بافنده است که نشان از ارزش‌گذاری بر فعالیت هنرمندان دارد.

به تعبیر شاردن، «اساس ثروت و حیات مردم کاشان از صنایع نساجی و ابریشم‌بافی و تهیه قطعات زربفت و نقره‌بافت، تشکیل شده است. در هیچ‌یک از شهرهای ایران، مصنوعات و منسوجات مخمل و حریر و تافته و ابریشم و قطعات زربفت و سیم‌بفت و زری‌های ساده و گل دار ابریشمی بیشتر از کاشان و حومه آن تهیه نمی‌گردد» (شاردن، ۱۳۷۵: ۸۰). محصولات کاشان با الیاف ابریشمی شامل مخمل‌بافی، مخمل زری، شعربافی تا به امروز به‌ندرت در این شهر بافته می‌شوند.

۴. منسوجات ابریشمی کاشان در مؤسسه هنر شیکاگو

از ۵۱ نمونه منسوج (فرش و پارچه) متعلق به مناطق متعدد ایران در دوره اسلامی در این مؤسسه تعداد ۱۲ قطعه پارچه ابریشمی و یا زری وجود دارد که با نام کاشان شناخته شده است. این قطعات باقی‌مانده که به مؤسسه اهدا شده‌اند، در بخش هنر اسلامی و در بخش منسوجات مؤسسه هنر شیکاگو نگهداری می‌شوند. این پارچه‌ها شامل نوارهای باریکی از ابریشم و زری و نیز قطعه ابریشم‌بافته‌هایی است که به‌صورت تکه پارچه نگهداری می‌شوند. در جدول ۱ مشخصات دست‌بافته‌های ابریشمی مؤسسه هنر شیکاگو قرار داده شده است. تصویر (۱۳-۱) نمونه‌هایی از منسوجات را نشان می‌دهد.

جدول ۱: مشخصات پارچه‌های مؤسسه هنر شیکاگو (نگارنده)

ردیف	شماره اثر در موزه	ابعاد (سانتی‌متر)	نوع بافت	تاریخ بافت
۱	۱۹۳۱.۴۱۹	۵۳.۴×۸.۳	ابریشم زری‌دوزی	۱۷۰۱-۱۸۰۰
۲	۱۹۳۰.۸۶۰	۴.۵×۲۵.۵	پارچه مرکب ساده، زمینه ابریشم سفیدنقش با ابریشم و نقره	۱۷۰۱-۱۸۰۰
۳	۱۹۲۶.۱۱۰۳	۲۳.۲×۳.۱	بافت جناغی، نقش برجسته	۱۷۰۱-۱۸۰۰
۴	۱۹۳۰.۸۶۵	۴.۲×۱۹	پارچه مرکب ساده و برجسته، ابریشم و طلا روی زمینه ابریشم زرد، و نقره روی ابریشم سفید	۱۸۰۰-۱۶۰۱

ردیف	شماره اثر در موزه	ابعاد (سانتی‌متر)	نوع بافت	تاریخ بافت
۵	۱۹۳۰.۸۵۷	۶×۱۴	پارچه مرکب ساده، ابریشم و طلا در نوارهای فلزی باریک	۱۸۰۰-۱۷۰۱
۶	۱۹۳۰.۸۲۲	۲۳۸×۲۲.۹	ابریشم با نوار طلا	۱۸۰۰-۱۷۰۱
۷	۱۹۳۰.۸۳۵		ابریشم برجسته	۱۸۰۰-۱۷۰۱
۸	۱۹۲۶.۴۰۶	۴۲×۵۸.۵	بافت ابریشم، ساتن با تارهای دوگانه و پودهای خودنقش	۱۸۰۰-۱۷۰۱
۹	۱۹۳۰.۸۴۹	۳۶.۶×۴۸	طرح رز سراسری	۱۸۰۰-۱۷۰۱
۱۰	۱۹۲۶.۴۰۸	۳۶×۴۸.۳	ابریشم برجسته	۱۷۲۵-۱۶۷۵
۱۱	۱۹۳۰.۸۲۱	۱۸.۴×۲۲.۹	ابریشم با نخ‌های زری	۱۸۰۰-۱۷۰۱
۱۲	۱۹۲۶.۴۱۰	۲۴.۱×۵۷.۳	ابریشم، بافت جناغی	۱۷۰۰-۱۶۰۱
۱۳	۱۹۳۰.۸۲۹	۱۵×۱۸.۱	ابریشم جناغی بافت با نخ‌های طلا و نقره	۱۸۰۰-۱۷۰۱

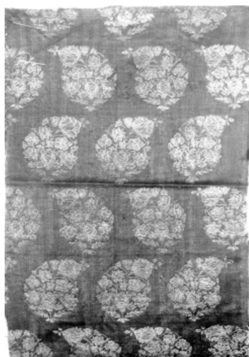


به ترتیب از راست؛ تصویر ۱: ش ۱۹۳۱.۴۱۹؛ تصویر ۲: ش ۱۹۳۰.۸۶۰؛ تصویر ۳: ش ۱۹۲۶.۱۱۰۳

تصویر ۴: ش ۱۹۳۰.۸۶۵؛ تصویر ۵: ۱۹۳۰.۸۵۷a



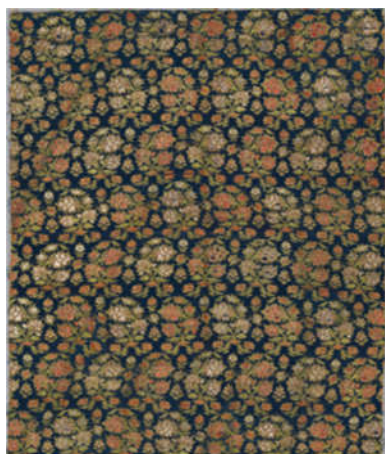
تصویر ۸: ش ۱۹۲۶.۴۱۰



تصویر ۷: ش ۱۹۳۰.۸۳۵



تصویر ۶: ش ۱۹۳۰.۸۲۲



تصویر ۱۰: ش ۱۹۳۰.۸۴۹



تصویر ۹: ش ۱۹۲۶.۴۰۶



تصویر ۱۲: ش ۱۹۳۰.۸۲۱



تصویر ۱۱: ش ۱۹۲۶.۴۰۸

10.22052/KASHAN.2023.248757.1063



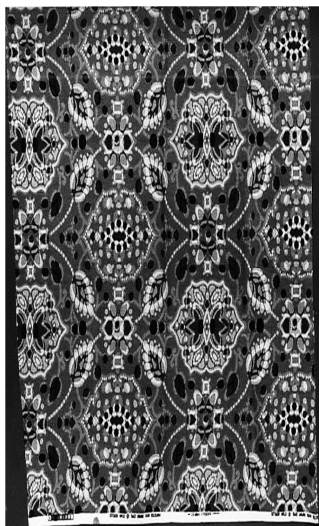
تصویر ۱۳: ش ۸۲۹-۱۹۳۰

۵. منسوجات ابریشمی کاشان در موزه متروپولیتن

در موزه متروپولیتن نیویورک که گنجینه دست‌بافته‌های ایرانی است، منسوجات کاشان در این موزه شامل قالی و تعدادی پارچه است. تسلط فنی بافندگان و تصویرگری کتاب و تذهیب به عنوان منبع الگوی نقوش در محصولات کارگاه‌های دربار صفوی در بافت پارچه بر روی متن ابریشمی با کاربرد فلزات طلا و نقره و در قالی‌های این عصر با کاربرد ابریشم برای تاروپود و پرز (تمام ابریشم) و یا با تار و پرز ابریشمی و پود پنبه‌ای در محصولات کاشان مرسوم بوده است. در جدول ۳ به معرفی منسوجات موزه متروپولیتن پرداخته شده و نمونه بافته‌های ابریشمی در تصویر (۱۴-۲۲) قابل مشاهده است.

جدول ۳: مشخصات منسوجات موزه متروپولیتن (نگارنده)

ردیف	شماره اثر در موزه	ابعاد (سانتی‌متر)	نوع بافت	تاریخ بافت
۱	۱۹۷۲.۲۶	۳۳.۹×۵۴.۵	مخمل زربفت	نیمه دوم قرن ۱۶
۲	۵۸.۴۶	۱۷۱×۲۴۹	ابریشم (تار و پود و پرز) و گره نامتقارن	قرن ۱۶
۳	۳۸.۱۶۷	۱۷۹.۱×۸۸.۹	پرچم زربفت، بافت اسماعیل کاشانی	۱۶۹۵/۱۱۰۷-
۴	۶۹.۹۷.۶	۱۴۴.۸×۱۰۶.۷	ابریشم و پنبه	۱۹۶۷-۶۹
۵	۱۰.۱۶۶	۱۳۷.۲×۷۳.۷	ابریشم با پود زری و برجسته	قرن ۱۷
۶	۱۴.۴۰.۷۲۱	۲۴۱×۱۷۸	ابریشم (تار و پود و پرز) و گره نامتقارن	نیمه دوم قرن ۱۶
۷	۱۷.۱۲۰.۱۴۳	۱۸۴.۲×۲۰۱.۳	ابریشم (تاروپود و پرز) و گره نامتقارن	قرن ۱۷
۸	۱۴.۴۰.۷۲۴	۱۶۵.۱×۲۴۳.۸	ابریشم (تاروپود و پرز) و گره نامتقارن	قرن ۱۶
۹	۱۴.۴۰.۷۱۵	۲۶۸×۱۹۴.۳	ابریشم (تاروپود و پرز) و گره نامتقارن	نیمه دوم قرن ۱۶
۱۰	۴۳.۸۴	۲۲۱×۱۴۸.۶	ابریشم و بافت تاپستری	نیمه دوم قرن ۱۶
۱۱	۱۰.۱۶۶	۱۳۷.۷۳.۷×۲	ابریشم زربفت	نیمه دوم قرن ۱۶



تصویر ۱۵: ش ۵۸.۴۶



تصویر ۱۴: ش ۱۹۷۲.۲۶



تصویر ۱۶: ش ۳۸.۱۶۷



تصویر ۱۷: ش ۶۹.۹۷.۶

10.22052/KASHAN.2023.248757.1063



تصویر ۱۹: ش ۱۴۰۷۲۱



تصویر ۱۸: ش ۱۰۱۶۶



تصویر ۲۱: ش ۱۴۰۷۲۴



تصویر ۲۰: ش ۱۷۰۱۲۰۱۴۳



تصویر ۲۲: ش ۱۴۰۷۱۵

۶. تحلیل و بررسی

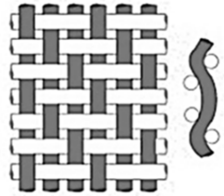
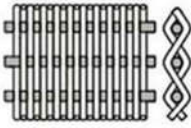
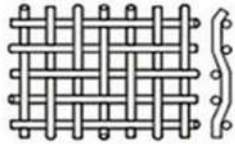
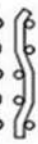
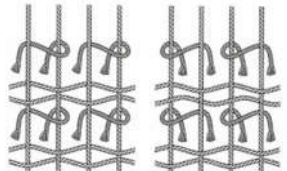
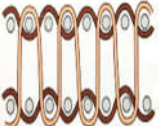
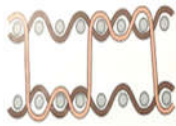

از بررسی ۱۳ نمونه منسوج از مؤسسه هنر شیکاگو و ۱۱ نمونه از موزه متروپولیتن نیویورک متعلق به شهر کاشان، می‌توان افزود دست‌بافته‌های مؤسسه هنر شیکاگو به‌صورت پارچه و منسوجات موزه متروپولیتن به‌صورت قالی و تعدادی از پارچه‌های ابریشمی است. قطعه پارچه‌های نفیس به‌صورت یراق و نوارهای تزئینی و در ابعادی کوچک و یک پرچم است.

پارچه‌ها بر روی دستگاه پارچه‌بافی و با فنی پیچیده‌تر از دارهای قالی بافته شده است. در این بافته‌های دستگاهی، تنوع رنگی و درخشندگی آن‌ها قابل توجه است. زری‌بافی و مخمل‌بافی به‌عنوان فرهنگ مردم کاشان از سنت‌های رایج تولید پارچه در این شهر است. کاربرد ابریشم در بافت این

نمونه‌ها به‌عنوان پایه و زمینه کار و استفاده از فلزات زرین و سیمین معمول و به‌صورت برجسته در سطح پارچه قرار گرفته‌اند. بافت به روش جناغی ساده یا مرکب است. در بافت جناغی ساده دو چله به‌عنوان تار استفاده می‌شود در برابر یک پود و از استحکام بالاتری برخوردار است. در بافت جناغی مرکب تارها از هر دو طرف پود می‌گذرند و تقریباً یک بافت دولایه خواهیم داشت که تراکم پارچه بالاتر است. فن بافت قالی که بر روی دار به‌صورت دو پوده (استفاده از یک پود ضخیم و یک پود نازک) در قالی وجود دارد و استفاده از گره غیرمقارن معمول بود. در جدول ۳ فن بافت پارچه و قالی مورد مطالعه نشان داده شده است.

جدول ۳: فن بافت منسوجات (نگارنده)

10.22052/KASHAN.2023.248757.1063

بافت مرکب جناغی		بافت ساده جناغی	
			
بافت گره نامتقارن در قالی		ابریشم‌بافی	
			

نگاره‌های به‌کاررفته در پارچه‌ها گیاهی، تکرارشونده و واگیره‌ای است و سبکی طبیعت‌گرایانه را نشان می‌دهد. آرایه‌های نباتی از محبوب‌ترین نگاره‌های بافته شده است. انواع درخت‌ها و درختان پرشکوفه - که مورد علاقه نگارگران تبریز هم بود - به‌صورت باریک و کشیده در طرح پارچه‌ها، به کار رفته است. «طرح برگ‌های کنگره‌های نوک‌تیز و استفاده از انواع گل‌ها در تکمیل زمینه کار، از ویژگی‌های مکتب نگارگری تبریز است. گاه نوشته و تصویر گیاهان یا شاخ و برگ‌های زیتنی برای تزئین پارچه استفاده می‌شد. خط در تزئین پارچه ابریشمی و زری با نوشته به خط نسخ و نستعلیق، از شیوه‌های متداول دوره صفویه است (برزین، ۱۳۴۶: ۴۴).

نقوش انسانی، گیاهی و جانوری در منسوجات مورد مطالعه به کار رفته‌اند و فراوانی کاربرد نقوش گیاهی در پارچه‌ها بیشتر است. در قالی نقوش گیاهی و حیوانی بیشتر مشاهده می‌شود. در جدول ۳ و ۴ نگاره‌های بافته‌شده در منسوجات نشان داده شده‌اند. کاربرد آیات قرآنی، دعا و نام بافنده به خط نستعلیق در پرچم بافته‌شده که در موزه متروپولیتین نگهداری می‌شود، قابل ملاحظه است. یک پرچم حکاکی‌شده مورخ ۱۱۰۷ هجری قمری (۱۶۹۵ میلادی) است که کتیبه اسماعیل کاشانی ایرانی بر روی آن حک شده است. دو کتیبه حاوی پیام حمایت و یاری الهی است و خداوند را به‌عنوان «بهترین محافظ» و «بازکننده درها» می‌ستایند. این پرچم تشریفاتی کمیاب ایرانی حاکی از حمایت و یاری الهی است که در نبرد و یا توسط مؤمنان در صفوف مذهبی حمل می‌شد. این بافته از نظر کاربرد متفاوت با دیگر پارچه‌هاست.

جدول ۴: نقش پارچه‌های مؤسسه هنر شیکاگو (نگارنده)

10.222052/KASHAN.2023.248757.1063

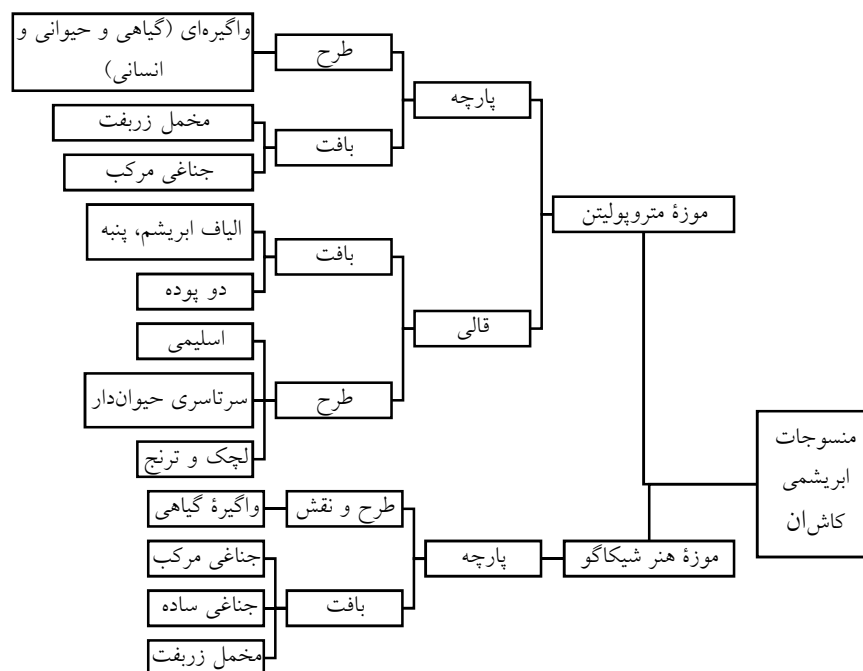
			
واگیره گیاهی		واگیره گیاهی	
			
واگیره گیاهی		واگیره گیاهی و حیوانی	
			
واگیره گیاهی	واگیره گیاهی	واگیره گیاهی	واگیره گیاهی
			
واگیره گیاهی	واگیره گیاهی	واگیره گیاهی	واگیره گیاهی

جدول ۵: نقش منسوجات موزه متروپولیتن (نگارنده)

10.22052/KASHAN.2023.248757.1063

<p>واگیره انسانی و گیاهی و حیوانی</p>	<p>واگیره گیاهی</p>	<p>واگیره گیاهی و حیوانی</p>
<p>نقشه ۱/۴، اسلیمی و ختایی</p>	<p>پرچم صفوی با کتیبه عمل العبد اسماعیل کاشانی</p>	
<p>۱/۴ نقشه لچک و ترنج</p>	<p>نقشه سرتاسری گرفت و گیر</p>	<p>۱/۴ لچک ترنج با نقوش گیاهی</p>
<p>۱/۴ ترنجی حیوان‌دار</p>		<p>۱/۴ نقشه لچک و ترنج</p>

در قالی‌ها اغلب اندازه‌ها کمتر از ۶ مترمربع است و در ساختار تعریف شده طراحی قالی ایران نقشه‌ها به صورت لچک و ترنج و با ترکیبی از نقوش اسلیمی، ختایی، و گرفت و گیر به صورت سرتاسری وجود دارد. به دلیل نوع کاربرد و ماهیت قالی که متفاوت با پارچه است ساختار بافت قالی دارای پرز بوده و غالباً برای کفپوش استفاده می‌شوند اما پارچه دارای ظرافت بافت بیشتری نسبت به قالی است. در قالی از الیاف ابریشم برای پرز و یا چله استفاده شده است. رنگ‌های به‌کاررفته در پارچه‌ها قهوه‌ای نارنجی، زرد، سبز، آبی، سورمه‌ای، گل‌بهی و صورتی، قرمز و بنفش با نخ‌های گلابتون و طلا و نقره است و ترکیب رنگی به‌کاررفته در هر قطعه پارچه یا به صورت دورنگ، سه‌رنگ و در نهایت پنج‌رنگ دیده می‌شود. در قالی طیف رنگ به‌کاررفته شامل قرمز، کرمی، قهوه‌ای، سورمه‌ای، فیلی، زرد، سبز و سفید است. مشخصات دست‌بافته‌های ابریشمی کاشان در دو موزه متروپولیتن و مؤسسه هنر شیکاگو در شکل ۲۳ نشان داده شده است.



تصویر ۲۳: دست‌بافته‌های ابریشمی کاشان در موزه متروپولیتن و موزه هنر شیکاگو (نگارنده)

۷. نتیجه‌گیری

تعداد زیادی از منسوجات ابریشمی کاشان در موزه‌های جهان نگهداری می‌شود که بیانگر بخشی از هویت و فرهنگ ایرانی است. از مطالعه و بررسی نمونه منسوجات مؤسسه هنر شیکاگو و تعدادی از منسوجات موزه متروپولیتن که متعلق به کاشان است، می‌توان به ساختار هنرمندانه و تولیدات کاربردی ابریشم‌بافته‌های کاشان پی برد. مطالعه ۲۴ نمونه پارچه و قالی‌ها نشان می‌دهد که منسوجات مؤسسه هنر شیکاگو پارچه‌هایی است که مواد اولیه آن‌ها ابریشم بوده و به‌صورت مخمل، زری‌بافی و نقش‌برجسته تولید شده‌اند که این امر در مورد روش بافت پارچه‌های موزه متروپولیتن نیز صدق می‌کند. نگاره‌های بافته‌شده در پارچه‌های مؤسسه هنر شیکاگو همگی گیاهی است و نگاره‌های کارشده در ابریشم‌بافته‌های موزه متروپولیتن گیاهی، انسانی و حیوانی است. در موزه متروپولیتن علاوه بر پارچه در بخش هنر اسلامی موزه، قالی‌های ایرانی وجود دارد که به‌صورت تمام‌ابریشم یا پرز و چله‌ابریشم و پود پنبه‌ای بافته شده‌اند و نقوش با خطوط منحنی و به فرم یک‌چهارم و سراسری است. فن بافت قالی به‌صورت دوپوده و با گره غیرمتمقارن و روش بافت پارچه‌های ابریشمی به‌صورت جناغی ساده و یا مرکب و با کاربرد نخ‌های گران‌بهای طلا و نقره بر زمینه ابریشم است.

نتایج پژوهش به‌دست‌آمده با نتایج پژوهش‌هایی مانند دادرس و خسروی بیژانم (۱۳۹۴) که در ارتباط با قالی‌های ایرانی موزه متروپولیتن انجام شده است، مطابقت دارد. پیشنهاد می‌شود در ادامه این پژوهش به مطالعه دست‌بافته‌ها در دوره تاریخی در موزه‌های جهان، یا مطالعه تطبیقی منسوجات ایران با سایر کشورها پرداخته شود.

منابع

- ابن‌اثیر، علی بن محمد. (۱۳۷۴). *تاریخ کامل* (حسین روحانی، مترجم). تهران: اساطیر.
- استرکی، فهیمه، و نیازی، محسن. (۱۳۹۱). *شعربافی در کاشان* (تحلیلی بر فرایند تاریخی، فعالیت‌ها، مراحل و دست‌بافته‌های شعربافی). *کاشان‌شناسی* ۵ (۲، پیاپی ۹)، ۱۰۳-۸۰.
- اسکارچیا، جیان روبرتو. (۱۳۷۶). *تاریخ هنر ایران* (یعقوب آژند، مترجم). تهران: مولی.
- ای وولف، هانس. (۱۳۷۲). *صنایع دستی کهن ایرانی* (سیروس ابراهیم‌زاده، مترجم). بی‌جا: انتشارات و آموزش.
- برزین، پروین. (۱۳۴۶). *پارچه‌های قدیم ایران*. هنر و مردم، شماره ۵۹، ۴۴-۳۹.
- تاورنیه، ژان باپتیست. (۱۳۳۶). *سفرنامه تاورنیه* (ابوتراب نوری، مترجم). چ ۲. تهران: سنایی.
- ترهوهانیان، هونانس. (۱۳۷۹). *تاریخ جلفای نو* (محمدعلی لئون میناسیان و محمدعلی فریدنی موسوی،



مترجمان). اصفهان: نقش خورشید.

توسلی، رضا. (۱۳۸۷). بررسی تطبیقی نقوش منسوجات صفوی و عثمانی. *مطالعات هنر اسلامی*، شماره ۸، ۱۰۶-۸۷.

جنسن، هورست ولدمار. (۱۳۵۹). تاریخ هنر: پژوهشی در هنرهای تجسمی از سپیده‌دم تاریخ تا زمان حاضر (پرویز مرزبان، مترجم). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

چیت‌سازیان، امیرحسین. (۱۳۸۸). *فرش کاشان*. تهران: سروش.

حمیدی‌منش، تقی، و جعفری دهکردی، ناهید. (۱۳۹۹). نقش شهریاران صفوی در پیشرفت صنعت پارچه‌های ابریشمین ایران. *هنرهای صنعتی*، ۳ (۱)، پیاپی ۴، ۱۱۹-۱۲۴. <https://doi.org/10.22052/3.1.109>

دادرس، سوده، و خسروی بیژانم، فرهاد. (۱۳۹۴). طبقه‌بندی فرمی قالی‌های ایرانی دوره صفوی در موزه متروپولیتن نیویورک. *همایش ملی فرش دستباف خراسان جنوبی*. دانشگاه بیرجند.

دیبا، لیلیا. (۱۳۹۱). پوشاک در ایران‌زمین. از سری مقالات *دانشنامه ایرانیکا* (پیمان متین، مترجم). تهران: امیرکبیر.

دیماند، موریس اسون. (۱۳۶۵). *راهنمای صنایع اسلامی* (عبدالله فریار، مترجم). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

ذکاء، یحیی. (۱۳۴۲). *جامه‌های پارسیان در دوره هخامنشیان*. هنر و مردم، شماره ۲۶، ۱۶-۱۹.

رکنی، محمدامین، و یاشکوفسکی، ستانیسواف آدام. (۱۳۹۳). روابط ایران و لهستان در عهد صفویه. *پژوهش‌های علوم تاریخی*، ۶ (۲)، ۷۹-۹۸. <https://doi.org/10.22059/jhss.2015.5661.98-79>

روح‌فر، زهره. (۱۳۸۴). *نگاهی بر پارچه‌بافی دوران اسلامی*. تهران: سمت.

شاردن، ژان. (۱۳۵۰). *سیاحت‌نامه شاردن* (محمد عباسی، مترجم). تهران: امیرکبیر.

_____. (۱۳۷۵). *سیاحت‌نامه شاردن* (اقبال نعیمایی، مترجم). تهران: توس.

طالب‌پور، فریده. (۱۳۹۷). *پارچه‌بافی در عصر صفوی: از منظر تاریخی، سبک‌ها و کارکردها*. مبانی نظری. *هنرهای تجسمی*، شماره ۶، ۱۲۳-۱۳۴.

طباطبایی، جواد. (۱۳۸۱). *دیباچه‌ای بر نظریه انحطاط ایران*. تهران: نگاه معاصر.

فریه، دلبور. (۱۳۷۴). *هنرهای ایران* (پرویز مرزبان، مترجم). تهران: فرزانه.

فلاحیان وادقانی، علی، و حیدری، حسین. (۱۳۹۸). اوضاع یهودیان کاشان در روزگار افشاریه و زندیه. *کاشان‌شناسی*، شماره ۱۴ (پیاپی ۲۲)، ۱۶۵-۱۸۴. <https://doi.org/10.22052/1.14.165>

فلور، ویلهلم. (۱۳۶۸). *حکومت نادرشاه* (ابوالقاسم سری، مترجم). تهران: توس.

گراتوفسکی، ادوین آردیدوویچ. (۱۳۹۰). *تاریخ ایران: از زمان باستان تا امروز* (کیخسرو کشاورزی، مترجم). تهران: مروارید.

محمدحسن، زکی. (۱۳۶۶). *تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام* (محمدعلی خلیلی، مترجم). تهران: اقبال.
 مستوفی، عبدالله. (۱۳۴۳). *شرح زندگانی من (تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه از آقا محمدخان تا*
آخر ناصرالدین شاه). تهران: زوار.

مک داوول، ج. الگرو. (۱۳۷۴). *نساجی، درباره هنرهای ایران* (پرویز مرزبان، مترجم). تهران: فرزاد.
 ورهرام، غلامرضا. (۱۳۸۵). *تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران عصر زند*. تهران: معین.

Spuhler, F. (1978). *Islamic carpet and textile in the Keir collection*. London: Faber and Faber limite.

References

- A wolff, h. (1993). *Ancient handicrafts of iran* (Syros Ebrahimzadeh, Translator). Bija: Publishers Amozesh. [In Persian].
- Berzin, P. (1976). Old Fabrics of Iran. *Art and People*. No. 59, pp. 39-44. [In Persian].
- Chardin, J. (1971). *Chardon's travel book* (Mohammad Abbasi, Translator). Tehran: Amir kabir. [In Persian].
- (1980). *Chardon's travel book* (Iqbal Naimai, Translator). Tehran: Tos. [In Persian].
- Chitsazian, A.H.. (2008). *Kashan carpet*. Tehran: Soroush. [In Persian].
- Daders, S. & Khosravi Bejaim, F. (2014). Formal classification of Safavid Persian carpets in the Metropolitan Museum of New York. *South Khorasan Handwoven Carpet National Conference*. Birjand University. [In Persian].
- Diba, Leila. (2011). Clothing in Iran. *From the series of Iranica encyclopedia articles* (Peyman Mateen, Translator). Tehran: Amir Kabir. [In Persian].
- Dimand, M. S. (2015). *Guide to Islamic industries* (Abdullah Faryar, Translator). Tehran: Scientific and Cultural. [In Persian].
- Falahian Vadaghani, A. & Heydari, H. (2018). The situation of Kashan Jews during Afsharia and Zandiyeh. *Kashan Studies*, No. 14; pp. 165-184. <https://doi.org/10.22052/1.14.165>. [In Persian].
- Freyeh, W.R. (2014). *Arts of Iran. Translated by Parviz Marzban*. Tehran: Farzan. [In Persian].
- Grantovsky, E. A. (2016). *History of Iran: from ancient times to today*. Translator Ki Khosro Agriculture. Tehran: Pearl. [In Persian].
- Hamidi Manesh, T. & Jafari Dehkordi, N. (2019). The role of Safavid princes in the development of Iran's silk fabric industry. *Artificial arts*, 3 (4), pp. 119-124. <https://doi.org/10.22052/3.1.109>. [In Persian].
- Ibn Athir, A. (2014). *Tarikhe Kamel* (Hossein Rouhani, Translator). Tehran: Asatir. [In Persian].
- Jensen, H. V. (1900). *History of art: a research in visual arts from the dawn of history to the present* (Parviz Marzban, Translator). Tehran: Scientific and Cultural. [In Persian].



- McDowell, J. Allegro. (2014). *Nasaji, about the arts of Iran, under the supervision of R. W. Freyeh* (Parviz Marzban, Translator). Tehran: Farzan. [In Persian].
- Mohammad Hassan, Z. (1896). *History of Iran's industries after Islam* (Mohammad Ali Khalili, Translator). Tehran: Iqbal. [In Persian].
- Mostovfi, A. (1998). *Narration of my life (social and administrative history of the Qajar era from Agha Muhammad Khan to the end of Naser al-Din Shah)*. Tehran: Zovar. [In Persian].
- Rokni, M. A. & Yashkovski, S. A. (2013). Relations between Iran and Poland during the Safavid period. *Researches of historical sciences*, 6 (2), pp. 79-98. <https://doi.org/10.22059/jhss.2015.5661>. [In Persian].
- Rooh Far, Z. (2004). *A look at textile weaving in the Islamic era*. Tehran: Side. [In Persian].
- Scarchia, Gian Roberto. (2017). *Iranian art history*. C10 Yaqub Agenda. Tehran: Molly. [In Persian].
- Spuhler, F. (1978). *Islamic carpet and textile in the Keir collection*. London: Faber and Faber limite.
- Starki, F. & Niazi, M. (2011). Poetry Weaving in Kashan (an analysis of the historical process, activities; stages and handicrafts of poetry weaving. *Kashan Science*, 5 (2) (9 consecutive), pp. 80-103. [In Persian].
- Tabatabayi, J. (2012). *An introduction to the theory of Iran's decline*. Tehran: Contemporary view. [In Persian].
- Talebpour, F. (2017). Textile weaving in the Safavid era: from a historical perspective, styles and functions, theoretical foundations. *Visual arts*, No. 6, pp. 123-134. [In Persian].
- Tavassoli, R. (2008). A Comparative Review of Safavid and Ottoman Textile Patterns. *Islamic Art Studies*, No. 8, pp. 87-106. [In Persian].
- Tavernier, J. B. (1967). *Tavernier's travelogue* (Abu Tarab Nouri, Translator). Edited by Shirvani. Second edition. Tehran: Sanai. [In Persian].
- Ter Hohanian, H. (2018). *The history of New Jolfa* (Mohammad Ali Leon Minassian & Mohammad Ali Faridni Mousavi, Translators). Isfahan: Naqsh Khurshid. [In Persian].
- Warharram, A. (2016). *Political and social history of Iran during Zand era*. Tehran: Moin. [In Persian].
- Wilhelm, F. (1989). *Government of nader shah* (Abulqasim sari, Translator). Tehran: Tos. [In Persian].
- Zaka, Y. (1992). Persian clothes in the Achaemenid perio. *Art and People*, No. 26, pp. 16-19. [In Persian].



Investigating Kashan Woven Silks at Art Institute of Chicago and Metropolitan Museum of Art

Shahdokht Rahimpour

MA, Lecturer at Faculty of Art, University of Arak, Arak, Iran

S-rahimpour@araku.ac.ir

Received: 31/12/2022

Accepted: 09/05/2023

Introduction

The woven silk of Kashan is a part of the identity of Iranian exquisite handmade artifacts. The prosperity of these products dates back to the Safavid era and the development of textile and carpet weaving workshops. Kashan, with its ancient silk civilization, weavers, and geographical position, plays an important role in the textile trades. The ability of Kashani weavers to weave textiles and produce delicate silk carpets is a tangible heritage of culture and art. Investigation of the silk fabrics of Art Institute of Chicago and of Iranian textiles in Metropolitan Museum shows abundant Kashan silk handwoven products. Cheap substitute products and expensive raw materials for weaving silk textiles led to the recession of the traditional silk-weaving culture. To solve this problem, identifying weaving techniques and the fabrics produced in the past will emphasize the importance of indigenous knowledge of woven carpets. The aim of the present research was to study the characteristics of Kashan's silk fabrics at Art Institute of Chicago and at the Metropolitan Museum.

Materials and Methods

In Art Institute of Chicago, there is a collection of donated silk fabrics and silk Zari weavings, which comprise nearly half of the Iranian silk fabrics woven in Kashan. Metropolitan Museum also houses hand-woven silk textiles in the form of carpets and fabrics from Kashan, which is noteworthy. Therefore, to identify and



examine the characteristics of Kashan silk textiles through the samples available in Chicago Art Institute's website and Metropolitan Museum of Art, the research seeks to address the following two questions: a) What are the characteristics of Kashan silk textile patterns in Art Institute of Chicago and Metropolitan Museum of Art? b) What are the structural features of silk textiles belonging to Chicago Art Institute and Metropolitan Museum of Art? Twenty-four silk textile samples from Kashan were examined. The research data was collected through the library study and digital sources. The method deployed in this study is a descriptive-analytical one.

Results and Findings

In Art Institute of Chicago, there are twelve pieces of silk or zari cloth known as Kashan. These remaining pieces that were donated to the institute are kept in Islamic Art Department and in Textile Department of the Art Institute of Chicago. In Metropolitan Museum of New York, which includes a treasure of Iranian handwovens, there are Kashan carpets and some fabrics. The textiles in Art Institute of Chicago are made of silk as their primary material and have been produced in velvet, Zari weaving, and embossed patterns. This is also true for the weaving method of fabrics in Metropolitan Museum. The woven designs in the fabrics of the Art Institute of Chicago are all botanical, while the worked designs in the silk weavings of Metropolitan Museum include botanical, human, and animal motifs. In addition to fabrics, Metropolitan Museum houses Iranian carpets in the Islamic Art section. These carpets are woven entirely of silk or have silk pile and cotton weft with curved line patterns in a quarter and overall form. The carpet weaving technique is double-knotted and uses asymmetrical knots; the method of weaving silk threads is either simple or compound diagonal weaving with the use of expensive gold and black threads on a silk background.

Conclusion

The study on twenty-four samples of Kashan's silk textiles showed that the woven textiles of Art Institute of Chicago are made of silk, gold, and silver. *Vagireh designs, affected by nature, were also applied. The silk textiles of Metropolitan Museum contained carpet and cloth. These carpets were up to 6 m² in area with Animal Combat, Corner, and Medallion design belonging to the Safavid period. The fabric patterns were woven in human, animal, and plant forms with silk threads. Various designs and weaving techniques were found in the textiles as a model for the survival of Kashan handwoven products. The research findings were consistent with the results of other studies such as Khosravi, Bezhayam, and Dadras (2015), conducted on Iranian carpets in Metropolitan Museum. It is suggested to continue this research by studying hand-woven textiles in historical*



periods in museums worldwide or conducting comparative studies of Iranian textiles with those of other countries.

Keywords: silk and brocade fabrics, carpet, Art Institute of Chicago, Metropolitan Museum.

دو فصلنامه علمی کاشان‌شناسی، بهار و تابستان ۱۴۰۲

دوره ۱۶، شماره ۱ (پیاپی ۳۰)، صفحات: ۹۶-۶۱

مقاله علمی پژوهشی

پیشنهاد مدلی برای انتخاب رنگ فضای خواب در معماری مسکونی معاصر، مبتنی بر مبانی حکمت طبیعیات (مصادق: خانه‌های تاریخی شهر کاشان)

محمد رضا حاتمیان*

فهیمه گلباغ مهیاری**

چکیده

انتخاب رنگ به‌عنوان یک عنصر کالبدی مهم در فضای اجرایی معماری مسکونی امروز ایران از مدل‌های پژوهش‌شده علمی پیروی نمی‌کند. در این راستا سلاقی دست‌اندرکاران ساختمان‌سازی مانند کارفرمایان، سرمایه‌گذاران، سازندگان، سوداگران، معماران و عرف و هنجارهای جامعه بیشترین نقش را ایفا می‌کنند. موضوع رنگ در معماری از منظرهای مختلف قابل پژوهش است که در این نوشتار از منظر توجه به مبانی نظری حکمت طبیعیات مورد توجه قرار گرفته است. حکمت طبیعیات یکی از سه شاخه اصلی حکمت است که به امور طبیعی یا پدیده‌هایی که شامل ماده و زمان می‌شوند می‌پردازد. مبانی و احکام حکمت طبیعیات در طب سنتی ایران، به‌ویژه در آثار به‌جامانده از ابن‌سینا، به موضوعاتی مانند ویژگی‌های محیط و کالبد آن می‌پردازد و از این منظر می‌تواند به‌عنوان مبانی نظری کاربردی در ویژگی‌های عناصر کالبدی محیط مانند رنگ مورد استفاده و استناد قرار گیرد. ارتباط معماری و حکمت طبیعیات در حدود یک دهه اخیر مورد توجه پژوهشگران معماری و شهرسازی قرار گرفته است. هدف این نوشتار پیشنهاد مدلی کاربردی برای انتخاب رنگ در فضاهای خانه امروز ایران است؛ چراکه از منظر طب سنتی در حکمت طبیعیات تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است. پرسش اصلی این است که براساس مبانی نظری حکمت طبیعیات رنگ فضاهای مسکونی مبتنی بر چه شاخصه‌هایی انتخاب می‌شده است؟ روش پژوهش کیفی و در حوزه مبانی، مبتنی بر تحلیل محتوای متون مرتبط با حکمت طبیعیات در طب سنتی و استخراج شاخصه‌های انتخاب رنگ در فضاهای معماری مسکونی به‌صورت عام و در فضای خواب به‌صورت خاص پرداخته و جهت رسایی مبانی نظری، این شاخصه‌ها را در تعدادی از خانه‌های تاریخی شهر کاشان به‌عنوان مصداق جست‌وجو می‌نماید. یافته‌ها نشان می‌دهد که رنگ به‌عنوان یک عنصر مهم کالبدی دارای مزاج بوده و می‌تواند با ایجاد تعادل نسبی بین مزاج مکان طبیعی یا طبیعت و مزاج فعلیتی که در عملکردهای فضایی مانند فضای خوابیدن رخ می‌دهد، موجب تعادل مزاج مکان مصنوع یا معماری شود و با این شاخصه می‌توان رنگ فضاهای خانه را انتخاب نمود. یافته‌های نظری پژوهش در چند مصداق از خانه‌های تاریخی شهر کاشان نیز مشاهده شد.

کلیدواژه‌ها: حکمت طبیعیات، فضای خواب، مزاج رنگ.

* استادیار گروه معماری، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران، نویسنده مسئول / hatamian@kashanu.ac.ir

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد گروه معماری، مؤسسه آموزش عالی علامه فیض کاشانی، کاشان، ایران / fahimgolbagh@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۳



۱. بیان مسئله

نظریه‌های کاربردی در حدفاصل نظریه‌های مبنایی و کاربست عملی آن‌ها قرار می‌گیرند. درزمینه معماری و شهرسازی ایران در دو حوزه مبنایی و کاربستی چه در قالب تحلیل نظری و چه به صورت مهندسی معکوس و مصداق‌پژوهی، پژوهش‌های فراوانی انجام شده است. نوشتار پیش رو تلاشی در جهت پرداختن به یک پژوهش در حوزه نظریه‌های کاربردی است. در این نوشتار، رگه‌هایی از حکمت ایران در بُعد نظری و یکی از شاخه‌های مهم آن یعنی حکمت طبیعیات در طب سنتی به عنوان مبنای کاربردی مد نظر قرار گرفته است.

اساس حکمت طبیعیات در طب سنتی مبتنی بر امور طبیعی دانسته شده (ناصری و همکاران، ۱۳۸۹) که از آن‌ها با عنوان مقوله‌های اصلی در مبنای نظری طب سنتی ایران نام برده می‌شود (شمس اردکانی ۱۳۸۹؛ ناصری ۱۳۸۸: ۲۳؛ عقیلی علوی شیرازی ۱۳۸۵: ۳۴)؛ این مقوله‌ها عبارت‌اند از: عناصر، طبایع، امزجه، اخلاط، اعضا، ارواح، قوا و افعال (همان). از میان این مقوله‌ها مزاج به عنوان موضوع کلیدی در تحلیل امور طبیعی معرفی شده و مطالعه ویژگی‌های مزاجی منجر به استحصال شاخصه‌هایی می‌شود که می‌تواند مبنای نظری- کاربردی انسجام با قواعد و قوانین حاکم بر نظام عالم کون و فساد را برای موجودات محسوس فراهم آورد، و از آن با عنوان نظریه مزاج در طب سنتی نام برده می‌شود. کاربست این شاخصه‌ها در مصنوعات انسان‌ساز به دلیل ایجاد انسجام با نظام عالم موجب خروجی حکیمانه مانند معماری حکیمانه خواهد شد.

مبنای نظریه مزاج در کتاب‌های فلسفه و طب ایران مانند فصل اول کتاب قانون در طب ابن سینا دیده می‌شود؛ زیرا در قالب شاخصه‌های نظری- کاربردی در این طب به اجرا درآمده است. مبتنی بر این مبادی، تمام وجوه نفسانی (روحی) و بدنی (کالبدی) یک موجود، به صورت کل‌نگر و منسجم بین او و جهان پیرامونش تعریف می‌شود که سلامت، بیماری و درمان یا حیات طبیعی وی براساس آن معنی پیدا می‌کند. از این منظر، هماهنگی و انسجام با این مبنای نظری- کاربردی موجب سلامت و خروج از آن موجب بیماری می‌شود که آن را تعادل نسبی هر موجود می‌دانند (ابن سینا ۱۳۸۶: ۳۰۳-۳۱۵). بنابراین، درمان برگرداندن موجود محسوس به هماهنگی و انسجام لازم با این نظام یا بازگشت وی به تعادل نسبی خلقی و خلقی وی است (شریعت‌پناهی ۱۳۹۲). همان‌طور که در ادامه اشاره خواهد شد، مکان نیز دارای چنین شاخصه‌های مزاجی است و از این منظر، مورد توجه تعدادی از پژوهشگران معماری ایران قرار گرفته که در ادامه آورده شده است. لذا مکان طبیعی (یا بستر طبیعت) و مصنوع (معماری، شهرسازی و سازه‌ها و تأسیسات آن‌ها) دارای



نفس (روح) و بدن (کالبد) بوده که در هماهنگی و انسجام یا به عبارتی تعادل نسبی نسبت به خود، یکدیگر و جهان اطرافشان قرار دارند. کون و فساد یا حیات طبیعی این مکان‌ها مشروط به رعایت تعادل نسبی در آنهاست.

حوزه مورد نظر این نوشتار کالبد (بدن) ساختمان‌های مسکونی یا خانه است از آن‌رو که بخش اعظم کاربری اراضی در شهری تا فراتر از ۵۰ درصد در شهرها به کاربری مسکونی اختصاص یافته و از طرفی در عقبه فرهنگ ایران، خانه چیزی بیش از سرپناه بوده و جنبه‌های متنوع معنوی و مذهبی در تمامی ابعاد آن مانند ساخت، استقرار و استفاده مشاهده می‌شود (براتی ۱۳۸۲: ۲۵).

کالبد خانه از عناصری تشکیل شده که یکی از مهم‌ترین آن‌ها رنگ استفاده‌شده در آن است. انتخاب رنگ در کنار سایر عناصر تشکیل‌دهنده فضای خانه محصول فرایندی نظری- کاربردی است که ویژگی‌های خلقی و خُلقی آن فضا را مشخص می‌سازد. از آنجاکه این مهم در خانه‌های امروز ایران از مدل‌های پژوهش‌شده علمی پیروی نمی‌کند، این نوشتار با رویکرد تجزیه‌ای- تحلیلی تنها به عنصر رنگ و اثر آن در این فرایند تمرکز نموده است. پژوهشی که مستقیماً با موضوع این نوشتار انجام شده باشد مشاهده نشد؛ اما در حدود ده سال اخیر نظر تعدادی از پژوهشگران معماری ایران به موضوع رنگ در معماری معطوف شده است که در مرور پیشینه موضوع به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

هدف این نوشتار پیشنهاد مدلی پژوهش‌شده و کاربردی از کاربری حکمت طبیعیات در عناصر کالبدی فضای خانه معاصر است که برخاسته از حکمت ایران باشد.

پرسش اصلی این است که براساس مبانی نظری حکمت طبیعیات رنگ فضاهای مسکونی مبتنی بر چه شاخصه‌هایی انتخاب می‌شده است؟ در امتداد این پرسش اصلی پرسش‌های فرعی مطرح می‌شود که عبارت‌اند از: مزاج رنگ چیست و مزاج مکان چیست؟ و چطور با یکدیگر در تعامل مزاجی هستند؟

ابتدا با مرور پژوهش‌های مرتبط خارجی و داخلی به فهم مختصات موضوع نوشتار اشاره خواهد شد. سپس در بدنه نظری، به مقوله مزاج در حکمت طبیعیات پرداخته می‌شود. در ادامه چیستی مزاج، مزاج مکان و تعادل نسبی حاکم بر آن و مزاج رنگ تبیین شده و در انتهای ادبیات نظری چگونگی تأثیر مزاج رنگ در ایجاد تعادل نسبی فضایی از خانه، یعنی فضای خوابیدن مورد تحلیل نظری قرار می‌گیرد. جست‌وجوی یافته‌های نظری نوشتار در چند مصداق از خانه‌های تاریخی شهر کاشان نیز مورد مشاهده قرار خواهد گرفت.

۱-۱. پیشینه پژوهش

کمی بیش از یک دهه اخیر و توسط تعدادی از پژوهشگران معماری ایران، پژوهش‌هایی از فرایندهای نظری- کاربردی در معماری شروع شده است. این پژوهش‌ها کاوش در این فرایندها را با پارادایم حکمت طبیعیات و برخاسته از آن جست‌وجو می‌کنند. اهم آن‌ها در چند حیطه، قابل شناسایی و دسته‌بندی هستند:

حیطه اول طرح موضوع ارتباط بین، ویژگی‌های مشاهده‌شده در معماری و شهرسازی ایران و حکمت طبیعیات است. در این حیطه پژوهشگرانی مانند نقره‌کار و همکاران (۱۳۸۹)، حمزه‌نژاد و همکاران (۱۳۹۴؛ ۱۳۹۶؛ ۱۳۹۹)، عبدالله‌زاده و همکاران (۱۳۹۴؛ ۱۳۹۵) پژوهش‌هایی را منتشر نموده‌اند. در این پژوهش‌ها مطرح شدن اصل موضوع کاربست علمی- کاربردی مقوله مزاج در فضاهای معماری و شهرسازی ایران مورد تأکید بوده و به‌عنوان ملاک اصلی تطابق انسان و محیط مورد توجه قرار گرفته است.

حیطه دوم پژوهش‌هایی که معماری سلامت‌محور را با پارادایم حکمت طبیعیات مورد کاوش قرار داده و کاربست آن را در طراحی فضاهای معماری مانند بیمارستان‌ها، طراحی مؤلفه‌های بومی محیط، مکان‌یابی شهرها و ساختمان‌ها، نقش عناصر اربعه در سلامت فضاهای معماری را مورد تحلیل قرار داده‌اند. در این حیطه پژوهشگرانی مانند رحیمی‌مهر و همکاران (۱۳۹۶)، حمزه‌نژاد و همکاران (۱۳۹۶؛ ۱۳۹۹)، تقی‌زاده و همکاران (۱۳۹۷)، گلباغ و همکاران (۱۳۹۸)، امیرآبادی فراهانی و همکاران (۱۴۰۰) در این حیطه پژوهش‌هایی را منتشر کرده‌اند. در این پژوهش‌ها کاربست علمی- کاربردی حکمت طبیعیات و محور اصلی آن یعنی مقوله مزاج در معماری و شهرسازی ایران مورد کاوش قرار گرفته و به‌عنوان یک فرایند نظری- کاربردی با هویت سلامت‌محوری تحلیل شده است.

حیطه سوم مصداق‌پژوهی است که به کاوش در ارتباط بین تعادل مزاجی مکان و موضوعات تعریف‌شده در نمونه‌هایی از معماری ایران می‌پردازند. اغلب این پژوهش‌ها در مصداق‌هایی از معماری حمام‌های ایرانی انجام شده و در یک مورد به تحلیل فضاهای اقلیمی در معماری خانه‌های ایران پرداخته شده است. پژوهشگرانی مانند رضوی برقی و همکاران (۱۳۸۸)، دانایی‌نیا و همکاران (۱۳۹۵)، طاهری (۱۳۹۵)، رحیمی‌مهر و همکاران (۱۳۹۶) در مورد تعادل مزاجی در فضای معماری حمام‌ها اشاره داشته و حاتمیان و همکاران (۱۳۹۶) به تعادل مزاج مکان خانه‌های ایران، از طریق ویژگی‌های فضاهای اقلیمی آن‌ها پرداخته‌اند. محور اصلی این



پژوهش‌ها طرح موضوع ایجاد تعادل مزاجی در فضاهای معماری بین مزاج مکان طبیعی و مزاج مکان مصنوعی آن‌هاست که منجر به کیفیات فضایی نظیر سلامت محوری، هویت محوری، کارکرد اقلیمی، انسان محوری و مانند این‌ها شده است.

حیطه چهارم پژوهش‌هایی که به مزاج عناصر کالبدی و تأثیر آن در شاخصه‌هایی از معماری مسکونی پرداخته‌اند که پژوهش رحیمی مهر (۱۳۹۹) از این دسته است.

نوشتار پیش رو از منظر زمینه پژوهش‌های انجام‌شده در دسته آخر قرار می‌گیرد با این تفاوت که در پژوهش رحیمی مهر (۱۳۹۹) به نحوه انتخاب رنگ فضاهای خانه توسط مزاج‌های مختلف پرداخته شده است؛ در حالی که در پژوهش پیش رو تلاش می‌شود نقش رنگ به‌عنوان یک عنصر کالبدی در ایجاد تعادل مزاجی مکان طبیعی و مکان مصنوعی یا فضاهای خانه کاوش شود؛ زیرا دخالت مزاج کاربران در چنین پژوهشی تنها زمانی امکان‌پذیر خواهد بود که معماری مسکونی با تعریف شاخصه‌های کالبدی برای کاربران مشخص مورد مطالعه قرار گیرد. این در حالی است که عملاً در اکثر به‌اتفاق ساختمان‌های مسکونی عرف امروز ایران ابتدا خانه ساخته می‌شود و سپس کاربران آن مشخص می‌گردند.

اهمیت نقش رنگ در ادراک کالبد فضاهای معماری مورد توجه علوم مختلف است؛ از آنجاکه این ادراک توسط انسان انجام شده و یک واقعیت روان‌شناختی فیزیولوژیکی است (ایتن، ۱۳۷۸). ترکیب رنگ‌ها در معماری امروز دارای دو کاربرد زیبایی‌شناسانه و عملکردی است (اسحاق‌آبادی و همکاران ۱۳۹۶). استفاده از رنگ در حال حاضر با رویکردی در اغلب موارد زیبایی‌شناسانه مطرح می‌شود؛ در حالی که رنگ از منظر طبابت و در حوزه علوم انسانی مورد پژوهش بوده و می‌باشد. از منظر طبابت هم در طب جدید و هم طب سنتی تأثیر رنگ بر هیجانات و اعراض نفسانی به‌صورت عکس‌العمل‌های روانی و بدنی مورد تأکید بوده و رنگ درمانی دارای قدمتی تاریخی در تمدن‌های زرتشتی ایران، چین، هند، یونان و اسلام است (همان). در طب جدید، پاسخ‌های فیزیکی ناپایدار به تأثیر رنگ‌ها مانند تغییر در فشار خون، ضربان قلب، عرق کردن بدن، تغییر تنفس، متأثر ساختن احساسات و مانند این‌ها به‌صورت معنادار مشاهده شده است (رحیمی مهر، ۱۳۹۹). از منظر ابن‌سینا رنگ نشانه مهمی در تشخیص، درمان و حالات درونی است و در مواردی از طبابت مانند علامت و عارضه، حالات درونی، ویژگی خاص یک عضو بدن، درمان بیماری، ویژگی‌های دارو، عامل اختلال در تشخیص بیماری، غلبه اخلاط چهارگانه در بدن و نام بعضی از بیماری‌ها مانند سیاه‌زخم به کار گرفته

می‌شود (صهبا، ۱۳۸۳). در طب سنتی، رنگ دارای مزاج دانسته شده است و مزاج رنگی که در محیط زندگی وجود دارد، روی مزاج کاربر آن محیط تأثیر گذاشته و غلبه مزاجی ایجاد می‌نماید که خود باعث خروج یا حفظ تعادل مزاجی فرد می‌شود. برای مثال قرار گرفتن افراد در مقابل رنگ قرمز به تدریج باعث غلبه دم در آن‌ها می‌شود (رحیمی مهر، ۱۳۹۶) که اگر دارای مزاج گرم و تر (دموی) باشند، غلبه دم را در وی تشدید می‌نماید. یا قرار گرفتن افراد در محیط‌هایی با رنگ سیاه باعث غلبه سودا در آن‌ها شده که خود موجب غلبه سردی در مغز و ناآرامی در فرد می‌شود (همان).

پژوهشگران در نحوه انتخاب، حجم و نحوه به‌کارگیری رنگ در فضاهای معماری هفت عامل را دخیل دانسته که عبارت‌اند از: سن کاربران، محل زندگی، فصول سال، فرهنگ جامعه، زمینه هوشی عاطفی کاربران، ویژگی جامعه و طبقات اجتماعی (ساطعی ۱۳۷۲) که در پژوهش رحیمی مهر تأثیر متقابل مزاج رنگ در دیوارها و مزاج ساکنان به‌عنوان عامل هشتم مطرح شده است (همو، ۱۳۹۹).

اما رنگ و تأثیر آن از مزاج مکان و اقالیم مختلف در پژوهشی از نقره‌کار و دیگران در سال ۱۳۸۹ مورد کاوش قرار گرفته است. بنابراین پژوهش بین ویژگی‌های مزاج مکان و انتخاب رنگ فضاهای معماری توسط ساکنان آن اقلیم ارتباط مؤثر دیده شده است. براساس این نوشتار، ساکنان مکان‌های گرم و خشک و سرد و خشک که به‌دلیل غلبه خشکی، دارای سکون و کمی هیجانات هستند، در فضاهای معماری خود از رنگ‌های آرام، مات و کم هیجان استفاده می‌کنند. بالعکس در مزاج مکان‌های معتدل و مرطوب و گرم و مرطوب به‌دلیل وجود رطوبت، گرایش ساکنان به استفاده از رنگ‌های هیجانی، تند و متنوع دیده می‌شود. اما در پژوهشی که در سال ۱۳۹۹ و توسط رحیمی مهر انجام شده، با تحقیق میدانی، ارتباط بین مزاج افراد با رنگ دیوارها مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های این پژوهش نشان داده است که رابطه معناداری بین مزاج افراد و مزاج عناصر کالبدی مثل رنگ وجود دارد (همان)؛ به شکلی که بین گرمی و سردی، تری و خشکی رنگ فضاهای نشیمن و اتاق خواب و آزموده‌شده‌ها (کاربران) ارتباط معنادار دیده می‌شود. برای مثال آزموده‌شده‌ها با مزاج گرم در واحدهایی زندگی می‌کرده‌اند که رنگ فضاهای اتاق خواب و نشیمن‌های آن‌ها گرم‌مزاج بوده است (همان).

در مجموع می‌توان مشاهده نمود طب سنتی تأکید فراوانی دارد که قرارگیری افراد در مقابل رنگ‌ها چه در حالت تصاویر و مناظر و چه به‌کاررفته در محیط زندگی و چه در بستر طبیعی



زیست آن‌ها روی غلبه مزاجی فرد کاملاً تأثیرگذار است. این تأثیر و تأثرها مبتنی بر مبادی و احکام حکمت طبیعیات دارای تحلیل نظری- کاربردی است.

اما سوی دیگر این پژوهش فضاهای ساختمان‌های مسکونی یا فضای خانه است. اهمیت فضای زندگی یا به عبارت مصطلح‌تر فضای خانه، به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و نهادینه‌ترین انواع معماری مورد غفلت قرار گرفته چراکه بی‌توجهی به نیازهای کیفی روانی کاربران و توجه تنها به وجه اقتصادی خانه موجب غفلت از نقش فضای خانه در هویت‌بخشی به انسان امروز ایران شده است (عینی‌فر، سرمد و شاهچراغی، ۱۳۹۸). مفهوم فضای معماری به‌صورت کلی و در ذیل آن یعنی فضای خانه در دوران معاصر و پس از گذر از خانه سنتی به خانه معاصر، دچار برداشت‌ها و تحولاتی چند شده است؛ ولی هنوز فضای زندگی به‌عنوان یک مفهوم محوری در کنار فضای کالبدی و فضای تخیلی در دوران معاصر باقی مانده است (ناری قمی و دامیار ۱۳۹۱). در خانه سنتی توجه هم‌زمان به کالبد و شیوه زندگی توأمان انجام می‌شده که در معماری امروز خانه‌ها، این موضوع به‌کلی فراموش شده است. به عبارتی کالبد و فعالیت‌های برخاسته از شیوه زندگی ایرانی در تعامل تنگاتنگی با یکدیگر بوده‌اند. ارژمند و عبدالله‌زاده (۱۳۹۱) در نوشتاری این موضوع را در خانه‌های قاجاری شهر شیراز از منظر آداب زندگی و فعالیت‌های شیوه زندگی ایرانی مورد تحلیل قرار داده‌اند. بر این اساس چگونگی استفاده از فضاها در معماری خانه سنتی مبتنی بر سبک و روش زندگی کاربران دانسته شده است. این روش زندگی ابعادی از فضای خانه سنتی را متبلور ساخته که هویت معماری یک خانه سنتی را در گرو تعامل با آن‌ها تعریف می‌نماید که رؤسشان عبارت است از: طبیعت، خلوت، تنوع و انعطاف‌پذیری، زندگی جمعی، ارتباط با ساکنان، جمال و زیبایی، حس دل‌بستگی. در ذیل، دو بُعد طبیعت و جمال از خانه سنتی به نقش و اهمیت هم‌آغوشی نور و رنگ‌های به‌کارگرفته‌شده در فضاهای خانه سنتی تأکید شده است (همان). آداب زندگی، فعالیت‌های فضاها را مشخص می‌ساخته که این فعالیت‌ها در پنج دسته فعالیت‌های خانواده، ارتباط با دیگران، ارتباط با خود، ارتباط با طبیعت و ارتباط با خدا قابل دسته‌بندی دانسته شده‌اند. از آنجاکه این نوشتار قصد پرداختن به موضوع روش و سبک زندگی را ندارد، تنها فعالیت‌های خانواده را که در عرف زندگی امروز نیز به چشم می‌خورند، مورد نظر قرار داده است. در جدول زیر فعالیت‌های فضای زندگی در خانه سنتی از منظر این پژوهش آورده شده است.

جدول ۱: فعالیت‌های محوری خانه در سبک زندگی خانواده ایرانی (ارژمند و عبدالله‌زاده، ۱۳۹۱)

آداب زندگی	فعالیت‌ها	نحوه بروز فعالیت‌ها در کالبد خانه‌های سنتی	ویژگی‌های خانه سنتی شیراز
آداب خانوادگی	خوردن	دور هم جمع شدن اعضای خانه به دور سفره در فضاهای مختلف در فضاهای باز و بسته مانند ایوان، حیاط، تخت، اتاق و...	امکان ایجاد تنوع فضایی برای این فعالیت
	خوابیدن	خوابیدن همه افراد خانه روی زمین و کنار یکدیگر در فضاهای باز و بسته مانند اتاق، ایوان، بام، تخت در حیاط و...	امکان ایجاد تنوع فضایی برای این فعالیت
	نشستن، دور هم جمع شدن	نشستن دور هم بر روی زمین و انجام فعالیت‌های جمعی خانواده مانند فعالیت‌های روزمره و دائمی، خوردن، مراسم و مناسک و... در ساعات و فصول مختلف در فضاهای باز و بسته مانند ایوان، حیاط، اتاق، تالارها، حوض‌خانه، سرداب و ...	فعالیت‌های روزمره و دائمی در فضاهای متنوع
	غذا پختن، شستن و نظافت	فعالیتی جداشده برای ایجاد فضایی امن (به دور از دید و مزاحمت) برای کار زن خانه، دارای ایراداتی مانند کمی نور، کمی تهویه	تعریف فضایی متمایز نشده

این فعالیت‌ها از آنجاکه جزء جدایی‌ناپذیری از زندگی روزمره خانواده‌های ایرانی شده و از گذشته تا به امروز نیز ادامه یافته‌اند، دارای اهمیت بوده و می‌توانند به‌عنوان مفروض بررسی فعالیت‌های زندگی در فضای خانه مورد مطالعه قرار گیرند؛ زیرا همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، ویژگی‌های فضای زندگی را مشخص می‌سازند. این فعالیت‌ها عبارت‌اند از: فعالیت‌های طبخ غذا، استراحت و خواب، تجمع خانوار و صرف غذا.

۲-۱. روش انجام پژوهش

تحقیق پیش رو یک پژوهش کیفی است که در دو مرحله با دو روش انجام شده است: مرحله اول تبیین و فهم نظریه مزاج در طب سنتی ایران و مبتنی بر ارکان و مبادی آن برخاسته از حکمت طبیعیات است. این بخش به فهم مقوله‌های مزاج، مزاج مکان و تعادل نسبی، مزاج رنگ و ارتباط آن با فضاهای زیست انسان می‌پردازد. در این مرحله، از روش تحلیل محتوای ارکان و مبادی طب سنتی برگرفته از آراء و متون به‌جامانده از ابن‌سینا استفاده شده است. در حکمت طب ایران، دانشمندان متعددی به این نظریه پرداخته‌اند؛ اما حکمت سینوی از این رو دارای اهمیت است که در سه حیطه حکمت طبیعیات، یعنی مبانی و احکام نظریه مزاج در طب سنتی، کاربرد نظری حکمت طبیعیات در طب نظری و به‌کارگیری آن در طب عملی دارای آثار و تجارب معتبر

علمی و شناخته‌شده در ایران و جهان است. در این مرحله، سعی شده تا تعامل مزاجی بین مکان طبیعی، مکان مصنوع و مزاج رنگ مورد تحلیل قرار گرفته تا نحوه تعامل آن‌ها مبتنی بر این نظام نظری مشخص گردد.

ابتدا براساس ویژگی‌های مزاج‌ها که برخاسته از متون مرتبط است، یک تحلیل نظری-استنتاجی بر روی فعل خوایدن مبتنی بر جدول ۴ انجام شد تا مزاج این فعالیت مشخص گردد. سپس تعامل مزاجی بین مزاج این فعالیت، مزاج مکان طبیعی و مزاج رنگ صورت گرفت.



تصویر ۱: مختصات تعاملی عنصر کالبدی مانند رنگ در ایجاد اعتدال مزاجی بین مزاج فعالیت و مزاج مکان طبیعی

در این تحلیل نظری که یکی از متغیرهای آن مزاج مکان طبیعی است، مزاج معتدل در نظر گرفته شد تا تطابق نظری دوگانه مزاج فعالیت و مزاج رنگ با سهولت بیشتری انجام شود. در مبانی نظری و در ادامه اشاره خواهد شد که نتایج این تحلیل چگونه می‌تواند در مزاج مکان‌ها یا اقالیم دیگر مورد استفاده قرار گیرد یا به عبارتی دوباره ویژگی‌های مزاج مکان طبیعی حضور پیدا نماید. یافته‌های این بخش به چگونگی تعامل مزاج رنگ در ایجاد تعادل نسبی بین مزاج فعالیت‌ها و مزاج مکان اشاره خواهد داشت. شایان ذکر است که چون فرایند طبیعی خَلق و خُلُق فضای زندگی که در معماری ایرانی در پیشینه موضوع اشاره شد، تابع مستقیمی از فعالیت‌های آن فضا است، با مطالعه و ایجاد تعادل فعالیت‌ها می‌توان فضای متعادل زندگی تولید نمود و این مهم از طریق تعریف ویژگی‌های عناصر تشکیل‌دهنده فضا امکان‌پذیر بوده که یکی از آن‌ها رنگ فضا است.

مرحله دوم روایی یافته‌های نظری در یکی از فعالیت‌های خانه ایرانی یا فضای خواب مورد کاوش قرار گرفته است.

۲. مبانی نظری پژوهش

شاخصه‌های انتخاب رنگ فضای خواب مبتنی بر مبانی نظری حکمت طبیعیات:

جهان بر پایه نظم و اعتدالی بنا نهاده شده است که حکمای ایران، مبنای ویژگی‌های خَلقی و خَلقی آن را مبتنی بر امتزاج چهار رکن آب، آتش، خاک و هوا می‌دانند؛ به عبارتی از ترکیب مسالمت‌آمیز عناصر چهارگانه، تمامی موجودات، فضا، مکان و فعالیت‌ها شکل گرفته و دارای تعادلی نسبی هستند (ابن‌سینا، ۱۳۸۶: ۲۱۹-۳۰۷). از منظر این حکمت، حیات طبیعی در عالم، منوط به رعایت این تعادل است. این تعادل مبتنی بر کنش‌ها و واکنش‌هایی است که کیفیت یا طبع این عناصر در امتزاج با یکدیگر ایجاد می‌کنند. ویژگی‌های ذاتی ارکان با عنوان «قوا یا کیفیات اولیه» عناصر معرفی شده است که عبارت‌اند از: «گرمی»، «سردی»، «تری» و «خشکی». این کیفیات در دو معنا به کار گرفته می‌شوند: یک آنکه قوه بر «انجام یک فعل» اثر دارد و دیگری قوه در «مقابل انجام یک فعل» تأثیرگذار است. این تعریف از قوه مورد استفاده در «فعل و انفعال» قرار گرفته است؛ یعنی در منفعل باعث ایجاد انفعال و در فاعل باعث ایجاد فعل می‌شود (ابن‌سینا، ۱۳۷۹: ۵۲۴). پس این کیفیات و اثرات آن‌ها را می‌توان در دو قسم شناسایی و بیان نمود که عبارت‌اند از: اثرات فاعلی و اثرات انفعالی. اثر فاعلی، به تأثیرگذاری اشاره دارد و اثر انفعالی به تأثیرپذیری. کیفیت گرمی منجر به تأثیرگذاری بیشتر و کیفیت سردی منجر به تأثیرگذاری کمتر می‌شود. از طرفی کیفیت تری، منجر به تأثیرپذیری بیشتر و کیفیت خشکی منجر به تأثیرپذیری کمتر می‌شود (صلیبا و صانعی، ۱۳۶۶: ۵۶). این تأثیر و تأثرات منجر به ویژگی‌های منحصربه‌فرد خَلقی و خَلقی موجودات محسوس، مکان‌ها، زمان‌ها، فعالیت‌ها و... می‌شوند (ابن‌سینا، ۱۳۸۶: ۳۰۱، پاورقی).

مکان‌های طبیعی (طبیعت) و مکان‌های مصنوع (معماری، شهرسازی و سازه‌ها) که توسط انسان ایجاد می‌شوند، از منظر خَلقی و خَلقی واجد این کیفیات بوده و نحوه تعامل این کیفیات با یکدیگر چگونگی تعادل نسبی‌شان در درون خود و نسبت به یکدیگر را مشخص می‌سازد. لذا با مطالعه تعادل نسبی پدیده‌ها مانند مکان‌ها نسبت به ویژگی‌های درونی و تعامل بیرونی خود می‌توان شاخصه‌های این تعادل را استحصال نمود.

معمار با خلق مکان مصنوع بر تعادل طبیعت تأثیر گذاشته و عدم شناخت این تعادل بین مکان طبیعی و مکان مصنوع موجب خروج هر دو از تعادل نسبی براساس حیات طبیعی آن‌ها می‌شود. عناصر کالبدی یکی از مهم‌ترین اجزای تشکیل‌دهنده معماری در محیط مصنوع هستند که طیف گسترده‌ای از موضوعات را شامل می‌شوند؛ مانند مصالح، بافت، ابعاد، جنس، رنگ، تناسبات، هندسه و موارد دیگر که در این نوشتار تنها تأثیر رنگ در معماری مورد توجه است.



ارتباط روانی جسمی کاربر با معماری از طریق رنگ محیط مبتنی بر مرور ادبیات موضوع که پیش‌تر اشاره شد، امری ثابت شده است. لیکن مبتنی بر چهارچوب نظری‌ای که حکمت طبیعیات در اختیار قرار می‌دهد تاکنون پژوهشی انجام نشده است.

۱-۲. حکمت طبیعیات

حکمت طبیعیات عبارت است از پرداختن و کاوش در مورد اصولی معین و اموری که به اجسام طبیعی مربوط می‌شود و از طرفی اموری را بررسی می‌نماید که به «جسم طبیعی» ربط پیدا می‌کند شامل حرکت، سکون، زمان، مکان، شکل، کون و فساد و مانند این‌ها (ایناتی، ۱۳۸۳: ۴۰۶). در نتیجه کاوش دربارهٔ امور عالم ماده همچون چندوچون عناصر یا عناصر اربعه و امزجه که حاصل ترکیب عناصر هستند و چگونگی و چیستی آن‌ها در موجودات اعم از جماد، نبات و انسان و نفس او که در این حکمت همگی اجسام طبیعی و اعتباری از صورت اجسام دانسته شده‌اند، موضوع بحث این حکمت به حساب می‌آیند. همهٔ این امور معروض حرکت و ماده دانسته شده‌اند. اثبات چندوچون، چیستی و چگونگی این امور در حکمت طبیعیات به‌عنوان مبادی علوم جزئی و به اصطلاح امروزی تخصصی مانند طب قرار گرفته‌اند؛ لذا طب را از حوزه‌های زیرمجموعهٔ حکمت طبیعیات دانسته‌اند (کدیور، ۲۰۰۹؛ عقیلی علوی شیرازی، ۱۳۸۵؛ شمس اردکانی و همکاران، ۱۳۸۹؛ حاتمیان، ۱۳۹۷). سازوکار بنیادی این مبادی بر محوریت ارکان یا عناصر چهارگانه دانسته شده است؛ لذا در متون مربوط به علوم دقیقه که مبانی نظری خود را از حکمت طبیعیات گرفته‌اند مانند کیمیا، کانی‌شناسی، نجوم، موسیقی، طب و مانند این‌ها، به‌عنوان محوریت مبادی این علوم بیان شده است.

امور طبیعیه امور منسوب به طبیعت است و آن شروع و مبادی اصلی سازوکار بدن و نفس انسان و سایر موجودات دانسته شده است و جسم همهٔ موجودات با این امور شکل گرفته است. کیفیات، عناصر، طبایع و امزجه در ذیل امور طبیعیه بیان شده‌اند، و تعریف آن چنین اشاره شده است که «به وجود آمدن و اعتدال موجودات و انسان به وجود آن‌ها بستگی دارد»؛ که در متون طب سنتی از آن‌ها به‌عنوان مقوله‌های اصلی طب یاد شده است (ناصری و همکاران، ۱۳۸۹) و عبارت‌اند از: عناصر، طبایع، امزجه، اخلاط، اعضا، ارواح، قوا و افعال (شمس اردکانی و همکاران، ۱۳۸۹؛ ناصری، ۱۳۸۸: ۲۳؛ عقیلی علوی شیرازی، ۱۳۸۵: ۳۴؛ حاتمیان، ۱۳۹۷: ۴۹).

در مبانی نظریهٔ مزاج بیان شده است که «شناخت هرچیز مشروط به معرفت ما بر منشأ و علل آن است؛ به شرطی که منشأ و علل به‌طور آشکار خودنمایی کنند» (ابن‌سینا، ۱۳۷۹: ۱۰). از منظر

دانش طبیعیات، عالم محسوس از «ارکان» یا «عناصر» ساخته شده است و ویژگی‌های ذاتی ارکان یا عناصر از «طبیعت» آن‌ها نشئت می‌گیرد. بنابراین با شناخت ویژگی‌های ذاتی آن‌ها امکان معرفت بر پدیده‌ها در عالم محسوس فراهم می‌شود. در جدول زیر، به اختصار، صفات، ویژگی‌ها و اثرات چهارگانه‌ها (ارکان) بیان شده است.

جدول ۱: تقسیم‌بندی مزاج عناصر (یوسفی فرد، ۱۳۹۱: ۲۳۱)

عناصر جرم	طبع	ویژگی‌های القاکننده	جرم	نماد
خاک	سرد و خشک	پایداری	سنگین مطلق	نهایت جمود و خشکی
آب	سرد و مرطوب	نرمی	سنگین نسبی	نهایت سردی
هوا	گرم و مرطوب	سبکی، نرمی، نفوذپذیری	سبک	نهایت روانی و تری
آتش	گرم و خشک	نضج، لطافت و سبکی	خیلی سبک	نهایت گرمی

موجودات محسوس از ترکیب عناصر چهارگانه و ویژگی‌های طبیعت آن‌ها که با عنوان «کیفیت عناصر چهارگانه» از آن‌ها نام برده می‌شود، تکوین پیدا نموده و مزاج هر موجود محصول این ترکیب است. محوری بودن مقوله مزاج در موضوعات امور طبیعیه راه، ابن‌سینا چنین بیان نموده که «مزاج با اینکه یک عرض است، لیکن از نگاه فلسفی بسیار بااهمیت بوده، زیرا هرگاه با امتزاج کیفیات عناصر، مزاج به وجود آید و به دنبال آن صور نوعی بر شئیء افاضه گردد، همه خصوصیات خلقی و خلقی شئیء تابع آن مزاج هست» (ابن‌سینا ۱۳۸۶: ۳۰۱، پاورقی).
لذا با مطالعه ویژگی‌های مزاجی می‌توان به کم و کیف وضعیت موجود محسوس پی برد؛ به همین دلیل در طب سنتی تمامی فرایندهای طبابت مانند تشخیص، درمان و اعمال یدای منوط به تشخیص مزاج بیمار تعریف و انجام می‌پذیرند.

۲-۲. چیستی مزاج

«مزاج به کیفیت نهایی و یکسان یک جسم مرکب گفته می‌شود که در نتیجه کنش و واکنش بین کیفیت‌های عناصر چهارگانه در آن به وجود می‌آید» (همان: ۳۰۱). مزاج در لغت به معنی آمیختن است و هر موجودی که در آن ترکیب و آمیختگی وجود دارد، دارای مزاج هست؛ بنابراین با توجه به آنکه همه موجودات و اجسام عالم محسوس از کیفیات مشترک برآمده‌اند پس دارای مزاج هستند. خوردنی‌ها، سرزمین‌ها، اقلیم‌ها، انسان‌ها، حیوانات، گیاهان، اشیا، رنگ‌ها، مواد، ایام و فصول، سنین، اعضای مختلف بدن دارای مزاج مخصوص به خود هستند (همان: ۲۱۹-۳۰۷).



پیشنهاد مدلی برای انتخاب رنگ فضای خواب در معماری... محمدرضا حاتمیان، فهیمه گلباغ مهبیاری

10.22052/KASHAN.2023.248414.1057

از درآمیختن عناصر چهارگانه، هشت مزاج پدید می‌آید که چهار تای آن‌ها مرکب و عبارت‌اند از: مزاج‌های گرم و تر، گرم و خشک، سرد و تر، سرد و خشک؛ و چهار تای آن‌ها مزاج مفرد هستند که فقط دارای یک کیفیت غالب هستند که عبارت‌اند از: مزاج‌های گرم، سرد، تر و خشک. مزاج‌های هشت‌گانه و ویژگی‌های آن‌ها در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲: ویژگی مزاج‌های غیرمعتدل، نگارندگان ۱۴۰۱ مبتنی بر کتاب قانون نسخه شرفکندی، ۱۳۹۱؛

البخاری ۱۳۴۴: ۱۱۹-۱۲۰

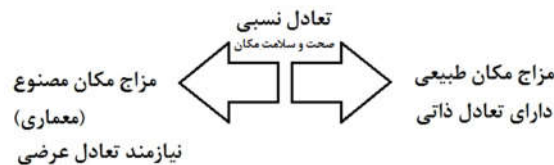
نوع مزاج	مزاج	ویژگی‌ها	ویژگی‌های فاعلی - انفعالی
مفرد	گرم	لطف، نضح، سبکی و کاهش شدت سردی است. حرکت در آن بیشتر است، حرارت	افزایش فعالیت (تأثیرگذاری)
مفرد	سرد	فعل و انفعالات ضعیف و ناقص، حرکت کند، سستی	کاهش فعالیت (تأثیرگذاری)
مفرد	خشک	سختی، جمود	کاهش انفعالی (تأثیرپذیری)
مفرد	تر	سست، نفوذپذیر، روان	افزایش انفعالی (تأثیرپذیری)
مرکب	گرم و خشک	نهایت گرمی، لطافت و سبکی، نضح، حرکت، پویایی	تأثیرگذار زیاد و تأثیرپذیر کم
مرکب	گرم و تر	روانی و تری، نفوذپذیری	تأثیرگذار زیاد و تأثیرپذیر زیاد
مرکب	سرد و خشک	سفتی و سردی، نهایت سردی و خشکی، سنگین مطلق	تأثیرگذار کم و تأثیرپذیر کم
مرکب	سرد و تر	کندی، هراس، نهایت سردی	تأثیرگذار کم و تأثیرپذیر زیاد

آنچه در این منظر، جهان را به سمت «تعداد نسبی» سوق می‌دهد، تعامل میان عناصر، کیفیات و امتزاج آن‌هاست که در ذات عالم محسوس مفروض است؛ به‌گونه‌ای که مزاج در ارتباط با یک جسم با مزاج بالفعل مخالف تغییر می‌کند. این فرایند را «عمل به ضد» یا «اقدام به ضد» نامیده‌اند (البخاری، ۱۳۴۴: ۱۹۳-۱۹۶). به عبارتی اگر جسم گرمی در ارتباط با جسم سرد قرار گیرد، خواص به سمت جسم سرد سوق پیدا می‌کند. مطالعه امزجه و کیفیات آن‌ها امکان بررسی تعادل نسبی در هر موجودی از عالم محسوس را در اختیار ما قرار می‌دهد. این مهم در مورد تعادل نسبی مکان‌ها نیز قابل پژوهش است.

۳-۲. مزاج مکان و تعادل نسبی

مکان از جمله مواردی است که دارای مزاج دانسته شده و به نقل از ابن‌سینا اقلیم بر آن تأثیرگذار است (ابن‌سینا شرفکندی، ۱۳۸۹: ۱۵۲-۱۶۳). در گذشته، مناطقی را که می‌شناختند به دو صورت دایره‌ای^۱ و هفت اقلیم^۲ تقسیم‌بندی اقلیمی نموده‌اند (ستوده، ۱۳۵۳: ۸). مکان‌های^۳ گوناگون

دارای مزاج‌های متفاوتی هستند که در کتاب‌های طب سنتی، فقط به مزاج مناطق کوهستانی (سرد و خشک)، بیابانی (گرم و خشک) و مناطق کنار دریا که در جنوب آن کوهستان باشد (سرد و تر) اشاره نموده‌اند (ولایتی، ۱۳۸۹: ۱۹۳). ابن‌سینا در قانون، مناطق را با توجه به خاک، زمین، بخارات، کوه‌های پیرامون و بادها، به مناطق گرمسیر، سردسیر، مرطوب، خشک، بلندی‌ها، پستی‌ها، سنگلاخ لخت، کوهساران برفگیر، کرانه‌های دریا، سرزمین‌های شمالی تقسیم کرده است (ابن‌سینا شرفکندی، ۱۳۸۹: ۲۱۳-۲۱۴). در پژوهش‌های اخیر معماری ایران نیز بر همین نکته تأکید شده که بین مزاج مکان‌ها و مکان‌یابی شهرها در ایران سنتی رابطه‌ی معنا دار مشاهده شده است (حمزه‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۴؛ گلباغ و همکاران، ۱۳۹۸). فارغ از مکانیزم تشخیص مزاج مکان که از حوصله‌ی این نوشتار خارج است، اهمیت موضوع از منظر این پژوهش در این است که مکان‌ها دارای مزاج بوده و از طریق مزاج خود با محیط داخلی و پیرامونی در حال تعامل مزاجی هستند. این تعاملات منطبق بر مدل «تندرستی و بیماری» با مبنای «اعتدال مزاجی» قرار داده شده است. این موضوع در ادبیات طب سنتی اشاره شده و معیار اصلی تعیین سلامت در طب سنتی «اعتدال نسبی» دانسته شده است که نسبت به موقعیت‌ها و اوضاع مختلف سنجیده می‌شود. با این رویکرد، تندرستی در هر پدیده‌ای از عالم محسوس رعایت اعتدال نسبی وی و بیماری، خروج از این اعتدال دانسته شده است. مکان‌ها نیز از این قاعده مستثنی نیستند. در امری طبیعی مانند مکان‌های طبیعی این اعتدال نسبی جاری و ساری بوده و مکان‌های طبیعی از این منظر دارای تندرستی ذاتی هستند. معماری با دخل و تصرف در مکان‌های طبیعی در اعتدال مزاجی آن‌ها ورود پیدا کرده و این تعادل را دچار تغییر می‌نماید. شرط لازم و کافی برای حفظ تعادل نسبی مکان طبیعی ایجاد مکان مصنوعی‌ای است که خود را در بستر این تعادل تعریف نموده و خود دارای تعادلی نسبی بوده و به عبارتی موجب بر هم زدن تعادل نسبی مزاج مکان نشود. از آنجاکه معماری ذاتاً دارای تعادل نسبی نبوده و بایستی این امر مهم توسط معمار بر ویژگی‌های معماری «عارض» گردد، درحقیقت مزاج مکان مصنوعی به‌منظور بر هم زدن تعادل ذاتی مکان طبیعی نیازمند «تعادل عارضی» است. در دیاگرام زیر این مناسبات اشاره شده است.



تصویر ۲: تعادل نسبی مکان طبیعی و مصنوعی

پژوهش‌های حیطه اول و دوم که پیش‌تر در معرفی پیشینه موضوع اشاره شد، نیز بر این موضوع تأکید نموده‌اند که هم در حوزه تحلیل نظری ارتباط معماری و تعادل مزاجی و هم در مورد بررسی مصادیق مشاهده شده است. معماری مانند هر امر انسانی دارای وجوه بسیار گسترده مادی و غیرمادی است که پرداختن به همه آنها نیازمند پژوهش‌های متعددی است که این خود انگیزه اصلی پژوهش‌های حوزه معماری و نظریه مزاج در دهه اخیر معماری ایران شده است. در این نوشتار، تنها به تأثیر مزاج رنگ فضاهای خانه، به‌منظور عارض نمودن تعادل نسبی در معماری آنها، یا به عبارتی ایجاد تعادل نسبی بین مکان طبیعی و مکان مصنوع آنها پرداخته خواهد شد.

۴-۲. مزاج فعالیت‌ها در فضاهای خانه

در جدول ۱ به فعالیت‌های زندگی خانوار ایرانی که از گذشته تا به امروز امتداد داشته است، مبتنی بر پژوهش ارژمند و عبدالله‌زاده اشاره شد. تشخیص و اختصاص مزاج برای این فعالیت‌ها از طریق شناخت نوع فعالیت و ویژگی‌های مزاج‌های غیر معتدل امکان‌پذیر است که در قیاس با مزاج «مکان معتدل» سنجیده می‌شود. از میان این فعالیت‌ها به‌عنوان نمونه فعل «خوابیدن» در این نوشتار مورد کاوش قرار گرفته است. شایان ذکر است که از تأثیر تعدادی از عوامل مداخله‌گر مانند فصل فعالیت و ویژگی‌های فردی کاربران مانند اعراض نفسانی، تندرستی و بیماری، جنسیت، سن و مانند این‌ها که بر مزاج فعالیت تأثیرگذارند و به‌منظور ساده‌سازی و فهم موضوعی که تاکنون در مورد آن پژوهشی انجام نگرفته است، صرف‌نظر شد. تنها زمان انجام فعالیت که در مورد فعل خوابیدن همانا به‌صورت عرفی شب می‌باشد، در تحلیل نظری لحاظ شده است. بنا بر تحلیل صاحب‌نظران طب سنتی زمان مناسب خواب ۱۰ شب تا یک ساعت مانده به اذان صبح (صفحه رسمی استاد حسین خیراندیش، ۱۴۰۱؛ سایت طبایع، ۱۴۰۱) که حدود ساعت ۴ در ۳۱ خرداد یا انقلاب تابستانی و ۵:۴۰ بامداد در ۳۰ آذر یا انقلاب زمستانی است، عنوان شده است. غیر از ساعت بیداری که با توجه به فصول تغییر می‌نماید، آنچه برای این پژوهش حائز اهمیت است، آن است که در این محدوده زمانی مزاج زمان سرد است (همان). علت مناسب بودن این محدوده زمانی را چنین تبیین نموده‌اند که چون در هنگام خوابیدن بدن از بیرون سرد و از داخل گرم می‌شود، زمان مناسب خوابیدن در محدوده‌های زمانی با مزاج سرد مناسب است. به همین دلیل در طب سنتی به‌جز خواب قیلوله که نیم ساعت پیش از اذان ظهر می‌باشد، در سایر اوقات روز خوابیدن نهی شده است (همان). سازوکار نظری نوشتار، در فضایی

مانند فضای خواب با شناخت ویژگی‌های این فعالیت انسانی در متون طب سنتی و تطابق منطقی آن با ویژگی‌های مزاج‌های غیرمعتدل به شکل زیر انجام شده است.

۱-۴-۲. خواب و بیداری

خواب و بیداری از ضروریات شش‌گانه یا سته ضروریه جهت حفظ سلامتی یا حفظ الصحه مورد توجه طب سنتی ایران است (ابن‌سینا، ۱۳۸۹: ۱۸۷). علت خواب از منظر طب سنتی ایران با رطوبت و بیداری با خشکی بدن و به‌ویژه رطوبت مغز در ارتباط است. در واقع علت خواب، وجود رطوبت در مغز است که اعصاب را سست کرده، خواب را پدید می‌آورد. خواب از بیرون، بدن را سرد و از درون بدن را گرم می‌کند. بیداری ضد خواب است؛ یعنی ظاهر بدن را گرم و باطن (درون بدن) را خسته و سرد می‌کند و هرچه مدت‌زمان بیداری بیشتر باشد، این حالت افزایش پیدا می‌کند. اما این تمام قضیه نیست و عوامل دیگری نیز در یک خواب متعادل و خوب دخیل هستند که می‌توانند بر کیفیت خواب انسان تأثیر بگذارند که اگر این عوامل در نظر گرفته نشوند، مزاج مغز انسان را به سمت خشکی که عامل مهم بی‌خوابی است هدایت می‌کنند؛ مانند فکر و خیال و استرس زیاد، مصرف داروهای خاص، اختلالات تیروئیدی، مشکلات گوارشی، عادات‌های نامناسب مانند خیره شدن زیاد به صفحه گوشی و تلویزیون در هنگام خواب، مصرف نوشیدنی‌های کافئین‌دار در زمان خواب، عدم برقراری تعادل دمایی در اتاق خواب و مانند این‌ها. این خشکی مزاج در سیستم عصبی سبب بسیار مهمی برای بی‌خوابی است. مسائل عاطفی، روانی، گوارشی، ورم‌های سرطانی و... و مسائلی مثل هم و غم، فکر زیاد و حتی شادمانی زیاد موجب بی‌خوابی می‌شود. هرچقدر رطوبت بدن بیشتر باشد، عمق خواب بیشتر خواهد بود و هرچه خشکی بدن به‌ویژه مغز بیشتر باشد، خواب سطحی‌تر است (سایت طبایع، ۱۳۹۹). استاد حسین خیراندیش عامل بی‌خوابی را خشک‌کننده‌ها می‌داند. وی قهوه، دودهای گرم و عطرهای تند را دارای مزاج خشک دانسته و مصرف آن‌ها را باعث خشکی سر (مغز) و بی‌خوابی می‌داند (صفحه رسمی استاد حسین خیراندیش، ۱۴۰۱). نکته حائز اهمیت در مورد فعل خوابیدن غلبه رطوبت مغز برای خواب عمیق و مناسب است که عامل پایدار در خوابیدن از منظر طب سنتی دانسته شده است. مؤلفه‌های متعددی بر رطوبت مغز تأثیر گذارند؛ مانند نحوه تغذیه و مزاج غذاهای مورد استفاده، مزاج فرد، اعراض نفسانی، زمان خواب و مؤلفه‌هایی از این دست؛ اما چون آن‌ها جزو مؤلفه‌های دینامیک و ناپایدار خواب هستند که با توجه به مزاج افراد، شرایط متنوع و زمان‌های مختلف در افراد متفاوت تغییر می‌نمایند. در این پژوهش از تأثیر آن‌ها در مزاج محیط



پیشنهاد مدلی برای انتخاب رنگ فضای خواب در معماری... محمدرضا حاتمیان، فهیمه گلباغ مهبیاری

10.22052/KASHAN.2023.248414.1057

خواب صرف نظر و تنها به مزاج مکان خواب پرداخته خواهد شد. پس محیط مناسب برای خواب عمیق و مناسب یا به عبارتی مزاج مناسب مکان خواب مزاج مرطوب است. به همین دلیل است که خواب مردمان خطه‌های شمالی ایران عمیق‌تر بوده و در هنگام بیداری صبح دچار کسالت بیشتری نسبت به سایر اقلیم هستند (سایت طبایع، ۱۴۰۱).

البته غلبه کیفیت فاعلی مانند گرمی و سردی در متون طب سنتی عاملی برای بی‌خوابی دانسته شده‌اند (صفحه رسمی استاد حسین خیراندیش، ۱۴۰۱؛ سایت طبایع، ۱۴۰۱). غلبه گرمی و سردی در مزاج مکان‌های ویژه مانند مناطق بسیار گرم نظیر شهر کاشان که استاد کسمایی آن‌ها را مناطق بیابانی می‌نامد یا مناطق بسیار سرد مانند مسکو در شرایط ویژه‌ای قرار می‌گیرند. لذا در این مناطق عامل فاعلی مانند گرمی و سردی اهمیت محوری در کنار رطوبت مکان به‌عنوان عامل انفعالی پیدا می‌نماید.

از طرفی ویژگی و کیفیات فضایی مکان‌ها در خانه سنتی ایران تابع مستقیمی از فعالیت‌های زندگی روزمره و روش زندگی و ارزش‌های اجتماعی حاکم در خانواده ایرانی بوده و معنی این فعالیت‌ها را تشریح می‌کرده است (پوردیهیمی، ۱۳۹۰: ۱۵-۱۶). از طرف دیگر، ویژگی‌های مکان طبیعی و مؤلفه‌های اقلیم متفاوت در حال تأثیرگذاری بر معنای این کیفیات در فضاها و مبتنی بر فعالیت آن‌ها بوده است (نقره‌کار و همکاران، ۱۳۸۹). بر این اساس، مؤلفه‌های اصلی در دو محور ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی از یک طرف و اقلیم، مکان و زمان طبیعی از سوی دیگر، کیفیات فضایی فعالیت‌های خانوار ایرانی در فضاها را تعریف و معنا می‌داده است. فعل خوابیدن نیز از این محورها مستثنی نیست. کیفیات متبادر از فضای خوابیدن در سبک زندگی خانواده ایرانی مبتنی بر دوماحوری که پیش‌تر اشاره شد، موجب ایجاد انعطاف در فعالیت خوابیدن و در فضاها متنوع با توجه به ویژگی‌های زمانی و مکانی طبیعی شده است. لذا خانوار ایرانی در فضاها متنوعی همچون سرداب، ایوان، حیاط، بام و اتاق می‌خواهیده است (ارژمند و عبدالله‌زاده، ۱۳۹۱). از میان اتاق‌ها، اتاق‌های سهدری که در عرصه خصوصی‌تر سازمان فضایی قرار داشته‌اند، از فضاها بسته‌ای بوده‌اند که با توجه به ویژگی‌های زمانی و مکانی طبیعت احتمال آنکه بیشتر مورد استفاده فعالیت خوابیدن بوده‌اند، مورد نظر قرار گرفته‌اند. به عبارتی سایر فضاها نام برده شده که ویژگی باز یا نیمه‌باز داشته‌اند، در موارد خاص زمانی- مکانی مورد استفاده جهت خوابیدن بوده‌اند و مکان محوری خوابیدن در خانه ایرانی در وجه غالب زمانی- مکانی فضای اتاق‌های سهدری خانه بوده است. شایان ذکر است که استفاده از اتاق‌های سهدری محدود به بازه زمانی خواب در شب نبوده

و این فضا برای انجام فعالیت‌هایی در ساعات مختلف روز نیز استفاده می‌شده است؛ مانند انجام کارهای شخصی، استراحت روزانه، خواب قیلوله و مانند این‌ها. لذا در بررسی مصادیق، رنگ فضای اتاق سه‌دری در این پژوهش مورد استناد قرار گرفته است.

تحلیل انجام‌شده نسبت به مزاج مکان معتدل انجام گرفت؛ از آن‌رو که تأثیر مزاج مکان در تشخیص مزاج فضای خواب حضور نداشته باشد. اما می‌توان نحوه این فرایند تحلیلی را به مزاج مکان‌های چهارگانه ایران مطابق جدول ۴ تعمیم داد.

جدول ۴: اعتدال مزاجی فعل خوابیدن در مزاج مکان معتدل و مزاج‌های مکان چهارگانه ایران

فعالیت فضا		فعل فعالیت	اعتدال مزاجی فعالیت در مزاج مکان معتدل		در مزاج مکان گرم و خشک		در مزاج مکان سرد و تر		در مزاج مکان سرد و خشک	
			ویژگی انفعالی	ویژگی فاعلی	ویژگی انفعالی	ویژگی فاعلی	ویژگی انفعالی	ویژگی فاعلی	ویژگی انفعالی	ویژگی فاعلی
استراحت و خواب	خوابیدن	سردی	تری	گرمی	اعتدال	گرمی	خشکی	سردی	اعتدال	سردی
		به ضد	به ضد	سردی	-	سردی	تری	گرمی	-	گرمی

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود، مکان فعل خوابیدن در اقلیم‌های چهارگانه ایران که دارای مزاج‌های مرکب چهارگانه هستند، نیاز به مزاج عارضی با غلبه یکی یا هر دوی کیفیات فاعلی و انفعالی دارند. مطمئناً روش‌های متعددی برای ایجاد این عارضه مزاجی در اختیار معمار قرار دارد که به تأثیر مزاج رنگ در ایجاد تعادل مزاجی بین مزاج مکان طبیعی و مزاج مکان فعالیت پرداخته شده است.

۵-۲. مزاج رنگ

رنگ از اجزای اصلی یک مکان است و از عناصری تجسمی برای توصیف موضوع اثر و خصوصیات آن به کار می‌رود و سه رنگ اصلی قرمز، زرد و آبی دارد که تمامی رنگ‌های فرعی غیر از سیاه و سفید از آن سه ساخته می‌شود (استوار، ۱۳۹۱: ۱۹ و ۴۸-۵۰). علوم مختلف با توجه به نیازهایشان رنگ را مورد بررسی قرار داده‌اند که یکی از آن‌ها طب سنتی است. در این دانش، رنگ برای شناخت بیماری و تجویز دارو مورد بررسی قرار گرفته است که در مرور پیشینه موضوع در بخش‌های قبلی به تفصیل اشاره شد. در جدول زیر مزاج رنگ‌های اصلی مبتنی بر آراء البخاری و استوار آورده شده است.



پیشنهاد مدلی برای انتخاب رنگ فضای خواب در معماری... محمدرضا حاتمیان، فهیمه گل‌باغ مهباری

10.22052/KASHAN.2023.248414.1057

جدول ۵: مزاج رنگ‌های اصلی، البخاری، ۱۳۴۴: ۲۰؛ استوار، ۱۳۹۱: ۴۸

رنگ	مزاج	ردیف	رنگ	مزاج	ردیف	رنگ	مزاج
سیاه	گرم	۳	زرد	خشک	۵	سرخ	مرطوب
سفید	سرد	۴	آبی	معتدل			

از ترکیب رنگ‌های اصلی (زرد، آبی، قرمز) تمامی رنگ‌ها به وجود می‌آید. جدول ۶ چگونگی ایجاد رنگ‌های فرعی از رنگ‌های اصلی را نشان می‌دهد.

جدول ۶: ترکیب رنگ‌های اصلی و ایجاد رنگ‌های فرعی (استوار، ۱۳۹۱: ۵۰)

قرمز + زرد = نارنجی	قرمز زیاد + زرد + آبی = خرمایی	زرد (کم) + آبی + سفید = فیروزه‌ای	سیاه + زرد = قهوه‌ای مایل به سبز
آبی + قرمز = بنفش	قرمز کم + زرد + آبی = قهوه‌ای	نارنجی + قهوه‌ای = حنایی	قهوه‌ای + قرمز = گل‌بهی
آبی + زرد = سبز	آبی + زرد = سبز	سبز + آبی = فیروزه‌ای پرننگ	نارنجی + زرد = خردلی
سبز + مشکی = سبز لجنی	آبی + قرمز = بنفش	آبی + کمی مشکی = سورمه‌ای	سیاه + نارنجی = قهوه‌ای
آبی + سفید = آبی آسمانی	آبی + سیاه = سرمه‌ای	سفید + سیاه = خاکستری	سفید + آبی تیره = آبی روشن
قرمز + مشکی = زرشکی	آبی + سفید = آسمانی	قرمز + سفید = صورتی	قرمز + بنفش = بنفش مایل به صورتی
قرمز + صورتی سیر = زرشکی	آبی + سیاه + سفید = طوسی	مشکی + قرمز + زرد = قهوه‌ای روشن	زرد + سفید = لیمویی
قرمز + سیاه = جگری	زرد + سفید = نخودی	صورتی + زرد = کرم	قرمز کم + آبی = نیلی
زرد + قرمز = نارنجی	زرد کم + آبی + سفید = فیروزه‌ای	سیاه + زرد = قهوه‌ای مایل به سبز	قرمز زیاد + آبی = سرخابی
زرد + آبی = سبز	زرد + آبی کم + سفید = لیمویی	صورتی + زرد = کرم	قرمز + سفید = صورتی
زرد زیاد + آبی + سفید کم = مغزپسته‌ای	قهوه‌ای + زرد + سفید = اکر	سبز + قرمز = بلوطی (شکلاتی)	زرد + آبی کم + قرمز کم = رنگ گونه
صورتی + زرد = کرمی	زرد + سفید + قهوه‌ای + اکر = طلایی	زرد + سیاه کم + سفید = سیر خاکستری	سیاه + سفید = انواع



آسمانی + سیاه = طوسی	آبی + زرد + سفید =	سیاه کم + زرد + آبی =	زرد + سفید + آبی = ارغوانی
آبی + زرد + سفید = سبز روشن	آبی + زرد = سبز روشن خشتی	سفید + قرمز + زرد + قهوه‌ای = رنگ معمولی صورت	

با توجه به مزاج رنگ‌های اصلی و ترکیبشان برای ایجاد رنگ‌های فرعی، می‌توان جدولی از مزاج رنگ‌های فرعی به صورت زیر ارائه داد. میزان سیاهی و سفیدی رنگ‌ها، تیرگی یا روشنی‌شان را تعیین کرده و این خود بر میزان گرمی و سردی آن‌ها تأثیر دارد. به عبارتی میزان تیرگی یا استفاده از رنگ سیاه موجب گرمی و میزان روشنایی یا استفاده از رنگ سفید موجب سردی رنگ می‌شود. علامت * و ** و *** در جدول ۷ نشانه میزان شدت یا تیرگی و روشنی رنگ و علامت - نشانه کمی شدت رنگ است.

جدول ۷: مزاج رنگ‌های مرکب، مبتنی بر جدول ۵ و ۶

رنگ‌های اصلی و مزاج رنگ‌های فرعی	زرد خشک	قرمز تر	آبی معتدل	سیاه گرم	سفید سرد	مزاج رنگ مرکب
نارنجی	*	*				معتدل (از لحاظ تری و خشکی)
خردلی	*	*				معتدل
جگری		*		*		گرم و تر
زرشکی		*		*		گرم و تر
صورتی		*		*		سرد و تر
ارغوانی	*		*		*	سرد و خشک
گل بهی	*	**	*			تر
گل بهی روشن	*	**	*		*	سرد و تر
بنفش		*	*			تر
بنفش روشن		*	*	*		سرد و تر
بنفش مایل به صورتی		**	*			تر
سرخابی		**	*			تر (زیاد)
سرخابی روشن		**	*	*		سرد و تر (زیاد)
سبز	*		*			خشک
سبز روشن	*		*		*	سرد و خشک



پیشنهاد مدلی برای انتخاب رنگ فضای خواب در معماری.... محمدرضا حاتمیان، فهیمه گل‌باغ مهبیاری

10.22052/KASHAN.2023.248414.1057

گرم و خشک	*	*	*	*	یشمی
تر		*	***	*	خرمایی
معتدل		*	*	*	قهوه‌ای
سرد	*	*	*	*	قهوه‌ای روشن
معتدل (از لحاظ تری و خشکی)		*	*	*	بلوطی (شکلاتی)
سرد	*		*	*	کرم
معتدل	*	*	*	*	کاهگلی
معتدل	*	*	*		طوسی
معتدل (بستگی به رنگ غالب گرم یا سرد می‌شود)	*	*			خاکستری
سرد و خشک (کم)	*		*	*	فیروزه‌ای
تر			*	*	نیلی
سرد و تر	*		*	*	نیلی روشن
گرم	*	*	*		سرمه‌ای
گرم	*	**	*	*	کاهگلی سیر
گرم	*	*	*	*	قهوه‌ای سیر
گرم	*	*	*	*	نارنجی سیر
سرد و خشک	*			*	لیمویی
سرد و خشک	*			*	نخودی
سرد و خشک	*		*	***	مغزپسته‌ای
سرد و خشک	*		*	**	اکر
سرد و خشک	*		**	****	طلایی


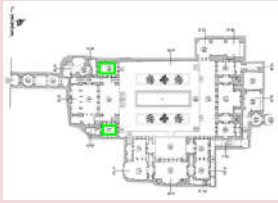
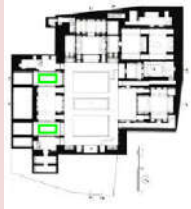
اکنون با تکمیل مبانی نظری تأثیر مزاج رنگ در ایجاد تعادل مزاجی بین فعل خوابیدن و فضای آن با مزاج مکان طبیعی می‌توان مدل نظری پژوهش را تدوین نمود. این مدل نظری به‌صورت جدول زیر جمع‌بندی و آورده شده است.

۳. مشاهده نتایج یافته‌های نظری نوشتار در مصادیق

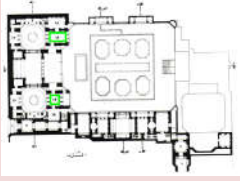

به‌منظور راستی آزمایی مدل نظری انتخاب رنگ که در بخش پیشین به آن اشاره شد، پنج خانه تاریخی در یکی از اقلیم‌های چهارگانه ایران مبتنی بر پهنه‌بندی اقلیمی دکتر کسمائی (کسمائی، ۱۳۸۲: ۸۳) یا اقلیم گرم و خشک کاشان مورد نظر قرار گرفت. انتخاب این خانه‌ها مبتنی بر دو اصل دیگر نیز بوده است: ۱. خانه‌هایی که دارای ارزش معماری و تاریخی باشند (ارزش تاریخی ناشی از قدمت، ارزش‌های کیفی، موقعیت بنا، همجواری با بناهای تاریخی و مسیرهای اصلی)؛ ۲. خانه‌هایی که توانسته‌اند با نگهداری و مرمت اصولی در گذر زمان سالم مانده و هویت اولیه خود را حفظ کنند (هدایت و طبائیان، ۱۳۹۱: ۴۷). این خانه‌ها عبارت‌اند از: خانه منوچهری، خانه بروجردی‌ها، خانه طباطبایی، خانه عباسیان و خانه عامری‌ها.

فرایند بررسی مصادیق در دو مرحله انجام شد: ابتدا فضای سهدری از عملکردهای مشترک در این خانه‌ها از جهات و سمت‌های مشترک که در قسمت تابستان‌نشین این خانه‌ها انتخاب شده و مورد مشاهده قرار گرفت. در جدول زیر پلان خانه‌ها و محل سهدری‌های مورد نظر آورده شده است.

جدول ۸: موقعیت قرارگیری فضای سهدری مصادیقی از خانه‌های تاریخی کاشان در طبقه همکف

پلان	خانه
	خانه بروجردی‌ها
	خانه منوچهری‌ها
	خانه طباطبایی‌ها

10.22052/KASHAN.2023.248414.1057

خانه	پلان
خانه عباسیان	
خانه عامری‌ها	

تحلیل نظری انتخاب رنگ‌های مناسب برای این عملکرد در اقلیم یادشده مطابق با جداول ۵، ۷ و ۸ و فرایندی که پیش‌تر در مزاج مکان گرم و خشک در مورد فضای سهدری انجام شده بود صورت گرفت. در مرحله دوم با بررسی تصاویر این عملکردها، رنگ به‌کاررفته در آنها با مدل نظری ارائه‌شده مقایسه شد. نتایج مبتنی بر جداول زیر مورد مشاهده و جمع‌بندی قرار گرفت.

جدول ۱۰: بررسی مزاج رنگ به‌کار برده‌شده در فضای سهدری خانه‌های تاریخی کاشان، مبتنی بر جداول ۵، ۷

و ۸

ملکردها	عکس	رنگ‌ها و مزاج آن‌ها	تحلیل
خانه بروجردی‌ها			
سهدری		سفید و قهوه‌ای روشن (سرد)، قهوه‌ای (معتدل)، شیشه‌ها سرخابی و نیلی (تر)، خردلی (معتدل)	عارض نمودن سردی برای تعادل گرمی مزاج مکان در کیفیات فاعلی و عارض نمودن تری در رنگ شیشه‌ها برای تعادل خشکی مزاج مکان در کیفیات انفعالی به‌منظور رسیدن به تعادل نسبی مناسب برای فعل خوابیدن

خانه منوچهری‌ها			
<p>عارض نمودن سردی برای تعادل گرمی مزاج مکان در کیفیات فاعلی و عارض نمودن تری در رنگ شیشه‌ها برای تعادل خشکی مزاج مکان در کیفیات انفعالی به‌منظور رسیدن به تعادل نسبی مناسب برای فعل خوابیدن</p>	<p>کرم و قهوه‌ای روشن (سرد)، شیشه‌های سرخابی و نیلی (تر)</p>		<p>سه‌دری</p>
خانه طباطبایی‌ها			
<p>عارض نمودن سردی برای تعادل گرمی مزاج مکان در کیفیات فاعلی و عارض نمودن تری در رنگ شیشه‌ها برای تعادل خشکی مزاج مکان در کیفیات انفعالی به‌منظور رسیدن به تعادل نسبی مناسب برای فعل خوابیدن</p>	<p>سفید (سرد)، قهوه‌ای (معتدل)، شیشه‌های سرخابی و نیلی (تر)، خردلی (معتدل)</p>		<p>سه‌دری</p>
خانه عباسیان			
<p>عارض نمودن سردی برای تعادل گرمی مزاج مکان در کیفیات فاعلی و عارض نمودن تری در رنگ شیشه‌ها برای تعادل خشکی مزاج مکان در کیفیات انفعالی به‌منظور رسیدن به تعادل نسبی مناسب برای فعل خوابیدن</p>	<p>کرم و قهوه‌ای روشن (سرد)، شیشه‌ها سرخابی و نیلی (تر)، بنفش متمایل به صورتی (تر)</p>		<p>سه‌دری</p>

خانه عامری‌ها			
عارض نمودن سردی برای تعادل گرمی مزاج مکان در کیفیات فاعلی و عارض نمودن تری در رنگ شیشه‌ها برای تعادل خشکی مزاج مکان در کیفیات انفعالی به منظور رسیدن به تعادل نسبی مناسب برای فعل خوابیدن.	سفید به صورت خطی و قهوه‌ای روشن در پنجره‌ها (سرد) و کاهگل روشن دیوارها (معتدل)، شیشه‌ها سرخابی و نیلی (تر)		سه‌دری

۴. نتیجه‌گیری

با فرایند طی شده در این نوشتار مشاهده می‌شود که رنگ دارای مزاج بوده و از طریق مزاج رنگ می‌توان بین مزاج فعالیت‌های عملکردهای مسکونی و مزاج مکان طبیعی آن‌ها تعادل نسبی برقرار کرد. این تعادل مبتنی بر نظریه مزاج در مکتب طب سنتی موجب سلامت یا تعادل نسبی همه پدیده‌ها از جمله کالبد زیست انسان یا معماری خواهد بود. شایان ذکر است با توجه به اینکه از این منظر پژوهشی تاکنون مشاهده نشد و به دلیل نو بودن این منظر، موضوع تنها در فعل خوابیدن و اتاق‌های سه‌دری خانه‌های تاریخی شهر کاشان کاوش شد و از عواملی که در تعادل نسبی بین مزاج عملکردهای مسکونی و مزاج مکان طبیعی مداخله دارند، صرف نظر شد تا تحلیل، فرایند ساده‌تر و قابل فهم‌تری در اختیار پژوهش قرار دهد. پرواضح است که پارامترهایی مانند تجهیزات و مبلمان عملکردها، تناسب و هندسه عملکردها، جنس و مصالح به کاررفته در کالبد عملکردها، سازمان فضایی و همجواری عملکردها، جانمایی اقلیمی عملکردها و عوامل متعددی در ساختار فضاهای معماری و ویژگی‌های محیطی مزاج مانند مزاج فصول، مزاج زمان‌ها، مزاج افراد و عوامل مداخله‌گر مربوطه که در مبادی طب سنتی اشاره شده است، در ایجاد چنین تعادلی دخیل هستند که نیاز به پژوهش‌های تخصصی و ویژه دارند. نتایج این تحلیل‌های نظری در مصادیقی از مزاج مکان گرم و خشک شهر کاشان مورد کاوش قرار گرفت و همین ارتباط معنادار بین نحوه انتخاب رنگ فضاها در معماری فضای سه‌دری خانه‌های تاریخی مشاهده شد. لذا چنین نتیجه‌گیری می‌شود که بین مزاج مکان و نحوه انتخاب رنگ فضاها در معماری‌های سنتی ایران ارتباط معناداری وجود داشته است. بنابراین معماران و طراحان می‌توانند با تشخیص نوع مزاج مکان پروژه خود که در این نوشتار با تکیه بر اقلیم منطقه از آن یاد شد، و آگاهی از مزاج رنگ‌ها اقدام به تصمیم‌گیری برای



انتخاب رنگ فضاهای معماری مسکونی نمایند. نحوه این انتخاب مبتنی بر پارادایم علی نظریه مزاج بر تلاش برای رساندن فضاها به «تعادل نسبی» قرار دارد. و این مهم خود بر روش اقدام یا «عمل به ضد» که در طب سنتی از آن استفاده می‌شود بررسی شد. بدین ترتیب که با توجه به فعالیت‌های هر عملکرد مسکونی، معمار و طراح از طریق عنصر کالبدی رنگ اقدام به تعادل رساندن فضا می‌نماید. نتایج این پژوهش را می‌توان در موارد زیر بیان نمود:

- اول آنکه برای ایجاد عملکردهای مسکونی با کیفیت توجه به ویژگی‌های مکانی آن عملکردها لازم و ضروری است که در این پژوهش این ویژگی‌ها از منظر نظریه مزاج با عنوان مزاج مکان طبیعی مورد توجه قرار گرفت.

- دوم مکانیزم برقراری ارتباط بین مزاج مکان و فعالیت‌های عملکردها، روش رساندن عملکردها به اعتدال نسبی است که از طریق اقدام به ضد در نظریه مزاج از آن یاد شده است. به عبارتی با نظریه مزاج می‌توان از طریق مزاج عناصر فضایی مانند رنگ‌ها ارتباط بین مزاج فعالیت‌های هر عملکرد مسکونی و مزاج مکان آن فضاها را به تعادل، هماهنگی و به عبارتی سلامت آن فضا رساند که این می‌تواند مدلی برای انتخاب رنگ عملکردهای معماری مسکونی فراتر از سلیقه، عرف، هنجار، سوداگری، مد و نظیر این‌ها در اختیار معماران و طراحان قرار داده و تلاش نماید معماری را انسانی‌تر و حکیمانه‌تر تعریف نماید.

پی‌نوشت‌ها

۱. یعنی ایران در مرکز و شش اقلیم دیگر در اطراف آن.
۲. نسبت به خط استوا درجه‌درجه بالا می‌آمدند و اقلیم‌بندی می‌کردند که آخرین آن قطب شمالی می‌شود (ستوده ۱۳۵۳: ۸).
۳. ابن سینا درباره ارتباط مزاج انسان و مکان چنین می‌گوید: «به نظر می‌رسد که هریک از اصناف ساکنان زمین دارای مزاج خاصی هستند موافق با آب‌وهوای اقلیم آن و در هر مورد مزاج دارای جنبه افراط و تفریط می‌گردد» (ابن سینا، شرفکندی، ۱۳۸۹: ۱۵۲-۱۶۳).

منابع

- ابن سینا، ابوعلی حسین بن عبدالله. (۱۳۷۹). *التعلیقات*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- _____. (۱۳۸۹). *ترجمه قانون (عبدالرحمن شرفکندی، مترجم)*. تهران: سروش.
- _____. (۱۳۸۶). *ترجمه قانون در طب*. کتاب اول مبانی و کلیات طب (علیرضا مسعودی، محقق و مترجم). تهران: نشر مرسل.



ارژمند، محمود، و عبدالله‌زاده، سیده مهسا. (۱۳۹۱). در جست‌وجوی ویژگی‌های خانه ایرانی (بر مبنای بررسی شیوه زندگی در خانه‌های سنتی شیراز). *نشریه شهر ایرانی اسلامی*، شماره ۱۰، ۱۰۹-۱۲۲.

استوار، مسیب. (۱۳۹۱). *کتاب رنگ*. تهران: انتشارات رازنامه.
اسحاق‌آبادی، آرزو، کولیوند، پیرحسین، و کاظمی، هادی. (۱۳۹۶). روان‌شناسی رنگ و اثر آن بر طراحی بیمارستان و درمان بیمار. *نشریه شفای خاتم*، ۵ (۲)، ۱۳۰-۱۴۲.
ایتن، یوهانس. (۱۳۷۸). *عناصر رنگ* (ب. ژاله دوست ثانی، مترجم). تهران: عفاف.
البخاری، ابوبکر ربیع بن احمد الاخوانی. (۱۳۴۴). *هدایة المتعلمین فی الطب*. به اهتمام ج. متینی. مشهد: چاپخان. دانشگاه مشهد.

امیرآبادی فراهانی، مهدیه، حمزه‌نژاد، مهدی، و رنجبر کرمانی، علی‌محمد. (۱۴۰۰). بازشناسی معماری مسکن سلامت بخش بر پایه طب سنتی؛ نمونه موردی: مسکن اقلیم گرم و خشک، *نشریه تاریخ پزشکی*، شماره ۴۶، ۲۱-۱.

ایناتی، شمس. (۱۳۸۳). ابن‌سینا (مهدی قوام صفری، مترجم). *تاریخ فلسفه اسلامی*. تهران: حکمت.
براتی، ناصر. (۱۳۸۲). بازشناسی مفهوم خانه در زبان فارسی و فرهنگ ایرانی. *نشریه خیال*، شماره ۸، ۲۵-۳۶.

پوردیبهیمی، شهرام. (۱۳۹۰). فرهنگ و مسکن. *نشریه فرهنگ و محیط روستا*، شماره ۱۳۴، ۱۳-۱۸.
تقی‌زاده، کنایون، و ملازاده یزدانی، مریم. (۱۳۹۷). نقش مزاج‌شناسی بر معماری سلامت‌محور سنتی ایران. *نشریه تاریخ پزشکی*، شماره ۳۶، ۵۳-۶۴.

حاتمیان، محمدرضا. (۱۳۹۷). *تأثیر تفاوت‌های فردی مبتنی بر نظریه سینوی مزاج بر آموزش طراحی معماری*. پایان‌نامه دکتری معماری. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده معماری و شهرسازی.

حاتمیان، محمدرضا، دیواندری، جواد، و گلباغ، فهیمه. (۱۳۹۶). تأثیر مزاج مکان بر تناسبات هندسی فضاها در معماری ایرانی مورد پژوهی: خانه‌های تاریخی کاشان. *کنفرانس بین‌المللی معماری و ریاضیات*. کاشان: دانشگاه کاشان.

حاتمیان، محمدرضا و معینی، سید حسین. (۱۳۹۷). جایگاه و ویژگی‌های درس طرح معماری یک دانشگاه کاشان (مقطع کارشناسی) و اهمیت تفاوت‌های فردی یادگیرنده در آن. *نشریه صفا*، شماره ۸۰، ۱۰۱-۱۲۰.

حمزه‌نژاد، مهدی، و برادران هروی، فاطمه. (۱۳۹۹). تبیین تمایزات حریم‌خواهی ساکنان در مسکن بومی چهار پهنه اقلیمی ایران. *نشریه پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، شماره ۳، ۱۰۳۱-۱۰۵۳.
حمزه‌نژاد، مهدی، و ثروتی، زهرا. (۱۳۹۶). مؤلفه‌های طراحی بومی محیط به‌منظور تأمین سلامت

- انسان بر مبنای طب سنتی و اسلامی. نشریه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره ۱۷، ۷۹-۵۵.
- حمزه‌نژاد، مهدی، ربانی، مریم، و ترابی، طاهره. (۱۳۹۴). نقش باد در سلامت انسان در طب اسلامی و تأثیر آن در مکان‌یابی و ساختار شهرهای سنتی ایران. نشریه نقش جهان، شماره ۵، ۵۷-۴۳.
- دانایی‌نیا، احمد، دیواندری، جواد، صیادی، مهدی، و امامی میبدی، مرضیه. (۱۳۹۵). مزاج به‌مثابه کهن‌الگو در طراحی معماری حمام ایرانی. نشریه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره ۱۲، ۷۷-۵۷.
- رحیمی مهر، وحیده، متدین، حشمت‌الله، و مهربانی، مهرزاد. (۱۳۹۶). ایجاد فضاهای شفافبخش در بیمارستان‌ها با نگرش به آموزه‌های طب سنتی ایران. نشریه طب سنتی اسلام و ایران، ۸ (۴)، ۴۶۲-۴۵۱.
- رحیمی مهر، وحیده. (۱۳۹۹). بررسی رابطه مزاج انسان با رنگ محیط: یک مطالعه مقطعی تحلیلی در شهر کرمان، مجله طب مکمل دانشگاه علوم پزشکی اراک، ۱۰ (۲)، ۱۶۲-۱۷۲.
- رضوی برقی، سید حسین. (۱۳۸۸). معماری حمام در متون طب کهن و مقدمه رساله دلاکیه. نشریه گلستان هنر، شماره ۱۵، ۷۰-۶۴.
- ساطعی، عشرت. (۱۳۷۲). تأثیر رنگ در زندگی انسان‌ها. مجله پیوند، شماره ۱۶۹، ۱۲۰-۱۲۳.
- ستوده، منوچهر. (۱۳۵۳). صور الاقالیم. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- شریعت‌پناهی، سید نیما. (۱۳۹۲). تبیین قواعد اعراض نفسانی براساس مبانی طب سنتی ایران. پایان‌نامه دکتری طب سنتی. تهران: دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی. دانشکده طب سنتی.
- شمس اردکانی، محمدرضا، و میراب‌زاده اردکانی، مهران، کشاورز، منصور، ناظم، اسماعیل، و مینایی، محمدباقر. (۱۳۸۹). امور طبیعی و ارکان در مکتب طب ایرانی. نشریه طب سنتی اسلام و ایران، شماره ۴، ۳۱۵-۳۲۲.
- صلیبا، جمیل، و صانعی دره‌بیدی، منوچهر. (۱۳۶۶). فرهنگ فلسفی. مجموعه آثار ابن‌سینا (دی وی دی). تهران: حکمت.
- صهبا، فروغ. (۱۳۸۳). جایگاه رنگ در علم طب از دیدگاه ابن‌سینا. در مجموعه مقالات همایش بین‌المللی ابن‌سینا. همدان: دانشگاه همدان.
- طاهری، جعفر. (۱۳۹۵). حمام در متون طب دوره اسلامی: نظریه و عمل. نشریه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره ۱۰، ۶۳-۴۶.
- عبدالله‌زاده، محمدمهدی. (۱۳۹۵). معماری طبایع: پروردن رویکردی درباره نسبت انسان و محیط مصنوع بر مبنای طبیعات ابن‌سینا. پایان‌نامه دکتری معماری. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.



دانشکده معماری و شهرسازی.

- _____ . ۱۳۹۴. معماری طبایع: تبیین رویکردی درباره نسبت انسان و محیط مصنوع بر مبنای چهارگانه‌ها. نشریه مطالعات معماری ایران، شماره ۸، ۱۳۷-۱۵۶.
- عقیلی علوی شیرازی، سید محمدحسین بن محمد هادی. (۱۳۸۵). خلاصه الحکمه (ا. ناظم، مصحح). کتابخانه جامع طب سنتی - اسلامی (دی وی دی). قم: اسماعیلیان.
- عینی‌فر، علیرضا، طاهری سرمد، فائزه، و شاهچراغی، آزاده. (۱۳۹۸). مقایسه تطبیقی گونه‌شناسی سازمان فضایی و عناصر کالبدی دوره‌های قاجار و پهلوی خانه‌های سنتی شهر کرمانشاه. نشریه پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۲۳، ۱۴۹-۱۶۷.
- کسمائی، مرتضی. (۱۳۸۲). اقلیم و معماری. اصفهان: نشر خاک.
- کدیور، محسن. (۲۰۰۹). ابن‌سینا و طبقه‌بندی حکمت: تحقیق، تصحیح و تحلیل رساله اقسام الحکمه. نشریه جاویدان خرد، شماره ۱، ۳۵-۱۴۰.
- گلباغ مهبیاری، فهیمه، حمزه‌نژاد، مهدی، و حاتمیان، محمدرضا. (۱۳۹۸). تدابیر طبی از دیدگاه ابن‌سینا در مکان‌یابی شهر و تأثیر آن بر فضاهای اقلیمی خانه در معماری سنتی، مجله تاریخ پزشکی، ۱۱ (۴۰)، ۶۸-۵۱.
- ناری قمی، مسعود، و دامیار، سجاد. (۱۳۹۱). مطالعه تطبیقی مفهوم فضا در معماری بومی و معماری مدرن. نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱، ۶۵-۷۲.
- ناصری، محسن. ۱۳۸۸. مروری بر کلیات طب سنتی ایران. تهران: مؤسسه نشر شهر.
- ناصری، محسن، رضایی‌زاده، حسین، طاهری‌پناه، طیبه، و ناصری، واحده. (۱۳۸۹). نظریه مزاج در طب سنتی ایران و تنوع پاسخ دهی درمانی براساس فارماکوژنتیک. نشریه طب سنتی اسلام و ایران، شماره ۳، ۲۳۷-۲۴۲.
- نقره‌کار، عبدالحمید، حمزه‌نژاد، مهدی، و دهقانی تفتی، محسن. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر محیط طبیعی بر رفتار و اخلاق از دید متفکران اسلامی و نتایج آن در طراحی محیط مصنوع. نشریه آرمانشهر، شماره ۵، ۷۹-۹۶.
- ولایتی، علی‌اکبر. (۱۳۸۹). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی (ویژه علوم پزشکی). قم: نشر معارف.
- هدایت، اعظم، و طبائیان، سیده مرضیه. (۱۳۹۱). بررسی عناصر شکل‌دهنده و دلایل وجودی آن‌ها در خانه‌های بافت تاریخی بوشهر. شهر و معماری بومی، شماره ۳، ۳۵-۵۵.
- یوسفی‌فرد، محمود، پرویز، محسن، حسینی، مصطفی، عبادیانی، محمد، و کشاورز، منصور. (۱۳۹۱). مزاج، گذشته، حال، آینده. انجمن فیزیولوژی و فارماکولوژی ایران، ۱۶ (۴)، ۳۹-۳۲۸.
- سایت طبایع، ۱۴۰۱.



References

- Abdollahzade, M. M. (2015). The architecture of natures: explaining an approach about the ratio of man and the artificial environment based on the fours. *Iranian Architectural Studies*, (8), 137-156. [In Persian]
- Abdollahzade, M. M. (2016). *The architecture of nature: developing an approach about the relationship between man and the artificial environment based on Avicenna's naturalism*. PhD in Architecture, Nadimi, H. and Ghayoomi, M. Faculty of Architecture & Urbanism. University of Shahid Beheshti. [In Persian]
- Aghilie Alavie Shirazi, S. (2006). *Kholasa al Hekmah*. Correction by N. Esmail. Comprehensive Library of Traditional-Islamic Medicine (DVD), Esmaeilian. Qom. [In Persian]
- Albokhari, A. (1965). *Hedaiat al-Moteallemin Phi Tebb*. Jalal Matini. University of Mashad: Mashad. [In Persian]
- Amirabadi Farahani, M., Hamzenezhad, M., & RanjbareKermani, A. M. (2021). A review of health housing architecture based on traditional medicine, a case study: Hot and dry climate housing. *Medical history*, (46), 1-21. doi.org/10.22037/mhj.v13i46.30079). [In Persian]
- Arzmand, M. & Abdollahzade, S. M. (2012). In search of characteristics of an Iranian house (based on the study of the way of life in the traditional houses of Shiraz). *Islamic Iranian City*, (10), 109-122. [In Persian]
- Avicenna HIA. (2000). *Altalighat*, Qom: Islamic Propagation Office. [In Persian]
- (2007). *Law in medicin*. Translated by Alireza Masoodi. Tehran: Morsal. [In Persian]
- (2010). *Law in medicin*. Translated by Abdol al-Rahman Sharafkandi. vol.1. Tehran: Sourush. [In Persian]
- Barati, N. (2003). Recognizing the concept of home in Persian language and Iranian culture. *Khial*, (8), 25-36. [In Persian]
- Danaeina, A., Divandari, J., Saijadi, M., & Emami Meibodi, M. (2016). Temperament as an archetype in Iranian bath architecture design. *Islamic Architectural Research*, (12), 57-77. [In Persian]
- Einati, Sh. (2004). *History of Islamic philosophy*. Avicenna Ghavam Safari. Tehran: Hekmat. [In Persian]
- Einifar, A., Taheri, S., & Shahcheraghi, A. (2019). Comparative comparison of typology of spatial organization and physical elements of Qajar and Pahlavi periods of traditional houses in Kermanshah. *Archaeological Research of Iran*, (23), 149-168. (doi.10.22084/NBSH.2019.18444.1895). [In Persian]
- Eshagh Abadi, A., Coolivand, P., Kazemi, H. (2017). Psychology of color and its effect on hospital design and patient treatment. *Shafaie Khatam*, (2), 130-142. doi. 10.18869/acadpub.shefa.5.2.130. [In Persian]
- Gholbaghe Mahyari, F., Hamzenezhad, M., & Hatamian, M. (2019). Medical measures from Avicenna's point of view in locating the city and its effect on the climatic spaces of the house in traditional architecture. *Medical History*, 40, 51-68. doi.org/10.22037/mhj.v11i40.22661. [In Persian].
- Hamzenezhad, M. & Baradarane Heravi, F. (2020). Explaining the differences in the privacy of residents in the native housing of four climatic zones of Iran.

- Researches of Human Geography*, (3), 1031-1053. doi.10.22059/JHGR.2019.261800.1007742). [In Persian]
- Hamzenezhad, M. & Servati, Z. (2017). Native design components of the environment in order to provide human health based on traditional and Islamic medicine. *Islamic architectural research*, (17), 55-79. [In Persian]
- Hamzenezhad, M., Rabbani, M. & Torabi, T. (2015). The Role of Wind in Human's Health in Islamic Medicine and its Impacts on the Locating and Structuring of the Traditional Cities in Iran. *Naghshe Jahan*, (5), 43-57. doi.20.1001.1.23224991.1394.5.1.6.7. [In Persian]
- Hatamian, M., Divandari, J., & Golbagh, F. (2017). The influence of the temperament of the place on the geometrical proportions of the spaces in Iranian architecture under study: the historical houses of Kashan. International Conference on Architecture and Mathematics. Kashan: University of Kashan. [In Persian]
- Hatamian, M. & Moeini, S. H. (2018). The position and characteristics of the architectural design 1 in university of Kashan (undergraduate course) and the importance of individual differences of the learners in it. *Soffeh*, (80), 101-120. doi.20.1001.1.1683870.1397.28.1.1.8. [In Persian]
- Hatamian, M. (2018). *The effect of individual differences based on the Avicenna theory on the Architecture Design Education*. PHD in Architecture, Dr. Nadimi Hamid & Dr. MoeiniSeyedHosein, Faculty of Architecture & Urbanism, University of Shahid Beheshti. [In Persian]
- Hedayat, A. & Tabaeian, S. M. (2012). Investigating the forming elements and their reasons for existence in the houses of historical context of Bushehr. *City and Vernacular Architecture*, (3), 35-55. doi.20.1001.1.26453711.1394.3.3.3.2. [In Persian]
- Itten, J. (1999). *The elements of color*. Trans. by Zhale Dooste Saani, B. Efaf, Tehran. [In Persian]
- Kadivar, M. (2009). Avicenna and the classification of Hekmat: Research, correction and analysis of the treatise "Iqsam al-Hikma". *Eternal Wisdom*, (1), 35-140. [In Persian]
- Kasmaei, M. (2003). Climate and architecture. Esfahan: Khak. [In Persian]
- Narie Qomi, M. & Damyar, S. (2012). A comparative study of the concept of space in native architecture and modern architecture. *Fine Arts*, (1), 65-72. doi.10.22059/JFAUP.2012.29698. [In Persian]
- Naseri, M. (2009). *An overview of traditional Iranian medicine*. Tehran: Shahr Publication. [In Persian]
- Naseri, M. et al. (2010). Temperament theory in Iranian traditional medicine and variation of therapeutic response based on pharmacogenetics. *Traditional Medicine of Islam and Iran*, (3), 237-242. [In Persian]
- Noghrekar, A., Hamzenezhad, M., & Dehghanie Tafti, M. (2010). Investigating the impact of the natural environment on behavior and ethics from the perspective of Islamic thinkers and its results in the design of the artificial environment. *Arman Shahr*, (5), 79-96. [In Persian]
- Ostovar, M. (2012). *Color book*. Tehran: Raznameh. [In Persian]
- Poordayhimi, Sh. (2011). Culture and housing. *Village Culture and Environment*, (134), 3-18. [In Persian]



- Rahimimehr, V. (2020). Investigating the relationship between human temperament and environmental color: an analytical cross-sectional study in Kerman city. *Complementary Medicine University of Arak*, (2), 162-172. doi.10.32598/cmja.10.2.970.1. [In persian]
- Rahimimehr, V., Motedaien, H., & Mehrbani, M. (2017). Creating healing spaces in hospitals with an attitude towards the teachings of traditional Iranian medicine. *Traditional Medicine of Islam and Iran*, (4), 451-462. [In Persian]
- Razavi Borghei, S. H. (2009). Bathroom architecture in ancient medical texts and the introduction to Delakieh's treatise. *Golestane Honar*, (15), 64-70. [In Persian]
- Sahba, F. (2004). The position of color in medicine from Avicenna's point of view. *Proceedings of Avicenna International Conference*. Hamedan: University of Hamedan. [In persian]
- Saliba, J. & Saneie Darrebidi, M. (1987). Philosophical culture. *Avicenna's collection of works (DVD)*. Tehran: Hekmat. [In Persian]
- Satei, E. (1993). The influence of color in human life. *Peivand*, No. 169, p 120-123. [In persian]
- Shamse Ardakani, M. et al. (2010). Natural affairs and pillars in the Iranian school of medicine. *Traditional Medicine of Islam and Iran*, (4), 315-322. [In Persian]
- Shariatpanahi, S. N. (2013). *Explaining the rules of AarazeNafsani based on the basics of traditional Iranian medicine*. PhD in medicine, Dr. Mossadegh Mahmood, Dr. Minaei Mohammad Bagher, Dr. Nikbakhte Nasr AbadiAlireza. Faculty of Traditional Iranian Medicine. University of Shahid Beheshti. [In Persian]
- Sotoodeh, M. (1974). *Sovarol Aghalim*. Tehran: Iranian Culture Foundation. [In persian]
- Taghizade, K. & Mollazade Yazdani, M. (2018). The role of temperament on the traditional health-oriented architecture of Iran. *Medical History*, (36), 53-64. doi.org/10.22037/mhj.v10i36.18051. [In Persian]
- Taheri, J. (2016). Bath in the medical texts of the Islamic period: theory and practice. *Islamic Architectural Research*, (10), 46-63. [In persian]
- Velayati, A. (2010). *History of Islamic culture and civilization (especially medical sciences)*. Qom: Maaref. [In Persian]
- Yoosefi Fard, M., Parviz, M., Hoseini, M., Ebadiani, M., & Keshavarz, M. M. (2012). Tempereament, past, present, future. *Iranian Society of Physiology and Pharmacology*, (4), 328-339. [In Persian]

URLs:

URL1:www.irismed.ir

URL2:www.tabaye.ir



Proposing a Model for Color Choice in Sleeping Space in Contemporary Residential Architecture Based on the Principles of HekmateTabieiat (Historical Houses in Kashan: A Case Study)

Mohammadreza Hatamian

Corresponding Author Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture & Art, University of Kashan, Kashan, Iran, hatamian@kashanu.ac.ir

Fahimeh Golbaghe Mahiari

MS in Architecture, Fayz Institute of Technology, Kashan, Iran, fahimgolbagh@gmail.com

Received: 29/11/2022

Accepted: 14/03/2023

Introduction

The choice of color as an important physical element in the executive space of residential architecture in Iran does not follow scientifically researched models. The issue of color in architecture can be researched from different perspectives; However, this article focuses on HekmateTabieiat and its theoretical foundations. The principles and teachings of HekmateTabieiat in traditional Iranian medicine, especially those in the works of Avicenna, deal with issues such as the characteristics of the environment and its body. From this perspective, it can be used as a practical theoretical basis for the characteristics of the physical elements of the environment such as the selection of colors. The purpose of this article is to propose a practical model for color selection in the present-day home spaces in Iran, because little research has been done based on HekmateTabieiat. The main question in this research is: what characteristics have been considered in the selection of colors in traditional residential spaces based on the theoretical foundations of HekmateTabieiat?

Materials and Methods

The study employed a basic qualitative research design following content analysis of texts related to HekmateTabieiat in traditional medicine. It sought color selection indicators in residential architectural spaces in general and their sleeping space in particular. In order to provide theoretical foundations, it looked for these color characteristics in a number of historical houses of Kashan as examples. First, a content analysis was performed on the theme of sleeping to determine the temperament of this activity as reflected in the relevant texts. Then, temperament interactions between the temperament of this activity, the temperament of the natural place, and the temperament of the color were explored. The findings of the study revealed how the temperament of color interacts with others in creating a relative balance between the temperament of the activities and the temperament of the place. It should be mentioned that because the natural process of creation and



property of the living space is a direct function of the activities of that space, by studying and balancing the activities, a balanced living space can be created. Besides, it is possible through manipulating the characteristics of the elements that make up the space, one of which is the color of space.

Results and Findings

The results of conceptual analysis of the effect of color temperament on creating a balance between the act of sleeping and its space with the temperament of a natural place are summarized and presented in the table below.

Table 1. Balancing Temperament of Sleeping with the Temperament of Four Major PlaceTypes in Iran through Color Temperament

Act of space	Activity Temperament Balance in Temperament of the Moderate Place		In the Temperament of a hot and humid place		In the Temperament of a hot and dry place		In the Temperament of a cool and humid place		In the Temperament of a cool and dry place	
	Active property	Passive property	Active property	Passive property	Active property	Passive property	Active property	Passive property	Active property	Passive property
Relaxing And sleeping	coldness	humidity	heat	moderation	heat	dryness	coldness	moderation	coldness	dryness
	Action against	Action against	coldness	moderate	coldness	humidity	Heat	moderate	heat	humidity
			Use of colors with cold Temperament	Use of colors with moderate Temperament	Use of colors with cold Temperament	Use of colors with humid Temperament	Use of colors with hot Temperament	Use of colors with moderate Temperament	Use of colors with hot Temperament	Use of colors with humid Temperament
		Creating a balance of Temperament with color Temperament	Like white, light brown, cream	Like orange, brown, gray, mustard	Like white, light brown, cream	Like pink, purple, pinkish purple, magenta, date, indigo	Like navy blue, garlic straw, garlic brown, garlic orange	Like orange, brown, gray, mustard	Like navy blue, garlic straw, garlic brown, garlic orange	Like pink, purple, pinkish purple, magenta, date, indigo
			Color with mixed Temperament				Color with mixed Temperament			
			Like light indigo bright magenta Bright purple bright flower pink				Like liver crimson			

Based on the findings of the present study, it can be seen that color has temperament and through the temperament of color, relative balance can be established between the temperament of residential functions and the temperament of their natural place. This balance will lead to relative health or balance of all phenomena, including human body and architecture based on temperaments in traditional medicine. It should be mentioned that since little research has so far been carried out from this perspective, and since the point of



view is novel, the topic was explored only considering the act of sleep and the three-door rooms of the historical houses in Kashan. Other factors related to the balance between the temperaments of natural place and that of color were not considered to allow a simpler and more comprehensible analysis in this research. It is very clear that parameters such as equipment and furniture, proportions and geometry of functions, materials used for different functions, spatial organization and proximity, climatic placement of functions, and several other factors in the structure of architectural spaces and environmental characteristics of temperament such as the temperament of seasons, the temperament of time, and the temperament of the people are the relevant intervening factors mentioned in traditional medicine as creators of balance. These factors require further specialized research. The findings of the current analysis are evidenced by examples in the hot and dry city of Kashan, where a meaningful relationship was observed between color selections in spaces in the architecture of the three-door space of the historical houses. Therefore, it can be concluded that there is a significant relationship between the temperament of the place and the selection of color of the spaces in the traditional architecture of Iran. Architects and designers can decide to choose the color of residential architectural spaces by recognizing the temperament of their project location knowing the temperament of colors. Color selection is to be based on the causal paradigm in temperament theory, attempting to bring the spaces to a 'relative balance'. This was described in the current study by the concepts of act and anti-act, used in traditional medicine.

Conclusion

Considering the requirements of each residential function, architects and designers balance the space through the physical element of color. The results of this research can be summarized as follows: first, to create quality residential functions, it is necessary to pay attention to the spatial characteristics of those functions, and in this research, these characteristics were considered from the perspective of temperament theory, notably the temperament of the natural place. Second, the mechanism of interaction between the temperament of the place and the functions is the method of bringing the functions to relative moderation, mentioned in the theory of temperament through the action of the opposite temperament. In other words, with the theory of temperament, through the temperament of spatial elements such as color, the relationship between the temperament of the activities of each residential function and the temperament of the location of those spaces can be brought to balance and harmony; hence, the health of that space, which can be a model for color selection in residential architectural functions beyond taste, customs, norms, mercantilism, fashion, and so on at the disposal of architects and designers who define architecture in a more humane and wiser way.

Keywords: Hekmate Tabieiat, color temperament, sleeping space.

دو فصلنامه علمی کاشان‌شناسی، بهار و تابستان ۱۴۰۲

دوره ۱۶، شماره ۱ (پیاپی ۳۰)، صفحات: ۹۷-۱۲۶

مقاله علمی پژوهشی

مبانی حدیث پژوهی فیض کاشی در کتاب شافی*

حسین ستار**

حمیدرضا فهیمی تبار***

محسن قاسم‌پور****

محمدتقی رحمت‌پناه*****

چکیده

فیض کاشانی از دانشمندان شیعه در دوران حکومت صفوی است که در کنار کار پژوهش و نگارش، کار ارزشمند دیگری نیز در دستور کار خویش نهاده بود که همانا «تلخیص» و فشرده‌نویسی کتاب‌هایش است. وی *الوافی* را در «جمع کتب اربعه» نگاشته که پس از کمابیش چهارده سال از زمان نگارشش، دست به تلخیص آن یازید و نامش را *شافی* نهاد. وی در *الوافی*، مبانی و روش‌های حدیث‌پژوهی‌اش را آشکار نمود و در تلخیص کتابش، بدان مبانی و روش‌ها کمابیش پایبند بود؛ هرچند خود اشاره‌ای دارد بر این پایه که در برخی موارد، دگرگونی‌هایی در «ترتیب ابواب و تسمیه آنان» رخ داده است.

جستار پیش‌رو، پژوهشی است در دستیابی به مبانی حدیث‌پژوهی فیض بر پایه کتاب *الشافی*: مبانی فقه‌الحدیثی فیض را در *شافی* که بر پایه مبانی معرفتی و غیرمعرفتی نهاده شده است، در این موارد می‌توان پیگیری نمود: به‌کارگیری آیات و روایات در شرح روایات، بهره‌گیری از مبانی و دلالت‌های عقلی در شرح روایات، بازخوانی حدیث براساس چندمعنایی بودن آن، حل تعارض میان روایات با استفاده از جمع عرفی همانند حمل مطلق بر مقید، خاص بر عام و... بهره‌گیری از دانش‌های ادبی در شرح روایت، تأویل‌گرایی، و رویکرد به فرهنگ عربی در فهم حدیث. این مبانی کمابیش همانند مبانی وی در *وافی* است؛ البته با بیشترین دگرگونی در «تبویب و تسمیه ابواب». این جستار براساس منابع کتابخانه‌ای گرد آمده است و از پیش هم نهادن داده‌های گوناگونی که راه پژوهش به دست آمد و نیز با تحلیل و راستی‌آزمایی، کوشش شد - تا جایی که برای نگارنده شدنی است - به این مبانی و روش‌ها دست یابیم.

کلیدواژه‌ها: فیض کاشانی، کتاب *وافی*، کتاب *شافی*، مبانی فقه‌الحدیثی.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری با مشخصات زیر است:

رحمت‌پناه، محمدتقی، بررسی مبانی فقه‌الحدیثی فیض در کتاب *شافی* و مقایسه آن با کتاب *وافی*، استادان راهنما: دکتر حسین ستار و دکتر حمیدرضا فهیمی تبار، استاد مشاور: دکتر محسن قاسم‌پور، دانشگاه کاشان، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، ۱۴۰۲.ش.

** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران، نویسنده مسئول / sattar@kashanu.ac.ir

*** دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران / h_fahimitabar@yahoo.com

**** استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران / m.qasempor@atu.ac.ir

***** دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران / m.rahmatpanah@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۱

۱. پیش‌گفتار

شیعه و سنی، اخباری و اصولی، اهل حدیث و اصحاب رأی، همه و همه در نگارش و شرح حدیث قلم زده‌اند؛ که نشانه پذیرش این اصل است: «حدیث به شرح و تفسیر نیاز دارد.» چه اگر این اصل موضوعه نمی‌بود، کتاب‌های حدیثی با شیوه‌های گوناگون فهرست‌نویسی و دسته‌بندی‌های جورواجور بر پایه دل‌بستگی‌ها و حوزه مطالعاتی نویسندگانشان پدید نمی‌آمد و صدالبته کتاب‌هایی که در شرح احادیث نگاشته شده‌اند.

بر پایه این اصل اصیل و اساسی، هر نویسنده‌ای برای سبک نگارش خود، مجموعه‌ای از مبانی را در ذهن خود ترسیم می‌کند؛ برخی از حدیث‌پژوهان در پیش‌گفتار کتاب‌هایشان، این مبانی را به رشته نگارش درآورده و براساس آن‌ها به شرح و تفسیر حدیث کوشیده‌اند. این مبانی ذهنی یا مکتوب است که در روش‌های گوناگون فقه‌الحدیثی، خود را نشان می‌دهد.

فیض کاشانی در روزگار صفویه، که از برجسته‌ترین و ارزشمندترین دوره‌های تاریخ تشیع و روزگار نگارش جوامع ثانویه کتب روایی شیعه است، زیسته و به نگارش آموخته‌ها و اندوخته‌های خویش پرداخته؛ یکی از آن‌ها *وافی* است که آن را به سال ۱۰۶۸ ق گرد آورد. *وافی* را در جمع کتب اربعه در ۲۷۳ باب و حدود ۵۰۰۰۰ حدیث (آقابزرگ، بی‌تا[الف]: ج ۲۵، ۱۴) نگاشته است. این شمار گزارش شده با به‌شمارآوری کمابیش ده‌هزار حدیثی است که فیض در شرح و بیان روایات کتب اربعه از دیگر منابع آورده است (فیض، ۱۴۰۶ ق: ج ۱، ۷).

مبانی فقه‌الحدیثی فیض در *وافی* را در موارد زیر برشمرده‌اند:

شرح روایات با استفاده از دیگر روایات، استفاده از سیاق روایات، استفاده از سبب و فضای صدور روایات، تمسک به ظهور: تأکید بر معنای لغوی، استناد به تبادر، استفاده از علوم مختلف ادبی، تمسک به قرآن و تفسیر، رفع تعارض از اخبار متعارض، استفاده از مرجحات سندی و متنی. این مبانی در روش‌های فلسفی، عرفانی، کلامی، ادبی، اخلاقی، اجتماعی و فقهی رخ نموده است (میرجلیلی، ۱۳۸۷: فصل ۴ و ۵).

فیض که در تلخیص‌نویسی کتاب‌ها، دست و قلم پرتوانی دارد، این کتابش را به سال ۱۰۸۲ ق خلاصه نموده، آن را *شافی* نامید. به گفته جعفریان، در کتاب *شافی* فقط احادیثی آمده که جای هیچ‌گونه تردید و تشکیکی در آن‌ها نیست؛ همه از محکمت، اصول و ارکان‌اند (فیض، ۱۳۷۱: ۱۹، مقدمه مصحح).

در نگاه نخست، مبانی فقه‌الحدیثی فیض در *شافی* و کاربست آن‌ها توسط وی در بررسی

روایات، باید همان مبانی فقه‌الحدیثی در *وافی* باشد؛ حال آنکه به نظر می‌رسد در *شافی* با دگرگونی این مبانی و کاریست آن‌ها روبه‌رو باشیم. چنان‌که خود فیض در درآمد *شافی* به این دگرگونی‌ها اشاره نموده است (فیض، ۱۴۲۹ق[الف]: ج ۱، ۳۳).

در این جستار، در پی یافتن مبانی فقه‌الحدیثی وی در کتاب *شافی* برآمدیم که تاکنون پژوهشی در این باره انجام نشده است، تا شاید از این رهگذر بتوانیم دگرگونی‌های رخ داده در روند فهم حدیثش را بازجوییم. به نظر نگارنده، بایستگی این پژوهش از آنجاست که فیض از آن دسته‌ای است که اثر پذیرفته و تأثیر گذاشته؛ گونه‌گونی نوشته‌های وی می‌تواند گواهی بر این دیدگاه باشد. کاویدن مبانی فقه‌الحدیثی فیض در *شافی* می‌تواند این تأثیر و تأثر را روشن نماید.

۲. آشنایی با کتاب شافی

فیض کتاب *شافی* را در فهرست یکم نوشته‌هایش این‌گونه می‌شناساند:

گزیده‌ای است از کتاب *وافی*؛ مغز و چکیده سخنانی است که در *وافی* آمده؛ اصول و ارکان دین است؛ دارای سخنانی است که هنگام پژوهش و بررسی، هیچ‌گونه تعارض در آن‌ها راه ندارد؛ دارای سخنانی است که پس از درنگ و پیگیری در واژگان و معانی‌شان، تشابهی در آن‌ها نیست و همگی از گونه محکمت‌اند؛ به‌جای گزارش مکررات، به سخنان بسیار روشن و کامل پرداخته است؛ در شرایع و احکام، به موضوعات اهم و احکم بسنده شده است؛ دو بخش دارد: بخش نخست درباره عقاید و اخلاق و بخش دوم، شرایع و احکام (ناجی نصرآبادی، ۱۳۸۷: ۷۹).
و در درآمد *شافی* این ویژگی‌ها را افزوده است:

برخی از ترتیب روایات و عنوان‌های ابواب دگرگون شده است؛ نام راویان بدان سبب که تنافی و تعارضی میان روایات کتاب نیست، سترده شده مگر چنان‌که نیاز به گزارش نام آنان بوده است؛ گاهی بخشی از حدیثی به علت هم‌خوانی و هم‌پوشانی زیر عنوانی آورده شده تا معنا را کامل‌تر نماید؛ آنچه از نسخه‌های کافی افتادگی داشته از روی کتاب‌های شیخ صدوق درست شده است (فیض، ۱۴۲۹ق[الف]: ج ۱، ۳۳).

۳. روش گزارش سند

کمابیش روش همیشگی فیض در گزارش اسناد روایات، نام نبردن از راویان و رجال سند است و به‌جای آن، نام کتاب/کتاب‌ها و معصوم گوینده سخن را می‌آورد. با درنگی در این روش اساسی فیض، موارد زیر به دست می‌آید:



۱-۳. آمار گزارش روایت از کتب اربعه

بر پایه این شمارش نگارنده، میزان بهره‌برداری از کتب اربعه به زبان ریاضی چنین است:

کافی: ۵۶/۲۹ درصد؛

کافی، من لایحضره الفقیه و تهذیب الاحکام: ۴/۷۴ درصد؛

کافی و من لایحضره الفقیه: ۶/۶۷ درصد؛

کافی و تهذیب الاحکام: ۱۰/۸۵ درصد؛

من لایحضره الفقیه: ۸/۷۱ درصد؛

تهذیب الاحکام: ۱۰/۰۹۹ درصد؛

استبصار: ۰/۰۳۳ درصد؛

من لایحضره الفقیه و تهذیب الاحکام: ۲/۶۲ درصد.

بیشترین بهره‌برداری فیض از کتاب کافی است؛ به‌ویژه در جلد یکم شافی «فیما هو من قبیل العقائد و الاخلاق»؛ ۲۲۰۶ روایت از ۲۴۲۴ روایت این جلد برابر ۹۱٪ سهم کافی و سهم این کتاب در جلد دوم شافی فیما هو من قبیل الشرائع و الاحکام» (فیض، ۴۲۹ق[الف]: ج ۱، ۳۳) ۲۵۲۷ حدیث از ۳۶۰۰ حدیث برابر با ۷۰٪ است. (بهره جستن فیض از کافی با کنار هم گذاشتن همه این شمارش‌ها و درصدها برابر است با: ۷۸/۵۷٪) چنین به نظر می‌رسد که مدار نگارش شافی را بر محور کافی کلینی بنا نموده است؛ از این روست که می‌نویسد: «و ما سقط من نسخ الکافی فمن کتب شیخنا الصدوق اثبتناه» (همان).

با وجود این سخن فیض در شافی، موردی نیافتیم که به افتادگی یا ناهمسازی نسخ کافی و یا نادرستی آن اشاره شده باشد؛ وی در شافی به این راست‌گردانی‌های متن کافی بر پایه متن کتاب‌های صدوق اشاره‌ای ننموده و هر تصحیح و درست‌نویسی که بوده، در وافی نگاشته شده است. در وافی با فرازهایی مانند «بعض نساخ الکافی» (فیض، ۱۴۰۶ق: ج ۱، ۳۳۲)، «غلط النساخ» (همان: ج ۱، ۳۵۰؛ ج ۱۷، ۸۳۷؛ ج ۲۱، ۱۰۳)، «قلم النساخ» (همان، ج ۱، ۱۹ و ۴۳۷؛ ج ۲، ۴۰، ۲۰۷ و ۳۸۵)، «قلم نساخ الکافی» (همان: ج ۱، ۴۸۷؛ ج ۲۵، ۹۰۱) و «قلم صاحب الکافی» (همان: ج ۱، ۴۸۳) به این موضوع ارزشمند رهنمون نموده؛ و حتی گاهی نویسنده نسخه را نیز بیان کرده است مانند نسخه شهید ثانی از کافی (همان: ج ۲، ۴۳۶).

۲-۳. چگونگی یادکرد منبع روایت

شیوه فیض در یادکرد کتب اربعه همان رده‌بندی تاریخی آنان است؛ نخست کافی مرحوم کلینی



مبانی حدیث پژوهی فیض کاشی در کتاب شافی، حسین ستار و همکاران

10.22052/KASHAN.2023.248739.1062

(د. ۳۲۹ق)، سپس من لا یحضره الفقیه شیخ صدوق (د. ۳۸۱ق)، آنگاه تهذیب الاحکام شیخ طوسی (د. ۴۶۰ق) و تنها در دو مورد، از الاستبصار شیخ طوسی روایت آورده است (فیض، ۴۲۹ق [الف]: ج ۲، ۱۱۹۵، ح ۱۲۷۴؛ ۱۵۳۳، ح ۲۹۷۱) با وجود اینکه هر دو در تهذیب هست (طوسی، ۱۳۶۴: ج ۵، ۲۲۹؛ ج ۷، ۲۶۹). در آنجا که هر سه منبع در بردارنده روایت باشند، نام هر سه کتاب به ترتیب پیش گفته نوشته شده است: «الكافی و الفقیه و التهذیب...» (ر.ک: فیض، ۴۲۹ق [الف]: ۱۰۳۸، ح ۵۱۱ و...).

گاهی روایت در بیش از یک منبع بوده، ولی فیض به تمام منابع اشاره‌ای ننموده است (همان: ۱۰۸۷، ح ۷۳۱؛ ۱۵۳۰، ح ۲۹۶۳).

۳-۳. چگونگی یادکرد نام معصوم (ع)

فیض هنگام آوردن نام فرخنده معصومان (ع)، نامی و نامورترین نامشان را آورده است؛ النبى (ص)، امیرالمؤمنین، الحسن و الحسین (همان: ۸۴۴، ح ۲۲۸۸)، السجاد (همان: ۹۹، ح ۱۰۳)، الباقر، الصادق، الکاظم، الرضا، الهادی (همان: ۷۸۲، ح ۲۱۴۴)، الجواد (همان: ۳۱۰، ح ۴۴۹)، ابومحمد عسکری (همان: ۴۳۳، ح ۷۰۶) صلوات الله علیهم اجمعین.

۳-۳-۱. آوردن کنیه معصوم (ع)

در موارد اندکی به جای روش همیشگی اش، کنیه معصوم (ع) را گزارش کرده است مانند ابوعبدالله (ع) (همان: ۳۱۹، ح ۴۶۲؛ ۲۹۷، ح ۴۳۴)، ابوابراهیم (ع) (همان: ۳۲۰، ح ۴۶۶؛ ۳۲۱، ح ۴۶۹) و... این کار فیض، گاهی سبب دشواری در شناخت نام امام (ع) است آنجا که کنیه‌ها همسان باشد، راه حل دشواری را باید در نام واپسین راوی از امام (ع) جست‌وجو نمود؛ جای شگفتی است که فیض با آگاهی از این دشواری (همو، ۱۴۰۶ق: ج ۱، ۲۸) نیز برای شناساندن نام امام (ع) هیچ تلاشی نکرده است. مثلاً کنیه ابومحمد (ع) مشترک میان امام حسن، امام سجاد و امام حسن عسکری (ع) (همو، ۴۲۹ق [الف]: ۹۶۴، ح ۱۵۱؛ ۳۲۵، ح ۴۷۸؛ ۳۰۰، ح ۴۴۰؛ ۱۰۶۲، ح ۶۲۴).

در برخی موارد از راه بررسی واپسین راوی نیز، باز همان مشکل ناشناس بودن معصوم (ع) برجای ماندگار است:

الكافی و التهذیب: عن ابی الحسن (ع)... (همان: ۱۱۲۰، ح ۸۸۲). روای روایت ابوهاشم جعفری است که از اصحاب امام رضا، امام محمدتقی، امام علی نقی، امام حسن عسکری و صاحب الزمان صلوات الله علیهم اجمعین بوده است (ر.ک: طوسی، ۱۴۱۷ق: ۱۲۴؛ خویی، ۱۴۱۳ق: ج ۲۳،



۸۵). با وجود این، باز نمی‌توان به‌درستی گوینده کلام را بازشناساند که امام رضاست یا امام هادی(ع)!

۳-۲. آوردن لقب و صفت امام معصوم(ع)

«عالم» (فیض، ۱۴۲۹ق[الف]: ۲۱۸، ح ۳۰۳) و «عبدصالح» (همان: ۴۳۳، ح ۷۱۰) که امام کاظم(ع) است و فیض اشاره‌ای ننموده است (ر.ک: همو، ۱۴۰۶ق: ج ۱، ۲۸).

«زکی» ستایشی است از حضرت رسول(ص) درباره امام حسن عسکری(ع) (همو، ۱۴۲۹ق[الف]: ۱۳۳۲، ح ۱۸۸۸).

۳-۳. گزارش حدیث بدون هیچ اشاره‌ای به نام معصوم (همان: ۱۱۹۳، ح ۱۲۶۰؛ ۱۱۹۶، ح ۱۲۸۷)

۳-۴. روایت مضمرة

در برخی از روایات شافی، به‌جای نام معصوم(ع) از ضمیری که به نام ایشان بازمی‌گشته، بهره برده شده و مرجع ضمیر، ناشناس است؛ این کار، گونه‌ای آسیب‌سندی به شمار می‌رود (همان: ۱۱۶۰، ح ۱۰۹۰؛ ۱۱۱۸، ح ۸۷۴).

فیض در موارد اندکی این آسیب‌سندی را برطرف کرده است (همان: ۱۱۴۶، ح ۱۰۱۳). گاهی نیز به‌سبب گزیده‌نویسی و گزینش روایات دلخواهش، گوینده حدیثی را که در منبع اصلی آمده، نیاورده بلکه به گونه مضمرة، گزارشش کرده است (همان: ۱۶۶، ح ۲۳۳).

۳-۴. چگونگی یادکرد راوی

معیار فیض در حدیث‌شناسی، معیار قدمای حدیث مانند کلینی و صدوق بر مدار و محور متن است. وی آغاز درون‌آیی اصطلاحات حدیث «صحیح، حسن، موثق، ضعیف» را در میراث حدیثی شیعی به دست علامه حلی (د. ۷۲۶ق) می‌داند و پیشینیان حدیث‌شناسی را بی‌خبر از این اصطلاحات (همو، ۱۴۰۶ق: ج ۱، ۲۲). او معیار قدما را برای بازشناسی حدیث صحیح که «إطلاق الصحیح علی کل حدیث اعتضد بما یقتضی الاعتماد علیه واقترن بما یوجب الوثوق به والركون إليه» (همان) را درست‌تر می‌شمارد و مبنای خود را بر راه و روش آنان بنا می‌کند. روایات کتب اربعه را گزارش سخنانی از نویسندگانشان، صحیح می‌خواند (همان: ۲۳) و علم رجال را تنها در تعارض اخبار، سودمند می‌داند (همان: ۲۵).

از این‌رو در تلخیص وافی که به گفته خود فیض و دیگران، محکمت و روایات غیرمتعارض را گزارش کرده، نیازی به ذکر راویان روایت نمی‌بیند (همو، ۱۴۲۹ق[الف]: ج ۱، ۳۳). پیش‌تر



گفته شد که شیوه فیض، حذف همه رجال سند است تا جایی که در موارد بسیاری به سبب حذف نام راوی، ناچار شده تا واژگان و فرازهای حدیث را دیگرگونه کند؛ البته این بدین معنا نیست که آسیبی به متن و درونمایه سخن وارد کند.

با همه پافشاری و تلاشی که فیض برای ماندن بر شیوه خویش داشته است، در برخی موارد چاره‌ای جز این نبوده که نام واپسین راوی را گزارش کند؛ چراکه چنانچه دیگرگونی در واژگان و فرازها رخ می‌داد، سیاق سخن را تباه می‌ساخت که بیشترین موارد، پرسش و پاسخ (همان: ۱۱۲، ح ۱۴۷؛ بسنجید با: کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۵۷) و یا مورد خطاب قرار دادن راوی از سوی معصوم (ع) است (فیض، ۱۴۲۹ق[الف]: ۳۶۲، ح ۵۳۸؛ بسنجید با: کلینی، ۱۳۶۳: ج ۸، ۲۹۵).

۴. روش گزارش متن و نام‌گذاری کتب و ابواب

روش فیض چنین است که چنانچه میان متن حدیث در منابعشان ناهمسانی باشد، گزارش کافی را بر دیگر کتاب‌ها پیش می‌نهد (برای نمونه تقدم نقل کافی بر فقیه: فیض، ۱۴۲۹ق[الف]: ۱۰۹۰، ح ۷۴۲؛ ۱۵۲۶، ح ۲۹۲۹).

گفتنی است فیض در اندک مواردی این رده‌بندی را پاس نداشته است: در مواردی متن تهذیب بر من لایحضره الفقیه (همان: ۱۵۳۲، ح ۲۹۶۶؛ ۱۱۷۲، ح ۱۱۵۳)، و من لایحضره الفقیه بر کافی (همان: ۱۰۸۷، ح ۷۳۳؛ ۱۱۰۲، ح ۷۹۱) پیشی گرفته است.

فیض روایت را کمابیش در بیشترین موارد به گونه‌ای که در منبع اصلی آمده است، آورده ولی گاهی پیش آمده که بخشی از روایتی را نگاشته که به گمانش برای موضوع بنیادی باب، بسنده می‌نموده است (نمونه‌ها: همان: ۹۶، ح ۹۵؛ ۹۹، ح ۱۰۳).

گاهی با سرنویس «فی روایة» (همان: ۲۲۲، ح ۳۱۰؛ ۲۳۰، ح ۳۲۴ و...) و یا «روی» (همان: ۱۱۷۱، ح ۱۱۴۲؛ ۱۱۷۳، ح ۱۱۵۶ و...) روایتی بدون سند و منبع گزارش می‌کند - هرچند همین روایت‌ها نیز از کتب اربعه گزارش می‌شود - و بهره‌اش از این کار، تأیید (برای نمونه ر.ک: همان: ۱۱۳۷، ح ۹۵۸؛ و...) و در بیشتر موارد، تکمیل (برای نمونه ر.ک: همان: ۱۱۰۱، ح ۷۸۷؛ ۱۱۰۵، ح ۸۱۴ و...) روایتی است که به شیوه همیشگی خود - با سند و منبع - بیان نموده و کمابیش در بیشینه موارد، بخش مورد نیاز حدیث را گزارش نموده است (همان: ج ۱، ۳۳).

فیض در مواردی کمی به «نسخه‌های گوناگون» متن حدیث اشاره کرده است؛ به‌ویژه آنجا که معنایی نو و شاید بهتر از روایت به همراه داشته باشد (همان: ج ۱، ۶۷۲).

هر دو جلد شافی دارای ۱۲ کتاب است. عنوان‌هایی که فیض برای این کتاب‌ها برگزیده و

شیوهٔ چینش این کتاب‌ها در *شافی*، در میراث حدیثی شیعی از نوآوری‌های و خوش‌سلیقگی‌های دانشی و پژوهشی اوست. برای نمونه این عنوان کتاب‌ها، بی‌پیشینه در کتاب‌های حدیثی است: کتاب العلم و الفقه، کتاب التوحید و التمجید، کتاب النبوة و الامامة، کتاب الفضائل و الرذائل. هرچند در اندک عنوان‌هایی، همانندی بسیاری با عنوان‌های نامور میان حدیث‌شناسان به چشم می‌آید، برای نمونه کتاب الابتلاء و التمحیص که در کتاب نویسندگانی چون برقی (۱۳۳۰ش: ج ۱، ۲۷۸)، کلینی (۱۳۶۳ش: ج ۱، ۱۵۲) و صدوق (بی‌تا[الف]: ۳۵۴)، بابی با عنوان «الابتلاء و الاختبار»، یا «کتاب الزی و التجمل» که در کتاب *کافی* بابی با عنوان «کتاب الزی و التجمل و المروءة» (کلینی، ۱۳۶۳ش: ج ۶، ۴۳۸) هست.

به نظر می‌رسد این نام‌نگاری فیض برای کتاب‌ها، در راستای انگیزه‌اش برای تلخیص کتاب *الوافی* بسیار بجا و درست باشد؛ تا آنجا که توانسته بهترین و سراسرترین واژه‌ها را برگزیده تا بتواند پس از عنوان، باب‌های در پیوند با موضوع کتاب را در نیکوترین گونه ردیف کند که میان روایت‌های موجود در باب و عنوان کتاب، بیشترین هماهنگی و هم‌پوشانی بر پایهٔ درون‌مایهٔ متن حدیث وجود داشته باشد. برای نمونه می‌توان از بخش دوم کتاب که دربارهٔ فقه و احکام است، سخن گفت؛ «تبویب و تسمیه ابواب» در این بخش، بی‌مانند بی‌پیشینه است، وی همهٔ ابواب فقهی را در دوازده باب بخش‌بندی نموده است و طرحی درافکننده برخلاف آنچه از زمان محقق حلی در *شرائع الاسلام* کمابیش بر همهٔ کتاب‌های فقهی سایه انداخته بود (ر.ک: مطهری، ۱۳۵۸: ۳۱۴ و ۳۴۲-۳۴۱).

اما در نام‌گذاری باب‌ها، کمابیش در بیشتر موارد، آن نامی را که در *وافی* بر باب نهاده، آورده است. فیض دربارهٔ عنوان باب‌های *وافی* - تا آنجا که شدنی بوده است - از عنوان‌های به‌کار برده‌شده در *کافی* کلینی سود برده است: «حافظت علی عنوانات ابواب الکافی و ترتیبات مهمما أمکن» (فیض، ۱۴۰۶ق: ج ۱، ۴۰). هرچند در این زمینه نیز از خود نوآوری‌هایی نشان داده است؛ برای نمونه ۲۵ روایت «کتاب العقل و الجهل» *شافی* را از میان ۳۴ روایت کلینی در کتابی با همین نام گزینش نموده، ناهمسانی کار فیض با کلینی در باب‌هایی است که برای این کتاب برگزیده است. کلینی در این کتاب از *کافی*، بی‌هیچ بابی روایتش را آورده؛ حال‌آنکه فیض، روایت‌ها را در ۴ باب با ژرف‌بینی ویژه‌ای بخش‌بندی نموده است و بر این چهار باب، عنوان‌های نهاده که شناخت و دریافت زودتر و بهتری از روایت‌ها به خواننده پیشکش می‌کند (فیض، ۱۴۲۹ق[الف]: ج ۱، ۳۷-۶۷).



فیض در وافی «ابواب العقل و العلم»، روایت‌های عقل و علم را باهم آورده ولی در شافی به جداسازی میان این روایت‌ها پرداخته است.

استاد فیض، سید ماجد بحرانی شاگرد محمدامین استرآبادی (د. ۱۰۳۳ق)، نگارنده الفوائد المذنیة در زنده‌سازی و بازبینی سنت اخباری است. سید نخستین کسی است که بازار حدیث، آن‌هم بر منش و بینش اخباری‌ها را در شیراز گرم کرد و پیشرفت داد (آقابزرگ، بی‌تا[ب]: ج ۵، ۴۸۳).

از نظر برخی، اخباری‌گری دیدگاه‌هایی درباره روش‌شناسی فقهی (اصول فقه)، موضوعات فروع دین مانند نقش فقیه در مشروعیت دولت در دوره غیبت، و موضوعات کلامی مانند اعتبار استدلال عقلی را در بر دارد (ر.ک: قیصری، ۱۳۷۷: ج ۷، ۱۶۰-۱۶۳؛ مشایخ‌فریدنی، ۱۳۷۲: ج ۲، ۱۳-۷) و در دیدگاه برخی دیگر، دربردارنده تردیدهایی است کلی در اصول فقه شیعی درباره گونه‌ای از شناخت‌شناسی که «ظن» را به جای «قطع» روا می‌شمرد. کالدر با بررسی دگرگونی‌های موضوع اجتهاد و نهادن محور پژوهش بر «حجیت خبر واحد» بنا بر دیدگاه‌های شیخ طوسی، علامه حلی و محقق حلی (د. ۶۷۶ق)، اخباری‌ها را «واکنشی ملانقطی» و بازدارنده مجتهدان و اصولیان دانسته است (Calder, 1989: 77).

چنین به نظر می‌رسد فیض پیش از آشنایی با سید، میانه خوبی با اصول فقه و اجتهاد داشته است؛ چنان‌که در ۲۲ سالگی (۱۰۲۹ق) در کتاب معتصم الشیعة فی احکام الشریعة، در مواردی همانند مجتهدان و اصولیان سخن می‌نویسد؛ برای نمونه درباره فعل امر در آیه «یوم الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ» می‌نویسد: «و الأمر للوجوب - كما تقرّر فی الأصول -» (فیض، ۱۴۲۹ق[ب]: ج ۱، ۷۶؛ نمونه‌های دیگر را ر.ک: ج ۱، ۱۱۳؛ ۱۳۰، ۱۸۶؛ ج ۲، ۸۷، ۱۰۶، ۱۳۳، ۲۹۰).

اما فیض پس از آشنایی با سید ماجد، دست‌کم در بخشی از زندگی‌دانشی‌اش، اخباری‌سخت و استواری شد و کتاب‌هایی نوشت بر شیوه اخباریان در رد اصولیان و مجتهدان مانند الاصول الاصلیة (زمان نگارش ۱۰۴۴ق)، راه صواب (زمان نگارش ۱۰۴۱-۱۰۴۳) و سفینة النجاة (زمان نگارش ۱۰۵۸ق). فیض در ستایش سید، کم نگذاشته و او را بنیادی‌ترین و ارزشمندترین طریق گزارش کتب اربعه در وافی می‌شناساند (فیض، ۱۴۰۶ق: ج ۱، ۲۸-۲۹).

ولی در شیوه اخباری‌گری‌اش، روی سوی میانه‌روی و اعتدال می‌نهد و در مواردی به نقد استرآبادی که زمانی شاگردی‌اش را نموده بود، می‌پردازد (همو، ۱۳۴۹: ۱۲-۱۳؛ همو، ۱۳۸۷[الف]: ۱۹، ۳۴، ۳۶). در وافی، اجتهادی را که ریشه در قرآن و حدیث نداشته باشد،

نمی‌پذیرد و تقلید از کسانی را روا نمی‌داند که به رأی خویشان فتوا می‌دهند، ولی آنان که سخن از قرآن و حدیث می‌گویند، به‌راستی که دستور خداوند را باز می‌گویند؛ در «باب التقلید» می‌نویسد: «و فی هذا الحدیث^۱ دلالة واضحة علی عدم جواز تقلید المجتهدین فی الأحکام بأرائهم كما هو الشائع الذائع إلى اليوم حتی بین أصحابنا فضلا عن العامة ولیت شعری کیف یجیبون عن ذلك إلا من أفتی بمحکمات القرآن والحدیث فإن اتباع قوله حیثذ لیس بتقلید له بل تقلید لمن فرض الله طاعته وحکم بحکم الله عز وجل» (همو، ۱۴۰۶ق: ج ۱، ۲۴۰).

باری، سخنی هرچند بسیار کوتاه از این پیشینه دانشی فیض، بایسته می‌نمود تا شاید بتوان دلیل زدودن «باب التقلید» از شافی را دریافت که همانا میانه‌روی وی در اخباری بودن است؛ چنان‌که روزی مجتهدان و اصولیان را تا مرز کفر پیش می‌کشاند (ر.ک: همو، ۱۳۸۷ق:ج: ۱۳۱-۱۳۲) و دیگر روز همگان را آگاه می‌سازد که نام «کافر» بر آنان نهادن نارواست (ر.ک: همو، ۱۳۸۷ق:ج: ۲۱-۲۲).

۵. مبانی حدیث‌پژوهی فیض

هر نویسنده‌ای آنگاه که بخواهد اندیشه‌ها و باورهای را که از راه خردورزی به دست آورده، بنگارد، برای نگارش، فراگردی از مبانی را پیش چشم دارد که بر پایه آن‌ها، یافته‌هایش را در پیکره‌ای از جنس حروف و واژگان پیش می‌نهد. فیض در کتاب *الوافی* با نگارش دوازده مقدمه به مبانی، روش‌ها و سنجه‌های خویش در دانش حدیث و فهم آن رهنمون شده است؛ بدین سبب پیش‌گفتار شافی، بیش از یک برگه نشده است. از این‌رو در برخی موارد گزیری نیست مگر آنکه برای دستیابی بهتر به تلاش‌های وی به *وافی* اش نگاهی داشته باشیم.

۱-۵. مبانی فیض در سنجش روایت^۲

۱-۱-۵. حدیث مجمع علیه

در دیدگاه فیض، این‌گونه حدیث باید یکی از این دو ویژگی ارزشمند را داشته باشد: یکم آنکه همه حدیث‌شناسان امامیه بر گزارش آن، همسان کوشیده باشند و دو دیگر آنکه درون‌مایه حدیث را پذیرفته و بر پایه آن عمل کرده باشند که این پذیرش و عمل میان همان حدیث‌شناسان شناخته شده باشد. وی دیدگاهش را به روایتی از امام صادق(ع) گواهمند می‌کند: «خذ بالمجمع علیه بین أصحابک فإن المجمع علیه لا ریب فیه» (فیض، ۱۴۰۶ق: ج ۱، ۱۸).

۲-۱-۵. روشنگری در نام راویان مشترک

فیض در «مقدمه ثانیه» *وافی* از این موضوع سخن گفته و افزونی تلاش برای شناسایی و آگاهی



از روایان و طبقه حدیثی آنان را در بیشتر موارد، مشکل گشا دانسته است. برای نمونه «عباس» که «محمد بن علی بن محبوب» از او روایت کرده است، روشن نیست که کیست؛ ولی فیض، او را «عباس بن معروف، الثقة القمی» می‌داند (همان: ج ۱، ۹؛ نمونه‌های دیگر: همان، ج ۱، ۸۱، ۸۳؛ ج ۲، ۲۳۸ و ۳۵۵).

۳-۱-۵. کارایی دانش رجال در «تعارض روایات»

گفته شد که دیدگاه فیض در حدیث پژوهی‌اش، دیدگاه قدمای امامیه است (متن محوری). از این رو نادرستی‌ها و ناراستی‌های مذهبی راوی حدیث، در پذیرش یا نپذیرفتن سخنان اثری ندارد؛ همین‌که راوی در مذهب خویش، «ثقه» باشد، برای درست و صحیح دانستن سخن او بسنده است (همان: ۲۴). از دید فیض، دانش رجال تنها درباره «روایات متعارض» سودمند است. وی در ناکارآمدی این دانش دو سخن دارد: یکم آنکه در موارد بسیاری درباره روایان، مشایخ و استادان حدیثی شیعه «مدح و قدح» نرسیده، از این رو بر پایه دیدگاه متأخران در شناخت حدیث، روایت آنان «ضعیف» است؛ آیا متأخران به این کار، خشنود می‌شوند! مانند ابراهیم بن هاشم قمی (از مشایخ کلینی و نخستین گسترش‌دهنده حدیث کوفیان در قم)، علی بن ابی‌حجید (از مشایخ شیخ طوسی و نجاشی) و حسین بن حسن بن ابان (از مشایخ محمد بن حسن بن ولید)؛ دیگر آنکه در «جرح و تعدیل روایان»، «اختلافات و تناقضات و اشتباهات» بسیاری است که زوددنی نیست (همان: ۲۵).

۴-۱-۵. خانواده حدیث

خانواده حدیث، مجموعه‌ای از روایاتی با درون‌مایه‌ای همسان و موضوع‌هایی که هم‌پوشانی معنایی است که در گام نخست به روایات یک باب و در گام‌های پسین به روایات در پیوند با آن باب بستگی دارد (ر.ک: معارف، ۱۳۸۳)

فیض بر این باور است که پاره‌ای از روایات‌ها برای برخی دیگر از روایات‌ها نقش پشتیبان معنایی دارند و گاهی بخشی از یک روایت، با بخشی از روایت دیگر پیوند معنایی خوبی دارد؛ گاهی نیز پیش چشم داشتن «قرینه‌های حالیه یا مقالیه» مانند پرسش و پاسخ گزارش‌شده در یک یا چند روایت، رهنمونی است بر همسانی درون‌مایه روایت‌ها. «فإن بعض الروایات یتعاضد ببعض، و بعض أجزاء الحدیث یناسب بعضاً، و قرینة الجواب أو السؤال تدلّ علی صدق المضمون، إلی غیر ذلک» (فیض، ۱۳۸۷ [الف]: ۸۴؛ نیز ر.ک: همو، ۱۳۸۷ [ب]: ۳۹). وی در شافی هر جایی که «فی روایة» یا «روی» را به کار بسته است - اندکی پیش‌تر از این شیوه فیض سخن

آمد به همین خانواده حدیثی اشاره دارد.

۵-۱-۵. نسخ حدیث

در دیدگاه فیض، همان‌گونه که در قرآن نسخ رخ داده است، در حدیث نیز با این پدیده روبه‌رو می‌شویم. یکی از انگیزه‌هایی که سبب پیدایی اختلاف میان حدیث‌پژوهان و حدیث‌خوانان می‌شود، این است که گاهی فراموششان می‌شود که در روایت‌های اهل‌بیت(ع)، نسخ نیز روی داده است. در دیدگاه فیض، همان‌گونه که در قرآن نسخ رخ داده است (همو، ۱۴۰۶ق: ج ۱، ۲۸۱). در حدیث نیز با این پدیده روبه‌رو می‌شویم. وی پس از گزارش سخنی از امام صادق(ع) که فرمود: «إن الحدیث ینسخ کما ینسخ القرآن» (کلینی، ۱۳۶۳ش: ج ۱، ۶۴) می‌نویسد: «المراد بنسخ الأحادیث بعضها بعضاً أن حدیث رسول الله ص ربما ینسخ ولا یعلم الراوی نسخه فیرویه ظناً منه بقاء حکمه من غیر کذب فیجئ غیره بالناسخ فیقع الاختلاف» (فیض، ۱۴۰۶ق: ج ۱، ۲۸۱). یکی از انگیزه‌هایی که سبب پیدایی اختلاف میان حدیث‌پژوهان و حدیث‌خوانان می‌شود، این است که گاهی فراموششان می‌شود که در روایت‌های اهل‌بیت(ع) نسخ نیز روی داده است.

۶-۱-۵. پیروی از اصطلاحات پیشینیان حدیثی

سازمان اندیشه حدیث‌پژوهی فیض بر پایه دیدگاه‌های قدامت‌ست؛ برای نمونه بخش‌بندی چهارگانه حدیث به «صحیح، حسن، موثق و ضعیف» را نمی‌پذیرد؛ یا «احکام خمسۀ تکلیفیه» را بر ساخته متأخران می‌داند (همان: ۴۱). در دید پیشینیان حدیث، واژه «واجب، سنت، امر به چیزی» در سخنان اهل‌بیت(ع) بر «فرض و استحباب» رهنمون است و همین‌گونه است «کراهت و نهی از چیزی» که نسبت به «تحریم و تنزیه» فراگیری بیشتری دارد.

۷-۱-۵. سخن‌گویی در حد و اندازه توانایی شنونده

یکی از نشانه‌های سخن‌گویی خردمندانه و خردپسند این است که در حد و اندازه عقل شنونده باشد؛ بر این نشانه، شریعت نیز پافشاری دارد، آنجا که حضرت رسول(ص) می‌فرماید: «إنا معاشر الأنبیاء أمرنا أن نکلم الناس علی قدر عقولهم» (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۲۳).

فیض نیز آنگاه که به شرح روایت می‌کوشد، بدین نکته روی دارد و برای این دیدگاه، این سخن امام سجاد(ع) را دستاویز می‌کند که نشان‌دهنده ناهمگونی فهم و درک مخاطب است: «لو علم أبوذر ما فی قلب سلمان لقتله» (فیض، ۱۴۰۶ق: ج ۱، ۱۱).

۲-۵. مبانی فقه‌الحدیثی فیض

فیض، سبب بنیادی نوشتن کتاب‌های حدیثی‌اش را رویکرد به موضوع‌های فقه‌الحدیث می‌خواند؛

برای نمونه انگیزه اساسی در نگارش *وافی*، بر مدار فقه الحدیث می‌شناساند (همان: ۵۴). بر پایه سخنان وی، می‌توان سه انگیزه برای نگارش *وافی* برشمرد:

- کاستی‌هایی در زمینه گزارش روایت‌هایی ارزشمندی که مایه هدایت انسان است.
- پراکندگی ابواب و عنوان‌های آن‌ها که مراجعه به روایت‌ها را بسیار دشوار می‌نماید.
- بودن روایت‌های تکراری که سبب اساسی برای به درازا کشیدن حجم کتب اربعه شده است (همان).

وی در کتاب *شافی* نیز به این‌گونه پژوهش‌های فقه الحدیثی رویکرد بسیار داشته است که می‌توان موارد زیر را از مبانی‌اش در فقه الحدیث *شافی* برشمرد.

۲-۱. به‌کارگیری آیات در شرح روایات

فیض از مفسرانِ روایی قرآن و دارنده سه تفسیر روایی در قرآن است؛ از این رو آشنایی فراگیر و حافظه‌ای سرشار از درون‌مایه آیات قرآنی دارد. بر پایه سخن معصومان (ع)، قرآن می‌تواند سببی برای پذیرش یا نپذیرفتن روایات باشد؛ آنگاه که حدیثی بر قرآن عرضه شود و آنچه با قرآن هم‌خوانی دارد، پسندیده و پذیرفته است و گرنه، نه!

فیض می‌نویسد: «القرآن أصل كل حدیث حق و برهان كل قول صواب و مستند كل أمر و علم» (همان: ج ۱، ۲۹۵).

وی در شرح «حدیث جنود عقل و جهل» آنجا که حضرت صادق (ع) سخن از آفرینش جهل از دریای تلخ‌مزه می‌راند، می‌نویسد: «مراد از دریای تلخ، ماده جسمانی تاریک و تیره‌ای است که سرچشمه همه بدی‌ها و آسیب‌ها در این جهان است؛ و در این نکته اشاره‌ای به اینکه جهل، خود قابلیت این را داشته که از چنین ماده و دریایی آفریده شود. حال چرا امام (ع) از "بحر اجاج" سخن گفته است، سببش آیه‌ای از قرآن است که خداوند در داستان آفرینش در جایی از این دریا سخن رانده است (فرقان: ۵۲-۵۳) و در جایی دیگر می‌فرماید: "و عرش او بر آب بود" (هود: ۷) یعنی اینکه بن‌مایه و پایداری جهان جسمانی بر ماده‌ای است که هرگونه "خیر و شر" را پذیراست؛ ماده‌ای مانند آب که به‌سادگی، هر پیکره و شکلی به خود می‌گیرد. این آب نیز چند گونه است: گونه‌ای از آن شیرین و گواراست و دیگر گونه‌اش، شور و تلخ» (فیض، ۴۲۹ق[الف]: ج ۱، ۴۲؛ برای نمونه‌های دیگر رک: همان: ج ۱، ۵۱، ۶۰، ۶۲، ۶۷ و...).

۲-۲. به‌کارگیری روایات در شرح روایات

قاعده «الحدیث یفسر بعضه بعضا» از دیرباز تاکنون میان حدیث‌پژوهان، شناخته شده و سنجیده‌ای



کارا و ارزشمند برای فقه‌الحديث شمرده می‌شود.

فیض آنگاه که آهنگ معنا و شرح «عرش» را دارد، بدون گزارش حدیثی که در معنای عرش آمده، می‌نویسد: «العرش» عبارة عن جميع الخلائق كما ورد فی الحدیث» (همان: ۴۲؛ نمونه‌های دیگر: ج ۱، ۴۸، ۵۰، ۵۱، ۵۹ و ۶۰).

۲-۳. به‌کارگیری عقل در شرح روایات

از دیدگاه اخباریان، عقل ابزاری است برای دستیابی درست به آموزه‌های دینی و کاری بیش از این از او بر نمی‌آید (حرعاملی، ۱۴۰۳ق: ۳۵۴). فیض نیز برای شناخت و شناساندن برخی روایات از عقل بهره گرفته است.

در روایتی از حضرت صادق(ع) آمده است که پیش از آموزش یک گناه انسان دانا، هفتاد گناه از آدم ناآگاه آموخته می‌شود (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۴۷).

با خواندن این حدیث، پرسشی ذهن خواننده را درگیر می‌کند که چرا انسان دانا با آن‌همه برتری و آوازه و خوش‌نامی که نسبت به نادان دارد، در آموزش گناهانش باید این‌همه (هفتاد برابر) از نادان واپس مانده باشد؟! پاسخ فیض بدین پرسش چنین است: «چراکه درک و دریافت انسان دانا از ناپسندی و زشتی گناه بسی افزون‌تر و فراگیرتر از آگاهی‌های انسان نادان است؛ پس گناه کسی که نسبت به زشتی کار، آگاهی ندارد و انجام می‌دهدش، زودتر و راحت‌تر از گناه کسی که این موضوع را می‌داند، بخشیده می‌شود» (فیض، ۱۴۲۹ق[الف]: ج ۱، ۱۰۳؛ نمونه‌های دیگر: ج ۱، ۷۹، ۲۱۹، ۴۳۷، ۴۴۲، ۴۶۴، ۷۰۶).

۲-۳-۱. اشاره به چندمعنایی حدیث

ناهمسانی در «درجات فهم مخاطبان حدیث» موضوعی است خردپسند و همه‌پذیر؛ با بودن این حکم عقل، شریعت نیز بر این ناهمسانی‌ها مهر درستی نهاده است (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۴۰۳). همین ناهمسانی درجات فهم سبب می‌شود که هرکس بتواند با رویکرد به آموخته‌ها و اندوخته‌های دانشی و بینشی خویش، معنایی از حدیث برگیرد که با دیگری ناهمگون باشد؛ البته آن دیدگاهی که با سنجه‌های فقه‌الحديثی همخوانی داشته باشد، نه اینکه معنای از حدیث بیاورد که چیزی جز رأی و دیدگاهی بر پایه خواسته‌ها و خواهش‌های نفسانی نباشد.

فیض در شرح «سلامة» از «جنود عقل» آورده است: «سلامت [از سپاه عقل] و متضاد آن، بلا [از سپاه جهل] است.» همچنین در دنباله همین روایت می‌آید: «عافیت [از سپاه عقل] و متضاد آن، بلا [از سپاه جهل] است؛» چه بسا که میان این دو بلا از دید معنایی ناهمسانی باشد: بالای

ضد سلامت به معنای امتحان و آزمایش است که به خیر و یا شر رخ می‌دهد، و بلای ضد عافیت به معنای محنت و شوربختی است. چه بسا چنین باشد که متعلق یکی‌شان کارهای خود بنده مانند فسق و عادت‌های ناشایست باشد و متعلق دیگری به آن چیزی باشد که از سوی خداوند می‌رسد مانند بیماری‌ها و گزندها؛ یا اینکه یکی‌شان ویژه روح و دیگری ویژه تن باشد؛ یا اینکه یکی‌شان درخور نفس باشد و دیگری درخور کارهایی باشد که از نفس پدیدار می‌گردد همچون خانواده، (گرد آوردن) دارایی و فرزند؛ با این همه، نخستین معنا، سزاوارتر و درست‌تر است.

اینک اگر هر دو بلا یا یکی‌شان را به نبود بیماری‌های نفسانی، اندیشه‌های تبه و کارهای ناپسند تفسیر کنیم، هر دو از سپاهیان عقل خواهند بود که در این معنا، بودن ضدشان (بودن بیماری‌ها، اندیشه‌ها و کارهای نادرست) از سپاهیان جهل، روشن است؛ انسان خردمند از این نادرستی‌ها به سبب شناختشان رهایی می‌یابد و نادان در دام آن‌ها می‌افتد و برمی‌گزیندشان بی‌آنکه خود نیز دریابد. اما آنگاه که هر دو بلا یا یکی‌شان را به نبود بیماری‌ها و آسیب‌ها تفسیر کنیم، شرحش نیاز به گسترده سخن دارد؛ چراکه در حدیث آمده است: «همانا بلا بر پیامبران نوشته شده و همراه آنان است، پس از آنان، اولیای خداوند، سپس هرکس که بدان‌ها همانندتر و همانندتر باشد.» پس بلایی که ویژه پیامبران و شایسته و سزاوارشان است، چگونه می‌تواند از سپاهیان جهل باشد! (فیض، ۱۴۲۹ق[الف]: ج ۱، ۴۷).

۲-۳-۲۵. گشودن گره تعارض از روایات

مختلف الحدیث دانشی است که در آن درباره «روایات متعارض» بررسی می‌شود؛ روایاتی که بین درون‌مایه آن‌ها ناهمگونی و ناهمسانی هست و نیز درباره چگونگی زدودن این تعارض (صدر، بی تا: ۲۸). زمینه‌های بسیاری سبب پیدایی تعارض میان روایات است؛ برخی تا ۲۲ مورد از این زمینه‌ها را برشمرده‌اند؛ بدفهمی، نسخ، از بین رفتن قراین، نقل به معنا، تشریح تدریجی، تقیه، ظرفیت راوی و جعل حدیث پاره‌ای از سبب‌های تعارض است (ر.ک: دلبری، ۱۳۹۱: ۲۳۲-۲۳۳).

فیض نیز در شافی به زدودن تعارض میان روایات کوشیده و از راه‌هایی برای گشودن این

دشواری در فهم، ابراز نموده است:

الف. حمل روایت بر اضطرار

عن ابي عبدالله (ع): پنج گروه‌اند که به هیچ‌گونه نمی‌توانند پیشوای [نماز جماعت] شوند:

انسان جذامی، پیس، دیوانه، زنازاده و اعرابی (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۳، ۳۷۵).

در برخی روایات از همان امام صادق (ع) از نماز جماعت به پیشوایی جذامی و پیس سخن

رفته است (طوسی، ۱۳۶۴ش: ج ۳، ۲۷). فیض پس از گزارش روایت نخست به پیروی از شیخ طوسی (طوسی، بی‌تا[ب]: ج ۱، ۴۲۳) این‌گونه روایات را درباره‌ی اضطرار می‌داند (فیض، ۱۴۲۹ق[الف]: ج ۲، ۹۹۹ و ۱۱۷۳).

ب. حمل روایت بر تخییر

زراره و محمد بن مسلم گویند: از امام باقر(ع) درباره‌ی شمار رکعت‌ها و چگونگی خواندن نماز خورشیدگرفتگی پرسیدیم؛ فرمود: ده رکوع و چهار سجده دارد، نماز با یک تکبیر آغاز می‌کند و با یک تکبیر به رکوع می‌روی و با یک تکبیر سر از رکوع برمی‌داری مگر در رکوع پنجم که پس از آن به سجده می‌روی و می‌گویی: «سمع الله لمن حمده». در هر دو رکعت پیش از رکوع، قنوت می‌خوانی. قنوت را به‌اندازه‌ی خواندن رکوع و سجده طولانی کن. پس اگر نماز را پیش از آن‌که خورشید به‌گونه‌ای کامل آشکار شود، نمازت به پایان رسید، بنشین و خدا را فراخوان (دعا کن) تا خورشید آشکار شود؛ ولی اگر پیش از پایان یافتن نماز، آشکار شود، آنچه را از نمازت به جا مانده تمام کن (کلینی، ۱۳۶۳ش: ج ۳، ۴۶۴).

ولی در روایتی دیگری از امام صادق(ع) آمده است که اگر نمازت را پیش از آنکه خورشید آشکار شد، به پایان بری باید نمازت را دوباره بخوانی (طوسی، ۱۳۶۴ش: ج ۳، ۱۵۶). در روایت امام باقر(ع) چه نماز را پیش از آشکاری خورشید و چه پس از آشکار شدنش، به پایان رسانی، نمازت درست است و نیازی به دوباره خوانی نیست؛ ولی در روایت امام صادق(ع)، سخن از دوباره خوانی نماز است آنجا که نماز را پیش از آشکار شدنش به پایان بری. فیض پس از گزارش هر دو روایت می‌نگارد: «التوفیق بین الروایتین بالتخییر» (فیض، ۱۴۲۹ق[الف]: ج ۲، ۱۰۱۴).

ج. حمل روایت بر تقیه

حکم بن عتیبه گوید: به امام باقر(ع) عرض کردم: خداوند کارهایتان را نیکو و بسامان گرداند! در دهان برخی از مردمان، سی‌ودو دندان است و برخی دیگر، بیست‌وهشت دندان، حال دیه دندان‌ها بر چه [عددی] بخش می‌شود؟ فرمود: در آفرینش [بهنجار]، انسان دارای بیست‌وهشت دندان است که دوازده تا در جلوی دهان و شانزده تا در عقب دهان است؛ پس دیه دندان بر پایه و اندازه آن بخش‌بندی می‌شود. حال هرگاه یکی از دندان‌های پیشین بشکند و از میان رود، دیه آن پانصد درهم است، پس دیه دندان‌های پیشین روی هم‌رفته شش هزار درهم است. و هرگاه یکی از دندان‌های پسین بشکند و از میان برداشته شود، ديه‌اش دوست‌وپنجاه درهم است؛ و دیه

دندان‌های شانزده‌گانهٔ پسین روی هم‌رفته چهار هزار درهم است. پس دیهٔ همهٔ دندان‌های پیشین و پسین روی هم‌رفته ده هزار درهم خواهد بود. برآورد دیهٔ دندان‌ها به همین روش وضع شده است؛ بنابراین دندان‌های کسی که بیش از بیست‌وهشت دندان است، دیه ندارد، و همین‌گونه است دندان‌های کسی که کمتر از بیست‌وهشت دندان باشد؛ ما در «کتاب علی(ع)» چنین یافته‌ایم (کلینی، ۱۳۶۳ش: ج ۷، ۳۲۹).

ولی در دو روایت از امام صادق(ع) آمده است: «الأسنان کلها سواء فی کل سن خمس مائة درهم»؛ دیهٔ همهٔ دندان‌ها با یکدیگر برابر است (همان: ج ۷، ۳۳۳). «فی السن خمسة من الابل أفضاها و أذناها سواء»؛ دیهٔ دندان، پنج شتر است چه دندان پیشین باشد چه پسین (طوسی، ۱۳۶۴ش: ج ۱۰، ۲۵۹).

این دو روایت، همسان است با دیدگاه عامه دربارهٔ دیهٔ دندان‌ها (بیهقی، بی‌تا: ج ۸، ۹۰؛ نسایی، ۱۳۴۸ق: ج ۸، ۵۸).

فیض پس از گزارش این سه روایت امام باقر و صادق(ع) گوید: «آنچه از کتاب علی(ع) به دست می‌آید برابر بودن دیهٔ دندان‌های پیشین با یکدیگر و دیهٔ دندان‌های پسین باهم است، که دیدگاه درست نیز همین است. ناهمسازی‌های دیه‌های دندان‌ها بر تقیه حمل می‌شود؛ چراکه با روایات عامه، همسان است» (فیض، ۱۴۲۹ق[الف]: ج ۲، ۱۲۷۸ و ۱۰۳۴).

د. حمل مطلق بر مقید

اصل در گفت‌وگوها و نوشته‌جات این است که هر واژه و فرازی را بی‌هیچ صفت یا قیدی در نظر بگیریم؛ در اصول فقه گویند: «اصالت اطلاق» را در جایی به کار می‌بریم که گمان شود واژهٔ مطلق دارای قید و یا صفتی باشد که گوینده آن را هنگام سخن در نظر گرفته است، در هنگام این گمان و تردید گفته می‌شود اصل بر اطلاق واژگان است (مظفر، بی‌تا: ج ۱، ۷۵)؛ ولی اگر بودن قید یا صفت بی‌پرده روشن شود، آن واژه یا فراز از اطلاق بیرون آمده، رخت تقیید بر تن می‌کند. یکی از راه‌های گشودن تعارض در سخن از هر گوینده به هر زبانی که باشد، چنین است.

ابوبصیر از امام صادق(ع) دربارهٔ [حکم] کسی پرسید که در شبی از ماه رمضان جنب شود ولی عمداً غسل نکند تا سپیده سرزند؛ فرمود: باید بنده‌ای آزاد کند، یا دو ماه پی‌درپی روزه گیرد و یا شصت مسکین را خوراک دهد. و نیز فرمود: گمان ندارم پاداش آن روز را [حتی با این انجام این کفاره‌ها نیز] دریابد (طوسی، ۱۳۶۴ش: ج ۴، ۲۱۲).

ابراهیم بن میمون گوید از امام صادق(ع) پرسیدم درباره [حکم] کسی که در ماه رمضان جنب می‌شود، پس فراموش می‌کند که غسل نماید تا اینکه روز جمعه می‌شود (یک هفته بدین‌گونه در حال جنابت می‌گذرد) یا ماه رمضان پایان می‌یابد؛ فرمود: باید که او نماز و روزه‌اش را قضا نماید (کلینی، ۱۳۶۳ش: ج ۴، ۱۰۶).

در خبری دیگر است: کسی که در اول ماه رمضان آمیزش کند و فراموش نماید غسل را تا ماه رمضان سپری شود، بر اوست که غسل کند و قضای نماز و روزه‌اش را به جای آورد، مگر اینکه در این میان برای جمعه‌ای غسل [مستحب] کرده باشد، که در اینجا نماز و روزه‌اش را تا آن روز [جمعه و پیش از غسل جمعه] قضا می‌کند و پس از آن روز، دیگر قضا ندارد (صدوق، بی‌تا[ب]: ج ۲، ۱۱۸).

فیض، هر سه روایت را آورده است و پس از روایت سوم چنین می‌نویسد: «این روایت بر اینکه "قصد قربت" برای غسل نمودن، کافی است دلالت دارد؛ و نیز رهنماست بر اینکه تعیین غسل، نه وجوبش و نه استحبابش شرط نشده است؛ پوشیده نماند اطلاق این دو روایت پایانی در بر می‌گیرد آنگاهی را که فراموشی پس از این باشد که عمداً یا سهواً خوابیده ولی اگر فراموشی پیش از خوابیدن باشد، اینک تقیید را می‌پذیرد (و نیازی نیست که همه نمازها و روزه‌ها را قضا نماید)» (فیض، ۱۴۲۹ق[الف]: ج ۲، ۱۰۹۱ و ۱۳۰۴).

ه. حمل روایت بر استحباب

صفوان جمال گوید به امام صادق(ع) عرض کردم: پدرم و مادرم قربان شما! بر جان خویش پیمودن راه به‌سوی خانه خدا را بایسته نمودم، (اینک وظیفه‌ام چیست؟) فرمود: سوگند خود را بشکن و کفاره‌اش را پرداز؛ چراکه این پایبندی را بر جان خود بایسته گردانیده‌ای. اگر به خاطر خدا پایبندی به کاری را پذیرفتی، به آن وفا کن (کلینی، ۱۳۶۳ش: ج ۷، ۴۵۸).

عمرو بن خالد از امام باقر(ع) روایت کند: دو گونه نذر داریم: بخشی از آن‌ها «الله» است و برخی دیگر برای کسی دیگر مگر خدا، کفاره انجام ندادن آنچه برای غیر خداست، همان کفاره شکستن سوگند است (طوسی، ۱۳۶۴ش: ج ۸، ۳۱۰).

آنچه از این دو روایت به دست می‌آید، روا بودن شکستن سوگند است؛ البته در جایی که سوگند برای خداوند ادا نشده نباشد که همراه است با کفاره شکستن سوگند یا کفاره انجام ندادن. نذر از پاره دیگری روایات چنین دستگیر می‌شود که آنچه برای غیر خداوند است، دو گونه دارد: بخشی دارای کفاره است با آنکه پرداخت کفاره یا نپرداختنش یکسان است، و بخشی دیگر که

دارای کفاره نیست و آن جایی است که نپرداختنش بر پرداختنش برتری دارد؛ برخی دیگر از روایات رهنمون‌اند بر اینکه آنگاه که پرداخت یا نپرداختن کفاره یکسان است، همچنین کفاره‌ای نیز در پی ندارد. راه‌هایی از این دشواری این است که پرداخت کفاره در این مورد را بر «استحباب» حمل نماییم یا دست از ظاهر روایت بکشیم و تأویلش نماییم به آنچه که نپذیرفتن آن سزاوار و درست‌تر می‌نماید (فیض، ۱۴۲۹ق[الف]: ج ۲، ۱۱۱۴ و ۱۶۱۹).

و. حمل روایت بر کراهت

کسی از امام صادق(ع) پرسید: «[حکم] هدیه و بخششی که گرفته نشده است تا اینکه گیرنده‌اش درمی‌گذرد، [چیست؟] فرمود: [جایگاه] این هدیه و بخشش همانند جایگاه میراث است [و به وارثان او خواهد رسید] و اگر به کودکی در خانه‌اش هدیه دهد یا ببخشد، رواست. روای گوید: از ایشان پرسیدم که آیا هدیه‌دهنده یا بخشنده می‌تواند بخشش یا صدقه (مستحبی‌اش) را باز پس گیرد؟ فرمود: آنجایی که در راه خدا و برای او بخشیده و صدقه داده است، نمی‌تواند باز پس گیرد ولی اگر هدیه و بخشش [برای غیر خداوند] باشد، چه شدنی باشد که آن را به دست آورد و چه نباشد، می‌تواند آن را باز پس گیرد حتی اگر به خویشاوندان نزدیک داده باشد^۳ (طوسی، ۱۳۶۴ش: ج ۹، ۱۵۵).

فیض پس از این روایت آورده است: «در برخی روایات داریم "همانا آنگاه که بخششی به دست گیرنده‌اش برسد، برای بخشنده باز پس گرفتن آن روا نیست" (همان: ۱۵۹) و "همانا هرکس بخشش خویش را باز پس ستاند، مانند کسی است که قبی کرده خود را باز پس گیرد" (همان). این دست از روایات را بر کراهت باید حمل نمود یا اینکه این دو روایات و همانندهایش^۴ را مطلق دانست و تقییدش را در روایاتی دیگر (مانند همین روایت) باز جُست (فیض، ۱۴۲۹ق[الف]: ج ۲، ۱۳۷۰ و ۱۴۶۳).

ح. حمل روایت بر احتیاط

زراره گوید: از امام باقر(ع) درباره تیمم کردن پرسیدم؛ ایشان دو کف دست را بر خاک زد و برداشت، آنگاه دو دست را بر هم سایید سپس با کف دو دست، پیشانی و پشت دست‌ها را مسح نمود (طوسی، ۱۳۶۴ش: ج ۱، ۲۰۸).

حضرت رضا(ع) فرمود: برای تیمم چهره، یک بار دست‌ها را بر زمین بکوبید و برای پشت دست‌ها نیز یک بار (همان: ۲۱۰).

کاهلی گوید از ایشان درباره تیمم پرسیدم؛ دست خود را بر زیرانداز زد آنگاه بر چهره

خویش کشید، سپس پشت هریک از دو دست را با دست دیگر خود مسح نمود (کلینی، ۱۳۶۳ش: ج ۳، ۶۲).

فیض پس از گزارش روایت نخست و اشاره به دو روایت پسین می‌نگارد: «شاید دو بار کوبیدن دست‌ها بر زمین برای شرط بودن چسبیدن خاک بر دست‌ها باشد چنان‌که واژه "منه" در آیه ارجمند (مائده: ۶) و تفسیرش در روایت زراره (همان: ج ۳، ۳۰) بر این شرط بودن، رهنمون است.» می‌تواند دو دلیل برای این شرط بودن یافت: یکی که همانا کوبیدن دست بر خاک در تیمم جای آب در دست گرفتن برای وضوست، و دیگر آنکه چه بسا خاکی بر روی کف دست‌ها پس از مسح پیشانی برای مسح دست‌ها به جا نمانده باشد پس پاس داشتن جانب احتیاط در تیمم، دو بار کوبیدن دست بر خاک را می‌خواهد (فیض، ۱۴۲۹ق[الف]: ج ۲، ۹۵۹ و ۱۴۲۰).

۲-۴. بهره‌گیری از دانش‌های ادبی در شرح روایت

یکی از مبانی و بن‌مایه‌های فقه‌الحديث، روی داشتن فراگیر و ژرف‌بینانه به واژه‌ها و فرازهای روایت بر پایه سنجه‌های ادبی است.

۲-۴-۱. واژه‌شناسی

الف. معنای واژگان

الکافی: «...و لا مال أعود من العقل» (همان: ج ۱، ۶۶). در معنای "أعود" جایگاه آن در سخن می‌نگارد: به معنای "سودمندتر" است؛ دلیل سودمندتر بودنش این است که آدمی با عقل به سودها و نیکی‌هایی می‌رسد که با مال دستیابی بدان‌ها شدنی نیست. همچنین با عقل می‌توان به مال رسید ولی با مال، دسترسی به عقل ناشدنی است (همان).

در بیشتر موارد نامی از منبع واژه‌شناسی نیاورده ولی در موارد اندکی نیز بدان اشاره نموده است؛ مانند *النهایه ابن‌اثیر* (ر.ک: همان: ج ۲، ۱۳۳۰، ۱۳۴۶، ۱۴۱۱).

ب. درست‌خوانی واژگان

ستر (با حرکت زبر سین) که از سپاهیان عقل است، به معنای پوشاندن آمده؛ در اینجا به معنای آن چیزی است که آشکار نمودنش، ناپسند و از دید شرع و عرف نیز زشت و نارواست (همان: ج ۲، ۴۹ و ۵۷).

ج. توجه به معنای عرفی و شرعی

محمد بن المیسر گوید از امام صادق (ع) پرسیدم درباره انسان جنبی که در راهش به آب قلیلی می‌رسد و آهنگ غسل بدان دارد ولی طرفی به همراهش نیست و دستانش نیز نجس است؛

فرمود: دست‌های خود را بشوید و سپس غسل نمایید.

فیض پس از گزارش روایت می‌نویسد: «یتوضأ یعنی یغسل یده» (همان: ج ۲، ۹۵۰). منظور از وضو در این روایت، معنای شرعی (حقیقت شرعی) آن نیست بلکه معنای لغوی آن، که همان شستن باشد، منظور است (نمونه دیگر: همان: ج ۲، ۱۳۷۲).

گاهی فیض در معنای ژرف‌نگرانه یک واژه از باورهای دینی خویش— شیعی— سود جسته است تا ابهام واژه را بزداید.

حضرت صادق(ع) فرمود: طینت‌ها سه گونه‌اند: طینت پیامبران، و مؤمن نیز از همین طینت است با این ناهمسانی که پیامبران از برگزیده و ناب آن طینت‌اند و ایشان، اصل‌اند که برتری و جایگاهشان ویژه خودشان است؛ و مؤمن‌ها، فرع‌اند و از گل «لازب». این چنین است که خداوند میان پیامبران و پیروانشان فرق می‌نهد (کلینی، ۱۳۶۳ش: ج ۲، ۳).

در کتاب‌های واژه‌شناسی، «لازب» را به معنای «چسبیدن دو چیز به یکدیگر، همراه بودن دو چیز/کس با همدیگر» آورده‌اند (رازی، ۱۴۱۵ق: ۳۰۶)؛ چنان‌که خداوند در قرآن مجید فرماید: «إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ؛ ما آنان را از گلی چسبنده پدید آوردیم» (صافات: ۱۱).

حال این پرسش پیش می‌آید که منظور از «لازب» در قرآن و حدیث، چسبیده و همراه بودن گل مؤمن با چیست؟ فیض چنین این پرسش فرضی را پاسخ می‌دهد: «طینت مؤمنان (امامیه) چسبنده است چراکه با طینت امام‌هایشان همراه است، به آن آویخته و با آن آمیخته و از میان همه جهانیان، طینت این گروه آمیزه‌ای بدان طینت است. نمی‌نگری که شیعیان چه شور و شوقی به امامانشان دارند و چه بسیار دل‌تنگ آنان‌اند؛ اینک که این‌چنین است، خداوند میان شیعیان و امامانشان فرق و فاصله‌ای نهاده است» (فیض، ۱۴۲۹ق[الف]: ج ۱، ۴۵۹).

فیض این باور را از روایت‌هایی برگرفته است مانند این سخن حضرت رسول(ص) به امیرالمؤمنین(ع): «شیعتک خلقوا من فضل طینتنا...» (صدوق، ۱۴۱۷ق: ۶۶).

۲-۴-۲۵. رویکرد به دانش بیان

سخنان اهل‌بیت(ع) نیز دارای این موضوع‌های بیانی است که فیض در مواردی بدان اشاره نموده است؛ از جمله تشبیه (فیض، ۱۴۲۹ق[الف]: ج ۱، ۲۰۴ و ۹۲۶)، استعاره (همان: ج ۱، ۹۲۶) و کنایه (همان: ج ۱، ۷۶ و ۸۷).

۳-۴-۲۵. رویکرد به دانش معانی

دانش معانی، دانشی است که «تعرف به أحوال اللفظ العربی التي بها يطابق اللفظ مقتضی الحال»

(تفتازانی، ۱۴۱۱ق: ۲۷).

امر (فیض، ۱۴۲۹ق[الف]: ج ۱، ۶۵)، نهی (همان: ج ۱، ۵۹۷)، تخییر (همان: ج ۱، ۱۲۲-۱۲۳) و استفهام (همان: ج ۱، ۱۳۹) در بیان فیض از این گونه، قابل یادکرد هستند.

۲-۴-۴. رویکرد به دانش بدیع

بدیع دانشی است که در آن، گونه‌ها و روش‌های نیکویی سخن پس از پاس داشتن هم‌خوانی سخن با مقتضای حال و همچنین پاس داشت روشنی دلالت سخن شناخته می‌شود (تفتازانی، ۱۴۱۱ق: ۲۶۵). نمونه‌هایی از کاربرد دانش بدیع در نوشته‌های فیض برای شرح روایات همچون توریه (فیض، ۱۴۲۹ق[الف]: ج ۲، ۱۰۰۴)، تعلیل (همان: ج ۱، ۳۰۹ و ۳۲۴) و گواهی از شعر عرب قابل یادکرد است (همان: ج ۱، ۵۹۳).

۲-۵. تأویل‌گرایی

فیض با گونه‌ها و مصادیق متفاوت از تأویل‌گرایی در تبیین معانی حدیث بهره‌ها جسته است؛ آنچه در این دید فیض تأویل نامیده می‌شود، اشاره به معانی باطنی روایت است که با خواندن ظاهر روایت شاید کسی متوجه آن‌ها نشود؛ از جمله:

الف. بیان مصداق‌های روایت (همان: ج ۱، ۸۰ و ۶۷۱)؛

ب. تأویل حدیث (همان: ج ۱، ۹۱۶).

این نمونه‌های تأویل‌گرایی در شرح و بیان‌های فیض در شافعی بسی بسیار است (ر.ک: همان:

ج ۱، ۲۹۴، ۶۱۷، ۶۲۲، ۸۷۸-۸۷۹، ۸۸۳، ۹۰۰، ۹۱۰، ۹۱۷، ۱۰۷۲).

۲-۶. رویکرد به فرهنگ عربی در فهم حدیث

هر سخن‌گویی به‌ناچار باید با پیش چشم داشتن فرهنگ روزگاری که در آن می‌زید، سخن راند؛ چنان‌که برای شنوندگان فهم‌پذیر باشد. این سنجه را باید در دریافت برخی از روایات پیش چشم داشت که گاه رخ می‌دهد شنونده یا پژوهشگر بی‌آنکه به فرهنگی که حدیث در آن صادر شده، رویکرد داشته باشد، معنای نادرست از حدیث دریافت کند.

قال رسول الله (ص): «الاحتباء فی المسجد حیطان العرب» (کلینی، ۱۳۶۳ش: ج ۲، ۶۶۲)؛ روی

پا نشستن و زانو‌ها را در آغوش کشیدن در مسجد، دیوار [و تکیه‌گاه] عرب است.

فیض می‌نویسد: احتباء به معنای جمع نمودن پشت و ساق‌های پا با دست یا دستار است؛

یعنی عرب برای تکیه دادن به احتباء روی می‌آورده است؛ همان‌گونه آنان که در خانه‌ها هستند،

تکیه‌گاهشان دیوار است (۱۴۲۹ق[الف]: ج ۱، ۶۷۴). فیض در وافی (۱۴۰۶ق: ج ۵، ۶۲۳) در «باب

هیئة الجلوس» و کلینی در کافی در «باب الاتکاء و الاحتباء» آورده‌اند که براین‌د روایت این باب‌ها، نهی رسول‌الله (ص) از «احتباء» است که مکروهش دانسته‌اند (مجلسی، ۱۴۰۷ق: ج ۸، ۴۹۱؛ نیز فیض، ۱۴۲۹ق [الف]: ج ۱، ۷۳۸).

۶. برآیند پژوهش

فیض در گردآوری کتاب‌های چهارگانه ارزشمند روایی شیعه از کلینی، صدوق و طوسی، برای خویش مبانی و روش‌های برگزیده که کمابیش آن‌ها در سه پیش‌گفتار کتاب *وافی* برای همگان آشکار نموده است؛ از جمله شرح روایت با آیات و دیگر روایات، چنگ زدن به سیاق روایت و روی داشتن به فضای صدور روایت و رویکرد به تاریخ و فرهنگ عرب زمان صدور حدیث و... در تلخیص *وافی*، شافی نیز کمابیش در بیشینه موارد بدان مبانی پایبند بوده است و اگر دگرگونی نیز در تلخیص به چشم می‌آید، در موارد بسیاری است که نام کتاب‌ها و باب‌ها را تغییر داده است. نقشه ذهنی‌ای که فیض بر پایه آن در راه تلخیص *وافی* گام نهاده است، بسیار ژرف‌بینانه و نکته‌سنجانه می‌نماید و ارزش و فرازمندی این کار، آنجا روشن می‌شود که کمابیش پنجاه هزار حدیث *وافی* را در ۶۰۲۴ حدیث خلاصه می‌نماید.

سهم بزرگ روایات کتاب، به کتاب *کافی* کلینی تعلق دارد؛ آن اندازه این وام‌ستانی فیض از کلینی زیاد است که نگارنده بدین گمان روی پیدا کرد که به‌راستی فیض *کافی* را تلخیص نموده و در کنار آن و فراگیرترین نمودن موضوع‌های کتابش از دیگر کتب اربعه سود برده است. بیشتر شرح و بیان‌هایی که در *شافی* آمده، همان است که در *وافی* بوده و در موارد بسیار بسیار کمی (شاید دو یا سه مورد) مطلبی بر مطالب *وافی* در نگارش *شافی* افزوده است. مبانی فقه‌الحدیثی وی در هم‌سنجی با *وافی*، چنین می‌نماید که دگردیدی و دگرگونه‌آوری در کار نبوده و پایبندی خویش به مبانی *وافی* را پس از چهارده سال در *شافی* پاس داشته است. این مبانی در عنوان‌های زیر خلاصه می‌شود:

روش گزارش سند، روش گزارش متن و نام‌گذاری کتب و ابواب، مبانی حدیث‌پژوهی فیض: مبانی فیض در سنجش روایت، مبانی فقه‌الحدیثی فیض: به‌کارگیری آیات در شرح روایات، به‌کارگیری روایات در شرح روایات، به‌کارگیری عقل در شرح روایات، اشاره به چندمعنایی حدیث، گشودن گره تعارض از روایات، بهره‌گیری از دانش‌های ادبی در شرح روایت، تأویل‌گرایی، رویکرد به فرهنگ عربی در فهم حدیث.



پی‌نوشت‌ها

۱. عن أبي بصير عن أبي عبد الله (ع) قال: قلت له: «اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ» [توبه: ۳۱] فقال: أما والله ما دعوهم إلى عبادة أنفسهم، ولو دعوهم ما أجابوهم ولكن أحلوا لهم حراماً و حرّموا عليهم حلالاً فعبدوهم من حيث لا يشعرون.
۲. در نگارش این بخش سود برده‌ام از مقاله شایسته‌نژاد، ۱۳۹۲: ۳۰۶-۳۰۷.
۳. در برگردان پارسی روایت بهره برده‌ام از توضیح داده‌شده در: سبحانی، ۹۳/۱۲/۱۲.
۴. عن النبي صلى الله عليه و آله من قوله: الراجع في هبته كالراجع في قيئه. و القى حرام؛ و بلفظ آخر الراجع في هبته كالكلب يعود في قيئه (شريف مرتضى، ۱۴۱۵ق: ۴۶۳-۴۶۴).

منابع

- قرآن مجید. ۱۳۸۰. (محمد مهدی فولادوند، ترجمه). تهران: دارالقرآن الکریم.
- آقابزرگ طهرانی، محمد محسن. (بی تا [الف]). *الذريعة إلى تصانيف الشيعة*. بیروت: دارالاضواء.
- _____ . (بی تا [ب]). *طبقات أعلام الشيعة*. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- برقی، احمد بن محمد. (۱۳۳۰ش). *المحاسن* (سید جلال‌الدین حسینی، محقق). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- بیهقی، احمد بن حسین. (بی تا). *السنن الکبری*. بی جا: دارالفکر.
- تفتازانی، اسعدالدین. (۱۴۱۱ق). *مختصر المعانی*. قم: دارالفکر.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۳ق). *الفوائد الطوسیه* (مهدی لازوردی و محمد درودی، محققان). قم: المطبعة العلمیه.
- خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۳ق). *معجم رجال الحدیث*. ج ۵. بی جا: بی نا.
- دلبری، سید علی. (۱۳۹۱ش). *آسیب‌شناسی فهم حدیث*. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- رازی، محمد بن ابی‌بکر. (۱۴۱۵ق). *مختار الصحاح* (احمد شمس‌الدین، محقق). بیروت: دارالکتب العلمیه.
- سبحانی، جعفر. (۹۳/۱۲/۱۲). درس خارج فقه: قواعد فقهیه، نگاشته در: www.eshia.ir
- شایسته‌نژاد، علی‌اکبر. (۱۳۹۲ش). مروری بر برخی معیارها و شیوه نقل روایت در الوافی توسط فیض کاشانی. چاپ شده در: فیض پژوهی. به کوشش شهناز شایان‌فر. تهران: خانه کتاب، ۳۳۰-۳۰۱.
- شریف مرتضی، علی بن حسین. (۱۴۱۵ق). *الانتصار*. قم: تحقیق و نشر مؤسسه النشر الاسلامی



مبانی حدیث پژوهی فیض کاشی در کتاب شافی، حسین ستار و همکاران

التابعة لجماعة المدرسين.

صدر، سيد حسن. (بی تا). *نهاية الدراية* (ماجد الغرباوى، محقق). قم: نشر المشعر.

صدوق، محمد بن على. (۱۴۱۷ق). *الامالى*. قم: مؤسسة البعثة.

_____. (بی تا [الف]). *التوحيد* (سيد هاشم حسینی طهرانی، محقق). قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.

_____. (بی تا [ب]). *من لا يحضره الفقيه* (على اكبر غفارى، محقق). قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.

طوسى، محمد بن حسن. (بی تا)، *الاستبصار* (حسن موسى خرسان، محقق). تهران: دارالکتب الاسلامية.

_____. (۱۴۱۷ق). *الفهرست* (جواد قیومی، محقق). بی جا: مؤسسة نشر الفقاهة.

_____. (۱۳۶۴ش). *تهذيب الاحكام* (حسن الموسوى الخرسان، محقق). ج ۳. تهران: دارالکتب الاسلامية.

فیض، محمد محسن. (۱۳۸۷ش [الف]). *الأصول الأصلية* (سيد ابوالقاسم نقیبی، محقق). تهران: مدرسه عالی شهید مطهری.

_____. (۱۳۴۹ش). *الحق المبين فى تحقيق كيفية التفقه فى الدين* (ميرجلال الدين حسینی ارموى، محقق). بی جا: سازمان چاپ دانشگاه.

_____. (۱۳۷۱ش). *ده رساله*. به اهتمام رسول جعفریان. اصفهان: مرکز تحقیقات علمی و دینی امام امیرالمؤمنین (ع).

_____. (۱۳۸۷ش [ب]). *رسالة الانصاف*، در: *رسائل فیض کاشانی* (ج ۱) (بهراد جعفری، محقق). تهران: مدرسه عالی شهید مطهری.

_____. (۱۳۸۷ش [ج]). *سنة النجاة* (آقاحسین امامی کاشانی، محقق). تهران: مدرسه عالی شهید مطهری.

_____. (۱۴۲۹ق [الف]). *الشافی* (مهدی انصاری قمی، محقق). ج ۲. قم: دارالنشر اللوح المحفوظ.

_____. (۱۴۰۶ق). *کتاب الوافی* (ضیاءالدين الحسينى العلامة الاصفهانی، محقق). اصفهان: مكتبة الامام اميرالمؤمنين على (ع) العامة.

_____. (۱۴۲۹ق [ب]). *معتصم الشيعة فى أحكام الشريعة* (مسیح توحیدی، محقق). تهران: مدرسه عالی شهید مطهری.



- قیصری، احسان. (۱۳۷۷ش). اخباریان. چاپ‌شده در *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*. ج ۷. زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی. تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۳ش). *الکافی* (علی اکبر غفاری، محقق). چ ۵. تهران: دارالکتب الاسلامیة.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۷ق). *ملاذ الاخیار فی فهم تهنید الاخبار* (مهدی الرجائی، محقق). قم: مکتبة آیت الله المرعشی النجفی.
- مشایخ فریدنی، محمدحسین. (۱۳۷۲ش). اخباریان. چاپ‌شده در *دایرةالمعارف تشیع*. زیر نظر احمد صدر حاج سیدجوادی، کامران فانی و بهاء‌الدین خرمشاهی. چ ۲. تهران: سازمان دایرةالمعارف تشیع.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۵۸ش). *آشنایی با علوم اسلامی*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- مظفر، محمدرضا. (بی تا). *اصول الفقه*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین.
- معارف، مجید. (۱۳۸۳ش). خانواده حدیث و نقش آن در فقه الحدیث. پژوهش دینی، شماره ۸، ۷۴-۴۶.
- میرجلیلی، علی محمد. (۱۳۸۷ش). *وافی: مبانی و روش های فقه الحدیثی در آن*. تهران: مدرسه عالی شهید مطهری.
- ناجی نصرآبادی، محسن. (۱۳۸۷ش). *کتابشناسی فیض کاشانی*. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی.
- نسایی، احمد بن شعیب. (۱۳۴۸ق). *سنن النسائی*. بیروت: دارالفکر.
- Calder, N. (1989). Doubt and Prerogative: The Emergence of an Imami Shi'i Theory of Ijtihad. *Studia Islamica*, No.70, pp.57-78.

References

- Quran Majid*. translate: Mohammadmahdi Fooladvand. [in persian]
- Aqa Bozorg Tehrani, M. (no date "A"). *Al-Zari'aelaJananif Al-Shai'a Dar al-Azwa*, Beirut. [In persian]
- (no date "B"). *Tabaqat A'lam Al-Shi'a*. Qom: InstituteIsma'ilian. [In persian]
- Barqi, A. (1951). *Al-Mahasin*. Tehran: Dar al-Koto al-Islamiia. [In persian]
- Beihaqi, A. (no date). *al-Sonan al-Kobra*. Dar al-Fikr. [In persian]
- Calder, N. (1989). Doubt and Prerogative: The Emergence of an Imami Shi'i Theory of Ijtihad. *Studia Islamica*, No.70, pp.57-78.
- Delbari, A. (2012). *Pathology of Hadith Comprehension*. Mashhad: Razavi University of Islamic Sciences. [In persian]
- Fayz, M. (2008 "A"). *al-Osul al-asila*. Tehran: Shahid Motahari High School. [In persian]



- (1970). *Al-Haq al-Mobin*. University Printing Organization. [In persian]
- (1992). *Dah Risala*, Isfahan: Scientific and religious research center of Imam Amir al-Momenin (peace be upon him). [In persian]
- (2008 “B”). *Risala al-Insaf*. Tehran: Shahid Motahari High School. [In persian]
- (2008 “C”). *Safina al-Nijat*. Tehran: Shahid Motahari High School. [In persian]
- (2009 “A”). *al-Shafi*. Qom: Dar al-Nashr al-Lawh al-Mahfuz. [In persian]
- (1985). *Kitab al-Wafi*. Isfahan: Public library of Imam Amir al-Mominin (peace be upon him). [In persian]
- (2009 “B”). *Mo'tasim al-Shi'a*. Tehran: Shahid Motahari High School. [In persian]
- Horr 'Amili, M. (1982). *al-Fawaed al-Tusiia*. Qom: al-Matba'a al-'Ilmiia. [In persian]
- Khuei, A. (no date). *Mo'jam Rijal al-Hadith*. no Publisher. [In persian]
- Kulaini, M. (1984). *al-Kafi*. Tehran: Dar al-Koto al-Islamiia. [In persian]
- Ma'arif, M. (2008). Hadith family and its role in Hadith Comprehension. *Religious research*, No.8, pp. 46-74. [In persian]
- Majlisi, M. (1986). *Malaz al-Akhyar*. Qom: Librery of Ayatallah Mar'ashi Najafi. [In persian]
- Mashyikh Faridani, M. (1993). Akhbariiian, in: *Encyclopaedia of Shiism*. Tehran: Institute of Encyclopaedia of Shiism. [In persian]
- Mirjalili, A. (2008). *Wafi: The basics and methods of understanding hadith in it*. Tehran: Shahid Motahari High School. [In persian]
- Mutahhari, M. (2006). *Familiarity with Islamic sciences*. Qom: Islamic Publications Office.
- Muzaffar, M. (no. date). *Usul al-Fiqh*. Qom: Institute al-Nashr al-Islamiia. [In persian]
- NajiNasrabadi, M. (2008). *Bibliography of FaizKashani*. Mashhad: Islamic Research Foundation. [In persian]
- Nisaei, A. (1929). *Sunan al-Nisaei*. Beirut: Dar al-Fikr. [In persian]
- Qeisari, I. (1998). Akhbariiian, in: *The great Islamic encyclopedia*, vol.7, Tehran: The great Islamic encyclopedia. [In persian]
- Razi, M. (1994). *Mokhtar al-Sehah*. Beirut: Dar al-Kotob al-'Ilmiia. [In persian]
- Sadr, H. (no date). *Nahaya al-Diraya*. Qom: publication al-Mash'ar. [In persian]
- Saduq, M. (1996). *al-Amali*, Qom: Institute al-Bi'sa. [In persian]
- (no date “A”). Al-Tawhid, Institute al-Nashr al-Islamiia, Qom. [In persian]
- (no date “B”). *Man La Yahzuruhu al-Faqih*. Qom: Institute al-Nashr al-Islamiia. [In persian]
- Sharif Mortaza, A. (1994). *al-Intisar*. Qom: Institute al-Nashr al-Islamiia. [In persian]
- Shyastenezhad, A. (2013). A review of some criteria and method of narration in al-Wafi by Fayz Kashani, in: *Fayz Pazhuhi*, Tehran: khane Kitab. [In persian]
- Sobhani, J. (2014). *Jurisprudential rules*, in: www.eshia.ir. [In persian]
- Taftazani, A. (1990). *Mokhtasar al-Ma'ani*. Qom: Dar al-Fikr. [In persian]
- Tusi, M. (1996). *al-Fihrist*. Institute of publication ah-Fighaha. [In persian]
- (1985). *Tahzib al-Ahkam*. Tehran: Dar al-Koto al-Islamiia. [In persian]



The Basics of Hadith Research by Fayz Kashi in *Shafi'*

Hosain Sattar

Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, University of Kashan, Kashan, Iran (Corresponding Author), sattar@kashanu.ac.ir

Hamid Reza Fahimitabar

Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Kashan University, Kashan, Iran, h_fahimitabar@yahoo.com

Mohsen Ghasempoor

Professor of the Department of Quranic and Hadith Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran, m.qasempoor@atu.ac.ir

MohammadtaghiRahmatpanah

PhD Student, Department of Quran and Hadith Sciences, Kashan University, Kashan, Iran, m.rahmatpanah@gmail.com

Received: 29/06/2022

Accepted: 23/08/2023

Introduction

Fayz Kashani lived and wrote his works during the Safavid era, which was one of the most prominent and valuable periods of Shiite history when Shiite narrative books were written. One of his works is *Wafi*, which he wrote about the collection of four books in 273 chapters, including 50,000 hadiths. The foundations of Fiqh al-Hadith included the following issues: an explanation of hadiths by using other hadiths, the use of the context of hadiths, the use of the reason and space for issuing hadiths, the insistence on the emergence, an emphasis on the literal meaning, a reference to Tabadur, the use of different literary sciences, sticking to the *Qur'an* and interpretation, resolving conflicts from narrative contradictory, the use of document and text preferences. These foundations occurred in philosophical, mystical, theological, literary, ethical, social, and jurisprudential methods. Fayz, with his good command of summarizing books, summarized this book in 1082 AH and called it *Shafi'*.

Materials and Methods

The research method in this treatise is a library method, through the sources that dealt with Fayz's life and education were examined. At first glance, the foundations of Fayz's hadith jurisprudence in *Shafi'* and its use by him in examining hadiths



seemed to be the same as the foundations of Fiqh al-Hadith in *Wafi*. Now, it seems that these principles and their application in *Shafi* are transformed. As Fayz himself mentioned these changes were in the introduction of *Shafi*. In this article, the foundations of Fayz's *Fiqh al-Hadith* in *Shafi*'s book were examined, which has not been studied so far. This research is necessary because Fayz is one of those writers who have been influential. His various writings in different fields of studies can be a testimony to this claim. Examining the foundations of Fayz's *Fiqh al-Hadith* in *Shafi* can clarify this influence.

Results and Findings

Fayz collected four precious books of Shia narratives from Kolaini, Sadouq, and Tusi for himself. The selected principles and methods which he has more or less revealed to everyone in the three prefaces of *Wafi* included the explanation of the narration with verses and other narrations, the grasp of the context of the narration, a focus on the space of issuing the narration and approaching the Arab history and culture at the time of issuing the hadith and so on . In summary of *Wafi*, *Shafi* has more or less adhered to the same principles in most cases. If there was a change in the summary, it was in cases that he had changed the names of books and chapters. The mental map based on which Fayz had taken a step towards summarizing *Al-Wafi* is very insightful and meticulous, and the value and excellence of this work becomes evident especially when he summarizes approximately 50,000 hadiths of *Al-Wafi* in 6,024 hadiths. A large share of narrations in the book belongs to the book *Kafi* by Kolaini; Fayz's quotations from Kolaini are so many that the author has come to believe that he has summarized *Kafi* and in addition to that, he has benefited from other Arba books to further complete the topics of his book. Most of the explanations and statements in *Shafi* are the same as those in *Wafi*'s, and in very few cases, he adds some material to *Wafi*'s writings compared to *Wafi*'s show that there has been no change and he has maintained his adherence to *Wafi*'s principles after fourteen years in *Shafi*. These basics are summarized through the following headings: the method of document reporting, the method of text reporting and the naming of books and chapters, the basics of Faiz Hadith research, the basics of Fayz in evaluating narrations, the basics of Fayz's *Fiqh al-Hadith*, the use of verses in the description of narrations, the use of narrations in the description of narrations, the use of reason in the description of narrations, pointing to the polysemy of hadith, resolving conflict from narrations, using literary knowledge in the description of narration, interpretationism, approaches to Arabic culture in understanding hadith.

Conclusion

According to the information found about Fayz's life, it became clear that Fayz's thoughts and beliefs changed during his lifetime. For example, when Fayz wrote the book of *Mu'tasim al-Shia* and when he wrote *Al-Kalamat al-Makhzuna*, there was a



great difference in the foundations of thinking and the methods of dealing with verses and hadiths. The fact that Fayz's scholarly personality is multi-faceted prompted an examination of his two books named *Wafi* and *Shafi*, written about 14 years apart to find the changes in his principles and methods in understanding of hadith. After a lot of research in *Shafi*, the obtained result was contrary to the hypothesis: that is, the principles and methods of his hadith jurisprudence have not changed.

Keywords: Fayz Kashani, *Wafi*, *Shafi*, basics of Faiz's *Fiqh al-Hadith*.

دو فصلنامه علمی کاشان‌شناسی، بهار و تابستان ۱۴۰۲
دوره ۱۶، شماره ۱ (پیاپی ۳۰)، صفحات: ۱۲۷-۱۵۰
مقاله علمی پژوهشی

مترجمان و شارحان کاشانی نهج البلاغه (سده‌های ششم تا دهم هجری)

مرتضی امامی*

چکیده

سنت شرح‌نویسی بر متون دینی از قدیم‌الایام رایج بوده و در این میانه، شرح‌نویسی بر نهج‌البلاغه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. به‌رغم آنکه محققان، قرن ششم را دوران رکود علمی شیعی برشمرده‌اند، شکوفایی دوران کتابت و شرح‌نویسی نهج‌البلاغه با اهداف حفظ و صیانت از میراث شیعی، توضیح واژگان دشواریاب، شرح مبانی کلامی، فلسفی، تبیین حوادث تاریخی، ذکر نکات ادبی و بلاغی، گسترش فرهنگ معنوی، نقد آراء شارحان پیشین و همچنین نقد و بررسی اسنادی احادیث، در همین قرن اتفاق افتاده و کاشان در سابقه تاریخی خود و در قرن‌های ششم تا دهم، به دلیل داشتن عالمانی چون سید ابوالرضا ضیاء‌الدین، فضل‌الله حسینی راوندی، قطب‌الدین راوندی و ملا فتح‌الله کاشانی، حوزه مهمی در بسط و ترویج معارف نهج‌البلاغه بوده است. شرح نهج‌البلاغه ابوالرضا راوندی در قرن ششم به‌عنوان اولین شرح نهج‌البلاغه شهرت یافته و منهاج البراعه از سعید بن هبش‌الله راوندی کاشانی معروف به قطب راوندی در همان قرن و همچنین تنبیه الغافلین و تذکرة العارفين ملا فتح‌الله کاشانی در قرن دهم، پایه و مستند دیگر شروع نهج‌البلاغه در سایر قرون بوده است. این مقاله با رویکردی توصیفی، تحلیلی و مقایسه‌ای و با استفاده از منابع و نسخ قدیمی و خطی موجود، به بررسی آثار و شرح‌حال مترجمان و شارحان نهج‌البلاغه در فاصله سده‌های ششم تا دهم هجری با تأکید بر شارحان کاشانی پرداخته است. اینکه اولین شرح نهج‌البلاغه [با توجه به شرح‌های مختصر لابه‌لای سطور] متعلق به ابوالرضا فضل‌الله کاشانی است، و اینکه شروع قطب راوندی و ملا فتح‌الله کاشانی نقش مؤثری در بسط و ترویج آموزه‌های حکمی، ادبی و بلاغی قرن‌های ششم تا دهم داشته‌اند، ازجمله نتایج و دستاوردهای این مقاله است.

کلیدواژه‌ها: نهج‌البلاغه، شارحان و مترجمان کاشانی، سید فضل‌الله راوندی، قطب راوندی، ملا فتح‌الله کاشانی.

* استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران / emami@kashanu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۶

۱. مقدمه

از هنگام تدوین *نهج البلاغه* توسط شریف رضی (م ۴۰۶ق) تاکنون، اندیشمندان اسلامی در حوزه‌های گوناگون ادب، اخلاق، عرفان، حکمت، فلسفه و کلام، علوم سیاسی و اجتماعی، مدیریت اسلامی و...، *نهج البلاغه* را به‌عنوان یکی از منابع استنادی خویش مورد توجه قرار داده‌اند. در میان این رویکردهای گوناگون، سنت‌کتابت، ترجمه و شرح‌نویسی بر *نهج البلاغه* قدمتی طولانی دارد؛ تا آنجا که پس از قرآن کریم در میان متون دینی شیعی، تقریباً هیچ کتاب دیگری به‌اندازه *نهج البلاغه* موضوع ترجمه و شرح و تفسیر قرار نگرفته است (بروجردی، ۱۳۸۰: ۱۲۶).

کاشان در سابقه تاریخی خود و در حوزه *نهج البلاغه*، آثار گرانسنگ و فاخری به یادگار نهاده و علامه سید فضل‌الله راوندی (م ۵۷۰ق) و قطب‌الدین راوندی (م ۵۷۳ق) جزو اولین عالمان کاشانی هستند که به شرح این کتاب ارزشمند پرداختند و ترجمه ملا فتح‌الله کاشانی (م ۹۸۸ق) در دوره صفویه که نهضت ترجمه و فارسی‌نویسی رواج داشت، به‌عنوان یکی از اولین مترجمان فارسی *نهج البلاغه* شهرت یافته است.

اولین ترجمه فارسی *نهج البلاغه* را یکی از علمای قرن ششم هجری تألیف کرده و معنای فارسی کلمات را در زیر عبارات عربی آورده است (پاک‌نیا، ۱۳۷۹: ۷۶). این ترجمه با تحقیق دکتر عزیزالله جوینی در سال ۱۴۰۸ق، در دو جلد به چاپ رسیده است. دکتر جوینی می‌نویسد: «این نسخه گران‌بها را شاه‌عباس صفوی در سال ۱۰۱۷ و قف حرم مطهر رضوی (ع) کرده است.» (همان‌جا). ترجمه فارسی اردبیلی نیز توسط حسین بن شرف‌الدین اردبیلی (م ۹۵۰ق) معاصر شاه‌اسماعیل صفوی ترجمه شده است. وی در این ترجمه، از *منهاج البراعه* قطب راوندی و شرح *نواب لاهیجی* بهره گرفته است. این کتاب در سال ۱۳۵۵ در «مطبعة اخوان کتابچی» به چاپ رسیده و در حاشیه دیوان منسوب به امیرالمؤمنین (ع) با ترجمه میبدی نیز نوشته شده است. در این کتاب ترجمه فارسی با خط ریز در زیر متن اصلی آمده است (همان: ۷۷). *تنبيه الغافلین* و *تذکره العارفین* اثر ملا فتح‌الله کاشانی (م ۹۸۸ق) نویسنده تفسیر *منهاج الصادقین* نیز از جمله اولین شروح فارسی علمای کاشانی شیعی در دوره صفویه است.

شرح‌نویسی که در قرن ششم پایه‌های آن توسط سید فضل‌الله راوندی و قطب‌الدین راوندی نهاده شد، در قرن هفتم توسط دانشمند و فیلسوف بزرگ شیعی، ابن‌میثم بحرانی (م ۶۷۹ق) با نگارش شرح *نهج البلاغه* به زبان عربی ادامه یافت و در قرن هفتم با شرح *نهج البلاغه*

ابن‌ابی‌الحدید (م ۶۵۶ق) پی گرفته شد و تا قرن دهم با تألیف شرح فارسی تنبیه الغافلین و تذکره العارفین توسط ملا فتح‌الله کاشانی (م ۹۸۸ق) ادامه یافت. اینکه شهرت نخستین شرح نهج‌البلاغه از آن چه کسی است و همچنین شارحین صاحب‌نام کاشانی در بسط آموزه‌های حکمی و هنری نهج‌البلاغه چه نقشی داشته‌اند، از جمله مسائلی است که این مقاله با نگاهی تحلیلی و توصیفی و با سیری در منابع تاریخی و متون روایی و نسخ خطی، و با رویکردی روش‌شناسانه بر ترجمه‌ها و شروح مترجمان سده‌های ششم تا دهم هجری و با تأکید بر شارحان کاشانی نهج‌البلاغه به آن پرداخته است.

۲. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌ها و مقالات متعددی درخصوص هریک از عالمان کاشانی نهج‌البلاغه به‌طور جداگانه صورت گرفته است؛ از جمله: «سید ابوالرضا راوندی کاشانی عربی‌سرا» (اقبال، ۱۳۸۴)، «کاوشی درباره سید ابوالفضل راوندی و روایت کتاب الصحاح فی اللغة» (جزینی ڈرچه، ۱۴۰۰ش)، «روش‌شناسی منهج البراعه قطب راوندی» (حاجیان حسین آبادی، ۱۳۹۴)، «قطب راوندی و شرح منهج البراعه» (قاسم‌پور، ۱۳۸۴) و «روش واژه‌شناسی قطب‌الدین راوندی در شرح نهج‌البلاغه» (موسوی و مردانی، ۱۳۹۷)؛ لکن تاکنون نگاهی مجموعی و تتبعی جمعی به نقش این شارحان در قرن‌های ششم تا دهم، که به‌زعم برخی از مورخان دوره افول آثار و معارف شیعی به حساب آمده، و نیز تأکید بر ویژگی‌های اختصاصی هریک از این شروح که جزو آثار فاخر شهر کاشان هستند، مشاهده نشده است.

۳. عوامل فرهنگی و سیاسی رویکرد به شرح‌نویسی نهج‌البلاغه در قرن‌های ششم تا

دهم

سنت شرح‌نویسی بر متون دینی و کتاب‌های مقدس ادیان مختلف قدمتی طولانی دارد و در تاریخ اسلام، پس از قرآن کریم شاید هیچ کتاب مقدس دیگری، به‌سان نهج‌البلاغه مورد شرح و تفسیر قرار نگرفته است. شارحان نهج‌البلاغه با انگیزه‌های گوناگون اقدام به شرح‌نویسی کرده‌اند و عوامل و زمینه‌های گوناگونی نظیر عوامل سیاسی، توسعه آموزه‌های عدالت‌محور، آداب حکمرانی، بسط و ترویج فرهنگ و اعتقادات مردم و آشنایی آنان با آموزه‌های دینی و همچنین بیان نکات ادبی و بلاغی با شرح مفردات و نکات بلاغی، موجب رشد و توسعه شرح‌نویسی نهج‌البلاغه گردیده است.

هرچند برخی قرن ششم را دوره رکود دانش‌های حدیثی شیعه دانسته‌اند (مسعودی خمینی،

۱۳۹۱: ۱۲)، در ریشه‌یابی این ادعا باید توجه داشت هم‌زمان با پیشرفت دولت سلجوقی و تشکیل حکومتی متمرکز و نیز از بین رفتن حکومت‌های محلی، رقابت‌های مذهبی در میان عالمان مسلمان شدت بیشتری یافت؛ پادشاهان سلجوقی تازه‌مسلمان و غالب خلفای بغدادی حنفی‌مذهب، با محدود کردن دامنه فعالیت سایر مذاهب، سعی کردند در سراسر حوزه قلمرو سلجوقیان وحدت مذهبی ایجاد کنند (کسری و بهارزاده، ۱۳۹۵: ۱۴۶). حکومت سنی‌مذهب بغداد که از سقوط رهایی یافته بود، تلاش نمود تا از پیشرفت شیعیان جلوگیری به عمل آورد (دبیری‌نژاد، ۱۳۸۴: ۵۷). این دوره، اوج قدرت مذاهب اهل سنت و اشاعه آن به شمار می‌رود (زیدان، ۱۳۸۴: ۸۲۲).

باینکه گسترش قلمرو سرزمین‌های اسلام در عصر سلجوقیان از دیدگاه نظامی پیشرفت‌های بسیاری در پی داشت، گروه‌ها و جریان‌های خردورز، دوره افول خود را سپری می‌کردند، و شیعیان اثنی‌عشری و اسماعیلیان و معتزلیان، از جمله این گروه‌ها بودند که مورد مخالفت و دشمنی امیران و وزیران و فقهای اهل سنت قرار می‌گرفتند. در عین حال به‌رغم این مشکلات، شیعیان امامیه برای حفاظت از خود، به نوعی حرکت سیاسی فرهنگی روی آورده و به اقداماتی نظیر به دست آوردن پست‌های کلیدی، نفوذ در ساختار قدرت، همراهی با اسماعیلیان در مخالفت با فرق اهل سنت و احیاناً تقیه، وارد نشدن در منازعات فرقه‌ای و نیز تلاش در نشر مکتب اثنی‌عشریه و جذب و جلب پیروان بیشتر دست زدند (کسری و بهارزاده، ۱۳۹۵: ۱۴۷)؛ از جمله این اقدامات ایجاد زمینه و فرصت شرح‌نویسی بر نهج‌البلاغه را نیز می‌توان برشمرد. به یمن این اقدامات، اکنون وارث شرح‌های گوناگونی بر نهج‌البلاغه هستیم که به‌رغم داشتن مزایا و کاستی‌ها، جملگی بخشی از فرهنگ و متون فاخر و مکتوب فرهنگ اسلام به شمار رفته و نقش حفاظت از آن را بر عهده گرفته‌اند.

۴. سیری اجمالی در شرح‌های معروف نهج‌البلاغه در قرن‌های ششم تا دهم

نخستین فردی که نهج‌البلاغه را مورد دقت و بررسی قرار داد و کلمات مشکل آن را شرح و تفسیر نمود و تفسیرهای او در ذیل بعضی از خطب، در نهج‌البلاغه‌های مطبوع وارد آمده، سید شریف رضی (ره) بوده است؛ لکن نهضت کتابت، ترجمه و شرح نهج‌البلاغه با توجه به مستندات ذیل از قرن ششم هجری آغاز گردیده و تاکنون ادامه داشته است. دانشمندان مشهوری که در سده‌های ششم تا دهم هجری بر نهج‌البلاغه شرح نوشته و از متقدمان شمرده می‌شوند، عبارت‌اند از: قاضی عبدالجبار معتزلی (۳۵۹-۴۱۵ق)، سید فضل‌الله راوندی (م ۵۷۰ق)، قطب‌الدین راوندی (م ۵۷۳ق)،



مترجمان و شارحان کاشانی نهج البلاغه (سده‌های ششم تا دهم هجری)، مرتضی امامی

10.22052/KASHAN.2023.252507.1075

قطب‌الدین بیهقی کیدری (زنده در ۵۷۶ق)، علی بن ناصر سرخسی نیشابوری (م بین ۶۲۲ تا ۶۲۵ق)، ابن طاووس حلی (۵۸۹-۶۶۴ق)، ابن‌ابی‌الحدید (۵۸۶-۶۵۶ق)، ابن‌میثم بحرانی (۶۳۶-۶۹۹ق)، علامه حلی (۶۴۸-۷۲۶ق)، ملا فتح‌الله کاشانی (م ۹۸۸ق)، علامه کرکی (م ۹۴۰ق)، علی بن حسین زواره‌ای (م ۹۶۰ق). همچنین برخی از متأخرانی که بر نهج‌البلاغه شرح و یا فهرست نوشته‌اند، عبارت‌اند از: سید حبیب‌الله خویی (م ۱۳۲۴ق)، ملا صالح قزوینی (م ۱۲۷۱ق)، محمد عبده (م ۱۳۲۳ق) و محمدحسن نائل میرصفی (م ۱۹۳۵م).

در فاصله قرن ششم تا قرن دهم، کتابت‌های معروف علمای خطه کاشان، با دو شرح نهج‌البلاغه سید فضل‌الله راوندی در قرن ششم و منهاج البراعه فی شرح نهج‌البلاغه از قطب‌الدین راوندی آغاز گردید و تا قرن دهم با شرح ملا فتح‌الله کاشانی تداوم یافت.

شخصیت کم‌نظیر سید فضل‌الله راوندی در قرن ششم، خدمات فراوانی به تشیع و میراث حدیثی شیعه نموده و در نقل آثار شیخ طوسی نقش مؤثری داشته است. شرح و تصحیح میراث حدیثی شیعه نیز بخشی دیگر از خدمات سید فضل‌الله راوندی است؛ تا آنجا که برای تصحیح کتب حدیثی شیعه، کاشان را به محل آمد و رفت سایر محدثان تبدیل کرده بود. به عقیده برخی از پژوهشگران، کتب مهمی همچون *امالی* سید مرتضی، شرح نهج‌البلاغه، *خصائص الأئمة و تلخیص البیان* سید رضی، *رساله اهوازیه*، *کتاب من لا یحضره الفقیه و امالی* شیخ صدوق با اجازت سید فضل‌الله راوندی بوده است (قاسم‌پور و سلامی، ۱۳۹۸: ۷۲).

شرح منهاج البراعه قطب راوندی نیز اگرچه به گستردگی برخی شروح دیگر نیست، به‌لحاظ برخوردار از ویژگی‌های ادبی و بلاغی و نیز برخوردار از نظریات کلامی شیعی، مورد توجه کسانی چون ابن‌ابی‌الحدید قرار گرفته است که بدان اشاره خواهد شد.

ملا فتح‌الله بن شکرالله کاشانی هم از مفسران و عالمان کاشانی شیعه در دوره شاه‌طهماسب صفوی و شاگرد علی بن حسن زواره‌ای صاحب تفسیر *ترجمه الخواص* بوده است (امین، ۱۴۲۱ق، ج ۸: ۳۹۳). برخی از عناوینی که در کتب تراجم از این شخصیت یاد شده عبارت‌اند از: *المولی المفسر* (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۲۳: ۱۹۴، ج ۷: ۲۳۴ و ج ۱۲: ۲۲)، فقیه، متکلم، عالم کامل جلیل (موسوی خوانساری، ۱۳۹۰، ج ۵: ۳۴۵)، متبحر در تمام علوم دینی (مدرس تبریزی، ۱۳۶۹، ج ۵: ۲۰)، عالم به لغات و ادبیات و اصول و جامع معقول و منقول (کاشانی و کاشانی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۸۱).

نویسنده ریاض می‌گوید: «شرح نهج‌البلاغه ملا فتح‌الله کاشانی که تنبیه الغافلین و تذکره

العارفین نامیده شده، شرح فارسی است که من در اصفهان، شیراز، هرات و جاهای دیگر دیده‌ام» (افندی، ۱۴۱۵ق، ج ۵: ۳۱۸). آقابزرگ نیز در *الذریعه* ضمن معرفی این اثر می‌نویسد: آغاز شرح چنین است: «الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله» (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۴: ۴۴۷).

۵. شارحان و مترجمان کاشانی نهج‌البلاغه (قرن‌های ۱۰-۱۱ق)

برخی از پژوهشگران، احمد بن محمد وبری (ق ۶) را به‌عنوان نخستین شارح *نهج‌البلاغه* نام برده و گروهی سید فضل‌الله راوندی را اولین شارح دانسته‌اند؛ لکن با توجه به مستندات و شواهد تاریخی ذیل، می‌توان قول دوم را ارجح دانست. در ادامه به معرفی کامل‌تر سه شخصیت برجسته کاشانی که محور بررسی و تحقیق این مقاله هستند، پرداخته می‌شود.

۵-۱. ضیاء‌الدین ابوالرضا فضل‌الله الراوندی القاسانی (م ۵۷۰ق)، نخستین شارح *نهج‌البلاغه*

شهر کاشان در قرن ششم به یمن وجود سید فضل‌الله راوندی، مرکزیت علمی در عراق عجم یافته و سید ابوالرضا فضل‌الله راوندی بیشتر عمر خود را در کاشان و در مدرسه «مجدیه» به تدریس مشغول بوده است. علامه مجلسی (ره) در *بحار الانوار* از شرح *نهج‌البلاغه* سید ابوالرضا راوندی یاد می‌کند و با القابی خاص درباره وی می‌گوید: «أخبرنا السيد الامام، ضياء الدين سيد الأئمة، شمس الاسلام، تاج الطالبيه، ذوالفخرين، جمال آل رسول الله (ص) أبو الرضا، فضل الله بن علي بن عبيدالله الحسنی الراوندی حرس الله جماله، وأدام فضله...» (علامه مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۵۴). عبدالکریم بن محمد سمعانی (م ۵۶۲ق) نیز در کتاب *الانساب* در ذیل عنوان «القاسانی» یعنی کاشان امروز، از سید ابوالرضا راوندی یاد کرده است (سمعانی، ۱۳۸۲، ج ۱۰: ۲۹۷).

برخی از پژوهشگران معتقدند که سید ابوالرضا فضل‌الله راوندی را می‌توان اولین شارح *نهج‌البلاغه* قلمداد کرد؛ زیرا دیگران بعدها شرح او را تکمیل نموده و در زمره اولین شارحان معرفی شده‌اند؛ علی بن ابوالقاسم زید بیهقی (ابن فندق) در سال ۵۵۲ق شرح خود را به پایان رسانده و به‌عنوان اولین شارح *نهج‌البلاغه* معرفی شده؛ درحالی‌که فضل‌الله بن علی راوندی، نسخه اصلی *نهج‌البلاغه* به خط سید رضی را در سفر خود به بغداد در اختیار داشته ملاحظه کرده و تعلیقاتی بر آن نوشته و جمله‌ها و کلمه‌های دشوار آن را شرح داده و در ربیع‌الاول ۵۱۱ق و از روی آن برای خود نسخه‌ای استنساخ کرده است (قاسم‌پور و سلامی، ۱۳۹۸: ۶۹).

مرحوم آقابزرگ تهرانی معتقد است که این شرح، اولین شرح بر *نهج‌البلاغه* است (آقابزرگ



مترجمان و شارحان کاشانی نهج البلاغه (سده‌های ششم تا دهم هجری)، مرتضی امامی

10.22052/KASHAN.2023.252507.1075

تهرانی، ۴۰۸ق، ج ۱۴: ص ۱۴۳). همچنین برابر نسخه‌ای که در دست است، در سال (۱۳۲ق)، محمدصادق بن محمد شفیع یزدی از روی نسخه ابوالفتوح احمد بن ابی عبدالله بلکو بن ابی طالب آوی، و او از روی نسخه سید فضل‌الله تحریر نموده که حواشی فضل‌الله راوندی در آن نقل شده است (بروجردی، ۱۳۸۰: ۱۲۷).

از آنجاکه راوندی در روند مقابله نسخه‌ها و در لابه‌لای سطرها، واژگان دشوار را به‌گونه‌ای مختصر توضیح داده که در اغلب موارد به شرح لغوی بیشتر شباهت دارد، می‌توان حدس زد شاید کسانی که سید فضل‌الله را اولین شارح نهج البلاغه ندانسته‌اند، این توضیحات کوتاه و اغلب لغوی در لابه‌لای سطور را شرح مستقلاً ندانسته‌اند؛ ولی اگر همین توضیحات و مطالب لغوی سید فضل‌الله را شرح بنامیم، بی‌گمان او نخستین شارح نهج البلاغه است.

۲۵. ارجحیت نسخه‌هایی که به روایت ابوالرضا ابوالفضل راوندی است

بررسی نسخه‌های بسیار کهن آثار سید مرتضی (ره) و شریف رضی (ره) دلالت بر این دارد که ابوالرضا ابوالفضل راوندی تحریرهای کامل‌تری از آثار این دو برادر را در اختیار داشته است؛ وی از تحریرهای نهایی و کامل‌تر کتاب‌ها نسخه‌برداری کرده و بر این اساس در تصحیح آثار این دو برادر، باید همواره نسخه یا نسخه‌هایی را که به روایت ابوالرضا راوندی است، ارجح و تمام‌تر دانست. محدث نوری، سید ابوالرضا را از مشایخ بزرگی می‌داند که اکثر اسانید اجازات به او منتهی می‌شود (محدث نوری، ۴۰۸ق، ج ۱: ۱۷۳).

تاکنون دو نسخه از نهج البلاغه را بازشناخته‌اند که در آن‌ها توضیحات و حواشی سید فضل‌الله، مانند اصل نسخه وی، در میان سطور نوشته شده و ویژگی‌های آن‌ها چنین است:

الف. نسخه شماره ۲۷۳ کتابخانه آیت‌الله نجفی مرعشی. این نسخه را محمدصادق بن محمد شفیع یزدی در سال ۱۳۲ق، از روی نسخه ابوالفتوح احمد بن ابی عبدالله بلکو بن ابی طالب آبی نوشته است. ابوالفتوح نیز نسخه‌اش را از روی نسخه سید فضل‌الله نوشته است.

ب. نسخه شماره ۵۰۴۶ کتابخانه رامپور هند. این نسخه را عبدالجبار بن حسین ابی‌القاسم فراهانی از روی نسخه سید فضل‌الله نوشته و در ۱۹ جمادی‌الاول سال ۵۵۳ به پایان رسانیده است. میکروفیلم این نسخه به شماره ۷۰۴۹ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است (دانش‌پژوه، ۱۳۵۳، ج ۳: ۱۲۶).

در کتابخانه «المتحف العراقی» هم نسخه‌های نفیس و کهنی از نهج البلاغه وجود دارد که در فهرست منتشرشده آن کتابخانه با عنوان مخطوطات الأدب فی المتحف العراقی معرفی شده‌اند. در



میان این نسخه‌ها، نسخه شماره ۳۷۸۴، نسخه مهمی است که شخصی به نام محمد بن حسن بن محمد بن عباس بن نازویه قمی در ۵۵۶ کتابت کرده و آن را بر سید ابوالرضا ابوالفضل راوندی در سال ۵۷۱ هجری خوانده است (همان‌جا).

وقتی افرادی همچون محمد نازویه قمی، برای مقابله نسخه نهج البلاغه خود، به نزد بزرگانی از حوزه‌های مهم حدیثی آن روزگار، همچون نیشابور و ری بسنده نکرده و به کاشان سفر می‌کند تا از نسخه این محدث کاشانی بهره ببرد؛ و یا هنگامی که از یکی از شاگردان سید ابوالرضا به نام جمال‌الدین علی بن محمد القمی المتطبب، شرح نهج البلاغه راوندی را با اجازه از او روایت می‌کند ولی نسخه خود را پس از وفات سید ابوالرضا در سال ۵۸۹ هجری بر فرزند او، عزالدین مرتضی علی بن فضل‌الله راوندی قرائت می‌کند، اهمیت نسخه نهج البلاغه فضل‌الله راوندی، نزد محدثان بزرگ آن دوره مشخص می‌گردد (قاسم‌پور و سلامی، ۱۳۹۸: ۶۹).

از دیگر نسخه‌های نهج البلاغه که اکنون می‌دانیم از روی نسخه ابوالرضا راوندی نوشته شده یا با نسخه‌ای که مشتمل بر حواشی وی بر نهج البلاغه بوده، مقابله شده، نسخه کهن کتابت‌شده توسط یکی از شاگردان کمتر شناخته‌شده ابوالرضا راوندی، یعنی برهان‌الدین محمد بن محمد بن علی حمدانی قزوینی است. نسخه اخیر در جمادی‌الاولی (۵۷۵ هجری) اندکی بعد از درگذشت فضل‌الله راوندی کتابت شده است (نفیسی، راستکار و حائری، ۱۳۹۰، ج ۲۹: ۱۷۴-۱۷۹). از شرح نهج البلاغه سید ابوالرضا ابوالفضل راوندی، ابن‌عتایقی حلی (م ۷۸۸ هجری) در شرح خود بر نهج البلاغه استفاده کرده و این شرح تا قرن هشتم نیز موجود بوده است (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۸، ج ۱۴: ۱۴۳).

۳-۵. قطب‌الدین راوندی (م ۵۷۳ هجری)، اولین شارح علمی ادبی نهج البلاغه

سعید بن عبدالله بن حسین راوندی مشهور به قطب‌الدین و قطب راوندی، از مترجمان و شارحان مشهوری است که کتاب منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه را که به‌گمان برخی، اولین شرح علمی و ادبی نهج البلاغه به شمار می‌رود، در اواخر شعبان ۵۵۶ هجری، نگاشته که بعدها این شرح مأخذ و مصدر شروح بعدی نهج البلاغه قرار گرفت و قطب‌الدین کیدری در حدائق الحقائق و علی بن ناصر در اعلام نهج البلاغه و در شرح ابن‌ابی‌الحدید، متعرض آرای وی شده‌اند (بروجردی، ۱۳۸۰: ۱۳۰).

قطب راوندی، معروف به قطب‌الدین سعید بن عبدالله بن حسین بن هبة‌الله راوندی کاشانی،

محدث، مفسر، متکلم، فقیه، فیلسوف و مورخ شیعه از شاگردان شیخ طبرسی (صاحب تفسیر مجمع البیان) در قرن ششم هجری است. پدر و جد قطب‌الدین، از عالمان و برجستگان آن دیار بوده‌اند (امین، ۱۴۲۱ق، ج ۷: ۲۶۰). مجموعه آثار وی نزدیک به ۶۰ کتاب و رساله است که مهم‌ترین اثر وی در حوزه نهج البلاغه منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه است. این کتاب که هم عنوان با شرح نهج البلاغه میرزا حبیب‌الله هاشمی خویی (م ۱۳۲۴ق) می‌باشد، شرحی فارسی بر نهج البلاغه است که در سال (۹۳۰ق) به نام شاه‌اسماعیل صفوی تألیف شده و در زمرة اولین کتاب‌های علوم و معارف شیعی در عصر صفوی است.

۴-۵. آشنایی اجمالی با کتاب منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه قطب راوندی

قطب راوندی که در آغاز، شرح مفصلی بر خطبه اول نهج البلاغه نگاشته بود، تصمیم گرفت تمام کتاب را شرح و تفسیر نماید. وی در مورد شرح خویش می‌نویسد که سعی داشته الفاظ غریب و معانی عجیب آن را تبیین نموده و مسائل مشکل نهج البلاغه را با سهل‌ترین الفاظ شرح دهد. قطب راوندی سلسله سند روایت خود تا سید رضی را چنین بیان می‌کند: «اخبرنا السيد ابوالصمصام ذوالفقار بن محمد بن معبد حسنی، قال: اخبرنا الشيخ ابو عبدالله محمد بن علی حلوانی، قال الرضی: اخبرنا الشيخ ابو جعفر محمد بن علی بن محسن حلبی، قال: اخبرنا الشيخ ابو جعفر الطوسی، قال السيد الرضی رضی الله عنه وارضاه: اما بعد... و پس از آوردن هر خطبه، ذیل عنوان «بیانه» یا «الشرح» (و گاه نیز هر دو)، مفردات را یک به یک شرح می‌دهد و اصل معنا و محتوای کلام را می‌گشاید و نظایری از قرآن کریم می‌آورد؛ نظیر: «ثم قال (الذی لا یبلغ مدحته القائلون) اظهر العجز عن القيام بواجب مدائحه فكيف بمحامده... والبلوغ الوصول بل هو اعم، يقال بلغت المكان اذا اشرفت عليه و ان لم تدخله، قال الله تعالى (فاذا بلغن اجلهن فامسكوهن بمعروف)، و هذه مشارفه» (قطب‌الدین راوندی، ۱۳۸۷ق، ج ۱: ۲۳). همچنین در ذیل برخی خطبه‌ها با عبارات «و اما الروایة للخطبه» سلسله سند متن را نیز روشن می‌سازد. گاهی هم متن را بدون شرح وامی‌گذارد و فقط به نقل آن بسنده می‌کند و به شرح لغات و بیان معانی مفردات و جملات می‌پردازد. وی در بخش حکمت‌ها یا کلمات قصار، پس از آوردن مجموعه‌ای از حکمت‌ها به شرح مفردات آن‌ها می‌پردازد. در آخرین حکمت نهج البلاغه (اذا احتشم المؤمن اخاه فقد فارقه)، در شرح واژه «احتشم» چنین می‌نگارد: «و يقال حشمت الرجل و احتشمته و احتشمته بمعنی. و هو ای یجلس الیک، فوذیه و تغضبه، يقال احتشمت لفلان و احتشمته، ای تکلفت له» (همان، ج ۵: ۴۵۱) و در پایان کتاب، نکاتی را هم درباره کلمات غریب نهج البلاغه

می‌آورد و در آن مباحثی موجز در شرح این مفردات بیان مطرح می‌کند؛ نظیر: «قوله: الیاسر الفالج، هذا بعد کلام فی وصف اهل الآخرة الذین یعملون لها ثم شبّههم بالیاسرین و هم الذین یلعون بالمیسر و هو قمار العرب بالازلام.» در خاتمه کتاب هم یک بار دیگر اسناد نهج‌البلاغه را یادآور می‌شود و تصریح می‌کند که در آغاز کتاب، اسناد نهج‌البلاغه را از طریق خاصه آورده و اینک اسنادی دیگری از طریق عامه می‌آورد (همان: ۳۶۷).

شرح راوندی یکی از کهن‌ترین شروح ادبی کلامی بر نهج‌البلاغه است و ابن‌ابی‌الحدید به‌رغم انتقاداتی که به آن دارد می‌گوید: «کسی قبل از من تا آن اندازه که اطلاع دارم به تفسیر نهج‌البلاغه نپرداخته است به‌جز یک نفر و آن سعید بن هبة‌الله بن حسین معروف به قطب راوندی است» و آن را یگانه شرحی می‌داند که پیش از او بر این کتاب نوشته شده (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۹۵۹م، مقدمه: ۱۱). ناگفته نماند که سید هاشم بحرانی انتقادات ابن‌ابی‌الحدید به شرح قطب راوندی را در کتاب سلسل‌الحدید فی تفسیر ابن‌ابی‌الحدید پاسخ گفته است (بحرانی، ۱۴۳۰ق، ج ۱: ۹۰).

منهاج‌البراعه از مباحث فقهی، اخلاقی و تفسیری بی‌بهره نیست، اما مباحث ادبی و واژه‌شناسی آن بیش از دیگر موضوعات نمایان است. توضیح عبارات و مفردات خطب، با استناد به آیات قرآن و نیز تبیین برخی از متون نهج‌البلاغه با استفاده از احادیث، نظیر آنچه در شرح «و یحصی نعمائه العادون» آورده و در آن به روایتی از پیامبر (ص) اشاره می‌کند که حضرت فرمودند: «ان تعدوا نعمه الله لا تحصوها»، از دیگر وجوهی است که علاوه بر ایجاز‌گویی و اشاره به جنبه‌های بلاغی نهج‌البلاغه، این اثر فاخر را از دیگر شروح ممتاز می‌نماید (قطب‌الدین راوندی، ۱۳۶۴ش، ج ۱: ۲۶-۲۵).

۵. ملا فتح‌الله کاشانی (۹۰۰-۹۸۸ق)

دوران حیات ملا فتح‌الله کاشانی، یعنی سال‌های حدود ۹۰۰ تا ۹۸۸ق، دوران مهمی از نظر دگرگونی تاریخ مذهبی ایران است. وی با سه پادشاه صفوی: شاه‌اسماعیل (۹۰۸ق)، شاه‌طهماسب (۹۸۴-۹۳۰ق) و شاه‌اسماعیل دوم (۹۸۵ق) معاصر بوده است (موسوی خوانساری، ۱۳۹۰، ج ۵: ۳۴۵). شاه‌اسماعیل در سال ۹۰۷ق در تبریز مراسم تاج‌گذاری را برگزار کرد و اولین شاه صفوی در ایران شد و نخستین اقدام او، رسمیت بخشیدن به مذهب تشیع بود. این اقدام، شیعیان ایران را که صدها سال تحت فشار بودند خوشحال کرد. نخستین کسی که در این دوره به‌عنوان شیخ‌الاسلام (مقامی رسمی که بر اساس آن یکی از فقیهان، مسئول رسیدگی به مسائل مذهبی، افتا و حل دعاوی بر پایه فقه شیعه بوده است) مطرح شد، علی بن عبدالعال محقق کرکی (م ۹۴۰ق) است که استاد



علی بن حسن زواره‌ای و او استاد ملا فتح‌الله کاشانی است.

در عصری که ملا فتح‌الله زندگی می‌کرد، به دلیل رویکرد صفویان به گسترش مذهب تشیع، عالمان زیادی که معاصر ملا فتح‌الله و اهل کاشان بودند، فرصت رویش یافتند. برخی از این عالمان عبارت‌اند از: «ابراهیم کاشانی»، «سلطان احمد کاشانی»، «میر تقی‌الدین کاشانی»، «جعفر بن محمد باقر کاشانی»، «ملا حافظ کاشانی» (صاحب کتاب *أنیس التوابعین*)، «قاضی حبیب‌الله کاشانی»، «حسن بن شمس‌الدین کاشانی»، «حسن بن بهاء‌الدین (تاج‌الدین) قاسانی»، «حسین ملامسعود کاشانی»، «شمس‌الدین بن بهاء‌الدین کاشانی»، «صدرالدین علوان کاشانی»، «محمد بن محمد حسین شقایب کاشانی»، «یحیی عمادالدین کاشانی» و «علی (قاضی ضیاء‌الدین) کاشانی» (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۴: ۵، ۱۷، ۳۴، ۳۸، ۴۵، ۴۶، ۵۶، ۵۷، ۶۹، ۱۰۵، ۱۰۹، ۱۴۸، ۱۵۸ و ۲۷۵)، و نیز «علی بن کمال‌الدین حسینی کاشانی، غیاث‌الدین (حکیم)» (مدرس تبریزی، ۱۳۶۹، ج ۴: ۲۵۷)، و همچنین «شیخ محمد کاشانی» (حسینی اشکوری، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ۵۱۷) و «جلال‌الدین مسعود بیدگلی» (نراقی، ۱۳۴۵: ۱۷۱).

صاحب *اعیان الشیعه* برای ملا فتح‌الله آثار متعددی را نام برده است نظیر: ۱. تفسیر *منهج الصادقین* کبیر؛ ۲. *مختصر منهج الصادقین به نام خلاصه المنهج*؛ ۳. *زیادة التفاسیر*؛ ۴. ترجمه قرآن؛ ۵. شرح *نهج البلاغه*؛ ۶. شرح *احتجاج طبرسی*؛ ۷. *تنبيه الغافلین و تذکرة العارفين*؛ ۸. *ملاذ الفقها*؛ ۹. *مادة التاريخ* (امین، ۱۴۰۳ق، ج ۸: ۳۹۳).

تنبيه الغافلین و تذکرة العارفين، از سه مقدمه مصحح، مترجم و مؤلف تشکیل یافته و در ادامه به ترتیب به شرح و ترجمه خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های *نهج البلاغه* پرداخته شده است. ملا فتح‌الله، متن عربی را به فارسی عصر خود برگردانده و احیاناً در پاره‌ای از موارد، از لغات غیر معمول استفاده کرده، و اگرچه سبک تحریر و ترجمه با روال نگارش این زمان چندان هماهنگ نیست و کتاب از صعوبت برخوردار است، کوشیده است تا با استفاده از شرایط سیاسی آن دوران و با توجه به نیاز جامعه شیعی ایران، به احیای معارف *نهج البلاغه* و شرح و توضیح آن پردازد و به شبهات موجود پاسخ دهد.

آقابزرگ تهرانی (۱۲۹۳-۱۳۸۹ق) تاریخ‌های مختلفی از درگذشت کاشانی نقل نموده و سپس تاریخ صحیح‌تر را همانند کتاب *کشف الحجب*، سال (۹۸۸ ق) می‌داند (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۲۳: ۱۹۴). برخی محل درگذشت او را کشمیر دانسته (شفیعی، ۱۳۴۹، ص ۱۳۲) و برخی دیگر بر این عقیده‌اند که درگذشت او در کشمیر صحیح نیست و مدرکی بر این ادعا وجود ندارد. مقبره او

در شهر کاشان و در خیابانی به نام ملا فتح‌الله معروف است و نام ملا فتح‌الله کاشانی با نام ملا فتح‌الله شیرازی که در هند از دنیا رفته، اشتباه گرفته شده است (ستار، ۱۳۸۸: ۱۸۶). این مقبره در کاشان معروف است و مورد زیارت عام و خاص است.

۶. شارحان و مترجمان غیرکاشانی نهج‌البلاغه (قرن‌های ۶-۱۰ ق)

۱-۶. فرید خراسانی (۴۹۳-۵۶۵ق)

ظهیرالدین ابی‌الحسن علی بن زید انصاری اوسی بیهقی، ملقب به فرید خراسانی و ابن‌فندق، یکی دیگر از شارحان اولیه نهج‌البلاغه است که شرح وی با عنوان معارج نهج‌البلاغه به زبان عربی در سه جلد انتشار یافته است. فرید خراسانی کتاب معارج نهج‌البلاغه را که شرحی کوتاه و فشرده بر نهج‌البلاغه است، به سال (۵۵۲ق) تألیف کرده است. مؤلف خود را وامدار «وبری خوارزمی» می‌داند و حدود ۷۰ بند از شرح خود را از وبری نقل می‌کند و او را می‌ستاید (بیهقی، ۱۴۰۹ق: مقدمه).

۲-۶. قطب‌الدین بیهقی کیدری (زنده در ۵۷۶ق)

همچنین، ابوالحسن محمد بن حسین بیهقی کیدری نیشابوری، مشهور به قطب‌الدین کیدری، کتاب حدائق الحقائق فی فسر دقائق أفصح الخلائق را در شرح نهج‌البلاغه نگاشته و آن را در اواخر شعبان سال ۵۷۶ ق به پایان رسانیده است. کیدری از شرح قطب‌الدین راوندی و فرید خراسانی در شرح خود بهره جسته است. وی از علمای قرن ششم بوده و در مشهد مقدس از عبدالله بن حمزه طوسی اجازه روایت گرفته است. بیهقی در این شرح، از شارحان قبل از خود هم استفاده کرده و اقوال آن‌ها را در شرح خود می‌آورد، او از شرح راوندی و بیهقی و وبری در شرح خود نقل کرده است.

۳-۶. احمد بن محمد وبری خوارزمی (ق ۶)

شرح نهج‌البلاغه احمد بن محمد وبری خوارزمی نیز از دیگر شروحی است که برخی آن را اولین شرح دانسته‌اند. در این شرح، وبری مشکلات نهج‌البلاغه را فقط شرح نموده است. بیهقی از این شرح در معارج نهج‌البلاغه (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴: ۱۱۵) و قطب‌الدین کیدری در حدائق الحقائق و ابن‌عتایی در شرح خود بر نهج‌البلاغه نام برده‌اند (عطاردی قوچانی، ۱۳۷۳: ۱۸). وبری از متکلمان عصر خود بوده و موضوعات نهج‌البلاغه را از نظر کلامی مورد تحقیق قرار می‌دهد. وی معاصر ابوالحسن علی بن زید بیهقی شارح نهج‌البلاغه است و در کتاب معارج نهج‌البلاغه می‌گوید: «از کسانی که نام او را شنیده و کتاب و نوشته او

را دیده ولی خودش را تاکنون ندیده‌ام، امام احمد بن محمد وبری خوارزمی ملقب به شیخ جلیل می‌باشد؛ او مشکلات نهج البلاغه را شرح کرده و من در این کتاب از شرح او استفاده می‌کنم، و سخنان او را نقل می‌نمایم و او را می‌ستایم. علاوه بر بیهقی، قطب‌الدین کیدری و علی بن ناصر سرخسی هم در شرح خود بر نهج البلاغه سخنان او را نقل می‌کنند» (همان: ۱۳).

۴-۶. علی بن ناصر حسینی سرخسی (ق ۷)

دانشمند شیعی قرن ششم و هفتم در نیشابور که لقبش صدرالدین و کنیه‌اش ابوالحسن و از جمله شارحان نهج البلاغه، به نام اعلام نهج البلاغه است و به تعبیر علامه تهرانی: «...و هو أقدم الشروح و الحواشی علیه و أوثقها و أتقنها و أخصرها» (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۲: ۲۳۹). اگرچه شرح حال وی در برخی منابع کهن ذکر شده، مطالب زیادی از زندگی وی در دسترس نیست و اغلب دانسته‌ها مربوط به آثار باقی‌مانده از وی است.

از کتاب شرح نهج البلاغه سرخسی، یک نسخه در کتابخانه «رضا» در رامپور هندوستان و نسخه دوم در کتابخانه مشهور ملی بنگال در کلکته است. در چند جای این نسخه‌ها سرخسی می‌گوید: «قال بعض الشارحین» و مقصود وی از بعض الشارحین، قطب‌الدین راوندی است و عین عبارت راوندی را از شرح نهج البلاغه او نقل می‌کند (عطاردی، ۱۳۷۳: ۱۸).

۵-۶. عمر فخرالدین رازی (۵۴۳-۶۰۶ق)

فخرالدین رازی یکی دیگر از علمای اسلام است که از جمله آثار او شرح نهج البلاغه است. عطاردی قوچانی به نقل از زوزنی درباره وی می‌گوید: فخرالدین رازی شرحی بر نهج البلاغه نوشته بود که شهرزوری در تاریخ الحکما از آن یاد می‌کند. متأسفانه نسخه آن مفقود گردیده و در فهرست کتابخانه‌های عمومی و خصوصی در داخل و خارج ایران اثری از آن نیست (همان: ۲۰).

۶-۶. حسن بن محمد صاغانی (م ۶۵۰ق)

صاغانی در سال ۵۷۷ق در لاهور، مرکز ایالت پنجاب پاکستان متولد شد و پس از تکمیل تحصیلات، رهسپار بغداد شد و در این شهر به مطالعه و تحقیق پرداخت و کتاب‌های زیادی در علم لغت و ادب تألیف کرد که یکی از آثار او شرح نهج البلاغه با عنوان تفویف النسخ فی شرح النهج است که در فهرست کتاب تحفة الأبرار ذکر شده و صاحب ریاض از آن نقل می‌کند (بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۷۳۰۲).

۷۶. ابن‌ابی‌الحدید (م ۶۵۶ق)

از جمله شرح‌های معروف، شرح *نهج‌البلاغه* ابن‌ابی‌الحدید است. این کتاب که بیست جزء دارد و در دوره‌های دو، چهار و بیست‌جلدی منتشر شده، شرحی تاریخی، ادبی و کلامی است که استفاده از منابع شیعی و سنی نیز از ویژگی‌های آن است (مهدوی دامغانی، ۱۳۷۹، مقدمه: هفت).

علامه محمدتقی شوشتری که خود از جمله شارحین نوآور *نهج‌البلاغه* است، درباره شرح ابن‌ابی‌الحدید می‌گوید: «گسترده‌ترین و استوارترین شرح *نهج‌البلاغه*، شرح ابن‌ابی‌الحدید است» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۹: ۵۷). شرح واژگانی و بیان مثال‌های عرب و مباحث ادبی و نکات بلاغی است که به‌وفور در آن یافت می‌شود، نسب‌شناسی و تباریابی اعلام و شخصیت‌ها و همچنین بیان گزارش‌ها و رویدادهای تاریخی، این شرح را از دیگر شروح ممتاز نموده است. وی در مقدمه شرحش خلافت ابابکر را قبول می‌کند ولی چنین عبارتی دارد: «الحمد لله الواحد العدل...، وقدّم المفضول علی الأفضل» (سپاس خدایی را که یگانه و عادل است...، و سپاس خدایی را که مفضول [ابوبکر] را بر افضل [علی(ع)] مقدم کرد) (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۹۵۹م، ج ۱: ۳).

استناد به آیات قرآن و در مواردی استفاده از اشعار شاعران عرب نیز از دیگر خصوصیات این شرح است؛ هرچند بنا بر عقیده علامه شوشتری، در برخی گزارش‌های آن افراط و تفریط مشاهده می‌شود (همان: ۵۷). همچنین در جلد بیست این شرح حدود هزار عبارت تحت عنوان «الحکم المنسوبه» نقل شده که به گفته ابن‌ابی‌الحدید از بیانات علی(ع) است که در میان مردم شهرت یافته؛ اما از آنجاکه این جملات در *نهج‌البلاغه* نیست، نمی‌توان به آن‌ها اعتماد کرد (غلامعلی، ۱۴۰۰: ۱۱۶).

۸۶. علی بن میثم بحرانی (۶۳۶-۶۸۹ق)

پس از شرح ابن‌ابی‌الحدید، در سده هفتم، *مصباح‌السالکین*، معروف‌ترین شرح *نهج‌البلاغه* است، که فقیه و متکلم برجسته شیعی، کمال‌الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی آن را نگاشته است. این شرح که جنبه فلسفی عرفانی دارد، در پنج جلد و با مقدمه‌ای مفصل تنظیم شده است. خواجه نصیرالدین طوسی معاصر ابن‌میثم بوده و میان آن‌ها رابطه شاگردی و استادی وجود داشته است. وی این شرح را تلخیص نمود و آن را *اختیار مصباح‌السالکین* نامید و به «عظام‌الک جوینی» وزیر معروف هدیه کرد (بروجردی، ۱۳۸۰: ۱۲۹). وی همچنین در کتابی دیگر با عنوان *شرح المائة کلمة یا منهج العارفين* به شرح صد کلمه یا حکمت از سخنان علی(ع) با نگاهی عارفانه پرداخته است (رصافی،

۱۳۸۶ش: ۱۲۹). ابن میثم چند شرح بر نهج البلاغه نوشته که به شرح کبیر و متوسط و صغیر معروف‌اند. وی همچنین به سایر شرح‌های قبل از خود، با نقل کلمات آنان نظر داشته و به نقد اقوال ادبی گذشته اشاره می‌کند و به تأیید اقوال یا تضعیف آنان می‌پردازد (بحرانی، ۱۳۷۹، ج ۱: مقدمه).

به‌رغم وجوه مشترکی که این شرح با سایر شروح دارد، مهم‌ترین ویژگی منحصر به فرد آن، صبغه فلسفی و کلامی آن است. البته این ویژگی به دلیل تحت‌الشعاع قرار گرفتن سایر موضوعات، مورد نقد برخی دیگر از شارحان قرار گرفته است. کثرت استناد به روایات غیرشیعی و ضعف استفاده از منابع روایی شیعی نیز نقد دیگری است که بر این شرح مطرح گردیده و در مباحث ادبی نیز نقدهایی به این شرح وارد شده است.

۹-۶. علامه حلّی (م ۷۲۶ق)

علامه جمال‌الدین ابومنصور حسن بن یوسف بن مطهر حلّی ملقب به علامه حلّی، از دیگر عالمان برجسته شیعی است که در قرن هشتم شرحی بر نهج البلاغه نگاشته است. علامه در کتاب خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال در ضمن بیان آثارش به کتاب مختصر نهج البلاغه اشاره کرده است (علامه حلّی، ۱۴۰۲ق، ج ۱: ۴۷). آقابزرگ تهرانی می‌گوید: علامه حلّی در بعضی از نسخ نام کتاب مختصر نهج البلاغه را با عنوان الخلاصة و در بعضی دیگر از نسخ با عنوان مختصر شرح نهج البلاغه آورده و از قول صاحب کشف الحجب نقل نموده که علامه در مختصر نهج البلاغه، شرح ابن میثم را تلخیص کرده است (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴: ۱۲۴).

۱۰-۶. یحیی بن حمزه (۶۶۹-۷۴۹ق)

کتاب الدیباچ الوضی فی الکشف عن اسرار کلام الوضی از دیگر شروحی است که در قرن هشتم توسط یحیی بن حمزه علی‌الحسینی نگاشته شده است. وی به شرح نهج البلاغه شریف علی بن ناصر حسینی، موسوم به اعلام نهج البلاغه نظر داشته و گاه به نقد گفتارها و آرای این شارح کوشیده است. جایگاه الدیباچ الوضی در میان شروح ادبی قرار دارد؛ چنان‌که گویی ادیبی به شرح نهج البلاغه پرداخته است. شیوه او چنین است که عبارات نهج البلاغه را در بخش‌های خرد خرد - و حتی یک‌کلمه‌ای - تقطیع کرده و توضیح می‌دهد. الدیباچ الوضی را خالد بن قاسم بن محمد المتوکل، تحت إشراف پژوهنده نامی میراث زیدیه، عبدالسلام بن عباس الوجیه پژوهش کرده و در سه جلد در سال ۱۴۲۴ق توسط مؤسسه زید بن علی الثقافه آماده نشر ساخته است. پایه این پژوهش، دو دست‌نوشته از الدیباچ الوضی بوده است. یک دست‌نوشته نیز به‌عنوان منبع کمکی



مورد استفاده قرار گرفته است (جهان‌بخش، ۱۳۸۵: ۱۷۹-۱۸۸).

۱۱-۶. ابن عتایقی (م بعد از ۷۸۸ق)

از دیگر شارحان بنام شیعی *نهج‌البلاغه*، کمال‌الدین عبدالرحمن بن محمد بن ابراهیم عتایقی حلی مشهور به «ابن عتایقی» در قرن هشتم است. شرح ابن عتایقی یکی از شروح معتبر *نهج‌البلاغه* است. این شرح در چهار جلد تألیف گردیده و جلد سوم آن در سال ۷۸۶ق به پایان رسیده است. عتایقی شرحش را از سه شرح ابن ابی‌الحدید، ابن میثم و قطب‌الدین کیدری گزینش نموده و در مواردی هم نظرات ابن ابی‌الحدید را نقد کرده است. از جلد دوم و چهارم تاکنون نسخه‌ای شناسایی نشده و تنها جلد اول و سوم آن باقی مانده که توسط بنیاد *نهج‌البلاغه* در حال انتشار است (سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۷۸: ۹۸-۹۷). مؤلف *ریاض‌العلماء* می‌گوید: من نسخه‌ای از جلد سوم شرح ابن عتایقی را در اصفهان دیدم و این نسخه در سال ۷۸۶ق تحریر شده بود (افندی، ۱۴۱۵ق، ج ۳: ۱۰۶).

۱۲-۶. مسعود بن عمر تفتازانی (م ۷۹۲ق)

دانشنامه جهان اسلام، شرح *نهج‌البلاغه* سعدالدین مسعود بن عمر تفتازانی را در زمره کتاب‌های تفتازانی آورده است. تفتازانی که از دهکده تفتازان در شمال غربی شیروان واقع در خراسان شمالی است، در خوارزم به تحصیل پرداخت و کتاب معروف *مطول* از جمله آثار اوست. تفتازانی در سال ۷۹۲ق در شهر سرخس درگذشت و آثاری از علم و ادب از خود به جای گذاشت (حدادعادل، ۱۳۶۲، ج ۱: ۳۶۷۰).

۱۳-۶. الهی اردبیلی (م ۹۵۰ق)

کمال‌الدین حسین بن شرف‌الدین عبدالحق اردبیلی متخلص به الهی اردبیلی، در قرن دهم، چهار اثر درباره *نهج‌البلاغه* تألیف نموده است (سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۷۸: ۱۳۲) که عبارت‌اند از:

۱. *منهج الفصاحه فی شرح نهج‌البلاغه* (شرح کبیر) که آن را تقدیم شاه‌اسماعیل صفوی نمود.

۲. بعد از نگارش شرح کبیر، *منهج الفصاحه* یا *منتخب منهج الفصاحه* را تلخیص کرد و به شاه‌طهماسب صفوی تقدیم نمود.

۳. ترجمه فارسی *نهج‌البلاغه* که اولین ترجمه روان فارسی از *نهج‌البلاغه* است.

۴. *منهج الفصاحه* که شرح و ترجمه استعارات و کنایات *نهج‌البلاغه* است و الهی اردبیلی این



مترجمان و شارحان کاشانی نهج البلاغه (سده‌های ششم تا دهم هجری)، مرتضی امامی

10.22052/KASHAN.2023.252507.1075

رساله را به درخواست صفار مشهدی طوسی نگاشته و هم‌اکنون نسخه‌ای از بخش آغازین این کتاب در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود (بروجردی، ۱۳۸۰: ۱۳۰).

۷. نتیجه سخن

شهر کاشان به دلیل داشتن عالمان فاخری چون سید ابوالرضا فضل‌الله راوندی، قطب‌الدین راوندی و ملا فتح‌الله کاشانی در حوزه نهج‌البلاغه، به‌ویژه در قرن‌های ششم تا دهم، به‌رغم محدودیت‌های سیاسی، نقش چشمگیری داشته است. چنانچه توضیحات کوتاه و اغلب لغوی وی در لابه‌لای سطور را شرح مستقلی بدانیم، بی‌گمان شرح نهج‌البلاغه ابوالرضا راوندی در قرن ششم، نخستین شرح نهج‌البلاغه است و مستند سایر شروح بوده است. همچنین منهاج البراعه قطب راوندی نیز در همان قرن، در انتقال اندیشه‌های کلامی شیعی و در بسط و ترویج آموزه‌های حکمی، ادبی و بلاغی نهج‌البلاغه همواره الهام‌بخش دیگر شروح بوده است. سید فضل‌الله راوندی و قطب‌الدین راوندی جزو اولین کسانی هستند که به‌رغم مشکلات سیاسی دوران معاصر خویش به‌عنوان نخستین مترجمان نهج‌البلاغه شهرت یافته‌اند.

بنیان شرح‌نویسی که پایه‌های آن توسط سید فضل‌الله راوندی و قطب‌الدین راوندی در قرن ششم نهاده شد، در همان قرن توسط شارحان برجسته‌ای نظیر بیهقی کیدری، ویری خوارزمی، فخرالدین رازی، صاغانی، ابن‌ابی‌الحدید، ابن‌میثم بحرانی و در قرن هفتم، علامه حلی، تفتازانی، ابن‌عتایقی، الهی اردبیلی و همچنین ملا فتح‌الله کاشانی و در قرن دهم با اثر فاخر تنبیه الغافلین و تذکره العارفین به‌عنوان یکی از نخستین شرح‌های فارسی نگاشته بر نهج‌البلاغه ادامه یافته است. از آنجاکه شرح‌نویسی همواره نقش بسزایی در شکوفایی تمدن اسلامی داشته است، ملا فتح‌الله در این شرح کوشیده است تا با استفاده از شرایط سیاسی آن دوران که عصر رونق تشیع بود، به شبهات موجود پاسخ دهد و به احیای معارف نهج‌البلاغه و شرح و بسط آن پردازد.

منابع

قرآن کریم.

آقابزرگ تهرانی، محمدمحسن. (۱۴۰۸ق). الذریعة إلى تصانیف الشیعه (علینقی منزوی، محقق).

قم: اسماعیلیان.

اقبالی، عباس. (۱۳۸۴). سید ابوالرضا راوندی کاشانی عربی‌سرا. کاشان‌شناسی، شماره ۲، ۱۸۱.

ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید. (۱۹۵۹م). شرح نهج‌البلاغه. قم: کتابخانه آیت‌الله نجفی مرعشی.

- افندی، عبدالله. (۱۴۱۵ق). *رياض العلماء و حياض الفضلاء*. قم: کتابخانه آیت‌الله نجفی مرعشی.
- امین، سید محسن. (۱۴۲۱ق). *أعيان الشيعة* (حسن امین، محقق). بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- پاک‌نیا، عبدالکریم. (۱۳۷۹). نگاهی به ترجمه‌های فارسی نهج‌البلاغه. نشریه فرهنگ کوثر، شماره ۴۶، ۷۶-۸۰.
- بحرانی، سید هاشم. (۱۴۳۰ق). *سلاسل الحديد فی تقييد ابن ابی الحديد* (محمد عیسی آل مکباس، محقق). بیروت: دارالمحجة البيضاء.
- بحرانی، میثم بن علی. (۱۳۷۹ق). *شرح نهج‌البلاغه*. تهران: نشرالکتاب.
- بروجردی، مصطفی. (۱۳۸۰ش). نگاهی به شرح‌های نهج‌البلاغه. فصلنامه قیسات، شماره ۱۹، ۱۲۶-۱۳۷.
- حداد عادل، غلامعلی. (۱۳۶۲ش). *دانشنامه جهان اسلام*، تهران: انتشارات بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.
- بیهقی، علی بن زید. (۱۴۰۹ق). *معارج نهج‌البلاغه* (محمد تقی دانش‌پژوه، محقق). قم: ناشر کتابخانه عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی (ره).
- جزینی درجه، رسول. (۱۴۰۰ش). کاوشی درباره سید ابوالفضل راوندی و روایت کتاب الصحاح فی اللغة. آینه پژوهش، شماره ۱۹۱، ۲۱۷-۲۵۱.
- جمعی از نویسندگان. (۱۳۷۹ش). *آشنایی با نهج‌البلاغه*. بی‌جا: انتشارات مؤسسه فرهنگی آیه حیات.
- جهان‌بخش، جويا. (۱۳۸۵ش). *الديباج الوضی، شرحی بر نهج‌البلاغه از نیمه نخست سده هشتم. سئینه*، شماره ۱۰، ۱۷۹-۱۸۸.
- حاجیان حسین‌آبادی، رضا. (۱۳۹۴). «روش‌شناسی منهاج البراعه قطب راوندی»، پژوهشنامه نهج‌البلاغه، ۳ (۱۰)، ۱۲۳-۱۴۸.
- حسینی اشکوری، سید احمد. (۱۴۱۴ق). *تراجم الرجال*. قم: کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی.
- دانش‌پژوه، محمد تقی. (۱۳۵۳ش). *فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.



مترجمان و شارحان کاشانی نهج البلاغه (سدهای ششم تا دهم هجری)، مرتضی امامی

10.22052/KASHAN.2023.252507.1075

دیبری نژاد، بدیع الله. (۱۳۸۴ش). سلاجقه و گسترش ادب فارسی. نشریه چشم‌انداز، ارتباطات فرهنگی، شماره ۱۷، ۵۷-۶۰.

رصافی، محمد. (۱۳۸۶ش). ابن میثم و شرح نهج البلاغه. میثاق امین (فصلنامه پژوهشی اقوام و مذاهب)، شماره ۴، ۱۲۹-۱۶۳.

زیدان، جرجی. (۱۳۸۴ش). تاریخ تمدن اسلام (علی جواهر کلام، مترجم). تهران: امیرکبیر. سازمان اوقاف و امور خیریه. (۱۳۷۸ش). ابن عتایقی. مجله وقف میراث جاویدان (ویژه نهج البلاغه)، شماره ۲۵ و ۲۶، ۹۷-۹۸.

ستار، حسین. (۱۳۸۸ش). پژوهشی در زندگی و آثار ملا فتح الله کاشانی. مجله کاشان‌شناسی، ۴ (۱)، ۱۸۱-۲۱۲.

سمعانی، عبدالکریم. (۱۳۸۲ق). الأنساب (عبدالرحمن المعلمی الیمانی، محقق). حیدرآباد: مجلس دائرةالمعارف العثمانیه.

شفیعی، محمد. (۱۳۴۹ش). مفسران شیعه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

عطاردی قوچانی، عزیزالله. (۱۳۷۳ش). علمای خراسان و نهج البلاغه. تهران: انتشارات عطارد. علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۰۲ق). رجال العلامة الحلی (محمدصادق بحرالعلوم، مصحح). قم: انتشارات الشریف الرضی.

علامه مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار (سید ابراهیم میانجی و محمدباقر بهبودی، محققان). بیروت: دارالاحیاء التراث.

غلامعلی، احمد. (۱۴۰۰ش). شناخت‌نامه نهج البلاغه. تهران: انتشارات سمت.

قاسم‌پور، محسن، و سلامی، محمد. (۱۳۹۸ش). نقش سید ابوالرضا راوندی در گسترش میراث حدیثی شیعه. دوفصلنامه علمی کاشان‌شناسی، شماره ۱۴ (پیاپی ۲۲)، ۵۵-۸۰.

<https://doi.org/10.22052/1.14.55>

قاسم‌پور، محسن. (۱۳۸۴). قطب راوندی و شرح نهج البلاغه. دوفصلنامه علمی کاشان‌شناسی، شماره ۱، ۱۰۳-۱۱۵.

قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبة الله. (۱۳۶۴ش). منهج البراعة فی شرح نهج البلاغه. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

قطب‌الدین راوندی. (۱۳۸۷ق). شرح نهج البلاغه. قم: نشر مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان. کاشانی، حبیب الله، و کاشانی، ابوالقاسم. (۱۳۷۸ش). لباب الألقاب فی القاب الأقطاب. تهران:

نشر کتاب‌فروشی بوذرجمهری مصطفوی.

کسری دهکردی، فرشته، و بهارزاده، پروین. (۱۳۹۵ش). تنوع گونه‌های حدیث‌نگاری نزد

ایرانیان قرن ششم. دوفصلنامه حدیث‌پژوهی ۸ (۱۵)، ۱۴۳-۱۷۶.

محدث نوری، حسین. (۱۴۰۸ق). *خاتمه مستدرک الوسائل*. قم: مؤسسه آل‌البیت (ع) لاحیاء التراث.

مدرس تبریزی، محمدعلی. (۱۳۶۹ش). *ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیة او اللقب*. تهران: کتاب‌فروشی خیام.

مسعودی خمینی، عبدالهادی. (۱۳۹۱ش). *در پرتو حدیث*. قم: دارالحدیث.

موسوی، سید حمید، و مردانی، مهدی. (۱۳۹۷). روش واژه‌شناسی قطب‌الدین راوندی در شرح نهج‌البلاغه. *پژوهشنامه علوی*، ۹ (۱۷)، ۹۸-۸۱.

موسوی خوانساری، محمدباقر. (۱۳۹۰ش). *روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات*. قم: اسماعیلیان.

مهدوی دامغانی، محمود. (۱۳۷۹ش). *جلوه تاریخ در شرح نهج‌البلاغه*. تهران: نشر نی.

نراقی، حسن. (۱۳۴۵ش). *تاریخ اجتماعی کاشان*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.

نقیسی، سعید، راستکار، فخری، و حائری، عبدالحسین. (۱۳۹۰ش). *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی*. تهران: انتشارات کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

References

- The Holy Quran. [In Persian].
- Aghabozur Tehrani, M. M. (1987). *AH Al-Dhariyyah to Al-Shiya's works*. Researcher: Alineqi Manzavi. Qom: Ismailian. [In Persian].
- Alama Hali, H. (1981). *AH Rijal al-Allamah al-Hali*. Proofreader: Mohammad Sadiq Bahr al-Uloom. Qom: Al-Sharif al-Radhi Publications. [In Persian].
- Alama Majlisi, M. B. (1982). *AH, Bihar al-Anwar*. Researcher: Seyyed Ibrahim Mianji, Mohammad Bagharboodi. Beirut: Daralahiya al-Tarath. [In Persian].
- Amin, M. (2000). *A.H. Ayan al-Shi'a*. Research: Hassan Amin. Beirut: Dar al-Taraif for the press. [In Persian].
- Atardi Guchani, A. (1994). *Scholars of Khorasan and Nahj al-Balagheh*. Tehran: Atard Publications. [In Persian].
- Awqaf and charity organization. (1999). Ibn Ataighi. *Waqf Magazine of Eternal Legacy* (Special Nahj al-Balagha): No. 25 and 26, pp. 97-98. [In Persian].
- Aya Hayat Foundation, a group of writers. 2000. *Getting to know Nahj al-Balagha*. Ayah Hayat cultural institution publications. [In Persian].



- Bahrani, M. (2000). *A.H. Description of Nahj al-Balagha*. Second edition. Tehran: Neshar al-Katab. [In Persian].
- Bahrani, H. (2008). *The chains of al-Hadid in Ibn Abi al-Hadid's taqeed*. Researcher: Mohammad Isa al-Maqbas. Beirut: Dar al-Mahjah al-Bada. [In Persian].
- Beyhaqi, A. (1988). *AH Ma'araj Nahj al-Balagha*. Researcher: Mohammad Taghi, scholar. First edition. Qom: Publisher of Ayatollah Marashi Najafi Public Library. [In Persian].
- Boroujerdi, M. (2001). A look at the descriptions of Nahj al-Balagheh. *Qobsat Quarterly*. No. 19. pp. 126-137. [In Persian].
- Daneshpazhuh, M. T. (1974). *Sh. List of microfilms of Tehran University Central Library*. First edition. Tehran: Tehran University Press. [In Persian].
- Debiri-Najad, B. (2004). Selajqah and the expansion of Persian literature, Chashmaz Publishing House. *Cultural Communications*, No. 17, pp. 57-60. [In Persian].
- Effendi, A. (1994). *A.H. Riaz al-Ulama and Hayaz al-Fazla*. Qom: Ayatollah Najafi Marashi Library. [In Persian].
- Gholam Ali, A. (2021). *AD, Nahj al-Balagha identification*. Tehran: Samit Publications. 8th edition. [In Persian].
- Hosseini Ashkouri, A. (1993). *AH Translations of al-Rijal*. Qom: Ayatollah al-Azami Murashi Najafi library. [In Persian].
- Ibn Abi al-Hadid, A. (1959). *Description of Nahj al-Balagha*. Qom: Ayatollah Najafi Marashi Library. [In Persian].
- Islamic Encyclopedia Foundation. (1983). *Islamic world encyclopedia*. Tehran: Islamic Encyclopaedia Foundation Publications. [In Persian].
- Jahan Bakhsh, J. (2005). Al-Dibaj Al-Wadhi, Commentary on Nahj al-Balagha from the first half of the 8th century. *Safina*, No. 10, pp. 179-188. [In Persian].
- Kashani, H., & Kashani, A. (1999). *Labab-al-Aqab in Al-Qab-Al-Atyab*. Tehran: Bozarjamohri Mostafavi Publishing House. [In Persian].
- Kasri Dehkordi, F., & Baharzadeh, P. (2015). The variety of types of hadith writing among Iranians of the 6th century. *Hadith Research Journal*, 8 (15), pp. 176-143. [In Persian].
- Mahdavi Damghani, M. (2000). *The progress of history in the description of Nahj al-Balagha*. Tehran: Nei Publishing. [In Persian].
- Masoudi Khomeini, A. (2012). *In the light of hadith*. Qom: Dar al-Hadith. [In Persian].
- Modarrese Tabrizi, M. A. (1990). *Rehana Al-Adab in the translations of the well-known Balkaniye O Al-Laqb*. Tehran: Khayyam bookstore. [In Persian].
- Mohd Nouri, H. (1987). *AH Khatama Mustardak Al-Wasail*. Qom: Al-Al-Bayt Foundation for Revival of Tradition. [In Persian].
- Mousavi Khansari, M. B. (2011). *Ruzat al-Jannat fi ahval al-Ulama wa al-Sadat*. Qom: Ismailian. [In Persian].
- Nafisi, S., Rastkar, F., Haeri, A. (2011). *List of manuscripts of the Islamic Parliament Library*. Tehran: Publications of the Islamic Parliament Library. [In Persian].
- Naraghi, H. (1966). *Social History of Kashan*. Tehran: Institute of Social Studies and Research. [In Persian].
- Paknia, A. (1959). A look at the Persian translations of Nahj al-Balagha. *Farhang Kausar*, No. 46, pp. 76-80. [In Persian].

- 10.22052/KASHAN.2023.252507.1075
- Qasempour, M. & Salami, M. (2018). Seyyed Abulreza Rawandi's role in the expansion of the Shia hadith heritage. *Journal of Kashan Science*, No. 14 (22 consecutive), pp. 55-80. <https://doi.org/10.22052/1.14.55>. [In Persian].
- Qasimpour, M. (2004). Qutb Rawandi and Narration of Nahj-ul-Balagha. *Journal of Kashan Science*, No. 1, pp. 103-115. [In Persian].
- Qutbuddin Ravandi, S. (1985). *Minhaj-al-Bara'a fi Sharh Nahj-al-Balagha*. Qom: Ayatollah Murashi Najafi Library. [In Persian].
- Qutbuddin Rawandi. (2008). *AH, Description of Nahj al-Balagha*. Qom: Tebyan Cultural and Information Foundation Publishing. [In Persian].
- Rasafi, M. (2016). Ibn Maitham and the description of Nahj al-Balagheh. *Mithaq Amin* (Research Quarterly of Ethnicities and Religions), No. 4, pp. 129-163. [In Persian].
- Samani, A. (2003). *AH, Al-Ansab*. Researcher: Abdur Rahman. Hyderabad: Majlis of the Islamic Encyclopedia. [In Persian].
- Sattar, H. (2008). A research on the life and works of Mullah Fethullah Kashani. *Kashan Studies Magazine*, 4 (1), pp. 212-181. [In Persian].
- Shafii, M. (1970). *Shia commentators*. Tehran: Tehran University Press. [In Persian].
- Zidane, G. (2004). *History of Islamic Civilization*. Translated by Ali Javaher Kalam. Tehran: Amir Kabir. [In Persian].



Translators and commentators of Nahj al-Balagha in Kashan from the 6th to the 10th Centuries of Hijri

Morteza Emami

Assistant Professor of the Islamic Studies Department, University of Kashan,
Kashan, Iran, emami@kashanu.ac.ir

Received: 09/02/2023

Accepted: 06/06/2023

Introduction

The tradition of translating and commenting on authentic religious texts has been common since ancient times. Commentary on Nahj al-Balagha has also had a special place. Researchers have considered the 6th century as the period of Shi'ite scientific stagnation. But in the same century, commentaries on Nahj al-Balagha increased due to these goals: a) the protection of Shi'ite heritage, b) an explanation of difficult words, c) the description of theological and philosophical foundations, d) the explanation of historical events, e) an emphasis on literary and rhetorical points, f) the expansion of spirituality, g) a criticism of previous commentators, h) a documentary review of narrations. From the sixth to the tenth centuries, the region of Kashan was an important area in the development and promotion of Nahj al-Balagha education. Scholars such as Seyed Abu al-Reza Ziauddin, Fazlullah Hosseini Ravandi, Qutb al-Din Ravandi, and Mullah Fatahullah Kashani were of among them. Seyed Fazlullah Rawandi and Qutb al-Din Rawandi were among the first people who became well-know for their first translations of Nahj al-Balagha. Abu al-Reza Ravandi's commentary on Nahj al-Balagha in the sixth century is the first commentary on Nahj al-Balagha. Qutb Ravandi's book, *Minhaj al-Bara'ah*, from the same century and Mullah Fathollah Kashani's book from the 10th century were other documents explaining Nahj al-Balagha in other centuries. Qutb Rawandi's *Minhaj al-Bara'ah* was used by other commentators in the transmission of Shi'ite theological ideas and in the development and promotion of wisdom. Mullah Fathullah Kashani also wrote the first Persian commentary on Nahj al-Balagha, which played a great role in the flourishing of Islamic civilization.

Materials and Methods

This article examines the works and biographies of the translators and commentators of Nahj al-Balagha with a descriptive and analytical approach. A comparative study was done with the a descriptive method focusing on works from the 6th to the 10th centuries of Hijri with an emphasis on commentators from Kashan. For this purpose, the sources and old manuscripts available in the library of Ayatollah Murashi Najafi were used. Also, manuscript sources included two

books from Ibn Belko from Astan Quds Razavi library. A copy from Ibn Nazwayh Qomi who wrote a copy of Sheikh Tusi's *al-Istbasar* in 569 was also used. The second version of Nahj al-Balagha by Abu al-Reza, which contained additional different parts was also used. The works of famous scholars, considered among the pioneers and wrote commentaries on Nahj al-Balagha in the 6th to 10th centuries of Hijri were used. The Qazi Abdul Jabbar Mu'tazili (415-359 AH), Seyed Fazlullah Rawandi (570 AH), Qutb al-Din Ravandi (573 AH), Ibn Abi Al-Hadid (586-656 AH), Ibn Maithamse books included those by Bahrani (636 - 699 AH), Alama Hali (648-726 AH), and Mullah Fathullah Kashani (988 AH). It also used books by the later writers who wrote descriptions or lists on Nahj al-Balagha such as: Seyed Habib-Allah Khoi (1324 AH), Mullasaleh Qazvini (1271 AH), Muhammad Abdo (1323 AH), and Muhammad Hassan Nael Mirsafi (1935 AH). By analyzing and comparing these sources, the method to validate the first Nahj al-Balagha by scholars in Kashan from the sixth the to tenth centuries was obtained.

Results and Findings

The results and findings of this article were: a) the first description of Nahj al-Balaghah [according to the brief descriptions on the lines] belonged to Ab al-Reza Fazlullah Kashani; b) commentaries of Qutb Rawandi and Mullah Fathullah Kashani had significant role in the development and promotion of religious, literary, and rhetorical doctrines from the sixth to the tenth centuries.

Conclusion

Commentary has always played a great role in the flourishing of Islamic civilization. Kashan has played a significant role in Nahj al-Balagheh due to great scholars such as Seyyed Abu al-Reza Fazlullah Rawandi, Qutb al-Din Ravandi, and Mullah Fatehullah Kashani. From the 6th to the 10th centuries, despite the political restrictions, the city of Kashan was an important domain in the development and promotion of Nahj al-Balagha education. Abu al-Reza Ravandi's description of Nahj al-Balagha in the sixth century is the first description of Nahj al-Balagha because his short explanations at the end of the lines were descriptions. Qutb al-Din Ravandi's *Minhaj al-Bara'ah* was the focus of other commentaries in the transmission of Shi'te theological ideas in the sixth century. Seyed Fazlullah Rawandi and Qutb Rawandi are known as the first translators of Nahj al-Balagha. The foundations of commentary were laid by Seyed Fazlullah Rawandi and Qutb Rawandi in the sixth century. In the 6th century, there were prominent commentators of Nahj al-Balagha. Beyhaqi Kidari, Webari Khwarazmi, Fakhr al-Din Razi, Saghani, Ibn Abi Al Hadid, Ibn Maitham Bahrani; the commentors in the seventh century included Allameh Hali, Taftazani, Ibn Ataqi, Elahi Ardabili. In the 10th century, the valuable book *Tanbiyyah al-Ghaflin wa Tazkirah al-Arifin* was written by Mullah Fatullah Kashani as the first Persian explanation of Nahj al-Balagha. Mullah Fathullah Kashani tried not only to spread the knowledge of Nahj al-Balagha in his description but also to develop it using the political conditions of his time.

Keywords: Nahj al-Balagha, commentators and translators of Kashan, Seyed Fazlullah Rawandi, Qutb Rawandi, Molfatullah Kashani.

دو فصلنامه علمی کاشان‌شناسی، بهار و تابستان ۱۴۰۲
دوره ۱۶، شماره ۱ (پیاپی ۳۰)، صفحات: ۱۵۱-۱۸۲
مقاله علمی پژوهشی

سنجش و تحلیل رقابت‌پذیری ادراک‌شده از مقاصد گردشگری (مطالعه موردی: شهر کاشان)

احمد حجاریان*

چکیده

امروزه رقابت در گردشگری به یکی از مسائل مهم تبدیل شده است. از سوی دیگر، رقابت مقصد تا حد زیادی تحت تأثیر کیفیت تجربه گردشگر است. با در نظر داشتن این نکته، هدف این مقاله شناسایی مهم‌ترین اولویت‌های رقابت‌پذیری ادراک‌شده از دیدگاه گردشگران خارجی در شهر کاشان است. در این راستا، در پژوهش کاربردی حاضر که با روش توصیفی تحلیلی انجام گرفته است، وضعیت رقابت‌پذیری ادراک‌شده از مقاصد گردشگری با جمع‌آوری داده‌ها مورد سنجش قرار گرفت. جامعه آماری این پژوهش گردشگران خارجی هستند که از ۲۱ بهمن ۱۴۰۱ تا ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۲ به کاشان سفر کرده‌اند تجزیه و تحلیل داده‌ها با آزمون‌های استنباطی (خی دو، تی تک نمون‌های، تحلیل مسیر) انجام گرفت. نتایج به‌دست‌آمده نشان دادند که با توجه به میانگین به‌دست‌آمده برابر ۲/۷۷ می‌توان عنوان کرد که وضعیت رقابت‌پذیری ادراک‌شده در سطح رضایت‌بخشی نیست. در این میان، میانگین سطح جذابیت‌های مقصد با میانگین ۲/۷۴، بعد عوامل زیرساختی با میانگین ۲/۶۹، عوامل تأثیرگذار ذهنی ۲/۶۴ و عوامل پشتیبانی با میانگین برابر ۳/۰۴ محاسبه شد. این یافته‌ها بینشی را برای سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران گردشگری در توسعه راهبردهای مؤثر برای بهبود رقابت‌پذیری درک‌شده مقاصد گردشگری فراهم می‌کند. روش این مطالعه همچنین می‌تواند برای سایر مقاصد برای سنجش رقابت‌پذیری درک‌شده آن‌ها اعمال شود.

کلیدواژه‌ها: رقابت‌پذیری ادراک‌شده، مقاصد گردشگری، شهر کاشان.

* پژوهشگر پسادکتری گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران / a.hajarian@ltr.ui.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۰۴

۱. مقدمه

صنعت گردشگری در دنیا، یکی از منابع مهم درآمد است و به‌عنوان گسترده‌ترین صنعت خدماتی جهان، حائز جایگاه ویژه‌ای است؛ از این رو بسیاری از کشورها در رقابتی نزدیک و فشرده، در پی افزایش بیش از پیش منافع و عواید خود از این فعالیت بین‌المللی هستند (لطفی‌نیا و آمار، ۱۳۹۷). گردشگری نقش مهمی در توسعه پایدار محلی ایفا می‌کند. این صنعت از طریق ترکیب و به‌کارگیری هم‌زمان منابع داخلی و خارجی منافع اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و فرهنگی زیادی را به دنبال دارد و در بسیاری از کشورها امروزه گردشگری نیروی اصلی پیشبرد و رشد اقتصادی کشور محسوب شده و با فراهم آوردن فرصتی راهبردی، به اقتصاد محلی تنوع بخشیده، موجب اشتغال‌زایی شده و ایجاد درآمد کرده است (Reisinger et al., 2019)، همچنین باعث افزایش ارزش منابع واردشونده به محیط محلی می‌گردد. صنعت گردشگری به‌قدری در توسعه اقتصادی اجتماعی کشورها اهمیت یافته است که اقتصاددانان آن را صادرات نامرئی نام نهاده‌اند (Shaw & Williams 2004). اهمیت این صنعت و نقش آن در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باعث شده تا بسیاری از مدیران و برنامه‌ریزان محلی، منطقه‌ای و ملی در هرکجای دنیا برای گسترش آن برنامه‌ریزی و تلاش نمایند (محبوب‌فر و همکاران، ۱۳۹۰). گردشگری را می‌توان یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های انسان معاصر دانست که همراه با تغییراتی شگرف در سیمای زمین، وضعیت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و روش زندگی انسان‌ها را دگرگون می‌کند. امروزه گردشگری پدیده‌ای اجتماعی و اقتصادی مورد توجه کشورهاست (ترابی و همکاران، ۱۳۹۲) و در دهه‌های اخیر، رشد مداوم و روزافزونی داشته تا اینکه به یکی از بخش‌های اقتصادی در حال رشد سریع تبدیل شده است (رمضان‌نژاد و افتخاری، ۱۳۹۸). گردشگری بخش مهمی برای رشد و توسعه اقتصادی کشورها در سراسر جهان است. سهم صنعت گردشگری در اقتصاد جهانی قابل توجه است؛ به طوری که این بخش ۱۰/۴ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان و ۳۱۹ میلیون شغل در سطح جهان در سال ۲۰۱۹ را به خود اختصاص داده است. علاوه بر این، گردشگری پتانسیل کمک به توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه را دارد؛ زیرا منبع درآمد ارزی و ایجاد شغل است (Manzo, 2019). امروزه فضای رقابتی به‌وجودآمده در صنعت گردشگری بین‌المللی، ضرورت توجه به توان رقابتی مقاصد را بیش از پیش نمایان ساخته است. علاوه بر این، توان رقابتی که منجر به افزایش سهم بازار می‌شود، هدف اصلی مقصدهای گردشگری بسیاری قرار گرفته است. همچنین ارزیابی رقابت یک مقصد گردشگری، به‌طور

فزاینده‌ای، ابزاری مهم برای تجزیه و تحلیل بازاریابی مقصد شناخته شده است. طبق مطالعه اخیر مرادی و همکاران (۲۰۲۲)، رقابت‌پذیری مقصد تأثیر مثبت و قابل توجهی بر درآمدهای گردشگری و اشتغال و همچنین بر عملکرد کلی اقتصادی مقاصد دارد. علاوه بر این، تالماسیو و مانولسیو^۱ (۲۰۲۲) در مطالعه‌ای دریافتند که رقابت‌پذیری مقصد به‌طور مثبت با انعطاف‌پذیری اقتصادی مقاصد گردشگری به‌ویژه در مواقع بحران مرتبط است. بنابراین، درک عواملی که به رقابت‌پذیری مقصد کمک می‌کنند، برای سیاست‌گذاران و ذی‌نفعان صنعت برای توسعه استراتژی‌هایی که عملکرد اقتصادی و انعطاف‌پذیری مقاصد گردشگری را افزایش می‌دهد، بسیار مهم است.

جهانی شدن روزافزون صنعت گردشگری و سرعت سریع پیشرفت‌های فناوری، رقابت‌پذیری را به یک عامل حیاتی برای مقاصد تبدیل کرده است. مقاصد رقابتی باید بتوانند خود را با روندهای بازار در حال تغییر و نوآوری‌های فناوری تطبیق دهند تا برای گردشگران مرتبط و جذاب بمانند (Goffi et al., 2019). مطالعه این موضوع با توجه به ارتباط مستقیم تجربه گردشگری با مسئله رقابت‌پذیری اهمیت بیشتری نیز پیدا می‌کند (نادعلی‌پور و چیتی، ۱۳۹۷). اندازه‌گیری رقابت‌پذیری گردشگری، سیاست‌گذاران را قادر می‌سازد تا استراتژی‌هایی را توسعه دهند که توسعه گردشگری پایدار را ارتقا داده و عملکرد کلی بخش گردشگری را بهبود بخشد (Kubickova & Martin, 2020). برای دستیابی به این هدف، باید اهداف عملیاتی برای اندازه‌گیری دقیق رقابت‌پذیری گردشگری ایجاد شود. اهداف عملیاتی، اهداف عملی هستند که می‌توانند برای ارزیابی اثربخشی سیاست‌ها و استراتژی‌ها مورد استفاده قرار گیرند (Zadeh Bazargani & Kiliç, 2021).

شهرستان کاشان یکی از بزرگ‌ترین شهرستان‌های استان اصفهان است. این شهرستان دارای ۸۰ خانه تاریخی، ۳۷ بقعه متبرکه، ۲۰ تپه و محوطه باستانی، ۲۸ آب‌انبار، ۱۷ کاروان‌سرا، قلعه و تیمچه، هفت حمام و ۳۱ مسجد است که ۷۹ اثر از بناهای شهرستان در فهرست آثار ملی ثبت شده است. اکثر این اماکن در شهر کاشان واقع شده است. با توجه به تعداد زیاد اماکن تاریخی که دارای قابلیت خوبی در زمینه گردشگری و اکوتوریستی است و همچنین با توجه به حجم ورود گردشگران خارجی به این شهر، می‌توان شاهد الگوی غالب فضایی گردشگری در این شهر بود؛ ولی شهرستان تاکنون نتوانسته است آن‌گونه که باید سهم خود را از بازار گردشگری خارجی به دست آورد. بدین منظور، پژوهش حاضر به سنجش و تحلیل میزان رقابت‌پذیری ادراک‌شده از مقاصد گردشگری می‌پردازد و به دنبال پاسخ‌گویی به دو سؤال ذیل است که:

۱. آیا وضعیت رقابت‌پذیری ادراک‌شده از مقاصد گردشگری مورد مطالعه در سطح رضایت‌بخشی قرار دارد؟

۲. کدامیک از ابعاد چهارگانه مورد سنجش (جذایب‌های مقصد، عوامل زیرساختی، عوامل تأثیرگذار ذهنی روانی، عوامل پشتیبانی) بیشترین تأثیر را در وضع موجود رقابت‌پذیری ادراک‌شده از مقاصد گردشگری دارند؟

۲. مبانی نظری پژوهش

برای رقابت‌پذیری مقاصد گردشگری نیز تعاریف متعددی ارائه شده و از متغیرهای مختلفی برای سنجش آن استفاده شده است که از جمله می‌توان به تعداد بازدیدکنندگان، سهم بازار، هزینه‌های گردشگران، اشتغال و ارزش افزوده بخش گردشگری و همچنین پارامترهای دیگری مانند غنای فرهنگ و تاریخ، کیفیت تجربه گردشگران و مانند آن اشاره کرد (برومند و همکاران، ۱۳۹۷).

رقابت‌پذیری را می‌توان به‌عنوان یک مفهوم چندبعدی تعریف کرد که نشان‌دهنده توانایی یک مقصد برای برآوردن نیازها و ترجیحات گردشگران در مقایسه با مقاصد دیگر است. به گفته مارتینز (۲۰۱۹)، رقابت‌پذیری ساختار پیچیده‌ای است که شامل چندین مؤلفه مانند کیفیت خدمات، تصویر مقصد، زیرساخت، بازاریابی و نوآوری می‌شود. این مؤلفه‌ها به هم مرتبط هستند و به رقابت کلی مقصد کمک می‌کنند. رقابت برای توسعه پایدار مقاصد گردشگری، حیاتی است. در پژوهش‌های اخیر، نشان داده شده است که رقابت‌پذیری مقصد تأثیر قابل توجهی بر درآمد گردشگری، رشد اقتصادی و ایجاد شغل دارد. علاوه بر این، رقابت، مقاصد را قادر می‌سازد تا در برابر بحران‌ها و شوک‌ها مقاومت کرده، سریع‌تر بهبود یابند (Pascariu et al., 2021; Woyo & Slabbert, 2021).

اندازه‌گیری و ارزیابی رقابت‌پذیری برای سازمان‌های مدیریت مقصد^۲ (DMOs) ضروری است تا قوت و ضعف خود را شناسایی کرده و استراتژی‌هایی را برای افزایش رقابت‌پذیری خود توسعه دهند. به گفته گرتزل^۳ (۲۰۲۲)، ابزارها و روش‌های مختلفی را می‌توان برای اندازه‌گیری رقابت‌پذیری استفاده کرد؛ مانند نظرسنجی‌ها، ارزیابی‌های کارشناسان، معیارسنجی و تجزیه و تحلیل داده‌ها. این رویکردها به DMOها کمک می‌کند تا درک بهتری از موقعیت رقابتی خود داشته باشند و تصمیمات آگاهانه‌ای در مورد سیاست‌های توسعه گردشگری خود بگیرند (Bui et al., 2020).

در سال‌های اخیر، علاقه فزاینده‌ای به بررسی رابطه بین رقابت‌پذیری و پایداری بین

پژوهشگران شکل گرفته و پژوهش‌های زیادی بر این موضوع تمرکز کرده‌اند. به گفته استریمیکن^۴ (۲۰۲۱)، رقابت‌پذیری را می‌توان با ایجاد تعادل بین عوامل اقتصادی، محیطی و اجتماعی به دست آورد. توسعه پایدار گردشگری می‌تواند با ایجاد اثرات مثبت اقتصادی و اجتماعی ضمن به حداقل رساندن اثرات منفی زیست‌محیطی، رقابت‌پذیری را افزایش دهد.

عوامل متعددی می‌تواند بر رقابت‌پذیری یک مقصد گردشگری تأثیر بگذارد که در سال‌های اخیر مورد بررسی قرار گرفته است. برای مثال، طبق مطالعه سعید و عزیز^۵ (۲۰۱۹)، تصویر مقصد، کیفیت خدمات و رضایت گردشگران از عوامل کلیدی رقابت‌پذیری در زمینه مقاصد گردشگری هستند. به طور مشابه، عزمی^۶ و همکاران (۲۰۲۳) دریافتند که عواملی مانند منابع طبیعی، میراث فرهنگی و مدیریت مقصد نقش مهمی در شکل‌دهی رقابت‌پذیری دارند.

علاوه بر این، پیشرفت‌های تکنولوژیکی و استفاده از پلتفرم‌های دیجیتال نیز به عوامل مهمی تبدیل شده‌اند که بر رقابت‌پذیری مقاصد گردشگری تأثیر می‌گذارند. همان‌طور که کیلو^۷ و همکاران (۲۰۱۹) اشاره کردند پذیرش فناوری در مدیریت مقصد، بازاریابی و توزیع می‌تواند رقابت‌پذیری مقصد را افزایش داده، گردشگران بیشتری را جذب کند. علاوه بر این، شیوه‌های گردشگری پایدار نیز به عنوان عاملی حیاتی برای رقابت‌پذیری مقاصد مورد توجه قرار گرفته است. همان‌طور که توسط فونت و همکاران (۲۰۲۱) مطالعه شد، شیوه‌های گردشگری پایدار مانند دوستی با محیط زیست و مشارکت جامعه می‌تواند بر رقابت‌پذیری مقصد تأثیر مثبت بگذارد.

در پایان شایان ذکر است که صنعت گردشگری به شدت تحت تأثیر عوامل خارجی مانند ثبات سیاسی، شرایط اقتصادی و بلایای طبیعی است. این عوامل خارجی می‌توانند به طور قابل توجهی بر رقابت‌پذیری مقاصد تأثیر بگذارند؛ همان‌طور که تراسکویچ و فونتاناری^۸ (۲۰۲۱) بحث کردند. آن‌ها استدلال می‌کنند که مدیریت بحران، انعطاف‌پذیری مقصد و برنامه‌ریزی استراتژیک برای بازیابی مقاصد از شوک‌های خارجی و حفظ رقابت‌پذیری‌شان بسیار مهم است (Estevão & Costa, 2020; Melián-Alzola et al., 2020; Traskevich & Fontanari, 2021).

بر اساس پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده درباره رقابت‌پذیری مقاصد گردشگری، عوامل مؤثر بر آن و اهمیت آن، می‌توان این نتیجه کلی را گرفت که برای دستیابی به رقابت، یک مقصد باید منابع خود را به طور مؤثر توسعه دهد و مدیریت کند. این منابع شامل عوامل ملموس و ناملموس مانند جاذبه‌های طبیعی، میراث فرهنگی، زیرساخت‌ها و کیفیت خدمات گردشگری است (Goffi

(et al., 2019; Zadeh Bazargani & Kiliç, 2021). علاوه بر این، سازمان‌های مدیریت مقصد (DMOs) نقش مهمی در توسعه و ارتقای یک مقصد دارند که می‌تواند بر رقابت‌پذیری آن تأثیر بگذارد (Cimbaljević et al., 2018; Luštický & Štumpf, 2021; Nadalipour et al., 2019). موضوع رقابت‌پذیری مقاصد گردشگری با وجود تأثیرات انکارناپذیری که در این صنعت دارند، در پژوهش‌های مرتبط با ایران چندان مورد توجه قرار نگرفته‌اند و بنابراین انجام مطالعات بیشتر در این حوزه ضروری است.

۳. روش پژوهش

تحقیق حاضر از لحاظ هدف، کاربردی است و از لحاظ روش به روش توصیفی تحلیلی انجام شده است. در این پژوهش برای تبیین و توجیه دلایل، نیاز به تکیه‌گاه استدلالی محکمی وجود داشت. این تکیه‌گاه از طریق جست‌وجو در مباحث نظری فراهم گردید. روش گردآوری اطلاعات در تحقیق حاضر به دو صورت کتابخانه‌ای و میدانی (از طریق پرسش‌نامه، مصاحبه و مشاهده) مورد توجه قرار گرفته است، برای تعیین روایی صوری و محتوایی پرسش‌نامه، پس از تهیه آن کنترل اولیه‌ای در مورد سؤالات پرسش‌نامه، توسط استادان و متخصصان مرتبط صورت گرفت و سؤالات نامفهوم و بی‌ربط حذف شد. در ادامه نیز با انجام پیش‌آزمون و توزیع ۳۰ پرسش‌نامه در میان گردشگران و سپس بررسی آن‌ها بار دیگر سؤالاتی که جهت‌دار، نامفهوم و یا بدون پاسخ بود، حذف و تصحیح شدند. همچنین برای تعیین پایایی پرسش‌نامه‌ها نیز مقدار ضریب آلفای کرونباخ مد نظر قرار گرفت که به شرح جدول (۱) مشخص گردید تا بدین ترتیب اظهار کرد که پرسش‌نامه‌ها دارای پایایی لازم بوده و پاسخ‌های گردشگران دارای همگرایی و همبستگی درونی هستند.

جدول ۱: ضریب پایایی و روایی متغیرها

پایایی مقیاس	متغیر	آلفای کرونباخ	Sig
مطلوب	جذابیت‌های مقصد	۰,۷۷۱	۰,۰۰
مطلوب	عوامل زیرساختی	۰,۸۶۲	۰,۰۰
مطلوب	عوامل تأثیرگذار ذهنی روانی	۰,۷۹۳	۰,۰۰
مطلوب	عوامل پشتیبانی	۰,۷۶۲	۰,۰۰
	مجموع	۰,۷۹۷	

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جامعه آماری این پژوهش، گردشگران خارجی هستند که از ۲۱ بهمن ۱۴۰۱ تا ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۲ به کاشان سفر کرده‌اند. از آنجاکه حجم جامعه این پژوهش حدود ۱۲۰۰۰ نفر (کمیته استخراج، پردازش آمار و اطلاعات شهرستان کاشان) است، از فرمول کوکران برای تعیین حجم نمونه استفاده می‌شود. براساس نمونه‌گیری ۲۵ نفره مقدماتی، میزان انحراف معیار ۰/۳۷۲ به دست آمده است؛ بنابراین در سطح تشخیص ۰/۰۵ و خطای ۰/۰۵ درصد حجم نمونه پژوهش ۲۱۳ محاسبه شد که برای اطمینان از پاسخ گردشگران ۲۳۰ پرسش‌نامه توزیع شد. همچنین با مراجعه به اسناد کتابخانه‌ای، شاخص‌ها و متغیرهای مورد استفاده در تحقیق به تفکیک ابعاد جذابیت‌های مقصد، پشتیبانی، زیرساختی و عوامل تأثیرگذار ذهنی روانی در جدول (۲) آورده شده است.

جدول ۲: ابعاد، شاخص‌ها و متغیرهای مورد سنجش رقابت پذیری ادراک شده

ابعاد	شاخص‌ها	متغیرها	مأخذ
جذابیت‌های مقصد	میراث تاریخی	قدمت فرهنگی، مکان‌های تاریخی و باستانی، فعالیت‌های اقتصادی قابل توجه: برداشت گل محمدی و مزارع گل، معماری، موزه، هنرهای سنتی، ثبت جهانی میراث فرهنگی و معنوی	Dwyer & Kim, 2010; Enright & Newton, 2005; باقری و همکاران، ۱۳۹۵
	منابع طبیعی	پدیده‌های طبیعی شگفت‌انگیز، حیات گیاهی و حیوانی، طبیعت بکر و دست‌نخورده، آبشارها، دریاچه‌ها و آبگیرها، غارها و سازه‌های سنگی طبیعی	
	منابع انسان‌ساخت	فعالیت‌های مخاطره‌آمیز (مثل پرش از ارتفاع با چتر و...)، تنوع امکانات تفریحی از قبیل شهربازی، پارک‌ها و...، امکانات ورزشی از قبیل باشگاه‌ها، ورزشگاه‌ها، استادیوم و...، امکانات و مراکز خرید متنوعی (بازارها، فروشگاه‌ها)، کیفیت بازارها و فروشگاه‌ها و سایر مراکز خرید، زمینه‌های خرید متنوع (مثل پوشاک، صنایع دستی و...)، میزان ادغام با سایر جاذبه‌ها (شهربازی، پارک، سینما)، قیمت مناسب اجناس خریداری‌شده، موقعیت و نحوه دسترسی به مراکز خرید، رضایت از اقلام خریداری‌شده (مثل پوشاک و صنایع دستی)، سرگرمی‌های متنوع از قبیل پارک‌های مصنوعی (مثل باغ پرندگان)، کیفیت سرگرمی‌های موجود، زندگی شبانه (سرگرمی‌های شبانه از قبیل سینما و تئاتر و...)، نمایشگاه‌ها، سمینارها، جشن‌ها، رویدادهای ویژه و...	
عوامل زیرساختی	زیرساخت‌های بهداشتی	امکانات پزشکی و درمانی متعدد، کیفیت امکانات پزشکی و درمانی، شرایط بهداشتی، کیفیت آب آشامیدنی، تعداد اماکن خدماتی عمومی (سرویس بهداشتی، مسجد و...)	Gooroochum & Sugiyarto, 2005; Kozak & Rimmington, 1999;

10.22052/KASHAN.2023.253408.1087

Bire & et al., 2021.	تنوع اماکن اقامتی مانند هتل‌ها، مسافرخانه‌ها و...، تنوع بالای رستوران، کافی‌شاپ و فست‌فودها، تنوع و کیفیت اماکن پذیرایی بین راهی، تعدد دفاتر خدماتی و مسافربری، کیفیت خدمات غذایی ارائه‌شده توسط رستوران‌ها، کافی‌شاپ‌ها، فست‌فودها	زیرساخت‌های پذیرایی اقامتی	
	زیرساخت‌های مالی بین‌المللی (بانک‌ها، صرافی‌ها، دستگاه‌های خودپرداز متصل به شبکه بانکی خارج کشور)، سایت‌های اینترنتی در زمینه گردشگری به زبان فارسی، انگلیسی، عربی و...، سیستم اطلاع‌رسانی کارا، نرم‌افزارهای موبایلی در زمینه گردشگری شهر مقصد به زبان فارسی و انگلیسی و...	زیرساخت‌های نرم‌افزاری	
	جاده‌ها و راه‌های ارتباطی متعدد، کیفیت جاده‌ها، دسترسی به امکانات شهری برای افراد معلول، وفور وسایل نقلیه برای حمل‌ونقل محلی (اتوبوس، تاکسی و سایر وسایل حمل‌ونقل)، کیفیت و کارایی وسایل حمل‌ونقل محلی (اتوبوس، تاکسی و سایر وسایل حمل‌ونقل)، حرکت قطارهای متعدد، کیفیت سیستم حمل‌ونقل ریلی، ظرفیت فرودگاه مقصد، کارایی و کیفیت فرودگاه مقصد، پروازهای داخلی به مقصد، پروازهای خارجی به مقصد، شرکت‌های هواپیمایی فعال	زیرساخت‌های حمل‌ونقل	
Enright & Newton, 2005; Hassan, 2000; Salinas et al., 2020	جرم و جنایت علیه گردشگران، فعالیت‌های تروریستی، اعتماد به خدمات پلیس، امنیت ذهنی مردم و گردشگران، جرائم خشونت بار، جرائم علیه اموال، بیماری‌های مسری و واگیردار	ایمنی و امنیت	عوامل تأثیرگذار ذهنی روانی
	برخورد دوستانه با گردشگران، حمایت مردم از صنعت گردشگری، راحتی ارتباط گردشگران با مردم، رفتار اخلاقی و منصفانه شرکت‌ها و مراکز گردشگری	مهمان‌نوازی	
	استاندارد بالا خدمات گردشگری و اماکن گردشگری، ارزیابی رضایت مشتریان (مشتری‌مداری)، احساس رضایت از مقصد پس از سفر	رضایت از خدمات	
Vengesai, 2003; Meng et al., 2007; Lo M. C. et al., 2017; Chan et al., 2022	سهولت اخذ ویزا، هزینه اخذ ویزا، مدت‌زمان فرایندهای گمرکی/مهاجرت، طرز برخورد مأموران گمرک/مهاجرت	دسترسی به مقصد	عوامل پشتیبانی
	قیمت اماکن اقامتی، هزینه بازدید از جاذبه‌ها، قیمت غذا، هزینه‌های رفت‌وآمد در مقصد، قیمت تورهای مسافرتی، هزینه حمل‌ونقل به مقصد و بالعکس (بلیت هواپیما، قطار، اتوبوس و...، قیمت سوخت (بنزین، گازوئیل، گاز)	رقابت قیمتی	

۴. بحث و یافته‌ها

به‌منظور بررسی داده‌های پژوهش و پاسخ به سؤالات، از آمار توصیفی برای بیان ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه آماری و آمار استنباطی استفاده شده است. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی در

جدول ۳ قابل مشاهده است:

جدول ۳: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه

فرآوانی	گروه‌ها	ویژگی‌های جمعیت‌شناختی	فرآوانی	گروه‌ها	ویژگی‌های جمعیت‌شناختی
۳۱	کمتر از یک شب	مدت زمان اقامت	۱۲۴	مرد	جنسیت
۶۴	یک شب		۱۰۶	زن	
۹۱	دو شب		۱۴۳	مجرد	وضعیت تأهل
۲۵	سه شب	۸۷	متاهل		
۱۳	چهار شب	تابعیت گردشگر	۵۶	۲۰ تا ۲۹ سال	سن
۶	پنج شب و بیشتر		۸۷	۳۰ تا ۳۹ سال	
۳۰	آسیای شرقی		۴۹	۴۰ تا ۴۹ سال	
۶	آسیای غربی	تابعیت گردشگر	۳۸	۵۰ سال و بیشتر	تحصیلات
۴۱	اروپای شرقی		۱۲۶	کارشناسی و کمتر	
۹۹	اروپای غربی		۶۷	کارشناسی ارشد	
۲۵	آمریکای جنوبی		۳۷	دکتری	وضعیت اشتغال
۶	آمریکای شمالی		۱۱۲	کارمند	
۱۹	اقیانوسیه		۷۴	کار آزاد	
۴	آفریقا	تجربه سفر به کاشان	۱۹	بازنشسته	ویژگی‌های جمعیت‌شناختی
۱۷۲	یک بار		۲۵	سایر	
۱۹	دو بار				
۳۹	سه بار و بیشتر				

۵. بعد جذابیت‌های مقصد رقابت‌پذیری ادراک‌شده

۱-۵. شاخص میراث تاریخی

بررسی وضعیت پاسخ‌های ارائه‌شده از سوی گردشگران به گویه‌های شاخص میراث فرهنگی، نشان می‌دهد که گردشگران با میانگین محاسبه‌شده برابر ۲/۸۸ در سطح معنی‌داری ۰/۰۱ و با مد پاسخ‌های برابر گزینه ۲، میانگین وضعیت میراث تاریخی را در سطح کم، ارزیابی می‌نمایند؛ بنابراین وضعیت میراث تاریخی مطلوب نیست. با توجه به این وضعیت، قدر مسلم نمی‌توان انتظار وضعیت رضایت‌بخش را در میزان وضعیت میراث تاریخی مورد مطالعه داشت، که در تأیید این مطلب می‌توان به میانگین محاسبه‌شده برابر ۲/۸۵ و پاسخ ۴۰ درصدی (۹۲ نفری) به گزینه‌های کم و خیلی کم و ۳۶ درصد (۸۲ نفری) به گزینه متوسط، توسط گردشگران اشاره کرد

که میزان فعالیت‌های اقتصادی قابل توجه از بازدید ابنیه را بدین ترتیب ارزیابی کرده‌اند. سازمان میراث فرهنگی به‌عنوان نهادی که نمود گردشگری محسوب می‌شوند، بایستی دارای وضعیت رضایت‌بخشی به‌لحاظ مالی باشند که بتوانند برنامه‌های ضروری و اولویت‌دار توسعه‌ای را در مقاصد گردشگری شهر کاشان به ثمر رسانند.

جدول ۴: توزیع پاسخ‌های گردشگران در ارتباط با وضعیت میراث تاریخی

شاخص	متغیرها	میانگین	آماره‌خی دو	معنی‌داری
رضایت‌بخشی	۱ قدمت فرهنگی	۲,۸۹	۵۷,۶۸	۰,۰۰۰
	۲ مکان‌های تاریخی و باستانی	۳,۵۶	۱۰۸,۱	۰,۰۰۰
	۳ فعالیت‌های اقتصادی قابل توجه از بازدید ابنیه	۲,۶۱	۲۳,۳۴	۰,۰۰۰
	۴ معماری	۲,۸۵	۳۱,۷۱	۰,۰۰۰
	۵ موزه	۲,۹۱	۲۱,۵۶	۰,۰۰۰
	۶ هنرهای سنتی	۲,۵۶	۲۵,۴۵	۰,۰۰۰
	۷ ثبت جهانی میراث فرهنگی و معنوی	۲,۷۹	۳۱,۸۶	۰,۰۰۰

۲.۵. شناخت منابع طبیعی

سیاست‌های کلان گردشگری بایستی همراه با منابع و مصالح محیطی طرح و اجرا شوند؛ در غیر این صورت گسترش این صنعت می‌تواند در منابع طبیعی، ملی و حتی میراث فرهنگی اثرات مخربی را برجای بگذارد. برای حفاظت بهتر از محیط زیست مورد استفاده این صنعت و حرکت کردن در جهت توسعه پایدار، باید زمین‌های معقول و منطقی را فراهم کرد. بررسی وضعیت شاخص منابع طبیعی در پاسخ‌های گردشگران نشان می‌دهد که در مجموع، وضعیت چندین رضایت‌بخش و مطلوب نیست؛ به‌گونه‌ای که ۵۲ درصد پاسخ‌گویان (۱۹ نفر) به‌عنوان اکثریت پاسخ‌گویان با پاسخ به گزینه‌های کم و خیلی کم و میانگین برابر ۲,۷۹ در سطح معنی‌داری ۰/۰۱ وضعیت منابع طبیعی را در مقاصد گردشگری خود رضایت‌بخش نمی‌دانند.

جدول ۵: توزیع پاسخ‌های گردشگران در ارتباط با وضعیت منابع طبیعی

شاخص	متغیرها	میانگین	آماره‌خی دو	معنی‌داری
رضایت‌بخشی	۱ پدیده‌های طبیعی شگفت‌انگیز	۲,۶۳	۱۱۱,۱	۰,۰۰۰
	۲ حیات گیاهی و حیوانی	۲,۶۷	۶۵,۸	۰,۰۰۰
	۳ طبیعت بکر و دست‌نخورده	۲,۹۸	۵۴,۷۸	۰,۰۰۰
	۴ آبشارها، دریاچه‌ها و آبگیرها	۲,۵۵	۲۴,۶۷	۰,۰۰۰
	۵ غارها و سازه‌های سنگی طبیعی	۲,۷۸	۵۶,۴۵	۰,۰۰۰

۳-۵. شاخص منابع انسان ساخت

بی شک جذب گردشگر و توسعه گردشگری تنها در گرو داشتن جاذبه های طبیعی گردشگری نیست، بلکه داشتن سیستم گردشگری است که باعث توسعه گردشگری می شود. یکی از ابعاد این سیستم منابع انسان ساخت است. بررسی وضعیت شاخص منابع انسان ساخت در پاسخ های گردشگران نشان می دهد که در مجموع، وضعیت چندان رضایت بخش و مطلوب نیست؛ به گونه ای که ۷۸ درصد پاسخ گویان (۱۷۹ نفر) به عنوان اکثریت پاسخ گویان با پاسخ به گزینه های کم و خیلی کم و میانگین برابر ۲/۶۳ در سطح معنی داری ۰/۰۱ وضعیت منابع انسان ساخت را در مقاصد گردشگری خود رضایت بخش نمی دانند.

جدول ۶: توزیع پاسخ های گردشگران درباره وضعیت منابع انسان ساخت

شاخص	متغیرها	میانگین	آماره خی دو	معنی داری	
وضعیت منابع انسان ساخت	۱	فعالیت های مخاطره آمیز (مثل پرش از ارتفاع با چتر و...)	۲,۴۵	۳۹,۱	۰,۰۰۰
	۲	تنوع امکانات تفریحی از قبیل شهر بازی، پارک ها و ...	۲,۷۶	۳۵,۸	۰,۰۰۰
	۳	امکانات ورزشی از قبیل باشگاه ها، ورزشگاه ها، استادیوم و ...	۲,۸۷	۷۴,۷۸	۰,۰۰۰
	۴	امکانات و مراکز خرید متنوعی (بازارها، فروشگاه ها)	۲,۱۳	۷۳,۶۷	۰,۰۰۰
	۵	کیفیت بازارها و فروشگاه ها و سایر مراکز خرید	۲,۵۴	۲۳,۱	۰,۰۰۰
	۶	زمینه های خرید متنوع (مثل پوشاک، صنایع دستی و...)	۲,۷۳	۳۴,۸	۰,۰۰۰
	۷	میزان ادغام با سایر جاذبه ها (شهر بازی، پارک، سینما و...)	۲,۱۹	۶۵,۷۸	۰,۰۰۰
	۸	قیمت مناسب اجناس خریداری شده	۲,۷۹	۲۸,۶۷	۰,۰۰۰
	۹	موقعیت و نحوه دسترسی به مراکز خرید	۲,۷۱	۳۵,۴۵	۰,۰۰۰
	۱۰	رضایت از اقلام خریداری شده (مثل پوشاک و صنایع دستی)	۲,۶۸	۲۵,۸	۰,۰۰۰
	۱۱	سرگرمی های متنوع از قبیل پارک های مصنوعی (مثل باغ پرندگان)	۲,۷۳	۵۳,۷۸	۰,۰۰۰
	۱۲	کیفیت سرگرمی های موجود	۲,۹۳	۷۶,۶۷	۰,۰۰۰
	۱۳	زندگی شبانه (سرگرمی های شبانه از قبیل سینما و تئاتر و...)	۲,۷۲	۵۶,۴۵	۰,۰۰۰
	۱۴	نمایشگاه ها، سمینارها، جشن ها، رویداد های ویژه و ...	۲,۶۵	۵۴,۴۵	۰,۰۰۰

۶. بعد عوامل زیرساختی

۱-۱. شاخص زیرساخت بهداشتی

یکی از شاخص های بسیار مهم در بحث گردشگری به ویژه در مقاصد گردشگری، دسترسی گردشگران به خدمات و امکانات زیربنایی و زیرساخت هایی است که می توانند به عنوان موتور

محرك‌ها موجب ثمربخشی فعالیت‌های توسعه‌ای و در نتیجه ارتقای سطح توسعه مقاصد گردشگری گردند. بررسی وضعیت شاخص زیرساخت بهداشتی در مقاصد گردشگری مورد مطالعه نشان می‌دهد که گردشگران در متغیر امکانات پزشکی و درمانی متعدد، وضعیت را با محاسبه میانگین برابر $3/38$ و پاسخ حداکثری به گزینه ۳ در سطح متوسطی رضایت‌بخش اعلام نموده‌اند. گردشگران در این باره بیان می‌کردند که دسترسی به امکانات پزشکی در شهر کاشان در حدود ۵ دقیقه است و فاصله مراکز اقامتی و تفریحی با مراکز درمانی بسیار نزدیک است. گردشگران با میانگین محاسبه‌شده برابر $3/01$ کیفیت امکانات پزشکی و درمانی را در حد متوسطی ارزیابی نموده‌اند. همچنین میانگین محاسبه‌شده برابر $2/91$ و $2/89$ در سطح معنی‌داری $0/01$ نیز نشان می‌دهد که گردشگران معتقدند که کیفیت آب آشامیدنی و شرایط بهداشتی در سطح متوسط پایین است.

جدول ۷: توزیع پاسخ‌های گردشگران در خصوص وضعیت زیرساخت‌های بهداشتی

شاخص	متغیرها	میانگین	آماره‌ی دو	معنی‌داری
بهداشتی	۱ امکانات پزشکی و درمانی متعدد	۳/۳۸	۳۲/۵۱	۰/۰۰۰
	۲ کیفیت امکانات پزشکی و درمانی	۳/۰۱	۲۹/۰۹	۰/۰۰۰
	۳ شرایط بهداشتی	۲/۸۹	۵۶/۷۸	۰/۰۰۰
	۴ کیفیت آب آشامیدنی	۲/۹۱	۳۳/۸۷	۰/۰۰۰
	۵ تعدد اماکن خدماتی عمومی	۲/۸۷	۲۱/۳۹	۰/۰۰۰

۲-۶. شاخص زیرساخت حمل‌ونقل

فراهم بودن امکانات حمل‌ونقل مناسب، مطمئن، راحت و سریع، پیش‌شرط توسعه گردشگری است؛ زیرا گردشگران در تصمیمات خود، دو عامل هزینه و زمان را مد نظر قرار می‌دهند. بررسی وضعیت متغیرهای آورده‌شده در این شاخص نشان می‌دهد که گردشگران در سطح معنی‌داری $0/01$ و با میانگین محاسبه‌شده برابر $2/56$ شاخص‌های زیرساختی حمل‌ونقل را مناسب نمی‌دانند. در این باره، گردشگران بیان می‌کردند که یکی از دلایل عمده این امر، فقدان وسایل نقلیه برای حمل‌ونقل محلی است. پاسخ حداکثری برابر ۴۶ درصد (۱۰۵ نفری) به گزینه کم و خیلی کم و میانگین محاسبه‌شده برابر مقدار نامطلوب $2/59$ نشان از عدم کیفیت سیستم حمل‌ونقل ریلی دارد. مشابه این وضعیت را می‌توان در دیگر متغیر مورد بررسی یعنی کارایی و کیفیت فرودگاه مقصد دید که با میانگین نامطلوب برابر $2/48$ و پاسخ حداکثری به گزینه‌های کم

و خیلی کم پاسخ داده شده است.

جدول ۸: توزیع پاسخ‌های گردشگران در خصوص وضعیت زیرساخت‌های حمل و نقل

شاخص	متغیرها	میانگین	آمارهٔ خی دو	معنی داری	
وضعیت زیرساخت‌های حمل و نقل	۱	جاده‌ها و راه‌های ارتباطی متعدد	۲,۵۴	۴۴,۷۸	۰,۰۰۰
	۲	کیفیت جاده‌ها	۲,۶۸	۷۷,۶۷	۰,۰۰۰
	۳	دسترسی به امکانات شهری برای افراد معلول	۲,۳۶	۲۵,۱	۰,۰۰۰
	۴	وفور وسایل نقلیه برای حمل و نقل محلی (اتوبوس، تاکسی و سایر وسایل حمل و نقل)	۲,۲۶	۷۴,۸	۰,۰۰۰
	۵	کیفیت و کارایی وسایل حمل و نقل محلی (اتوبوس، تاکسی و سایر وسایل حمل و نقل)	۲,۶۹	۳۵,۷۸	۰,۰۰۰
	۶	حرکت قطارهای متعدد	۲,۸۱	۱۸,۶۷	۰,۰۰۰
	۷	کیفیت سیستم حمل و نقل ریلی	۲,۵۹	۴۶,۷۸	۰,۰۰۰
	۸	ظرفیت فرودگاه مقصد	۲,۶۷	۳۵,۸۸	۰,۰۰۰
	۹	کارایی و کیفیت فرودگاه مقصد	۲,۴۸	۵۱,۳۹	۰,۰۰۰
	۱۰	پروازهای داخلی به مقصد	۲,۵۲	۵۲,۷۶	۰,۰۰۰
	۱۱	پروازهای خارجی به مقصد	۲,۵۰	۳۴,۷۹	۰,۰۰۰
	۱۲	شرکت‌های هواپیمایی فعال	۲,۷۵	۵۳,۴۵	۰,۰۰۰

۳-۶. شاخص زیرساخت نرم افزاری

بررسی وضعیت شاخص زیرساخت نرم افزاری در مقاصد گردشگری مورد مطالعه نشان می‌دهد که گردشگران در متغیر زیرساخت‌های مالی بین‌المللی (بانک‌ها، صرافی‌ها، دستگاه‌های خودپرداز متصل به شبکه بانکی خارج کشور، وضعیت را با محاسبهٔ میانگین برابر ۲,۱۴ و پاسخ حداکثری به گزینهٔ ۱ و ۲ در سطح ضعیفی اعلام نموده‌اند. گردشگران در این باره بیان می‌کردند که دسترسی به امکانات بانکی در شهر کاشان بسیار ضعیف است. گردشگران با میانگین محاسبه‌شده برابر ۲,۷۸ کیفیت سایت‌های اینترنتی در زمینهٔ گردشگری به زبان فارسی، انگلیسی، عربی و... را در حد ضعیف رو به متوسط ارزیابی نموده‌اند. همچنین میانگین محاسبه‌شده برای شاخص زیرساخت نرم افزاری برابر ۲,۵۶ در سطح معنی داری ۰/۰۱ نیز نشان می‌دهد که گردشگران معتقدند که شاخص زیرساخت نرم افزاری در سطح ضعیفی است.

جدول ۹: توزیع پاسخ‌های گردشگران در خصوص وضعیت زیرساخت‌های نرم‌افزاری

شاخص	متغیرها	میانگین	آماره‌خی دو	معنی‌داری
وضعیت زیرساخت‌های نرم‌افزاری	۱ زیرساخت‌های مالی بین‌المللی (بانک‌ها، صرافی‌ها، دستگاه‌های خودپرداز متصل به شبکه بانکی خارج کشور)	۲,۱۴	۷۱,۶۷	۰,۰۰۰
	۲ سایت‌های اینترنتی در زمینه گردشگری به زبان فارسی، انگلیسی، عربی و...	۲,۷۸	۴۳,۷۸	۰,۰۰۱
	۳ سیستم اطلاع‌رسانی کارا	۲,۷۷	۱۸,۴۷	۰,۰۰۰
	۴ نرم‌افزارهای موبایلی در زمینه گردشگری شهر مقصد به زبان فارسی و انگلیسی و...	۲,۵۶	۱۵,۴۸	۰,۰۰۰

10.22052/KASHAN.2023.253408.1087

۴-۶. شاخص زیرساخت‌های پذیرایی اقامتی

توجه به گسترش تسهیلات و زیرساخت‌های اقامتی از آن رو اهمیت دارد که جاذبه‌ها به‌تنهایی باعث تشکیل و فعالیت صنعت گردشگری نمی‌شود. بررسی وضعیت شاخص زیرساخت‌های پذیرایی اقامتی در مقاصد گردشگری مورد مطالعه نشان می‌دهد که گردشگران در متغیر تنوع بالای رستوران، کافی‌شاپ و فست‌فود، وضعیت را با محاسبه میانگین برابر ۲/۹۳ و پاسخ حداکثری به گزینه ۳ و ۲ در سطح متوسط اعلام نموده‌اند. گردشگران با میانگین محاسبه‌شده برابر ۲/۱۷، تنوع و کیفیت اماکن پذیرایی بین راهی را در حد بسیار ضعیف ارزیابی نموده‌اند. همچنین میانگین محاسبه‌شده برای شاخص زیرساخت‌های پذیرایی اقامتی برابر ۲/۶۵ در سطح معنی‌داری ۰/۰۱ نیز نشان می‌دهد که گردشگران معتقدند که شاخص زیرساخت‌های پذیرایی اقامتی در سطح ضعیفی است.

جدول ۱۰: توزیع پاسخ‌های گردشگران در خصوص وضعیت زیرساخت‌های پذیرایی اقامتی

شاخص	متغیرها	میانگین	آماره‌خی دو	معنی‌داری
وضعیت زیرساخت‌های پذیرایی اقامتی	۱ تنوع اماکن اقامتی مانند هتل‌ها، مسافرخانه‌ها و... تعدد دفاتر خدماتی و مسافربری	۲,۸۵	۷۱,۶۷	۰,۰۰۰
	۲ تنوع بالای رستوران، کافی‌شاپ و فست‌فودها	۲,۹۳	۴۳,۷۸	۰,۰۰۱
	۳ تنوع و کیفیت اماکن پذیرایی بین راهی	۲,۱۷	۱۸,۴۷	۰,۰۰۰
	۴ کیفیت خدمات غذایی ارائه‌شده توسط رستوران‌ها، کافی‌شاپ‌ها، فست‌فود	۲,۶۷	۱۵,۴۸	۰,۰۰۰

۷. بعد عوامل تأثیرگذار ذهنی روانی

۱-۷. شاخص ایمنی و امنیت

یکی از ویژگی‌های متمایزکننده و عامل تفکیک و تفاوت مقاصد گردشگری و یکی از عناصر مهمی که در عوامل تأثیرگذار ذهنی روانی در یک گردشگر نقش وافر دارد، شاخص ایمنی و امنیت است که وابسته به مقصد گردشگری است. در این باره پاسخ‌های ارائه‌شده از سوی گردشگران نشان می‌دهد که آن‌ها با مقدار میانگین مطلوب برابر ۲/۱۲ در سطح معنی‌داری ۰/۰۱ و پاسخ حداقلی برابر ۳۴ درصد (۷۸ نفر) به گزینه‌های ۱ و ۲، جرائم خشونت‌بار را در سطح کم و خیلی کم ارزیابی نموده‌اند. اما آنچه در پاسخ‌های ارائه‌شده در این شاخص قابل توجه است، پاسخ‌های ارائه‌شده از سوی گردشگران به وضعیت بیماری‌های مسری و واگیردار منطقه است که با توجه به میانگین محاسبه‌شده برابر ۲/۸۶ می‌توان عنوان کرد که گردشگران معتقدند که حفاظت از بیماری‌ها به گونه‌ای رضایت‌بخش انجام نگرفته است.

جدول ۱۱: توزیع پاسخ‌های گردشگران در خصوص وضعیت شاخص ایمنی و امنیت

شاخص	متغیرها	میانگین	آماره‌خی دو	معنی‌داری
رضایت‌بخش	۱ جرم و جنایت علیه گردشگران	۲/۳۴	۱۵۸/۷	۰/۰۰۰
	۲ فعالیت‌های تروریستی	۲/۸۳	۲۰/۴۱	۰/۰۰۰
	۳ اعتماد به خدمات پلیس	۲/۲۷	۷۴/۸	۰/۰۰۰
	۴ امنیت ذهنی مردم و گردشگران	۲/۴۹	۳۵/۷۸	۰/۰۰۰
	۵ جرائم خشونت‌بار	۲/۱۲	۱۸/۶۷	۰/۰۰۰
	۶ جرائم علیه اموال	۲/۶۷	۴۶/۷۸	۰/۰۰۰
	۷ بیماری‌های مسری و واگیردار	۲/۸۶	۳۵/۸۸	۰/۰۰۰

۲-۷. شاخص مهمان‌نوازی

گردشگران درباره‌ی متغیرهای این شاخص همان‌طور که در جدول ۱۲ مشاهده می‌شود، در خصوص حمایت مردم از صنعت گردشگری با میانگین برابر مقدار مطلوب ۳/۲۸ و پاسخ حداکثری به گزینه ۳ (متوسط) شرایط را مطلوب و رضایت‌بخش ارزیابی کرده‌اند. در متغیر دیگر یعنی وضعیت راحتی ارتباط گردشگران با مردم، پاسخ‌های ارائه‌شده با میانگین محاسبه‌شده برابر ۳/۰۲ در سطح معنی‌داری ۰/۰۱ نشان از وضعیت رضایت‌بخش نسبی این متغیر در بین گردشگران دارد.

جدول ۱۲: توزیع پاسخ‌های گردشگران درخصوص شاخص مهمان‌نوازی

شاخص	متغیرها	میانگین	آماره‌ی دو	معنی‌داری
مهمان‌نوازی	۱ برخورد دوستانه با گردشگران	۲٫۸۱	۳۴٫۶۵	۰٫۰۰۰
	۲ حمایت مردم از صنعت گردشگری	۳٫۲۸	۲۲٫۷۶	۰٫۰۰۰
	۳ راحتی ارتباط گردشگران با مردم	۳٫۰۲	۳۶٫۸۹	۰٫۰۰۰
	۳ رفتار اخلاقی و منصفانه شرکت‌ها و مراکز گردشگری	۲٫۵۶	۴۲٫۵۶	۰٫۰۰۰

۳-۷. شاخص رضایت از خدمات

در این باره پاسخ‌های ارائه‌شده از سوی گردشگران نشان می‌دهد که آن‌ها با مقدار میانگین مطلوب برابر ۲٫۱۵ در سطح معنی‌داری ۰٫۰۱ و پاسخ حداقلی برابر ۳۲ درصد (۷۳ نفر) به گزینه‌های ۱ و ۲، استاندارد بالا خدمات گردشگری و اماکن گردشگری را در سطح کم و خیلی کم ارزیابی نموده‌اند. اما آنچه در پاسخ‌های ارائه‌شده در این شاخص قابل توجه است، پاسخ‌های ارائه‌شده از سوی گردشگران به وضعیت احساس رضایت از مقصد پس از سفر است که با توجه به میانگین محاسبه‌شده برابر ۲٫۸۹ می‌توان عنوان کرد که گردشگران معتقدند که پس از سفر به شهر کاشان دارای رضایتی نسبی بوده‌اند.

جدول ۱۳: توزیع پاسخ‌های گردشگران درخصوص شاخص رضایت از خدمات

شاخص	متغیرها	میانگین	آماره‌ی دو	معنی‌داری
رضایت از خدمات	۱ استاندارد بالا خدمات گردشگری و اماکن گردشگری	۲٫۱۵	۲۹٫۵۶	۰٫۰۰۰
	۲ ارزیابی رضایت مشتریان (مشتری‌مداری)	۲٫۵۴	۴۱٫۷۵	۰٫۰۰۰
	۳ احساس رضایت از مقصد پس از سفر	۲٫۸۹	۴۵٫۳۳	۰٫۰۰۰

۸. بعد پشتیبانی

۸-۱. شاخص دسترسی به مقصد

گردشگران با مقدار نامطلوب میانگین محاسبه‌شده برابر ۲٫۷۷ و پاسخ حداکثری به گزینه ۲، کیفیت سهولت اخذ ویزا را در سطح کمی ارزیابی نموده‌اند. پاسخ ۱۵۶ نفری به‌عنوان بیشترین فراوانی پاسخ‌ها و میانگین محاسبه‌شده برابر ۳٫۱۱ نشان از کم بودن هزینه اخذ ویزاست. مدت‌زمان فرایندهای گمرکی/مهاجرت با میانگین نامطلوب ۲٫۸۵ و پاسخ حداکثری به گزینه کم و خیلی کم همراه گردیده که نشان از وضعیت نامطلوب در دسترسی گردشگران به طولانی بودن

فرایندهای گمرکی دارد و بدین ترتیب می توان نتیجه گرفت که مراجعه آن ها به شهر کاشان در دفعات بعدی متوسط است. در نهایت با میانگین ۲/۹۱ و معنی داری ۰/۰۱ درصد وضعیت شاخص دسترسی به مقصد در حد متوسط رو به پایین ارزیابی می گردد.

جدول ۱۴: توزیع پاسخ های گردشگران درباره شاخص دسترسی به مقصد

شاخص	متغیرها	میانگین	آماره خی دو	معنی داری
دسترسی به مقصد	۱ سهولت اخذ ویزا	۲/۷۷	۴۷/۳۸	۰/۰۰۰
	۲ هزینه اخذ ویزا	۳/۱۱	۱۱۹/۲	۰/۰۰۰
	۳ مدت زمان فرایندهای گمرکی/مهاجرت	۲/۸۵	۱۹/۱۲	۰/۰۰۰
	۴ طرز برخورد مأموران گمرک/مهاجرت	۲/۹۲	۶/۰۵	۰/۰۰۰

۲-۸. رقابت قیمتی

گردشگران با میانگین های مطلوب محاسبه شده برابر ۳/۵۶ و ۳/۹۴ در سطح معنی داری ۰/۰۱ وضعیت هزینه بازدید از جاذبه ها و قیمت سوخت (بنزین، گازوئیل، گاز) را رضایت بخش ارزیابی کرده اند. در نهایت با میانگین ۳/۱۷ و معنی داری ۰/۰۱ درصد وضعیت شاخص رقابت قیمتی در حد خوب ارزیابی می گردد.

جدول ۱۵: توزیع پاسخ های گردشگران در خصوص وضعیت شاخص های رقابت قیمتی

شاخص	متغیرها	میانگین	آماره خی دو	معنی داری
رقابت قیمتی	۱ قیمت اماکن اقامتی	۲/۸۸	۲۷/۱۱	۰/۰۰۰
	۲ هزینه بازدید از جاذبه ها	۳/۹۴	۱۷/۶۸	۰/۰۰۰
	۳ قیمت غذا	۳/۴۵	۶۵/۷۴	۰/۰۰۰
	۴ هزینه های رفت و آمد در مقصد	۲/۸۷	۴۲/۴۳	۰/۰۰۰
	۵ قیمت تورهای مسافرتی	۲/۶۷	۱۳/۰۶	۰/۰۰۰
	۶ هزینه حمل و نقل به مقصد و بالعکس (بلیت هواپیما، قطار، اتوبوس و...)	۲/۸۷	۱۹/۸۷	۰/۰۰۰
	۷ قیمت سوخت (بنزین، گازوئیل، گاز)	۳/۵۶	۲۹/۴۵	۰/۰۰۰

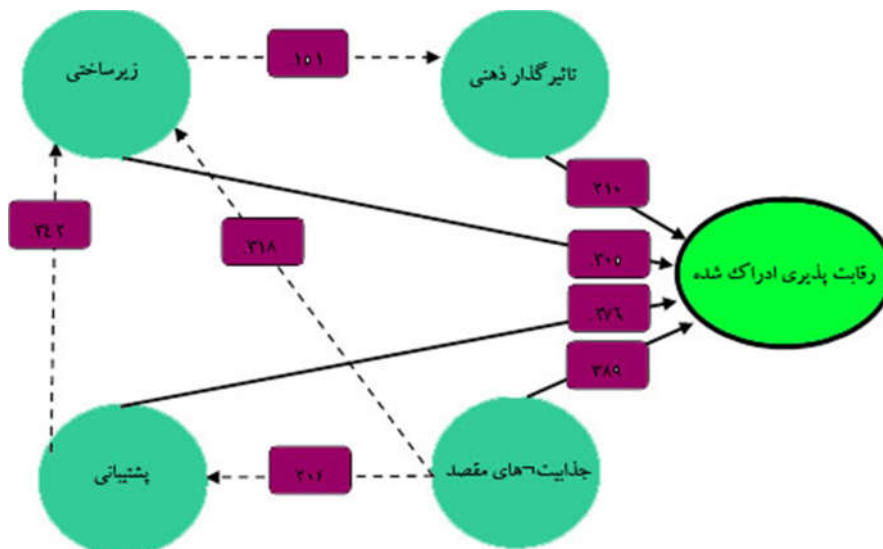
جمع بندی پاسخ های ارائه شده از سوی گردشگران در آزمون T تک نمونه ای که در جدول ۱۱ آورده شده است، نشان می دهد که در هر سه مؤلفه بعد جذابیت های مقصد یعنی میراث تاریخی، میراث طبیعی و منابع انسان ساخت، میزان میانگین های محاسبه شده برابر ۲/۸۸، ۲/۷۲ و ۲/۶۳ در

سطح معنی‌داری ۰/۰۱ کمتر از مطلوبیت عددی مورد آزمون یعنی میانگین ۳ است تا در مجموع نیز، در سطح اطمینان ۹۹ درصد و با توجه به منفی بودن آماره‌های T و حدهای بالا و پایین و میانگین محاسبه‌شده برابر ۲/۷۴، بتوان عنوان کرد که وضعیت جذابیت‌های مقصد در مقاصد گردشگری مورد مطالعه شهر کاشان در سطح رضایت‌بخشی نیست. در بُعد عوامل زیرساختی، همان‌طور که نتایج نشان می‌دهند، تنها در شاخص یا مؤلفه زیرساخت‌های بهداشتی است که میانگین محاسبه‌شده برابر ۳/۰۱ در سطح معنی‌داری ۰/۰۱ از مطلوبیت عددی مورد آزمون بیشتر بوده و بنابراین می‌توان عنوان کرد شهر کاشان دارای سطح رضایت‌بخشی از زیرساخت‌های بهداشتی برای گردشگران است. اما در سایر مؤلفه‌های آورده‌شده این بُعد، همان‌طور که مشاهده می‌گردد، مقدار آماره T منفی و میانگین‌های محاسبه‌شده در سطح معنی‌داری ۰/۰۱ کمتر از مطلوبیت عددی مورد آزمون هستند؛ به‌گونه‌ای که در مؤلفه زیرساخت‌های نرم‌افزاری برابر ۲/۵۶ محاسبه شده است. در مجموع نیز با توجه به میانگین محاسبه‌شده برابر ۲/۶۹ در سطح معنی‌داری ۰/۰۱، می‌توان در سطح اطمینان ۹۹ درصد عنوان کرد که گردشگران از لحاظ عوامل زیرساختی نیز، در وضعیت رضایت‌بخشی قرار ندارد. بررسی وضعیت مؤلفه‌های تأثیرگذار ذهنی روانی، نشان می‌دهد که با توجه به محاسبه میانگین برابر ۲/۶۴ در سطح معنی‌داری ۰/۰۱ و اطمینان ۹۹ درصد، دارای وضعیت رضایت‌بخشی نیستند. با بررسی وضعیت بُعد چهارم مقاصد گردشگری مورد مطالعه یعنی بُعد پشتیبانی درمی‌یابیم که در متغیر رقابت قیمتی با میانگین برابر ۳/۱۷ از مقدار میانگین مورد انتظار (۳) بیشتر محاسبه شده و با توجه به مقدار سطح معنی‌داری محاسبه‌شده برابر ۰/۰۱ می‌توان با ۹۹ درصد اطمینان به قیمت مناسب گردشگری در شهر کاشان پی برد. در دیگر شاخص و مؤلفه مورد بررسی این بُعد، یعنی وضعیت دسترسی به مقصد نیز، میانگین برابر ۲/۹۱ محاسبه شده تا با توجه به مقدار مثبت آماره T و سطح معنی‌داری محاسبه‌شده که کمتر از آلفای ۰/۰۱ است، بتوان پی برد که در سطح متوسط و نسبی وضعیت دسترسی به مقصد رضایت‌بخش است. در نهایت و با جمع‌بندی تمامی پاسخ‌های این نتیجه حاصل گردیده که میانگین رقابت‌پذیری ادراک‌شده از مقاصد گردشگری برابر ۲/۷۷ در سطح معنی‌داری ۰/۰۱ کمتر از میانگین عددی مورد انتظار (۳) بوده تا عنوان کرد که شهر کاشان در وضعیت رضایت‌بخش و مطلوبی قرار ندارد.

جدول ۱۶: سنجش دیدگاه گردشگران در خصوص رقابت پذیری ادراک شده از مقاصد گردشگری

ابعاد	مؤلفه	میانگین	فاصله اطمینان ۹۵ درصد		آماره T	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت از حد مطلوب
			حد مطلوب	کران بالا				
جذایبیت‌های مقصد	میراث تاریخی	۲,۸۸	-۳,۱۱	۰,۱۳۰	-۴,۷۹	۲۲۹	۰,۰۰۰	-۰,۲۲۰
	میراث طبیعی	۲,۷۲	۰,۴۳۸	۰,۲۹۲	-۹,۸۶	۲۲۹	۰,۰۰۰	-۰,۳۶۵
	میراث انسان‌ساخت	۲,۶۳	-۰,۳۱۱	۰,۱۳۰	-۴,۷۹	۲۲۹	۰,۰۰۰	-۰,۲۲۰
مجموع	۳	۲,۷۴	-۰,۴۳۸	۰,۲۹۲	-۹,۸۶	۲۲۹	۰,۰۰۰	۰,۳۶۵
عوامل زیرساختی	زیرساخت‌های بهداشتی	۳,۰۱	۰,۱۳۶	۰,۲۸۱	۵,۶۸	۲۲۹	۰,۰۰۰	۰,۲۰۹
	زیرساخت‌های پذیرایی اقامتی	۲,۵۷	-۰,۲۲۰	۰,۰۳۹	-۲,۸۳	۲۲۹	۰,۰۰۰	-۰,۱۳۰
	زیرساخت‌های نرم‌افزاری	۲,۵۶	-۰,۴۴۸	۰,۲۳۲	-۹,۷۶	۲۲۹	۰,۰۰۰	-۰,۳۵۵
	زیرساخت‌های حمل و نقل	۲,۶۵	-۰,۳۳۱	۰,۱۲۰	-۴,۷۶	۲۲۹	۰,۰۰۰	-۰,۲۱۰
مجموع	۴	۲,۶۹	-۰,۱۲۰	۰,۰۳۱	-۳,۳۴	۲۲۹	۰,۰۰۰	-۰,۰۷۵
عوامل تأثیرگذار روانی	ایمنی و امنیت	۲,۵۱	-۰,۲۰۳	۰,۴۰۲	۶,۰۰	۲۲۹	۰,۰۰۰	۰,۳۰۲
	ذهنی مهمان‌نوازی	۲,۹۱	-۰,۰۶۰	۰,۱۵۷	۰,۸۷۶	۲۲۹	۰,۰۰۰	۰,۰۴۸
	رضایت از خدمات	۲,۵۲	-۰,۴۳۸	۰,۲۹۲	-۹,۸۶	۲۲۹	۰,۰۰۰	۰,۳۶۵
مجموع	۳	۲,۶۴	-۰,۰۵۸	۰,۱۹۸	۴,۰۸	۲۲۹	۰,۰۰۲	۰,۱۶۱
عوامل پشتیبانی	دسترسی به مقصد	۲,۹۱	-۰,۲۰۰	۰,۰۳۶	-۲,۸۵	۲۲۹	۰,۰۰۵	-۰,۱۱۸
	رقابت قیمتی	۳,۱۷	۰,۱۰۶	۰,۳۱۴	۳,۹۸	۲۲۹	۰,۰۰۰	۰,۱۴۴
مجموع	۲	۳,۰۴	۰,۰۳۰	۰,۱۲۲	۱,۸۶	۲۲۹	۰,۰۰۰	۰,۰۱۰
رقابت پذیری ادراک شده از مقاصد گردشگری		۲,۷۷	-۰,۰۹۲	۰,۰۱۵	-۲,۷۵	۲۲۹	۰,۰۰۶	-۰,۰۵۴

در ادامه به منظور مشخص کردن بُعدی که دارای بیشترین تأثیر در وضع موجود رقابت‌پذیری ادراک‌شده مقاصد گردشگری مورد مطالعه است، از آزمون تحلیل مسیر بهره گرفته شد. در ابتدا به منظور سنجش اثرات مستقیم، مجموع تلفیقی ابعاد قابلیت رقابت‌پذیری ادراک‌شده تحت عنوان قابلیت رقابت‌پذیری ادراک‌شده به‌عنوان متغیر وابسته و تمامی ابعاد رقابت‌پذیری ادراک‌شده به‌عنوان متغیر مستقل و در ادامه هر یک از ابعاد نیز به‌ترتیب با توجه به مدل نظری ارائه‌شده، به‌عنوان متغیر مستقل وارد مدل گردیدند و تأثیرات آن‌ها سنجیده شد. در ادامه پس از وارد نمودن و جایگزینی تک‌تک ابعاد به‌عنوان متغیر وابسته و سایر ابعاد به‌عنوان متغیر مستقل با ضرب کردن کلیه مسیرها به بُعد مورد نظر و در نهایت جمع کردن همه مسیرهای ضرب‌شده به بُعد مورد نظر، میزان اثرات غیرمستقیم نیز مشخص شد و در آخر نیز با جمع نمودن اثرات مستقیم و غیرمستقیم، بار کلی و میزان اثرگذاری نهایی هر بُعد (جذایب‌های مقصد، پشتیبانی، زیرساختی و عوامل تأثیرگذار ذهنی) بر وضع موجود رقابت‌پذیری ادراک‌شده مشخص گردید. همان‌طور که در جدول ۱۲ مشاهده می‌شود، بُعد جذایب‌های مقصد با بارکلی برابر ۰/۵۷۸ مؤثرترین بُعد در وضع موجود است. این بُعد علاوه بر اثرگذاری مستقیم به‌صورت غیرمستقیم و با اثرگذاری بر وضعیت ابعاد پشتیبانی و زیرساختی به‌صورت غیرمستقیم نیز نقش مهمی در وضع موجود نامطلوب رقابت‌پذیری ادراک‌شده بر جای گذاشته است. این امر بر اهمیت بُعد جذایب مقصد در رقابت‌پذیری ادراک‌شده تأکید دارد.



تصویر ۱: مدل نهایی ارتباط ابعاد رقابت‌پذیری ادراک‌شده

جدول ۱۷: اثر مستقیم، غیرمستقیم و کلی هر یک از ابعاد تأثیرگذار بر رقابت‌پذیری ادراک‌شده

دارایی‌ها	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	بار کلی
جذابیت‌های مقصد	۰,۳۸۹	۰,۱۸۹	۰,۵۷۸
زیرساختی	۰,۳۰۵	۰,۰۳۱	۰,۳۳۶
عوامل تأثیرگذار ذهنی	۰,۲۱۰	---	---
پشتیبانی	۰,۲۷۶	۰,۰۲۳	۰,۲۹۹

۹. نتیجه‌گیری

این پژوهش که با هدف سنجش و تحلیل سطح رقابت‌پذیری ادراک‌شده گردشگران شهر کاشان انجام گرفت، به دنبال پاسخ‌گویی به دو سؤال اصلی بود که نتایج ذیل حاصل آمد:

سؤال اول: آیا وضعیت سطح رقابت‌پذیری ادراک‌شده گردشگران در سطح رضایت‌بخشی قرار دارد؟

به منظور پاسخ‌گویی به این سؤال پژوهش از آزمون T تک‌نمونه‌ای بهره گرفته شد که نتایج به دست آمده نشان دادند که با توجه به میانگین به دست آمده برابر ۲,۷۷ و مقدار معنی‌داری حاصل برابر ۰/۰۱ می‌توان در سطح اطمینان ۹۵ درصد عنوان کرد که وضعیت رقابت‌پذیری ادراک‌شده مورد مطالعه در سطح رضایت‌بخشی نیست. در این میان، میانگین سطح جذابیت‌های مقصد با میانگین ۲,۷۴، بُعد عوامل زیرساختی با میانگین ۲,۶۹، عوامل تأثیرگذار ذهنی ۲,۶۴ و عوامل پشتیبانی با میانگین برابر ۳,۰۴ محاسبه گردید. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، بُعد تأثیرگذار ذهنی با کمترین میانگین حاصل، نامطلوب‌ترین وضعیت را به لحاظ رقابت‌پذیری ادراک‌شده داراست؛ اما وضعیت رقابت‌پذیری ادراک‌شده در بُعد عوامل پشتیبانی با میانگین رضایت‌بخش بیشتر از سطح متوسط ارزیابی شده تا بتوان عنوان کرد که از لحاظ پشتیبانی نسبتاً رضایت‌بخش است. این نتیجه با تحقیقات جوان‌امانی و اکبری (۱۴۰۰) همسوست.

سؤال دوم: کدام‌یک از ابعاد چهارگانه مورد سنجش (جذابیت‌های مقصد، پشتیبانی، زیرساختی و عوامل تأثیرگذار ذهنی) بیشترین تأثیر را در وضع موجود رقابت‌پذیری ادراک‌شده گردشگران دارند؟

در راستای پاسخ‌گویی به این سؤال، از آزمون تحلیل مسیر بهره گرفته شد و نتایج آن نشان داد که این بُعد جذابیت‌های مقصد دارای بیشترین تأثیر در شکل‌گیری وضع موجود سطح رقابت‌پذیری ادراک‌شده را دارد. بعد جذابیت‌های مقصد علاوه بر اینکه به صورت مستقیم،

بیشترین تأثیر را در رقم خوردن این وضعیت داشته است، به صورت غیرمستقیم و با اثرگذاری بر عملکرد ابعاد پشتیبانی و زیرساختی نیز، بر شدت وضعیت رقابت‌پذیری ادراک‌شده مورد مطالعه افزوده است. در دلایل تبیین این وضعیت می‌توان به اهمیت جذابیت‌های مقصد و مطلوبیت شاخص‌های آن در عوامل زیرساختی و پشتیبانی اشاره کرد. یکی دیگر از اثرات معنی‌دار و غیرمستقیم دیگر بعد پشتیبانی بر رقابت‌پذیری ادراک‌شده است؛ اثر این بعد، بر وضعیت بعد زیرساختی رقابت‌پذیری ادراک‌شده مورد مطالعه است. در این باره می‌توان به وابستگی وضعیت پشتیبانی به وضعیت عوامل زیرساختی در مقاصد گردشگری اشاره کرد.

پی‌نوشت‌ها

1. Talmaciu & Manolescu
2. destination management organizations
3. Gretzel
4. Streimikiene
5. El-Said & Aziz
6. Azmi
7. Cillo
8. Traskevich & Fontanari

منابع

- باقری، مسلم، شجاعی، پیام، و کیانی، مهرداد. (۱۳۹۵). ارائه مدل تفسیری ساختاری شاخص‌های رقابت‌پذیری سفر و گردشگری (مطالعه موردی: استان فارس). *برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری*، ۵ (۱۸)، ۱۳۷-۱۵۷.
- برومند، بابک، کاظمی، علی، و رنجبریان، بهرام. (۱۳۹۷). توسعه مدل بومی سنجش رقابت‌پذیری گردشگری مقاصد گردشگری ایران. *تحقیقات بازاریابی نوین*، ۸ (۲)، ۱۰۵-۱۲۲.
<https://doi.org/10.22108/nmrj.2018.105465.1339>
- ترابی، ذبیح‌الله، فیروزی، محمدعلی، و نعمتی، مرتضی. (۱۳۹۲). ارزیابی میزان تأثیرگذاری گویه‌های تبلیغاتی بر افزایش جذب گردشگر در شهر گرگان. *برنامه‌ریزی فضایی*، ۳ (۴)، ۵۹-۷۶.
- جوانامانی، ودود، و اکبری، حمید. (۱۴۰۰). بررسی وضعیت رقابت‌پذیری گردشگری ایران در دوران کرونا با استفاده از روش تحلیل ساختاری (جامعه میزبان: ساکنین شهر رامسر). *فصلنامه جغرافیایی فضای گردشگری*، ۱۰ (۳۹)، ۳۵-۵۲.
- رمضان‌نژاد، یاسر، و رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا. (۱۳۹۸). ارزیابی ظرفیت مدیریتی سازمان‌های



متولی مقاصد گردشگری ساحلی روستایی استان گیلان. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۵۱ (۱)، ۹۷-۱۱۰.

لطفی‌نیا، محمدتقی، و آمار، تیمور. (۱۳۹۷). تحلیل نقش گردشگری در تحولات اقتصادی روستاهای هدف گردشگری شرق استان گیلان در دهه اخیر. فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، ۸ (۳۱)، ۷۲-۹۰.

محبوب‌فر، محمدرضا، شفقی، سیروس، و زنگی‌آبادی، علی. (۱۳۹۰). توان‌سنجی و برنامه‌ریزی گردشگری شهر کاشان. مجله علمی تخصصی برنامه‌ریزی فضایی، شماره ۲، ۱۰۹-۱۳۲.

نادعلی‌پور، زهرا، و چیتی، ندا. (۱۳۹۷). تحلیل رقابت‌پذیری گردشگری ایران با تأکید بر ادراک گردشگران (مطالعه موردی: گردشگران اروپایی ورودی به ایران). گردشگری و توسعه، ۶ (۴)، ۵۸۲-۱۰۵.

Azmi, E., Che Rose, R. A., Awang, A., & Abas, A. (2023). Innovative and Competitive: A Systematic Literature Review on New Tourism Destinations and Products for Tourism Supply. *Sustainability* 2023, Vol. 15, Page 1187, 15 (2), 1187. <https://doi.org/10.3390/SU15021187>

Bire, R. B., Conterius, A. L. F., & Nasar, A. (2021). Drivers of Regional Destination Competitiveness: A Dematel-Fuzzy Topsis Approach. *Indonesian Journal of Geography*, 53 (1), 144-152. <https://doi.org/10.22146/IJG.58483>

Bui, H. T., Jones, T. E., Weaver, D. B., & Le, A. (2020). The adaptive resilience of living cultural heritage in a tourism destination. *Journal of Sustainable Tourism*, 28 (7), 1022-1040. <https://doi.org/10.1080/09669582.2020.1717503>

Chan, W. C., Lo, M. C., Wan Ibrahim, W. H., Mohamad, A. A., & Suaidi, M. K. bin. (2022). The effect of hard infrastructure on perceived destination competitiveness: The moderating impact of mobile technology. *Tourism Management Perspectives*, 43, 100998. <https://doi.org/10.1016/J.TMP.2022.100998>

Cillo, V., Rialti, R., Del Giudice, M., & Usai, A. (2019). Niche tourism destinations' online reputation management and competitiveness in big data era: evidence from three Italian cases. *Current Issues in Tourism*, 24 (2), 177-191. <https://doi.org/10.1080/13683500.2019.1608918>

Cimbaljević, M., Stankov, U., & Pavluković, V. (2018). Going beyond the traditional destination competitiveness – reflections on a smart destination in the current research. *Current Issues In Tourism*, 22 (20), 2472-2477. <https://doi.org/10.1080/13683500.2018.1529149>

Dwyer, L., & Kim, C. (2010). Destination Competitiveness: Determinants and Indicators. *Current Issues in Tourism*, 6 (5), 369-414. <https://doi.org/10.1080/13683500308667962>

El-Said, O., & Aziz, H. (2019). Egypt's competitiveness: Empirical examination of the relationship between destination attributes, tourist satisfaction, and behavioral intentions among the hotel guests. *Tourism and Hospitality Management*, 25 (1), 53-73. <https://doi.org/10.20867/THM.25.1.2>



- 10.22052/KASHAN.2023.253408.1087
- Enright, M. J., & Newton, J. (2005). Determinants of Tourism Destination Competitiveness in Asia Pacific: Comprehensiveness and Universality. *Journal of Travel Research*, 43 (4), 339-350. <https://doi.org/10.1177/0047287505274647>
- Estevão, C., & Costa, C. (2020). Natural disaster management in tourist destinations: a systematic literature review. *European Journal of Tourism Research*, 25, 2502-2502. <https://doi.org/10.54055/EJTR.V25I.417>
- Font, X., Torres-Delgado, A., Crabolu, G., Palomo Martinez, J., Kantenbacher, J., & Miller, G. (2021). The impact of sustainable tourism indicators on destination competitiveness: the European Tourism Indicator System. *Journal of Sustainable Tourism*, 31 (18), 1-24. <https://doi.org/10.1080/09669582.2021.1910281>
- Goffi, G., Cucculelli, M., & Masiero, L. (2019). Fostering tourism destination competitiveness in developing countries: The role of sustainability. *Journal of Cleaner Production*, 209, 101-115. <https://doi.org/10.1016/J.JCLEPRO.2018.10.208>
- Gooroochurn, N., & Sugiyarto, G. (2005). Competitiveness indicators in the travel and tourism industry. *Tourism Economics*, 11 (1), 25-43. <https://doi.org/10.5367/0000000053297130>
- Gretzel, U. (2022). The smart dmo: A new step in the digital transformation of destination management organizations. *European Journal of Tourism Research*, 30, 1-12. <https://doi.org/10.54055/EJTR.V30I.2589>
- Hassan, S. S. (2000). Determinants of Market Competitiveness in an Environmentally Sustainable Tourism Industry. *Journal of Travel Research*, 38 (3), 239-245. <https://doi.org/10.1177/004728750003800305>
- Kozak, M., & Rimmington, M. (1999). Measuring tourist destination competitiveness: conceptual considerations and empirical findings. *International Journal of Hospitality Management*, 18 (3), 273-283. [https://doi.org/10.1016/S0278-4319\(99\)00034-1](https://doi.org/10.1016/S0278-4319(99)00034-1)
- Kubickova, M., & Martin, D. (2020). Exploring the relationship between government and destination competitiveness: The TALC model perspective. *Tourism Management*, 78, 104040. <https://doi.org/10.1016/J.TOURMAN.2019.104040>
- Lo, M. C., Chin, C. H., & Law, F. Y. (2017). Tourists' perspectives on hard and soft services toward rural tourism destination competitiveness: Community support as a moderator. *Tourism and Hospitality Research*, 19 (2), 139-157. <https://doi.org/10.1177/1467358417715677>
- Luštický, M., & Štumpf, P. (2021). Leverage points of tourism destination competitiveness dynamics. *Tourism Management Perspectives*, 38, 100792. <https://doi.org/10.1016/J.TMP.2021.100792>
- Manzo, G. G. (2019). *TRAVEL & TOURISM ECONOMIC IMPACT 2019 WORLD*.
- Martinez, J. M. G., Martín, J. M. M., & Fernández, J. A. S. (2019). Innovation in the measurement of tourism competitiveness. *Analyzing the Relationship Between Innovation, Value Creation, and Entrepreneurship*, 268-288. <https://doi.org/10.4018/978-1-7998-1169-5.CH013>
- Melián-Alzola, L., Fernández-Monroy, M., & Hidalgo-Peñate, M. (2020). Hotels in contexts of uncertainty: Measuring organisational resilience. *Tourism Management Perspectives*, 36, 100747. <https://doi.org/10.1016/J.TMP.2020.100747>



- Meng, F., McCleary, K., Weaver, P., Littlefield, J., & McGehee, N. (2007). *An Examination of Destination Competitiveness from the Tourists' Perspective: The Relationship between Quality of Tourism Experience and Perceived Destination Competitiveness* [Virginia Polytechnic Institute and State University]. <https://vtechworks.lib.vt.edu/handle/10919/25936>
- Moradi, E., Ehsani, M., Saffari, M., & Norouzi Seyed Hosseini, R. (2022). How can destination competitiveness play an essential role in small island sports tourism development? Integrated ISM-MICMAC modelling of key factors. *Journal of Hospitality and Tourism Insights, ahead-of-print* (ahead-of-print). <https://doi.org/10.1108/JHTI-03-2022-0118/FULL/XML>
- Nadalipour, Z., Imani Khoshkhoo, M. H., & Eftekhari, A. R. (2019). An integrated model of destination sustainable competitiveness. *Competitiveness Review, 29* (4), 314-335. <https://doi.org/10.1108/CR-12-2017-0086/FULL/XML>
- Pascariu, G. C., Ibănescu, B.-C., Nijkamp, P., & Kourtit, K. (2021). Tourism and Economic Resilience: Implications for Regional Policies. In *Tourism and Regional Science* (Vol. 53, pp. 129-147). Springer. https://doi.org/10.1007/978-981-16-3623-3_8
- Reisinger, Y., Michael, N., & Hayes, J. P. (2019). Destination competitiveness from a tourist perspective: A case of the United Arab Emirates. *International Journal of Tourism Research, 21* (2), 259-279. <https://doi.org/10.1002/JTR.2259>
- Salinas Fernández, J. A., Serdeira Azevedo, P., Martín Martín, J. M., & Rodríguez Martín, J. A. (2020). Determinants of tourism destination competitiveness in the countries most visited by international tourists: Proposal of a synthetic index. *Tourism Management Perspectives, 33*, 100582. <https://doi.org/10.1016/J.TMP.2019.100582>
- Shaw, G. & Williams, M. A. (2004). *Tourism and tourism space*. London: SAGE publications.
- Streimikiene, D., Svagzdiene, B., Jasinskas, E., & Simanavicius, A. (2021). Sustainable tourism development and competitiveness: The systematic literature review. *Sustainable Development, 29* (1), 259-271. <https://doi.org/10.1002/SD.2133>
- Talmaciu, M., & Manolescu, I. T. (2022). Enhancing competitiveness and resilience of tourism in crises condition. Experiences from Eastern Partnership countries. *CES Working Papers, 13*, 381-399. www.ceswp.uaic.ro
- Traskevich, A., & Fontanari, M. (2021). Tourism Potentials in Post-COVID19: The Concept of Destination Resilience for Advanced Sustainable Management in Tourism. *Tourism Planning and Development, 20* (1), 12-36. <https://doi.org/10.1080/21568316.2021.1894599>
- Vengesai, S. (2003). *A conceptual model of tourism destination competitiveness and attractiveness* (pp. 637-647). Australia & New Zealand Marketing Academy (ANZMAC). <https://research.monash.edu/en/publications/a-conceptual-model-of-tourism-destination-competitiveness-and-att>
- Woyo, E., & Slabbert, E. (2021). Tourism destination competitiveness: A view from suppliers operating in a country with political challenges. *South African Journal of Economic and Management Sciences, 24* (1), 1-10.

<https://doi.org/10.4102/SAJEMS.V24I1.3717>

Zadeh Bazargani, R. H., & Kiliç, H. (2021). Tourism competitiveness and tourism sector performance: Empirical insights from new data. *Journal of Hospitality and Tourism Management*, 46, 73-82. <https://doi.org/10.1016/J.JHTM.2020.11.011>

References

- Azmi, E., Che Rose, R. A., Awang, A., & Abas, A. (2023). Innovative and Competitive: A Systematic Literature Review on New Tourism Destinations and Products for Tourism Supply. *Sustainability* 2023, Vol. 15, Page 1187, 15(2), 1187. <https://doi.org/10.3390/SU15021187>
- Bagheri, M., Shojaei, P., & Kiani, M. (2016). Explanation an Interpretive Structural Model of Travel and Tourism Competitiveness Indicators (Case Study: Fars Province). *Journal of Tourism Planning and Development*, 5(18), 137-157. [In Persian]
- Bire, R. B., Conterius, A. L. F., & Nasar, A. (2021). Drivers of Regional Destination Competitiveness: A Dematel-Fuzzy Topsis Approach. *Indonesian Journal of Geography*, 53(1), 144-152. <https://doi.org/10.22146/IJG.58483>
- Boroomand, B., Kazemi, A., & ranjbarian, B. (2018). Developing a Domestic Model for Tourism Destinations Competitiveness Measurement in Iran. *New Marketing Research Journal*, 8(2), 105-122. <https://doi.org/10.22108/nmrj.2018.105465.1339>. [In Persian]
- Bui, H. T., Jones, T. E., Weaver, D. B., & Le, A. (2020). The adaptive resilience of living cultural heritage in a tourism destination. *Journal of Sustainable Tourism*, 28(7), 1022-1040. <https://doi.org/10.1080/09669582.2020.1717503>
- Chan, W. C., Lo, M. C., Wan Ibrahim, W. H., Mohamad, A. A., & Suaidi, M. K. bin. (2022). The effect of hard infrastructure on perceived destination competitiveness: The moderating impact of mobile technology. *Tourism Management Perspectives*, 43, 100998. <https://doi.org/10.1016/J.TMP.2022.100998>
- Cillo, V., Rialti, R., Del Giudice, M., & Usai, A. (2019). Niche tourism destinations' online reputation management and competitiveness in big data era: evidence from three Italian cases. *Current Issues in Tourism*, 24 (2), 177-191. <https://doi.org/10.1080/13683500.2019.1608918>
- Cimbaljević, M., Stankov, U., & Pavluković, V. (2018). Going beyond the traditional destination competitiveness – reflections on a smart destination in the current research. *Current Issues In Tourism*, 22(20), 2472-2477. <https://doi.org/10.1080/13683500.2018.1529149>
- Dwyer, L., & Kim, C. (2010). Destination Competitiveness: Determinants and Indicators. *Current Issues in Tourism*, 6(5), 369-414. <https://doi.org/10.1080/13683500308667962>
- El-Said, O., & Aziz, H. (2019). Egypt's competitiveness: Empirical examination of the relationship between destination attributes, tourist satisfaction, and behavioral intentions among the hotel guests. *Tourism and Hospitality Management*, 25(1), 53-73. <https://doi.org/10.20867/THM.25.1.2>
- Enright, M. J., & Newton, J. (2005). Determinants of Tourism Destination Competitiveness in Asia Pacific: Comprehensiveness and Universality. *Journal of Travel Research*, 43(4), 339-350. <https://doi.org/10.1177/0047287505274647>



- Estevão, C., & Costa, C. (2020). Natural disaster management in tourist destinations: a systematic literature review. *European Journal of Tourism Research*, 25, 2502–2502. <https://doi.org/10.54055/EJTR.V25I.417>
- Font, X., Torres-Delgado, A., Crabolu, G., Palomo Martinez, J., Kantanbacher, J., & Miller, G. (2021). The impact of sustainable tourism indicators on destination competitiveness: the European Tourism Indicator System. *Journal of Sustainable Tourism*. <https://doi.org/10.1080/09669582.2021.1910281>
- Goffi, G., Cucculelli, M., & Masiero, L. (2019). Fostering tourism destination competitiveness in developing countries: The role of sustainability. *Journal of Cleaner Production*, 209, 101–115. <https://doi.org/10.1016/J.JCLEPRO.2018.10.208>
- Gooroochurn, N., & Sugiyarto, G. (2005). Competitiveness indicators in the travel and tourism industry. *Tourism Economics*, 11(1), 25–43. <https://doi.org/10.5367/0000000053297130>
- Gretzel, U. (2022). The smart dmo: A new step in the digital transformation of destination management organizations. *European Journal of Tourism Research*, 30, 1–12. <https://doi.org/10.54055/EJTR.V30I.2589>
- Hassan, S. S. (2000). Determinants of Market Competitiveness in an Environmentally Sustainable Tourism Industry. *Journal of Travel Research*, 38(3), 239–245. <https://doi.org/10.1177/004728750003800305>
- Kozak, M., & Rimmington, M. (1999). Measuring tourist destination competitiveness: conceptual considerations and empirical findings. *International Journal of Hospitality Management*, 18(3), 273–283. [https://doi.org/10.1016/S0278-4319\(99\)00034-1](https://doi.org/10.1016/S0278-4319(99)00034-1)
- Kubickova, M., & Martin, D. (2020). Exploring the relationship between government and destination competitiveness: The TALC model perspective. *Tourism Management*, 78, 104040. <https://doi.org/10.1016/J.TOURMAN.2019.104040>
- Lo, M., Azlan, M., Chin, C.-H., & Ramayah, T. (2017). The Impact of Natural Resources, Cultural Heritage, and Special Events on Tourism Destination Competitiveness: The Moderating Role of Community Support. *International Journal of Business and Society*.
- Lo, M. C., Chin, C. H., & Law, F. Y. (2017). Tourists' perspectives on hard and soft services toward rural tourism destination competitiveness: Community support as a moderator. *Tourism and Hospitality Research*, 19(2), 139–157. <https://doi.org/10.1177/1467358417715677>
- Lotfi Niya, M. T., & amar, T. (2018). The role of tourism analysis in the economic developments of tourism destination villages of the eastern of Gilan province in the last decade. *Geography (Regional Planning)*, 8(31), 72-90. [In Persian]
- Luštický, M., & Štumpf, P. (2021). Leverage points of tourism destination competitiveness dynamics. *Tourism Management Perspectives*, 38, 100792. <https://doi.org/10.1016/J.TMP.2021.100792>
- Javan Amani, V., & Akbari, H. (2021). The Competitiveness Status of Iranian Tourism during COVID-19 using Structural Analysis Method (Host community: Ramsar Residents). *Geographical Journal of Tourism Space*, 10(39), 35-52. [In Persian]
- Mahbubfar, M. R., Shafaghi, S., & Zangiabadi, A. (2012). Feasibility Studying and Tourism Planning in Kashan. *Spatial Planning*, 1(2), 109-132. [In Persian]

- 10.22052/KASHAN.2023.253408.1087
- Manzo, G. G. (2019). *TRAVEL & TOURISM ECONOMIC IMPACT 2019 WORLD*.
- Martinez, J. M. G., Martin, J. M. M., & Fernández, J. A. S. (2019). Innovation in the measurement of tourism competitiveness. *Analyzing the Relationship Between Innovation, Value Creation, and Entrepreneurship*, 268–288. <https://doi.org/10.4018/978-1-7998-1169-5.CH013>
- Melián-Alzola, L., Fernández-Monroy, M., & Hidalgo-Peñate, M. (2020). Hotels in contexts of uncertainty: Measuring organisational resilience. *Tourism Management Perspectives*, 36, 100747. <https://doi.org/10.1016/J.TMP.2020.100747>
- Meng, F., McCleary, K., Weaver, P., Littlefield, J., & McGehee, N. (2007). *An Examination of Destination Competitiveness from the Tourists' Perspective: The Relationship between Quality of Tourism Experience and Perceived Destination Competitiveness* [Virginia Polytechnic Institute and State University]. <https://vtechworks.lib.vt.edu/handle/10919/25936>
- Moradi, E., Ehsani, M., Saffari, M., & Norouzi Seyed Hosseini, R. (2022). How can destination competitiveness play an essential role in small island sports tourism development? Integrated ISM-MICMAC modelling of key factors. *Journal of Hospitality and Tourism Insights, ahead-of-print* (ahead-of-print). <https://doi.org/10.1108/JHTI-03-2022-0118/FULL/XML>
- Nadalipour, Z., Imani Khoshkhoo, M. H., & Eftekhari, A. R. (2019). An integrated model of destination sustainable competitiveness. *Competitiveness Review*, 29(4), 314–335. <https://doi.org/10.1108/CR-12-2017-0086/FULL/XML>
- Nadalipour, Z., & Chiti, N. (2018). Analysis Of Destination Competitiveness, With Emphasis On Tourists Perception Case Study: Incoming European Tourists to Iran. *Journal of Tourism and Development*, 6(4), 82-105. [In Persian]
- Pascariu, G. C., Ibănescu, B.-C., Nijkamp, P., & Kourtit, K. (2021). Tourism and Economic Resilience: Implications for Regional Policies. In *Tourism and Regional Science* (Vol. 53, pp. 129–147). Springer. https://doi.org/10.1007/978-981-16-3623-3_8
- Ramezannezhad, Y., & Roknoddin Eftekhari, A. (2019). Evaluation of the management Competence of the Organizations Responsible for Rural Coastal Tourism Destinations in Guilan Province. *Human Geography Research*, 51(1), 97-110. [In Persian]
- Reisinger, Y., Michael, N., & Hayes, J. P. (2019). Destination competitiveness from a tourist perspective: A case of the United Arab Emirates. *International Journal of Tourism Research*, 21(2), 259–279. <https://doi.org/10.1002/JTR.2259>
- Salinas Fernández, J. A., Serdeira Azevedo, P., Martín Martín, J. M., & Rodríguez Martín, J. A. (2020). Determinants of tourism destination competitiveness in the countries most visited by international tourists: Proposal of a synthetic index. *Tourism Management Perspectives*, 33, 100582. <https://doi.org/10.1016/J.TMP.2019.100582>
- Shaw, G. & Williams. M. A. (2004). *Tourism and tourism space*, London: SAGE publications.
- Streimikiene, D., Svagzdiene, B., Jasinskas, E., & Simanavicius, A. (2021). Sustainable tourism development and competitiveness: The systematic literature review. *Sustainable Development*, 29(1), 259–271. <https://doi.org/10.1002/SD.2133>



- Talmaciu, M., & Manolescu, I. T. (2022). Enhancing competitiveness and resilience of tourism in crises condition. Experiences from Eastern Partnership countries. *CES Working Papers*, 13, 381–399. www.ceswp.uaic.ro
- Torabi, Z. A., Firouzi, M. A., & Nemati, M. (2014). Evaluation of advertising statements influence on increasing attract tourist in city of Gorgan. *Spatial Planning*, 3(4), 59-76. [In Persian]
- Traskevich, A., & Fontanari, M. (2021). Tourism Potentials in Post-COVID19: The Concept of Destination Resilience for Advanced Sustainable Management in Tourism. *Tourism Planning and Development*, 20(1), 12–36. <https://doi.org/10.1080/21568316.2021.1894599>
- Vengesayi, S. (2003). *A conceptual model of tourism destination competitiveness and attractiveness* (pp. 637–647). Australia & New Zealand Marketing Academy (ANZMAC). <https://research.monash.edu/en/publications/a-conceptual-model-of-tourism-destination-competitiveness-and-att>
- Woyo, E., & Slabbert, E. (2021). Tourism destination competitiveness: A view from suppliers operating in a country with political challenges. *South African Journal of Economic and Management Sciences*, 24(1), 1–10. <https://doi.org/10.4102/SAJEMS.V24I1.3717>
- Zadeh Bazargani, R. H., & Kiliç, H. (2021). Tourism competitiveness and tourism sector performance: Empirical insights from new data. *Journal of Hospitality and Tourism Management*, 46, 73–82. <https://doi.org/10.1016/J.JHTM.2020.11.011>



Measuring and analyzing the perceived level of competitiveness of tourism destinations (Case study: Kashan city)

Ahmad Hajarian

Post PhD in Geography and Planning, University of Isfahan, Isfahan, Iran,
a.hajarian@ltr.ui.ac.ir

Received: 13/06/2023

Accepted: 27/07/2023

Introduction

The increasing globalization of the tourism industry and the rapid pace of technological advancements have made competitiveness a critical factor for destinations. Competitive destinations must be able to adapt to changing market trends and technological innovations to remain relevant and attractive to tourists. The study of this issue becomes more important due to the direct relationship between the tourism experience and the issue of competitiveness

Measuring tourism competitiveness enables policy makers to develop strategies that promote sustainable tourism development and improve the overall performance of the tourism sector. To achieve this goal, operational goals should be established to accurately measure the competitiveness of tourism. Operational objectives are practical objectives that can be used to evaluate the effectiveness of policies and strategies.

For this purpose, the current research measures and analyzes the level of perceived competitiveness of tourist destinations and seeks to answer the following two questions:

1. Is the perceived competitiveness of the studied tourist destinations at a satisfactory level?
2. Which of the four measured dimensions (attractiveness of the destination, infrastructural factors, influential mental and psychological factors, support factors) have the greatest impact on the perceived competitiveness of tourism destinations?

Materials and Methods

The present research is practical in terms of its purpose, and in terms of method, it has been carried out using a descriptive-analytical method. In this research, to explain and justify the reasons, there was a need for a strong argumentative support, this support was provided by searching in theoretical topics. Due to the fact that questions were raised at first and then the researcher tried to answer them by sampling, the qualitative method was used. The method of collecting information in the present research has been considered in both library and field forms (through questionnaire, interview and observation), in order to determine the formal and content validity of the questionnaire, after preparing it, an initial control on the



questions of the questionnaire. , it was done by professors and related experts and meaningless and irrelevant questions were removed. In the following, by conducting a pre-test and distributing 30 questionnaires among tourists and then checking them again, the questions that were directional, unclear, unanswered or associated with few tourists were removed and corrected. Also, in order to determine the reliability of the questionnaires, the value of Cronbach's alpha coefficient was taken into consideration, and its calculation showed an acceptable value of 0.79, thus stating that the questionnaires have the necessary reliability and the answers of the tourists have convergence and they are internal correlation.

The statistical population of this research is foreign tourists who traveled to Kashan from 21 February 1401 to 30 May 1402. Since the population size of this research is unlimited, Cochran's formula is used to determine the sample size. Based on the preliminary sampling of 25 people, the standard deviation of 0.372 has been obtained; Therefore, at the detection level of 0.05 and the error of 0.05, the sample size of the research was calculated as 213, and 230 questionnaires were distributed to ensure the response of tourists.

Discussion and Results

Summarizing the responses provided by the tourists in the one-sample T-test, shows that in all three components of the attraction of the destination, i.e. historical heritage, natural heritage and man-made resources, The calculated averages are equal to 2.88, 2.72 and 2.63, at a significance level of 0.01, it is less than the numerical desirability of the test subject, i.e., an average of 3, and in total, at the confidence level of 99% Considering the negativity of the T-statistics and the upper and lower limits and the calculated average of 2.74, it can be said that the attractiveness of the destination in the studied tourist destinations of Kashan city is not at a satisfactory level. In terms of infrastructural factors, as the results show, it is only in the index or component of health infrastructure that the calculated average equal to 3.01 at the significance level of 0.01 is greater than the numerical desirability of the test and therefore It can be said that the city of Kashan has a satisfactory level of health infrastructure for tourists. But in the other components of this dimension, as can be seen, the value of T statistic is negative and the averages calculated at a significance level of 0.01 are less than the numerical desirability of the test, as in the component the software infrastructure is calculated as 2.56. In total, according to the calculated average equal to 2.69 at a significance level of 0.01, it can be said with a confidence level of 99% that tourists are not in a satisfactory situation in terms of infrastructure factors. Examining the state of the mental and psychological influencing components shows that according to the average calculation of 2.64 at a significance level of 0.01 and 99% confidence, they are not satisfactory. By examining the situation of the fourth dimension of the studied tourist destinations, i.e. the dimension of support, we find that in the price competition variable, the average value equal to 3.17 is more than the expected average value (3) and it is calculated according to the value of the significance level. equal to 0.01, it is possible to know with 99% confidence the appropriate price of

tourism in Kashan city. In the other index and component investigated in this dimension, i.e. the status of access to the destination, the average is calculated as 2.91, so that according to the positive value of the T statistic and the calculated significance level, which is less than alpha 0.01, it can be Realization that the average and relative level of access to the destination is satisfactory. Finally, by summarizing all the answers, the result was obtained that the average perceived competitiveness of tourist destinations equal to 2.77 at a significance level of 0.01 was lower than the expected numerical average (3), so it was stated that the city of Kashan It is not in a satisfactory and favorable condition.

Conclusions

This research, which was conducted with the aim of measuring and analyzing the level of perceived competitiveness of tourists in Kashan city, sought to answer two main questions, and the following results were obtained:

First question: Is the state of perceived competitiveness of tourists at a satisfactory level?

In order to answer this research question, one-sample t-test was used, and the results showed that according to the average of 2.77 and the significant value of 0.01, it can be The confidence level of 95% stated that the state of perceived competitiveness of the study is not at a satisfactory level. Meanwhile, the average level of attractiveness of the destination was calculated with an average of 2.74, infrastructure factors with an average of 2.69, mental influencing factors with an average of 2.64, and support factors with an average of 3.04. As can be seen, the subjective impact dimension with the lowest average result has the most unfavorable situation in terms of perceived competitiveness, but the perceived competitiveness situation in the dimension of support factors is evaluated with a satisfactory average more than the average level so that it can be said which is relatively satisfactory in terms of support, this result is in line with the research of Javan Amani (1400.)

Second question: Which of the four measured dimensions (destination attractiveness, support, infrastructure, and subjective influencing factors) have the greatest impact on the perceived competitiveness of tourists?

In order to answer this question, the path analysis test was used, the results of which showed that this dimension of the attractiveness of the destination has the greatest impact on the formation of the current situation of the level of perceived competitiveness. In addition to directly influencing this situation, the attractiveness dimension of the destination has indirectly increased the intensity of the perceived competitiveness of the study by influencing the performance of support and infrastructure dimensions. Among the reasons for explaining this situation, we can mention the importance of the attractiveness of the destination and the desirability of its indicators in infrastructure and support factors. Another significant and indirect effect of the dimension of support on perceived competitiveness is the effect of this dimension on the status of the infrastructural dimension of perceived competitiveness under study. In this connection, we can point out the dependence of the support status on the status of infrastructure factors in tourism destinations.

Keywords: Perceived competitiveness, tourist destinations, Kashan city.

دو فصلنامه علمی کاشان‌شناسی، بهار و تابستان ۱۴۰۲
دوره ۱۶، شماره ۱ (پیاپی ۳۰)، صفحات: ۱۸۳-۲۱۸
مقاله علمی پژوهشی

ارائه مدل پارادایمی چابکی نیروی انسانی در شرکت‌های صنعتی براساس نظریه داده‌بنیاد (مورد مطالعه: شرکت‌های صنعتی منطقه آران و بیدگل)

مهدی راحمی نوش آبادی*

مریم مجیدی**

محمد مهتری آرانی***

چکیده

این تحقیق با هدف ارائه مدل پارادایمی چابکی نیروی انسانی در شرکت‌های صنعتی براساس نظریه داده‌بنیاد (مورد مطالعه: شرکت‌های صنعتی منطقه آران و بیدگل) انجام شد. روش این پژوهش کیفی با تمرکز بر رویکرد داده‌بنیاد است. جامعه آماری شامل تمام متخصصان دانشگاهی حوزه مدیریت و نیز معاونان و مدیران شرکت‌های صنعتی شهرک صنعتی آران و بیدگل بود که به روش نمونه‌گیری هدفمند و قضاوتی، ۳۰ نفر برگزیده شدند. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه‌متمرکز بوده که با استفاده از نرم‌افزار (MAXQDA) و به‌کارگیری رویه‌های کدگذاری، تجزیه و تحلیل شدند. تجزیه و تحلیل متون مصاحبه، ۴۴۳ کد باز را فراهم آورد که در قالب ارکان مدل پارادایمی چابکی نیروی انسانی در شرکت‌های متوسط و بزرگ قرار گرفتند. یافته‌ها نشان دادند که مفهوم مرکزی چابکی منابع انسانی متشکل از مؤلفه‌های دانش و یادگیری، هوشمندی و شایستگی، نوآوری و خلاقیت، سرعت، انطباق‌پذیری، پاسخ‌گویی، انعطاف‌پذیری، تاب‌آوری، دوراندیشی و آینده‌نگری و تغییرمداری بود. همچنین، چابکی منابع انسانی خود متأثر از شرایط علی (۳۸ مفهوم در قالب ۱۰ مقوله)، شرایط زمینه‌ای (۳۴ مفهوم در قالب ۱۰ مقوله) و عوامل مداخله‌گری (۱۶ مفهوم در قالب ۵ مقوله) بوده که در قالب راهبردهایی چون کنش‌گرایی مثبت، عملکرد منسجم و یکپارچه و فعالیت‌های گروهی و جمعی (۱۰ مفهوم در قالب ۳ مقوله کنش) نمود یافته و دارای پیامدهای درون‌سازمانی و برون‌سازمانی هستند.

کلیدواژه‌ها: چابکی منابع انسانی، نظریه داده‌بنیاد، شرکت‌های صنعتی، شهرستان آران و بیدگل.

* دانشجوی دکتری گروه مدیریت منابع انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران / rahei20@yahoo.com
** استادیار گروه مدیریت، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران، نویسنده مسئول / fa.ma1382@hotmail.com
*** استادیار گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران / M.mehtari@pnu.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۳

۱. مقدمه

امروزه تغییر به یکی از نمادهای فضای کسب‌وکار و ارائه خدمات سازمانی مبدل گردیده و سازمان‌ها در برابر طیف وسیعی از تغییرات فردی تا فناورانه قرار گرفته‌اند که حاصل آن، به چالش کشیده شدن مدل‌های سنتی در حکمرانی و حاکمیت سازمانی بوده (محمدی و امیری، ۱۳۹۱) و لذا توانمندی سازمانی در جهت واکنش‌های سریع و اثربخش، رقابت‌محوری در حیطه‌های زمانی و فراهم‌سازی نیازهای مراجعین، از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار گردیده است. در این بین، واکنش‌های سازمانی به تغییرات محیطی در قالب‌هایی نظیر مهندسی مجدد رویه‌ها، شکل دادن به گروه‌های توسعه محصولات و خدمات، تدوین و اجرای برنامه‌های تقویت منابع انسانی، سوق یافتن به سمت نظام‌های مجازی، ارتقای توان پاسخ‌گویی به نیازها و تجزیه و تحلیل‌های بازارمحور در راستای ارائه پاسخ‌های اثرگذار به تغییرات موجود انجام شده‌اند (عارف‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۹). لیکن از دهه ۱۹۹۰ میلادی، محققان علوم مدیریتی، رویکردهای نوینی در راستای دستیابی و حفظ رقابت‌پذیری پایدار پیشنهاد کردند که انطباق‌پذیری سازمانی را فرایندی پیوسته و پایدار در نظر می‌گیرد؛ به عبارتی، سازمان‌ها قادرند ظرفیت‌هایی در فرایندهای عملیاتی‌شان شکل دهند که انعطاف، تغییر و تطابق با شرایط در حال تغییر را بدون نیاز به ایراد تغییرات دائمی، اجباری و بنیادی شکل می‌دهد. این رویکرد با عنوان «چابکی سازمانی»^۱ شناخته می‌شود.

چابکی سازمانی، سازگاری سریع و فعالانه عناصر سازمانی با تغییراتی است که در اصل پیش‌بینی نگردیده (قانع عبادی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۹) و ایده اصلی نهفته در آن «سرعت و تغییرات در حوزه‌های شغلی» است؛ تغییراتی که هم در ابعاد فناورانه و یا کاری و هم در حوزه‌های منابع انسانی و نیز مراجعین و مشتریان سازمان‌ها صورت می‌گیرد (رئیس، ۱۴۰۰: ۷). نظام سازمانی چابک به مثابه یک راه‌حل در جهت بقای سازمان‌ها (Ahmad, 2020: 14)؛ رستگار و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۹۹) و دربرگیرنده سطوح گوناگون یادگیری و سازگاری با دگرگونی‌های زمانی بوده که به تغییر شبکه‌های سرویس‌دهی و ارائه خدمات گردیده و دستاوردهای آن، فراگیری انجام وظایف، عملیات و ایجاد تغییرات در کمترین بازه زمانی است (Samdantsoodol et al. 2017: 68). یکی از مؤلفه‌های بنیادین چابکی سازمانی، چابک شدن منابع انسانی سازمان‌هاست؛ چراکه کارآمدی و توسعه سازمانی، اساساً مرهون به‌کارگیری صحیح منابع انسانی و نیروهای سازمانی است.

اصطلاح «چابکی منابع انسانی» به معنی آمادگی دانشی نیروها به منظور اعمال تغییرات اساسی در فرایندها، ساختار و فرهنگ سازمانی در راستای دستیابی به رضایتمندی فزون‌تر و انسجام و



یکپارچه‌سازی تمامی فرایندهاست (توکلی مقدم و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۹). اساس چابکی نیروی انسانی، توانمندی تغییر در قابلیت‌ها و ظرفیت‌های نیروی انسانی و همسو با آن، آموزش منابع انسانی به‌منظور تسلط کامل بر دانش و مهارت‌ها بوده و بر این مبنای شیوه‌های چابکی منابع انسانی به‌نوعی با تمرکز بر کارکنان و خلاقیت‌های آنان، بسترهای مبارزه با بی‌ثباتی را فراهم ساخته و موفقیت در عرصه رقابت را از نظر راهبردی به‌واسطه بسط تعادل میان عوامل اثرگذاری همچون توان‌های شناختی و هیجانی فراهم می‌سازند (عالی و همکاران، ۱۴۰۰: ۹۴). درخصوص چابکی نیروهای انسانی، مطالعات متعددی صورت پذیرفته و مدل‌ها و روش‌های چابکی گوناگونی ارائه شده است؛ برای مثال، ماده و سرکیس^۲ (۱۹۹۹) در گونه‌شناسی چابکی منابع انسانی، عواملی نظیر دانش، توانایی، آموزش‌های نظری و عملی و حمایت مدیران ارشد را در چابکی کارکنان مؤثر تلقی نموده و هاروی^۳ و همکاران (۱۹۹۹) نقش شاخص‌هایی نظیر غنی‌سازی شغلی، مشارکت گروهی و فضای کاری و حمایت‌های مدیریتی را در چابکی منابع انسانی حائز اهمیت دانسته‌اند (توکلی مقدم و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۹). با وجود این، به‌رغم اهمیت ویژه‌ای که نیروهای انسانی چابک به‌منظور نیل به رقابت‌پذیری سازمانی دارند، این مقوله تاکنون کمتر مورد توجه واقع شده و در بخش اعظمی از مطالعات چابکی نیروهای انسانی سازمانی، به‌منظور درک نیروهای انسانی چابک از ابعاد سرعت، انعطاف‌پذیری، چشم‌اندازهای عملیاتی و تولیدی استفاده شده است. از این حیث، پژوهش‌های اندکی درباره چابکی منابع انسانی و مختصات سازمان که منجر به عملکرد کارکنان چابک می‌گردد، انجام شده است. حال با توجه به این مسئله که مواجهه و مقابله صحیح با چالش‌های سازمانی به‌ویژه در حوزه چابکی، بدون برخورداری از یک رویکرد سیستمی و شکل دادن به یک برنامه منسجم در حوزه توسعه منابع انسانی ممکن نبوده و بقای هر سازمانی منوط به رضایتمندی مراجعین نسبت به فرایند ارائه خدمات و محصولات است و نیز با عنایت به رویه‌های ناکارآمد و برخی انتقادات و نیز محدودیت‌ها و نواقصی که سازمان‌های واقع در شهرک‌های صنعتی آران و بیدگل در حوزه منابع انسانی داشته، این تحقیق در راستای تبیین چابکی نیروی انسانی در شرکت‌های متوسط و بزرگ با تمرکز بر ارائه مدل پارادایمی براساس نظریه داده‌بنیاد هدف‌گذاری شده است.

امروزه شاهد کاهش ظرفیت تولید و تعطیلی برخی از صنایع به‌ویژه صنعت فرش ماشینی شهرستان آران و بیدگل هستیم؛ درحالی‌که وجود این صنایع در شهرستان نقش مهمی در رونق اقتصادی و توسعه اشتغال در منطقه دارد. درعین حال، صنایع متوسط و بزرگ به‌ویژه در حوزه تولید

فرش می‌بایست به منظور ادامه حیات خود از ویژگی‌هایی نظیر مشتری‌مداری، انعطاف زیاد، شفافیت و بهبود مستمر و... برخوردار گردند و دستیابی به این مختصات، نیازمند توسعه قابلیت‌ها و توانمندی‌های سرمایه انسانی است؛ درحالی‌که در حال حاضر سرمایه انسانی در سازمان‌ها و صنایع کشور وضعیت چندان مساعدی به لحاظ شاخص‌های عملکردی نداشته و درعین‌حال، از پتانسیل و توانمندی‌های موجود آنان نیز به نحو مطلوبی بهره گرفته نمی‌شود. استخدام افرادی که تحت سخت‌ترین شرایط و با حقوق و درآمد غیرمکفی نیز به کار ادامه می‌دهند، بی‌توجه به آموزش‌ها و اهمیت نازل به ارزیابی عملکرد، ممکن است باعث گردد که نیروی انسانی واقع در صنایع بزرگ و متوسط شهرک‌های صنعتی، از مهارت و توانمندی‌های ابتدایی و غیرحرفه‌ای برخوردار گردند و در حوزه عملیات کاری، سکون بر چابکی منابع انسانی غلبه نماید. با توجه به این مسائل، پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها بوده که مدل چابکی نیروی انسانی در شرکت‌های متوسط و بزرگ (مورد مطالعه: شهرک صنعتی آران و بیدگل) واجد چه مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی است؟ شرایط علی، زمینه‌ای، عوامل مداخله‌گر، راهبردهای کنش و پیامدهای چابکی نیروی انسانی در شرکت‌های مذکور دربرگیرنده چه مواردی است؟

۲. مبانی نظری

در میان مباحث مرتبط به چابکی و سرمایه انسانی، مقوله چابکی سرمایه‌های انسانی یا چابکی منابع و نیروی کار، حلقه اتصالی است که بدون آن توانمندی‌ها و قابلیت‌های منابع انسانی منجر به چابکی سازمانی نمی‌گردد. سازمان چابک، سازمانی است که با استفاده از نیروهای انسانی توانا در فضایی مبتنی بر دانش و با بهره‌گیری از فناوری‌های کارآمد و مؤثر، به شکل هوشمند و انعطاف‌پذیر عمل می‌نماید؛ از این رو منابع انسانی چابک یا چابکی نیروی انسانی به نیروهایی اشاره دارد که در فضاهای تعریف شده قادرند در برابر مسئولیتی که به آن‌ها واگذار شده، پاسخ‌گو بوده و به تعبیری، در مقابل تغییرات پیش‌بینی نشده و غیرمنتظره در فضاهای شغلی، از قابلیت بالای پاسخ‌گویی برخوردار باشند (محمدی، ۱۳۹۶: ۴۷). چابکی منابع انسانی بر این مسئله متمرکز است که وظیفه و کارکرد منابع انسانی صرفاً اجرای کنترل‌ها، نظارت‌ها، استانداردها و عملکردها نیست، بلکه تسهیل نمودن و بهبود امر چابکی سازمانی است و این وظیفه و تمرکز منجر به تغییر منابع انسانی می‌گردد. به راه انداختن چابکی در منابع انسانی سازمانی به معنی آغاز برنامه‌هایی است که منجر به ایجاد سازش‌پذیری، ابتکار، همکاری و سرعت می‌گردد. کارکنان چابک عمدتاً برخوردار از خصلت‌های متعددی از جمله تسلط بر مهارت‌های جامع و انعطاف‌پذیری هستند. به باور چانکو و جونز^۴



(۲۰۰۵) کارکنان چابک در بازه‌های زمانی مطلوب نسبت به تغییرات عکس‌العمل نشان می‌دهند و با آن‌ها انطباق و سازگاری پیدا می‌کنند؛ همچنین برای به دست آوردن مزایای رقابتی از تغییرات و دگرگونی‌ها بهره برده، این تغییرات را به فرصت‌هایی برای سازمان مبدل می‌نمایند. از این حیث، پراهالاد و هامل^۵ باور دارند که سرمایه‌گذاری در امر مهارت‌های منابع انسانی پیش از ایجاد تغییرات به منظور گسترش چابکی منابع انسانی، امری ضروری است. در سازمان‌های چابک، منابع انسانی در تمامی سطوح سازمانی، اهداف سازمانی را ادراک نموده، مشتری‌گرا هستند، در قبال کامیابی‌های سازمانی مسئولیت‌پذیر بوده، در حرفه خویش متخصصانی در سطح جهانی بوده، در کارشان نوآوری داشته و به سرعت تصمیماتی حرفه‌ای و با مهارت‌های کافی به منظور انطباق با بهبود مستمر و تحولات و دگرگونی‌های سریع در بطن سازمان و خارج از آن نیاز دارند (Akkaya & tabak, 3: 2020). تاکنون الگوها و مدل‌های متعددی درباره چابکی منابع انسانی طراحی شده است که هر یک از آن‌ها وجوهی از این مقوله را مدنظر قرار داده‌اند؛ برای مثال، مردیت و فرانسیس^۶ (۲۰۰۰) در پژوهشی به شناسایی و فهم چابکی در مؤسسات کوچک و متوسط پرداخته و ۱۶ بخش از الگوی مرجع چرخه چابکی را به دست آورده و در چهار محور راهبرد، فرایند، روابط و کارکنان تقسیم‌بندی نموده که مؤلفه کارکنان چابک شامل شناخت محوری، کارکنان منعطف، تصمیم‌گیری سریع و یادگیری مستمر است. چان و تونگ^۷ (۲۰۰۹) با ارزیابی تفاوت میان نظم و چابکی، پنج عامل بنیادین تصمیم در راستای گزینش چابکی و نظم در مؤسسات و سازمان‌ها را با یکدیگر مقایسه نموده و چابکی را شامل عوامل چون اندازه کارکنان، بحرانیت، پویایی، کارکنان و فرهنگ دانسته است؛ به هر اندازه که تعداد نیروهای انسانی کمتر باشد، سطح بحرانی بودن محیط پویاتر بوده، اختیار عمل منابع انسانی بالاتر و تعداد کارکنان متخصص بیشتر گردد، سازمان‌ها به‌سوی چابکی هدایت می‌گردند و در غیر این صورت، عنصر نظم در سازمان پررنگ‌تر می‌شود. شریهای و کارووسکی^۸ (۲۰۱۴) چابکی منابع انسانی را به‌مثابه رفتارها یا عملکرد چابک قابل مشاهده در فضای کاری در نظر گرفته و عملکرد منابع انسانی چابک را در قالب سه مؤلفه گروه‌بندی نموده‌اند:

۱. اثرگذاری: اشاره به شرایطی داشته که فرد به انجام فعالیت‌هایی می‌پردازد که واجد آثاری مثبت بر روی محیط‌های متغیر است؛
۲. انطباق‌پذیری: بر تغییر و اصلاح خویش یا رفتار سایر افراد به‌منظور تناسب بهتر با محیط‌های جدید تمرکز می‌گردد؛
۳. جهندگی: یعنی توانمندی ایفای فعالیت‌ها به‌صورتی کارا در شرایط استرس و فشار به‌رغم وجود یک فضای متغیر. این مؤلفه دربرگیرنده رفتارهایی نظیر «برخورداری از چشم‌انداز مثبت درخصوص تغییرات، ایده‌ها و فناوری‌های جدید»،

«تحمل نمودن عدم اطمینان و موقعیت‌های غیرقابل پیش‌بینی و نیز تفاوت‌های موجود در عقاید و رویکردها» و «تحمل نمودن شرایط استرس‌زا و غلبه بر استرس» است (شریهای و کارووسکی، ۲۰۱۴). یافته‌های پژوهش هوپ و وان^۹ (۲۰۰۴) نشان داده که نیروهای انسانی از مسیر آموزش چندتخصصی به چابکی دست یافته و سازمان را به بالاترین درجات عملکردی اش می‌رسانند. شریفی و ژانگ (۲۰۰۱) از جمله اساسی‌ترین محرک‌های چابکی را احساس نیاز به چابک بودن نزد کارکنان دانسته و سوموکیداس و ساونی^{۱۰} (۲۰۰۴)، چابکی نیروی انسانی را از مسیر مشارکت کارکنان میسر دانسته‌اند (توکلی‌مقدم و همکاران، ۱۳۹۸). بدین لحاظ، در مدل‌های مختلف توسعه‌یافته پیرامون چابکی منابع انسانی، ابعاد مختلف، پیشایندهای گوناگون و مؤلفه‌های متفاوتی از این مقوله در شرایط و جوامع آماری مختلف ارائه شده است؛ لیکن بر مبنای وجوه مشترک این مدل‌ها می‌توان گفت که منابع انسانی چابک دربرگیرنده کارکنانی است که در مواجهه با موقعیت‌های غیرمعمول سازمانی، واجد سرعت بالا، تاب‌آوری زیاد، انعطاف مکفی و کنش‌گرایی بالا هستند (عالی، ضیاءالدینی و هادوی‌نژاد، ۱۴۰۰) و به چالاک‌ی هرچه بیشتر قادرند مهارت‌های لازم و مورد نیاز سازمانی را فرا گرفته و به سهولت از این مهارت‌ها در راستای به دست آوردن فرصت‌های جدید، شرایط بازارهای رقابتی و سازگاری با سطوح بالای فقدان اطمینان بهره‌گیرند. افزون بر این، مرور مدل‌های مذکور نشان داده که ویژگی‌ها و مختصات منابع انسانی چابک متأثر از سطح کارآمدی، ارزش‌مداری، تمرکز، مولد بودن و انطباق و سازگاری آن‌هاست. بر این اساس، هر سازمانی در تمامی سطوح سازمانی‌اش نیازمند منابع انسانی است که از آمادگی و قابلیت‌شناسایی فرصت‌ها و تهدیدات بازار برخوردار باشند، کمک زیادی به ساخت‌دهی مجدد سازمان در راستای مقابله با فرصت‌ها و تهدیدات نمایند و درعین حال، هر زمان و مکانی که لازم باشد، با سرعت حضور پیدا کنند. نیروی انسانی چابک، نیرویی نوآور است که با جدایی از روش‌های سنتی، به‌شکل دائم و به‌سرعت در پی آموزش و فراگیری باشد. این عملکردها از جانب گروه گسترده‌ای از شایستگی‌های فردی تسهیل می‌گردد. بر این اساس، مبانی و ادبیات چابکی نیروی انسانی دربرگیرنده مدل‌های متعددی نظیر الگوی مردیت و فرانسیس^{۱۱} (۲۰۰۰) با تمرکز بر فرایند چابک، راهبرد چابک، روابط و کارکنان چابک، الگوی چان و تونگ (۲۰۰۹) با تمرکز بر کارکنان متخصص، مدل کوین^{۱۲} و همکاران (۲۰۱۰) با تأکید بر واگذاری اختیار به کارکنان، مدل شریهای و کارووسکی (۲۰۱۴) با تمرکز بر اثرگذاری، انطباق‌پذیری و جهندگی و برخی دیگر از مدل‌های داخلی بوده که در این راستا، وجوه حائز اهمیت آن‌ها استخراج و به‌شکل تطبیقی با نتایج حاصل از

بخش کیفی این تحقیق تلفیق گردیده و مدل نهایی بر این مبنا استخراج شده است.

۳. پیشینه پژوهش

عارف‌نژاد و همکاران (۱۳۹۹) طی تحقیقی با عنوان «مدل ارتقای چابکی سازمانی مبتنی بر انعطاف‌پذیری منابع انسانی در صنعت بانکداری» به روش توصیفی - میدانی به بررسی ۲۶۲ نفر از کارکنان بانک‌های ملت، تجارت، صادرات و مسکن شهر تبریز پرداخته و نشان داده‌اند که انعطاف‌پذیری وظیفه‌ای، مهارتی و رفتاری دارای بالاترین نقش در تبیین چابکی سازمانی هستند. سلطانی و همکاران (۱۳۹۹) طی تحقیقی با عنوان «ارائه الگوی چابکی سازمانی براساس توسعه منابع انسانی در دانشگاه آزاد اسلامی استان تهران» به روش تلفیقی و با بررسی ۱۲ نفر از خبرگان دانشگاهی و نیز ۳۸۶ نفر از کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی تهران، نشان دادند که چابکی سازمانی براساس توسعه منابع انسانی واجد ابعاد استراتژیک، تکنولوژی‌های اطلاعاتی، ابعاد انسانی، سازمانی و فرهنگی است. در این میان، بُعد استراتژیک واجد بالاترین میزان میانگین و بُعد فناوری اطلاعات، ابعاد انسانی، سازمانی و فرهنگی در مراتب بعد جای گرفتند و به‌طور کلی، ابعاد چابکی سازمانی بر مبنای توسعه انسانی، ۷۱ درصد از تغییرات شاخص‌های موجود را تبیین نمودند. رستگار و همکاران (۱۳۹۹) طی مقاله‌ای با عنوان «طراحی و تبیین مدل چابکی منابع انسانی در سازمان‌های پروژه‌محور» ۱۳ عاملی را که تناسب بالاتری با جامعه آماری پژوهش داشته و در سطوح بالاتری مدنظر مدیران و کارشناسان بودند، انتخاب نموده و دو رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری و رویه‌های رتبه‌بندی تفسیری را به‌منظور شناسایی و رتبه‌بندی موانع کلیدی نیل به چابکی منابع انسانی در سازمان‌های مذکور به کار گرفتند. یافته‌های حاصل از رویکرد مدل‌سازی ساختاری شامل چهار عامل تشویق و پشتیبانی مدیریت، مشارکت، همدلی و احساس نیاز به چابکی بود. عالی و همکاران (۱۴۰۰) در تحقیقی با عنوان «توسعه و تحول مدل چابکی نیروی انسانی» با کمک روش ترکیبی فراتحلیل و دیمتلفازی، در ابتدا مطالعات کمی مرتبط به پیشایندهای چابکی منابع انسانی را استخراج نموده، در مرحله بعد این پیشایندها را در ۴ طبقه پیشایندهای کلان، ۱۹ طبقه خرد و ۵۰ مؤلفه تدوین کردند. پیشایندهای منابع انسانی در این تحقیق شامل ۲۳ مؤلفه، پیشایندهای شغلی ۴ مؤلفه، سازمانی ۱۱ مؤلفه و مدیریتی دربرگیرنده ۱۲ مؤلفه بودند. پیشایندهای مدیریتی این تحقیق ناظر بر توسعه زیرساخت‌های انسانی، غیرانسانی و نیز رهبری چابکی بودند.

یافته‌های پژوهش اسویشر^{۱۳} و همکاران (۲۰۱۲) نشان‌دهنده این مسئله است که به‌منظور برخورداری از نیروهای انسانی چابک، نیازمند یادگیری مستمر به‌منظور بهبود و توسعه استعدادها

کارکنان هستیم. صوفی و همکاران (۲۰۱۴) با ارزیابی تعامل میان رهبری میان چابکی نیروی کار و تسهیم دانش نشان داده‌اند که رهبری ارتباطی مثبت و معنادار با چابکی نیروی کار و تسهیم دانش داشته است. آزورا^{۱۴} (۲۰۱۵) طی پژوهشی به ارزیابی چابکی نیروهای کار از نظرگاه رویکرد منابع انسانی پرداخته و نشان داده است که مواردی همچون سازگاری، انعطاف داشتن، خودآگاهی و تاب‌آوری قادرند به چابکی نیروهای انسانی یاری رسانند. مودولی^{۱۵} (۲۰۱۳) مهم‌ترین توانمندسازهای مؤثر بر چابکی منابع انسانی را دربرگیرنده یادگیری‌های سازمانی، نظام‌های پاداش، مشارکت منابع انسانی، گروه‌های کاری و نظام‌های اطلاعاتی دانسته است. تسارینی جونیور و سالتواتو^{۱۶} (۲۰۲۱) در پژوهشی چابکی نیروی کار را به‌عنوان یک استراتژی مدیریتی توصیف نموده که به شرکت‌ها اجازه می‌دهد به‌سرعت و به‌طور مؤثر به تهدیدها و فرصت‌های ناشی از یک محیط تجاری رقابتی و ناپایدار واکنش نشان دهند. در این پژوهش، به روش مرور سیستماتیک نشان داده شده که نیروی کار چابک از چهار بُعد مرتبط و وابسته به هم تشکیل شده است: کنش‌پذیری، انعطاف‌پذیری و سازگاری، انعطاف‌پذیری و شایستگی. این ویژگی‌ها را می‌توان از طریق استراتژی‌های مرتبط با «یادگیری و آموزش»، «اشکال سازمان‌دهی کار»، «مدیریت منابع انسانی» و «فرهنگ و ساختار سازمانی» ارتقا داد. اصفهانی (۲۰۲۱) در تحقیقی با عنوان «تأثیر مدل‌های مدرن مدیریت استراتژیک منابع انسانی بر ارتقای چابکی سازمانی» به‌شکل تحلیلی و توصیفی به تعریف چابکی سازمانی پرداخته است؛ سپس به بررسی عمیق چهار مدل استراتژیک منابع انسانی «مدل عملکرد بالا، مدل تناسب استراتژیک، مدل تعهد بالا و مدل بهترین شیوه‌ها» پرداخته است. برای مدل با عملکرد بالا، نوآوری به‌عنوان یک عامل کلیدی برجسته می‌شود. برای مدل همسویی استراتژیک، مشخص شد که ساختار مدیریت منابع انسانی نیاز به پیش‌بینی الگوهای آینده در محیط کار خارجی دارد. مدل تعهد بالا بر مسیر شغلی، انعطاف‌پذیری شغلی، انگیزه، تیم‌های کاری و ثبات روابط شغلی برای کارکنان تمرکز دارد. مدل بهترین عملکرد به استراتژی کلی سازمان می‌نگرد. بررسی ادبیات در این زمینه نشان داده که تمامی مدل‌های چابکی منابع انسانی مورد بررسی، منجر به ارتقای سطح چابکی سازمانی گردیده است. در مجموع، مروری بر مبانی نظری تحقیق و پیشینه داخلی و خارجی مرتبط با الگوهای چابکی منابع انسانی نشان داد که در وهله نخست بخش زیادی از این الگوها برای اجرا در سازمان‌های غیرصنعتی تدوین شده و برخی الگوهای موجود، بسیار قدیمی و مبتنی بر الگوها و مدل‌های خارجی هستند. به‌لحاظ روش‌شناسی نیز، عمده مدل‌ها به‌صورت اسنادی و کمی صورت‌بندی شده و با در نظر گرفتن مطالعات موجود،

تحقیقات کیفی در حوزه شرکت‌های صنعتی و صنایع خصوصی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

۴. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف در زمره تحقیقات بنیادی قرار گرفته و به لحاظ روش از نوع کیفی با تمرکز بر رویکرد داده‌بنیاد است. استفاده از این روش به دلیل ماهیت اکتشافی تحقیق و نیز فقدان نظریه جامع درباره چابکی منابع انسانی در سازمان‌های صنعتی، به‌ویژه صنایع متوسط و بزرگ است. جامعه آماری این پژوهش شامل تمام متخصصان دانشگاهی حوزه مدیریت از جمله اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌های استان اصفهان (بالغ بر ۱۵۰ نفر) و نیز معاونان و مدیران شرکت‌های صنعتی شهرک صنعتی آران و بیدگل و کارشناسان واجد شرایط و آشنا با مقوله چابکی سازمانی بود. در شهر آران و بیدگل حدود ۵ هزار واحد صنفی و ۸۱۰ واحد صنعتی وجود دارد که ۵۱۰ واحد از آن‌ها را شرکت‌های تولید فرس ماشینی را تشکیل داده و در حدود ۱۷ تا ۲۰ هزار نفر در حوزه‌های مختلف و ذیل شرکت‌های صنعتی متوسط و بزرگ شهرک صنعتی آران و بیدگل فعالیت می‌نمایند (راحمی و همکاران، ۱۴۰۲). حجم نمونه شامل ۱۵ نفر از متخصص دانشگاهی و اعضای هیئت‌علمی و ۱۵ نفر از معاونان و مدیران شرکت‌های صنعتی متوسط و بزرگ بودند که به روش نمونه‌گیری هدفمند و قضاوتی برگزیده شده و فرایند نمونه‌گیری تا نیل به اشباع نظری ادامه یافت. در مسیر، پژوهشگر بعد از مصاحبه با ۱۲ نفر از حجم نمونه در دو گروه با داده‌هایی مواجه گردید که تکراری و تصدیق‌کننده مفاهیم قبلی بود؛ اما از آنجاکه در روش نمونه‌گیری کیفی پیشنهاد شده که پس از آنکه پژوهشگر احساس کرد داده‌های به‌دست‌آمده در حال تکرار هستند، چندین مصاحبه تکمیلی دیگر جهت تأیید اشباع نظری انجام دهد. لذا فرایند نمونه‌گیری تا بررسی نظرات ۱۵ صاحب‌نظر ادامه یافت. معیار نمونه‌گیری، برخورداری از شناخت و تخصص مرتبط به چابکی منابع انسانی بوده و گزینش مدیران، معاونان و کارشناسان مذکور براساس مدارج تحصیلی مرتبط با حوزه‌های مدیریتی (منابع انسانی، صنعتی، کارآفرینی)، سوابق کاری (۱۰ سال به بالا)، موفقیت شغلی (حجم نیروی کار، وسعت فضای کاری، میزان تولید و فروش بالا با محوریت صادرات) و تجربه عملیاتی آنان در عرصه سازمانی صورت پذیرفت. ابزار گردآوری اطلاعات مصاحبه نیمه‌متمرکز بوده و داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار تحلیل داده‌های کیفی (MAXQDA) و به‌کارگیری رویه‌های کدگذاری اشتروس و کوربین (۱۳۹۵)، تجزیه و تحلیل شدند. به‌منظور تأمین اعتبار تحقیق از معیارهای لینکلن و گوبا شامل غرق‌شدگی محقق در داده‌ها و مشاهده پیگیر، ترکیب (داده و محقق)، بازنگری بیرونی، تأییدپذیری (حفظ داده‌ها برای تحلیل‌های پسین)، انتقال‌پذیری (ارائه

توصیف‌های غنی و حداکثری) و اعتبارپذیری (تماس‌های مکرر با محیط و هم‌تایان پژوهش) استفاده شده و پایایی تحقیق با بهره‌گیری از رویه‌های ساخت‌یافته از مصاحبه همگرا، فرایندهای ساخت‌یافته ثبت، تدوین و تفسیر داده‌ها و به‌کارگیری دو مصاحبه‌کننده به‌منظور انجام مصاحبه به‌شکل جداگانه و موازی مورد تأیید قرار گرفت.

۵. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، تکنیک تحلیل مقایسه‌اشتروس و کوربین (۱۳۹۵) شامل سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی به کار گرفته شد. بر این اساس، پس از پیاده نمودن متون مصاحبه با ۳۰ نفر از خبرگان دانشگاهی و غیردانشگاهی در شرکت‌های صنعتی متوسط و بزرگ‌شهر آران و بیدگل، ۱۲۴ صفحه متن در قالب ۳۴۰۰۰ کلمه تولید شد. پس از بررسی متون مذکور و کدگذاری (۴۴۳ کد باز) و طبقه‌بندی آن‌ها در قالب نرم‌افزار تحلیل داده‌های کیفی (MAXQDA)، یافته‌ها نشان دادند که مفهوم مرکزی چابکی منابع انسانی متشکل از ۱۱ مؤلفه است که خود متأثر از شرایط علی (۳۸ مفهوم در قالب ۱۰ مقوله)، شرایط زمینه‌ای (۳۴ مفهوم در قالب ۱۰ مقوله) و عوامل مداخله‌گری (۱۶ مفهوم در قالب ۵ مقوله) بوده که در قالب راهبردهایی چون کنش‌گرایی مثبت، عملکرد منسجم و یکپارچه و فعالیت‌های گروهی و جمعی (۱۰ مفهوم در قالب ۳ مقوله) نمود یافته و دارای پیامدهای درون‌سازمانی و برون‌سازمانی هستند.

جدول ۱: مفاهیم و مقولات به‌دست‌آمده از فرایند کدگذاری باز و محوری مصاحبه‌ها

کد محوری	مقوله‌ها - مفاهیم	فراوانی	کد اولیه - خرده‌مقوله
شرایط علی چابکی منابع انسانی	آموزش و یادگیری چابک‌ساز	۴	استمرار و پیوستگی آموزش وظایف و مسئولیت‌های سازمانی جدید
	آموزش و یادگیری چابک‌ساز	۲	تأمین یکپارچه فرصت آموزش در تمامی رده‌های سازمانی ذیل مدیریت تغییر
		۳	ارائه آموزش به منابع انسانی در حوزه‌های بازار، نحوه رقابت سازمان و غیره
		۲	عملیاتی‌سازی ایده سازمان یادگیرنده با تأمین شرایط ارتقای سطح سواد
		۳	آموزش چندتخصصی با تأکید بر فراگیری مهارت‌های متعدد و کیفی شغلی
		۲	ارائه آموزش‌ها و یادگیری سازگار با تغییرات زمانی و فضایی
		۳	مدیریت و سامان‌دهی فرایند شناسایی، اکتساب و انتقال دانش
		۲	ناکارآمدی منابع انسانی
	ناکارآمدی و بدکار کردی	۲	عدم برآوردن انتظارات شغلی

کد مجوری	مقوله‌ها - مفاهیم	فراوانی	کد اولیه - خرده مقوله
شرایط علی چابکی منابع انسانی	حمایت و پشتیبانی	۳	حمایت مالی از چابکی منابع انسانی و هزینه کرد زمان و هزینه
		۲	محیط حمایتی از تجربه، آموزش و نوآوری
		۳	رویکرد حامیانه در پشتیبانی از نظرات و ایده‌ها
	گردش شغلی	۲	فقدان تناسب استعداد و نوع شغل
		۳	گردش شغلی، تنوع و انگیزه
	غنی سازی شغل	۲	ایجاد واحدهای کاری طبیعی و معنادار سازی ارائه خدمات شغلی
		۳	کیفی سازی ارائه خدمات و عملکردها
		۳	بازخورددهی هم‌زمان پیرامون عملکردهای جاری
		۲	هویت‌بخشی به مشاغل
	مسئولیت پذیری و آمادگی مستمر	۲	وجود روحیه مسئولیت پذیری
		۳	مسئولیت‌پذیری مشترک در قبال موفقیت‌های سازمانی
		۳	قابلیت پذیرش مسئولیت‌های جدید و بدیع
		۳	دسترسی‌پذیری تمام‌وقت به منظور ایفای وظایف شغلی
	رهبری چابک	۴	رهبری چابک با قابلیت ایجاد چشم‌انداز و مأموریت‌های چابک
		۳	رهبری مشارکت‌محور
		۳	رهبری تحول‌آفرین و ایجاد رویکرد مثبت به تغییرات و ترغیب به نوآوری
	اختیار و استقلال شغلی	۳	واگذاری و برخورداری کارکنان از استقلال و اختیار شغلی
		۴	در نظر گرفتن آمادگی، شایستگی و لیاقت نیروها در اعطای استقلال و آزادی
		۲	توانمندسازی منابع انسانی به منظور اخذ تصمیمات مستقل
	مهارت افزایشی	۳	تسلط بر زبان‌های کاربردی حوزه شغلی
		۳	بسط مهارت اندیشه انتقادی
		۳	بسط مهارت‌های اطلاعاتی
		۳	بسط مهارت‌های ارتباطی
		۳	بسط مهارت حل مسائل ناآشنا و نوین به صورت خلاقانه
		۳	گسترش مهارت‌های ادراکی: قابلیت تحلیل تهدیدات و فرصت‌ها
		۲	ارتقا و توسعه مهارت‌های شغلی بالخصوص مهارت‌های کار با فناوری
	دسترسی سازمانی	۳	سهولت حرکت در بین پروژه‌ها
		۳	فراهم بودن امکان دسترسی به تجارب سایر منابع انسانی و امکان انتقال تجارب
		۲	دسترسی دادن منابع انسانی به دانش و اطلاعات شغلی

کدمحوری	مقوله‌ها - مفاهیم	فراوانی	کد اولیه - خرده‌مقوله
شرایط زمینه‌ای چابکی منابع انسانی	خصایص شخصیتی	۳	میل و رغبت یا حس نیاز به چابکی
		۲	گرایش به تغییر و تحول
		۳	ذهنیت و روحیه چالاک و پویا و توانمندی بالا در تغییر قابلیت و ظرفیت خود
		۳	برخورداری از روحیه کار گروهی
		۲	شخصیت ابهام‌گریز
	بسترهای نگرشی	۳	نگرش مثبت به آموزش، یادگیری، دانش‌های جدید
		۲	نگرش مثبت به خودسازی و خودشکوفایی
		۲	رویکرد مثبت به تغییر و ایده‌های نوین
		۲	نگرش مالکانه و شریک‌پنداشتن خود در مسائل
	بسترهای ارزشی	۲	تسلط ارزش‌های مشترک مبتنی بر چابکی
		۲	عملکرد مبتنی بر ارزش‌های محوری
	گرایش‌های کاری	۳	اشتیاق به کار
	عوامل ساختاری	۲	نیاز به کسب موفقیت
		۴	ساعات کاری منعطف
		۳	بسط فضای مبتنی بر اعتماد
		۳	حاکمیت نظم حرفه‌ای
		۲	گزینش و به‌کارگیری کارکنان چندمهارته و متخصص تمام‌وقت
		۴	به‌کارگیری کارکنان برخوردار از قابلیت دانشی
		۲	تراکم محدود
		۴	تشویق و تقویت فرهنگ ریسک‌پذیری
		۲	تعبیه و بهره‌گیری از فنون استانداردسازی فرایندها
	بسترهای شغلی	۴	عدم ابهام نقش
	بسترهای شغلی	۲	معناداری شغل
	ارتباطات آزاد و باز	۴	فقدان تعارض شغلی
		۳	جریان آزاد ارتباطات در تمامی رده‌ها و تعاملات باز و مبتنی بر اعتماد
		۲	ساده‌سازی و تعددبخشی به کانال‌های ارتباطی
	فضای همکاری و تعامل	۳	تعاملات و ارتباطات بین فردی نامتعارض
		۳	رابطه‌گرایی، تشریک مساعی و همکاری خودخواسته و داوطلبانه
		۴	بسط فرهنگ همدلی و همیاری در بین کارکنان
		۳	ارتباط نزدیک با مشتری‌ها و تأمین‌کنندگان
	فرهنگ مشارکتی	۴	مشارکت در فرایندها بالاخص تصمیم‌گیری‌های سازمانی

شرایط زمینه‌ای چابکی منابع انسانی



کد مورثی	مقوله‌ها - مفاهیم	فراوانی	کد اولیه - خرده مقوله
	فرهنگ تغییر	۲	ترغیب منابع انسانی به مطرح نمودن نظرات و تبادل نظر با یکدیگر
		۳	حمایت و پشتیبانی از تغییر، یادگیری و نوآوری
		۳	مدیریت و سامان‌دهی تغییرات
پدیده محوری: مؤلفه‌های چابکی منابع انسانی	دانش و یادگیری	۴	ضرب آموزش‌پذیری و یادگیرندگی بالا
		۴	واجد ظرفیت آموزش و فراگیری دانش به صورت مستمر
		۶	مسلط بر دانش و مهارت‌های شغلی و عملیاتی
		۲	تسلط بر دانش ادراکی
		۳	دانش کار تیمی و مذاکره
		۲	دانش چگونگی
		۲	فهم سیستم‌ها یا ادراک «چرا»
		۳	برخورداری از توانمندی‌های فراینده بهره‌وری، کارآمدی و اثربخشی
	هوشمندی و شایستگی	۳	ادراک شایستگی شغلی
		۲	واجد قابلیت فراگیری مهارت‌ها و پذیرش مسئولیت‌های جدید
		۳	تسلط بر تغییرات
		۳	قابلیت آرایش و پیکربندی مجدد در بخش‌های مختلف سازمان
		۳	شناخت مشتری و آگاهی نسبت به شرایط، قابلیت‌ها و وضعیت آن‌ها
		۳	قدرت نوآوری و خلاقیت
	نوآوری و خلاقیت	۳	توانمندی شکل‌دهی به ایده‌ها و نظریه‌های جدید
		۳	خلاقیت فردی در مسیرها و فرایندهای انجام کار
		۲	توان تبدیل ایده به عمل
		۴	سرعت بالا در کسب مهارت
	سرعت	۲	کاهش زمان سازگاری با تغییرات و یادگیری انجام وظایف
		۲	شتاب بالا در ارائه خدمات و اجرای فرایندهای سازمانی
		۳	تصمیم‌گیری سریع و مطمئن
		۳	واکنش سریع به منظور تسلط بر دگرگونی‌های محیطی غیرمنتظره
		۳	انطباق و سازگاری با تغییرات در بازه‌های زمانی کوتاه
	انطباق‌پذیری	۳	وفق یافتن با فضاها، کاری، گروه‌ها، مسائل و پروژه‌های جدید
		۲	سازگاری و انطباق در مواجهه با زمینه‌ها و تجارب مختلف
	انطباق‌پذیری	۳	سازگاری با منابع انسانی
		۳	انطباق‌پذیری مداوم و پایدار نسبت به نیازهای مشتری
		۵	توان پاسخ‌گویی صحیح و کارآمد
پاسخ‌گویی	۳	پاسخ‌گویی استراتژیک نسبت به دگرگونی‌های محیطی در بازار	

پدیده محوری: مؤلفه‌های چابکی منابع انسانی

کلمه محوری	مقوله‌ها - مفاهیم	فراوانی	کد اولیه - خرده‌مقوله	
		۲	عمل‌گرایی سازمانی در سطوح مختلف (توجه نمودن به آثار، نتایج و پیامدها)	
		۲	پاسخ‌گویی در قبال مسائل اجتماعی	
	انعطاف‌پذیری	۴	برخورداری از انعطاف در انجام رویه‌های سازمانی و فضای کاری	
		۴	انعطاف در برخورد با شرایط پیش‌بینی‌نشده و غیرمعمول	
		۴	انعطاف نقشی	
		۲	انعطاف در برخورد با انتظارات عملکردی مشتری	
		۳	به‌کارگیری راهبردهای کسب و کار منعطف	
	تاب‌آوری	۵	تحمل موقعیت‌های مبتنی بر عدم اطمینان و مهم	
		۳	کنار آمدن با استرس و فشار شغلی زیاد	
	دوراندیشی و آینده‌نگری	۲	تحلیل فرصت - مخاطره	
		۴	بینش راهبردی و آینده‌نگرانه	
		۳	آینده‌گرایی در انجام رویه‌ها و امور شغلی	
	تغییرمداری	۳	آمادگی و استقبال از تغییر	
		۴	عدم مقاومت در برابر تغییرات	
	عوامل مداخله‌گر چابکی منابع انسانی	بهبود شاخص‌های رفاهی	۴	تعهد به تأمین رفاه کارکنان
			۳	تضمین رضایت شغلی
		سادگی، تنوع و بازطراحی کار	۳	عملکرد روشی ساده
			۲	تنزل پیچیدگی ساختار و روابط
۴			متنوع‌سازی برنامه‌های شغلی و محیط کاری	
۳			طراحی ساده با پیچیدگی کم فضای شغلی	
متناسب‌سازی مدیریت عملکرد		۳	بهره‌مندی از بازخورد بموقع عملکردهای چابک	
		۲	سنجش مشارکت نیروها در موفقیت تیم‌های کاری	
		۳	بازخوردگیری متوالی	
سازمان‌دهی دانشی نظام جبران خدمات		۲	نظارت غیرمتمرکز (خودکنترلی)	
		۴	پشتیبانی نظام پاداش سازمانی از بهبود مداوم منابع انسانی	
مجازی شدن (فناوری محوری)		۳	پرداخت نمودن پاداش به نوآوری منابع انسانی	
		۲	کسب دانش به‌واسطه فناوری‌های ارتباطی	
		۳	بسط نظام سازمانی مجازی	
		۳	آگاهی و بهره‌مندی از فناوری‌های سازمانی	
		۳	مدیریت منابع انسانی الکترونیک	
۶		کنش‌گرایی مثبت	۳	اثرمندی مثبت

کد مورثی	مقوله‌ها - مفاهیم	فراوانی	کد اولیه - خرده مقوله
	(پیش قدمی)	۴	کار و حرکت مستمر
		۳	فعالیت هم‌زمان در تیم‌های کاری مختلف
		۳	تمرکز بر اولویت‌بندی مسائل
		۲	پیش‌بینی و تحلیل مسائل
	عملکرد منسجم و یکپارچه	۴	یکپارچگی و هماهنگی غیررسمی و بین‌شخصی (انسجام درونی)
		۲	یکپارچگی اهداف
		۲	همکاری
	فعالیت گروهی و جمعی	۵	بسط فعالیت‌های شغلی در قالب گروه‌های کاری منسجم
		۴	بسط گروه‌های کاری خودراهبر و چندوظیفه‌ای
	پیامدهای چابکی منابع انسانی	پیامدهای درون‌سازمانی	۳
۲			بسط سینرژی سازمانی در نتیجه همکاری میان کارکنان چابک
۲			تولید دانش و تجارب سازمانی مورد نیاز
۲			کاهش میل به ترک خدمت
۵			بهبود کیفیت داخلی کالاها و خدمات ارائه شده
۴			افزایش رضایت شغلی و بهبود کیفیت زندگی کاری منابع انسانی
۲			بسط و توسعه پیش‌رانه‌های چابکی به دیگر سطوح سازمانی
۳			مدیریت زمان
پیامدهای برون‌سازمانی		۲	سهولت جایگزینی نیروها
		۳	ارتقای رضایتمندی ذی‌نفعان و مشتریان
		۲	بسط توان و قابلیت‌های رقابتی سازمان
		۲	وفاداری مشتریان
		۱	بهره‌وری و اثربخشی

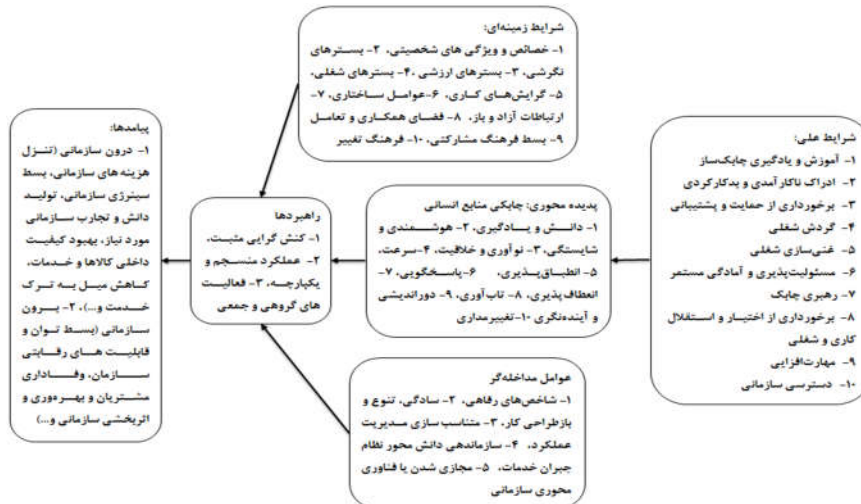
بعد از شناسایی مقولات و مفاهیم و قرار دادن آن‌ها در عوامل اکتشافی، روابط آن‌ها در قالب مدل پارادایمی نظریه داده‌بنیاد به مثابه ارکان مدل چابکی نیروی انسانی در شرکت‌های متوسط و بزرگ مشخص شد:

۱. پدیده محوری: «نیروهای انسانی چابک» با برخورداری از مؤلفه‌های دانش و یادگیری، هوشمندی و شایستگی، نوآوری و خلاقیت، سرعت، انطباق‌پذیری، پاسخ‌گویی، انعطاف‌پذیری، تاب‌آوری، دوراندیشی و آینده‌نگری و تغییرمداری؛ ۲. شرایط علی: آموزش و یادگیری چابک‌ساز، ادراک ناکارآمدی و بدکارکردی، برخورداری از حمایت و پشتیبانی، گردش شغلی، غنی‌سازی شغلی، مسئولیت‌پذیری و آمادگی مستمر، رهبری چابک، برخورداری از اختیار و استقلال کاری و

شغلی، مهارت‌افزایی و دسترسی سازمانی؛ ۳. شرایط زمینه‌ای: شامل خصایص و ویژگی‌های شخصیتی، بسترهای نگرشی و ارزشی و شغلی، گرایش‌های کاری، عوامل ساختاری، ارتباطات آزاد و باز، وجود فضای همکاری و تعامل، بسط فرهنگ مشارکتی و فرهنگ تغییر در سازمان؛ ۴. عوامل مداخله‌گر: شامل بهبود شاخص‌های رفاهی، سادگی، تنوع و بازطراحی کار، متناسب‌سازی مدیریت عملکرد، سازمان‌دهی دانش محور نظام جبران خدمات و مجازی شدن یا فناوری محور سازمانی؛ ۵. راهبردها یا استراتژی‌های کنش: شامل کنش‌گرایی مثبت، عملکرد منسجم و یکپارچه و فعالیت‌های گروهی و جمعی؛ ۶. پیامدها: پیامدهای درون‌سازمانی و برون‌سازمانی چابکی منابع انسانی.

۶. روایت چابکی منابع انسانی بر اساس مدل پارادایمی

هدف اصلی از نظریه داده‌بنیاد، تولید نظریه داده‌محور است نه توصیف صرف یک پدیده. بر این اساس، مفاهیم و مقولات تحقیق باید به شکل منظم و سیستماتیکی به یکدیگر متصل گردیده و تعامل و ارتباط نظام‌مند مقوله محوری تحقیق با دیگر مقولات در قالب یک روایت تدوین و ارائه شود. بر این اساس، در تحقیق حاضر، ۴۴۳ کد باز در قالب ۱۵۴ مفهوم، ۴۱ مقوله و ۶ کد محوری مدل پارادایمی چابکی منابع انسانی را شکل دادند. این مسئله سبب تبیین مطلوب‌تر ماهیت پدیده چابکی منابع انسانی و مشخص شدن عوامل مؤثر بر ارتقا یا تنزل این پدیده می‌گردد. الگوی پارادایمی چابکی منابع انسانی در تحقیق حاضر به قرار زیر است:



تصویر ۱: مدل پارادایمی چابکی منابع انسانی در شرکت‌های صنعتی شهرستان آران و بیدگل

۷. بحث و نتیجه‌گیری

با در نظر گرفتن فرایند تحلیل داده‌های کیفی، این نتیجه حاصل گردید که چابکی منابع انسانی در شرکت‌های متوسط و بزرگ شهرک صنعتی آران و بیدگل، وابسته به عوامل گوناگونی بوده که بسترها، شرایط علی، راهبردها و عوامل مداخله‌گر چابک‌سازی نیروها در سازمان‌های صنعتی را امکان‌پذیر کرده و آثار درون‌سازمانی و برون‌سازمانی متعددی به همراه دارد.

چابکی منابع انسانی به‌منابه پدیده محوری دربرگیرنده مؤلفه‌های «دانش و یادگیری، هوشمندی و شایستگی، نوآوری و خلاقیت، سرعت، انطباق‌پذیری، پاسخ‌گویی، انعطاف‌پذیری، تاب‌آوری، دوران‌پذیری و آینده‌نگری و تغییرمداری» است. کارکنان چابک نیروهایی با ضریب یادگیری و دانش‌پذیری بالا (Goldman et al., 1995: 42)، واجد ظرفیت یادگیری مادام‌العمر، مسلط بر دانش و مهارت‌های شغلی و برخوردار از دانش غیرمتمرکز عملیاتی (Azuara, 2015: 27) و دانش کار تیمی هستند. به‌لحاظ هوشمندی و شایستگی، کارکنان چابک از کارآمدی و اثربخشی سازمانی بالا (Sharifi & Zhang, 2001: 780) و شایستگی شغلی بالایی دارند، واجد قابلیت فراگیری مهارت‌ها و پذیرش مسئولیت‌های جدید (Sherehiy et al., 2007: 447) هستند و در تولید و ارائه خدمات و محصولات مختلف با استفاده از منابع یکسانی مهارت داشته و می‌توانند تغییرات و دگرگونی‌های سازمانی و محیطی را به مزایای رقابتی مبدل سازند. قابلیت آرایش و پیکربندی مجدد در بخش‌های مختلف سازمان و شناخت مشتری و آگاهی نسبت به شرایط، قابلیت‌ها و وضعیت آن‌ها، از دیگر ویژگی‌های کارکنان چابک بوده که در مدل مردیت و فرانسیس (۲۰۰۰) نیز بدان اشاره شده است. از منظر ابداع و نوآوری، کارکنان چابک مجهز به قابلیت‌هایی چون توانایی ارائه ایده‌های جدید و نوآورانه (Johnson, 2004: 83)، شکل‌دهی به نظریه‌ها و رویکردهای جدید، نوآوری‌های فردی در مسیرها و فرایندهای انجام کار (نیجسن و پاوی، ۲۰۱۳: ۵۵)، خلاقیت‌های خودانگیزی و ترغیب سایرین به نوآوری هستند (امینی‌حاجی‌باشی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۱).

سرعت از مهم‌ترین ابعاد وجودی کارکنان چابک است. شتاب و سرعت بالا در کسب مهارت‌ها و شایستگی‌های جدید، تنزل زمان یادگیری و سازگاری، شتاب زیاد در به دست آوردن مهارت‌های ضروری تغییر و نیز ارائه خدمات و اجرای فرایندهای سازمانی، تصمیم‌گیری‌های بهنگام و چابک و پیش‌واکنشی یا عکس‌العمل سریع در برابر تغییرات، از وجوه حیاتی کارکنان چابک بوده که در مدل‌های چابکی سازمانی بریو^{۱۷} و همکاران (۲۰۰۲)، لین^{۱۸} و همکاران (۲۰۰۶)، مردیت و فرانسیس (۲۰۰۰) و... مشاهده شده است. یکی دیگر از نقاط تمایز کارکنان چابک،



انطباق‌پذیری و سازگاری یافتن با تغییرات در بازه‌های زمانی کوتاه، با فضاهای کاری، گروه‌ها، معضلات و دوگانگی‌ها و پروژه‌های جدید، با همکاران، رهبران و منابع انسانی سازمانی و نیز سازگاری پیوسته با نیازهای مشتریان سازمان است که گلدمن و همکاران (۱۹۹۵)، شریهای و همکاران (۲۰۰۷) و خدابنده و همکاران (۱۳۹۷) بر آن تأکید نموده‌اند. این مقوله بر مبنای تغییر و یا اصلاح نگاه یا چشم‌انداز منابع انسانی در راستای سازگاری و انطباق مطلوب تر با فضاهای کاری جدید صورت می‌پذیرد. در این محور، سازگاری میان‌فردی و فرهنگی، در مواقعی که منابع انسانی با افراد مختلف با پیشینه و تجارب گوناگون رابطه ایجاد می‌کند، صورت می‌گیرد.

چابکی منابع انسانی نیازمند پاسخ‌گویی صحیح در مقابل شرایط غیرمنتظره و آشفتگی‌های کاری (Akkaya & Tabak, 2020: 3)، پاسخ‌گویی استراتژیک نسبت به دگرگونی‌های محیطی در بازار و فضای کسب‌وکار، کنش‌مندی قوی و عمل‌گرایی سازمانی (Dyer & Shafer, 1998: 45) و پاسخ‌گویی کارکنان در قبال مسائل اجتماعی است. به باور شریفی و وانگ (۲۰۰۱)، پاسخ‌گویی کارکنان چابک اشاره به توانمندی آنان در شناخت تغییرات و واکنش سریع و فعال در قبال آنهاست. کارکنان چابک، از انعطاف بالایی در انجام رویه‌های سازمانی و فضای کاری و نیز در برخورد با شرایط پیش‌بینی نشده و غیرمعمول و نیز تغییرات سازمانی برخوردارند. آنها نقش‌های ثابت و یکسانی در سطوح سازمانی نداشته بلکه واجد توانایی نقش‌پذیری مختلف و سیالیت و روانی در تعریف نقش‌های خویش هستند و راهبردهای کسب‌وکار را به صورت منعطف به کار می‌گیرند. این مقوله همسو با نتایج تحقیقات دیر و شافر^{۱۹} (۱۹۹۸)، روغنی ممقانی و همکاران (۱۳۹۹) و سلطانی و همکاران (۱۳۹۹) است؛ به عبارتی، منابع انسانی چابک واجد کارایی و کارآمدی هستند، چراکه منعطف بوده و قادرند فعالیت‌های زیادی را در بازه‌های زمانی محدود اجرا نمایند و از این قبیل هزینه‌های سازمانی را تنزل بخشند. ارتقای انعطاف‌پذیری سازمانی به مثابه پیامد توسعه نیروهای انسانی چابک، موجودی انبارها را تنزل بخشیده، هزینه‌ها را پایین می‌آورد. انعطاف‌پذیری منابع انسانی موجبات ارتقای توان فکری و ذهنی کارکنان در راستای رسالت‌ها و مأموریت‌های سازمانی را تقویت نموده و خود پیش‌نیازهای چابکی سازمانی را فراهم نماید. همچنین، کارکنان چابک کارکنانی تاب‌آورند که تحمل موقعیت‌های مبتنی بر عدم اطمینان و شرایط غیرقابل انتظار و پیش‌بینی نشده را داشته، در شرایط مبتنی بر فشار شغلی زیاد و مبهم قادر به فعالیت و تصمیم‌گیری هستند. این مؤلفه در مدل‌های یاندت^{۲۰} و همکاران (۱۹۹۶)، شریهای و کارووسکی (۲۰۱۴) و آزورا (۲۰۱۵) نیز اشاره شده است. تاب‌آوری اشاره دارد به قابلیت انجام وظایف و



رسالت‌های سازمانی به‌صورتی کارآمد در فضای درحال تغییر و در شرایط فشارزا و یا در مواقعی که راهبردهای اخذشده سازمان با موفقیت همراه نیست؛ زیرا که اصل و اساس چابکی منابع انسانی از سرعت عمل، انعطاف، خلاقیت و نوآوری، پیش‌واکنشی، کیفیت و قابلیت‌های مبتنی بر سوددهی نشئت می‌گیرد. کارکنان چابک فرصت‌های پیش رو به‌منظور مصونیت یافتن از مخاطرات موجود را لحاظ کرده، بینش آینده‌نگر و توجه به چشم‌اندازهای مشترک داشته و در انجام رویه‌ها و امور شغلی دوراندیش هستند. اهمیت این مؤلفه در مدل‌های مادولی (۲۰۱۳)، نیجسن و پاوی^{۲۱} (۲۰۱۳) و گودرزوی و همکاران (۲۰۱۸) مورد تأکید قرار گرفته و نشان داده شده است که برخورداری از نگاه آینده‌محور کارکنان سبب می‌گردد تا آنان کم و کیف تغییرات یا عدم تغییرات و اثرگذاری آن‌ها در شکل‌دهی به واقعیت‌های آتی را مد نظر قرار داده و منابع، الگوها و علل تغییر یا ثبات را برای تقویت، پیش‌بینی و ترسیم آینده مدنظر قرار دهند. به همین علت، چابکی منابع انسانی نیازمند برخورداری نیروها از قابلیت و آمادگی نسبت به تغییر است؛ یعنی آمادگی لازم به‌منظور شناسایی فرصت‌ها و تهدیدات بازار و نیز آمادگی برای تغییر، استقبال از آن و عدم مقاومت در برابر تغییر برخوردار بوده و نگاه مطلوبی به دگرگونی‌های سازمانی مثبت و ایده‌ها و فناوری‌های جدید دارند. از این حیث، سهولت ارائه بازخورد و واکنش در مقابل تغییرات و تقاضاهای غیرمنتظره و غیرقابل پیش‌بینی که سازمان را موفق در کسب فرصت‌ها (چابک کسب‌وکار) و رها شدن از دشواری‌ها می‌نماید (جهندگی سازمانی)، لازمه کارکنان چابک است.

۲. بنا بر یافته‌ها، چابک‌سازی منابع انسانی نیازمند برخی بسترسازی‌های علی در قالب فراهم‌سازی آموزش و یادگیری چابک‌ساز، ادراک ناکارآمدی و بدکارکردی، برخورداری از حمایت و پشتیبانی، گردش شغلی، غنی‌سازی شغلی، مسئولیت‌پذیری و آمادگی مستمر، رهبری چابک، برخورداری از اختیار و استقلال کاری و شغلی، مهارت‌افزایی و دسترسی سازمانی برای کارکنان است که در این میان، جریان‌دهی آموزش و یادگیری در تمامی نظام سازمانی، واجد اهمیت است؛ بدین معنی که آموزش وظایف و مسئولیت‌های سازمانی جدید و مختصات چابکی منابع انسانی در برنامه‌های آموزشی و توسعه باید به‌صورت مستمر صورت پذیرفته (گلدمن و همکاران، ۱۹۹۹؛ مردیت و فرانسیس، ۲۰۰۰؛ آزورا، ۲۰۱۵؛ عالی و همکاران، ۱۴۰۰: ۹۴)، فرصت‌های آموزشی درخصوص مدیریت تغییر در همه سطوح سازمانی فراهم شود (گلدمن و همکاران، ۱۹۹۹)، این آموزش‌ها متمرکز بر همه حوزه‌ها به‌ویژه بازار، نحوه رقابت سازمان، اوضاع مالی و عوامل بنیادین مؤثر در موفقیت و مبتنی بر یادگیری تخصص‌های متعدد باشد تا ایده سازمان یادگیرنده و منابع



انسانی چندآموزشی مهیا گردد. لازمه این آموزش، تناسب با دگرگونی‌های فضایی و زمانی و مدیریت دانش در قبال شناسایی، اکتساب و انتقال دانش است. سازمان‌های چابک همواره به‌منظور یادگیری هر مقوله جدید و آموزش آن به نیروهای انسانی خود که بسترهای ارتقای سطح سود و منفعت سازمانی ناشی از استفاده از فرصت‌های جدید را فراهم می‌سازد، آماده هستند.

۳. بسترها و زمینه‌هایی محقق شدن منابع انسانی چابک در شرکت‌های صنعتی متوسط و بزرگ از نگاه متخصصان و خبرگان عبارت بود از ویژگی‌های شخصیتی، بسترهای نگرشی و ارزشی و شغلی، گرایش‌های کاری، عوامل ساختاری، ارتباطات آزاد و باز، وجود فضای همکاری و تعامل، بسط فرهنگ مشارکتی و فرهنگ تغییر در سازمان. چابکی منابع انسانی نیازمند رشد و پرورش برخی وجوه شخصیتی چون حضور میل و رغبت یا حس نیاز به چابکی، استقبال از تجارب جدید و میل به تحول، برخورداری از ذهنیت و روحیه چابک و پویا، روحیه کار جمعی و شخصیت ابهام‌گریز است. به تعبیر دیگر، تیپ شخصیتی کارکنانی که در پی چابکی هستند، متمرکز بر عناصر قانونی چابک شدن یعنی شفافیت و عدم ابهام، همکاری، چالاکی، میل به تحول و احساس نیاز به سرعت، انعطاف و واکنش‌پذیری سریع است. آثاری و همکاران (۲۰۱۴)، ضیایی و همکاران (۱۳۹۱)، امینی حاجی‌باشی و همکاران (۱۳۹۶)، رستگار و همکاران (۱۳۹۹) و عالی و همکاران (۱۴۰۰) در مدل‌ها و تحقیقات مبتنی بر چابکی منابع انسانی بر ویژگی‌های شخصیتی بسترساز چابکی سازمانی به‌ویژه میل به چابکی و ذهنیت روحیه چابک اشاره نموده‌اند. درعین‌حال، چابکی منابع انسانی خود در بستر نگرش سازگار با چابکی محقق می‌شود. نگرش، ترکیبی از باورها و هیجان‌هایی است که شخص را پیشاپیش آماده می‌کند تا به دیگران، اشیا و گروه‌های مختلف به‌شیوه مثبت یا منفی نگاه کند. نگرش‌ها ارزیابی از اشیا را خلاصه می‌کنند و در نتیجه پیش‌بینی یا هدایت اعمال یا رفتارهای آینده را بر عهده می‌گیرند. از این لحاظ، نگرش سازگار با چابکی سازمانی مبتنی بر رویکرد مطلوب و مثبت به آموزش، یادگیری، دانش‌ها و معارف جدید، خودسازی و خودشکوفایی و خودیادگیری، رویکرد مثبت به تغییر و ایده‌های نوین و نگرش مالکانه و شریک دانستن خود در مسائل سازمانی است که در مدل‌های گلدمن و همکاران (۱۹۹۵)، آزورا (۲۰۱۵) و سطلانی و همکاران (۱۳۹۹) مورد تأکید قرار گرفته است. از سوی دیگر، چابک‌سازی منابع انسانی در پرتو اعمال بسترهای ارزشی و تسلط و عملکرد مبتنی بر ارزش‌های مشترک مبتنی بر چابکی محقق می‌گردد. به عبارتی، ارزش‌های مشترک به‌مثابه هسته اساسی در الگوی چابکی منابع انسانی دارای دو کارکرد هستند: ۱. به‌علت ثبات نسبی، مانع شکل‌گیری



بی‌نظمی و آشفتگی در سازمان و فعالیت‌های کارکنان می‌گردند؛ ۲. انرژی مورد نیاز را به‌منظور تغییر دائمی با بهره‌گیری از ارزش‌های مشترک به وجود می‌آورند. ارزش‌های مشترک در فضای سازمانی به‌طور کلی دربرگیرنده اعتقاداتی دربارهٔ روش‌هایی بوده که کار و فعالیت سازمانی باید براساس آن صورت پذیرد. این گروه از ارزش‌ها، عامل انسجام کارکنان و اجزای سازمان محسوب می‌گردند.

۴. یافته‌های کیفی نشان دادند که عوامل مداخله‌گر و تسهیل‌کننده در فرایند چابکی منابع انسانی شامل بهبود شاخص‌های رفاهی، سادگی، تنوع و بازطراحی کار، متناسب‌سازی مدیریت عملکرد، سازمان‌دهی دانش محور نظام جبران خدمات و مجازی شدن یا فناوری محوری سازمانی است. درخصوص بهبود شاخص‌های رفاهی می‌توان به تأمین رفاه کارکنان و تعهدات رفاهی سازمان‌ها و نیز تضمین رضایت شغلی آنان اشاره کرد؛ به‌طوری‌که پشتیبانی‌های رفاهی و فراهم‌سازی شرایط مطلوب شغلی در کنار افزایش میزان رضایتمندی شغلی کارکنان موجب می‌گردد که آنان فارغ از دغدغه‌های مالی یا رفاهی انجام وظیفه نموده و در راستای بهبود شرایط خود و کسب مشوق‌های سازمانی، منعطف‌تر، سریع‌تر و اثربخش‌تر عمل نمایند. کارکنان راضی، احساس مثبت و لذت‌بخشی دربارهٔ کار داشته و تلاش می‌نمایند تا انتظارات شغلی موجود را سریع و با کیفیت بالاتر پاسخ گویند، خود را منطبق با شرایط متغیر و بازار رقابتی نموده و در پی بهبود عملکرد و کارآمدی خویش خواهند بود. مطالعات مروتی و همکاران (۱۳۹۱) نشان می‌دهد که برخورداری از منابع انسانی چابک، نیازمند توجه به مؤلفه‌های آموزشی و رفاهی (رضایتمندی) کارکنان است. یکی دیگر از عوامل مداخله‌گر چابکی منابع انسانی، ساده‌سازی، تنوع‌بخشی و بازطراحی وظایف و مشاغل سازمانی بوده که مورد تأکید در الگوهای شریهای و همکاران (۲۰۰۷)، چان و تونگ (۲۰۰۹) و طبرسا و همکاران (۱۳۹۵) است. در این زمینه، عملکردهای روشی و طراحی ساده با پیچیدگی کم فضای شغلی و رویه‌های کاری، تنزل پیچیدگی ساختار و روابط میان کارکنان، جریان‌بخشی ساده مواد، ارتباطات و اطلاعات میان کارکنان و درمقابل، متنوع‌سازی برنامه‌های شغلی و محیط کاری، فعالیت در مکان‌های مختلف و ایفای وظایف مختلف در راستای سازگاری با وظایف متغیر منابع انسانی از اهمیت زیادی برخوردار است. به تعبیر دیگر، سادگی فضای کاری و کاهش جزئیات و پیچیدگی‌های شغلی و در کنار آن متنوع نمودن برنامه‌های کاری موجب تسهیل فرایندهای تولیدی و انجام وظایف خدماتی می‌گردد و درعین حال، موجب پاسخ‌گویی مطلوب‌تر به نیازهای مشتریان، تصمیم‌سازی بهتر، تنزل در هزینه‌ها و ارتقای سطح خلاقیت و نوآوری می‌گردد. تنوع در طراحی



محیط کار و به‌کارگیری نیروهای انسانی نه فقط منجر به ایجاد و حفظ نیروهای مستعد می‌گردد، بلکه مسبب نوآوری و خلاقیت فزاینده و حل مطلوب‌تر مشکلات می‌شود.

۵. استراتژی‌های کنش چابکی منابع انسانی شامل کنش‌گرایی مثبت، عملکرد منسجم و یکپارچه و فعالیت‌های گروهی و جمعی است. کنش‌گرایی مثبت اشاره به این دارد که کارکنان چابک به‌طور مؤثر در پی انجام افعال و ایفای عملکردهای سازمانی بوده، به‌شکل هم‌زمان در گروه‌های مختلف با نقش‌ها و وظایف شغلی چندگانه فعالیت نموده، در حل مسائل پیش‌رو بر اولویت‌های اصلی تمرکز نموده و اقدام به پیش‌بینی مضامین و مقولات مرتبط به تغییرات چابک و راهکارهای آن می‌نمایند. این راهبرد منطبق با مدل‌های چابکی سازمانی کاپلان^{۲۲} (۱۹۹۳)، شریهای و کارووسکی (۲۰۱۴) و تاجی و بردبار (۱۳۹۴) است. دیر و شافر (۱۹۹۸) یکی از راهبردهای کنشی منابع انسانی چابک را کنش‌گرایی نام‌نهاداند که اشاره به موقعیتی دارد که منابع انسانی اقدام به اقدامات ابتکاری نموده که اثرگذاری مثبتی بر محیط دگرگونی یافته دارد. از دیگر راهبردهای کنشی کارکنان چابک می‌توان به عملکرد منسجم و یکپارچه آن‌ها اشاره نمود که شامل یکپارچگی و هماهنگی غیررسمی و شخصی بالا میان منابع انسانی در فضای کاری (انسجام درونی)، هماهنگی و یکپارچگی افراد، فناوری و امکانات سازمان - تلفیق فناوری، مهارت و شایستگی‌های فردی و یکپارچگی اهداف است. به تعبیری، سازمان‌های دارای منابع انسانی چابک در قیاس با دیگر سازمان‌ها، واجد انسجام و یکپارچگی بالاتری بوده و تمامی اجزا و عناصر سازمانی همسو با یکدیگر اثربخشی جامعی را اعمال می‌نمایند. درعین‌حال، یکپارچگی سازمانی منوط به ایجاد یک نوع وابستگی میان اجزای سازمانی در مسیر ایجاد وحدت در اهداف، هماهنگی و هم‌نواختی در فرایندهاست. یکپارچگی و انسجام در سازمان‌های چابک تا حدود زیادی منوط به پایداری، مسئولیت‌پذیری، پاسخ‌گویی و نیز همدلی و همبستگی در بین کارکنان سازمان است (بشارتی‌مقدم و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۰). در سازمان‌های منسجم، انسجام گروه‌ها و واحدهای در راستای تحقق اهداف سازمانی و از مسیر ایجاد یکپارچگی و احساس مسئولیت مشترک مابین اعضای سازمان محقق می‌گردد.

۶. محقق شدن چابکی منابع انسانی در شرکت‌های متوسط و بزرگ شهرک صنعتی آران و بیدگل برایندها و آثار در دو قلمرو درون‌سازمانی و برون‌سازمانی دارد. در حوزه درون‌سازمانی، چالاک شدن کارکنان و تجهیز آن‌ها به سرعت، انعطاف، انطباق و پاسخ‌گویی مطلوب در سازمان، منجر به کاهش هزینه‌های سازمانی در نتیجه افزایش کارایی و کارآمدی منابع انسانی می‌گردد. درعین‌حال، توسعه سبزی سازمانی در نتیجه همکاری میان کارکنان چابک، تولید دانش و تجارب



سازمانی مورد نیاز، بهبود کیفیت داخلی کالاها و خدمات ارائه‌شده و کیفیت خارجی (فراهم نمودن خواسته‌ها و نیازمندی‌های مشتریان و ذی‌نفعان) - محصولات و خدمات با محتوای ارزش افزوده و کیفیت بالای عمر محصول، افزایش رضایت شغلی و بهبود کیفیت زندگی کاری منابع انسانی، بسط و توسعه پیش‌رانه‌های چابکی به دیگر سطوح سازمانی، تنزل زمان ارائه خدمات و پاسخ‌دهی به بازار در نتیجه سرعت بالای ارائه خدمات و سهولت جایگزینی نیروها و تنوع شغلی در سازمان‌ها و شرکت‌های مذکور از دیگر پیامدهای چابکی است. در حیطه‌های برون‌سازمانی نیز سبب ارتقای رضایتمندی ذی‌نفعان و مشتریان سازمان، بسط توان و قابلیت‌های رقابتی سازمان و افزایش میزان صرفه‌جویی اقتصادی و بیشینه‌سازی سود و مزایای رقابتی در بازارهای مالی می‌گردد. بر این مبنای نتایج پژوهش حاضر نه فقط تکمیل‌کننده مدل‌های چابکی منابع انسانی مردیت و فرانسیس (۲۰۰۰)، چان و تونگ (۲۰۰۹)، کوین و همکاران (۲۰۱۰)، شریهای و کارووسکی (۲۰۱۴) و... بوده بلکه به لحاظ تئوریک، اقدام به ارائه بسترها و شرایط علی و زمینه‌ای و نیز عوامل تسهیل‌کننده‌ای نموده که فضای سازمانی شرکت‌های متوسط و بزرگ شهرک صنعتی آران و بیدگل را برای نیل به چابکی نیروی انسانی آماده می‌سازد. این امر وجه تمایز نتایج این تحقیق از مطالعات موجود و ترسیم‌کننده شرایطی است که امکان چابک‌سازی نیروی انسانی را با سهولت فراهم می‌سازد؛ درحالی‌که بخش غالب الگوهای موجود صرفاً ابعاد و مؤلفه‌های توانمندساز چابکی نیروی انسانی را ارائه کرده و از تشریح شرایط علی و زمینه‌ای مرتبط به آن ناتوان بودند.

از مهم‌ترین پیشنهادهای این پژوهش می‌توان به تناسب فرایند مدیریت عملکرد و بهبود نظام جبران خدمات براساس دانش و معارف مورد نیاز اشاره نمود. با توجه به اثرگذاری شایستگی‌ها و هوشمندی‌های سازمانی و فردی، پیشنهاد می‌گردد در اوان ورود به سازمان، کارکنانی که به لحاظ ویژگی‌های مذکور بارزترند، جذب شده تا در فرایند بسط چابکی سازمانی با مسائل و مشکلات کمتری مواجه گردند. به مدیران عالی و بالادست سازمان‌ها پیشنهاد می‌گردد تا ساختار سازمان را از موضع خشک به سوی ساختارهای پویا و انطباق‌پذیر سوق داده و شرایط محیط کار و تعاریف شغلی را به شکلی طراحی نمایند که سبب افزایش انگیزه کارکنان گردد. به مدیران منابع انسانی شرکت‌های صنعتی پیشنهاد می‌گردد تا جای ممکن امور سازمانی به شکل تیم‌های کاری موافق، متقارن و هم‌زمان صورت گیرد. تلاش گردد تا از مسیر غنی‌سازی وظایف محوله و مشاغل سازمانی، توان تصمیم‌گیری میان کارکنان تسهیم شود. به منظور گزینش کارکنان لازم است تا ابزارهای گزینش به شکلی انتخاب و اصلاح گردند که به غیر از مهارت‌های فنی، ویژگی‌های

شخصیتی کارکنان نیز در نظر گرفته شود. نظام پاداش‌دهی عادلانه، مبتنی بر عملکرد چابک، دانش‌محور، شفاف در جلسات سالانه مورد ارزیابی قرار گرفته و در صورت نیاز، اصلاحاتی در آن صورت پذیرد و این مقوله به سمع و نظر تمامی کارکنان رسانده شود. در حوزه پرورش نیروهای انسانی چابک، مواردی چون فناوری محوری و نظام‌های اطلاعاتی و ارتباطی از اهمیت زیادی برخوردارند. از این رو، تقویت و تجهیز زیرساخت‌های نظام اطلاعاتی و ارتباطی شرکت‌ها و ارتقای زیرساخت‌ها و نرم‌افزارهای سامان‌دهی بانک‌های اطلاعاتی و مرتبط نمودن آن‌ها به فرایندهای اجرایی امری حائز اهمیت است. به منظور ترویج فرهنگ تغییر و توانمندسازی کارکنان، پیشنهاد می‌گردد تا سازمان و شرکت‌های صنعتی جلساتی توجیهی برای مدیران و کارکنان در جهت به رسمیت شناختن اهمیت ایجاد تغییر و توانمندی کارکنان برای مقابله با تغییرات و افزایش تعهد در قبال چابک‌سازی کارکنان تشکیل دهند.

پی‌نوشت‌ها

1. Organizational Agility
2. Meade & Sarkis
3. Harvey
4. Chanko & Jones
5. Prahlad & Hamel b
6. Meredith & Francis
7. Chan & tong
8. Sherehiy & Karwowski
9. Hopp & Oyen
10. Sumukadas & Sawhney
11. Meredith & Francis
12. Quinn
13. Swisher
14. Azuara
15. Muduli
16. Tessarini & Saltorato
17. Breu
18. Lin
19. Dyer & Shafer
20. Youndt
21. Nijssen & Paauwe Kaplan

منابع

اشتروس، انسلم، و کوربین، جولیت. (۱۳۹۵). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای (ابراهیم افشار، مترجم). تهران: نشر نی.



امینی حاجی‌باشی، آناهیتا، سیدجوادین، سید رضا، امیری، مجتبی، و یزدان‌پناه، احمدعلی (۱۳۹۶). طراحی و تبیین مدل چابکی رهبری منابع انسانی در مؤسسات آموزش عالی، پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی، ۱۱ (۲)، ۸۷-۱۱۲.

<https://doi.org/20.1001.1.82548002.1398.11.2.4.6>

بشارتی‌مقدم، مریم، ملائی، مینا، و رضانی‌نژاد، رحیم (۱۳۹۹). بررسی تأثیر ساختار سازمانی بر یکپارچگی و انسجام سازمان؛ مورد مطالعه: وزارت ورزش و جوانان جمهوری اسلامی ایران.

مطالعات مدیریت رفتار سازمانی در ورزش، شماره ۲۶، ۶۹-۸۱.

<https://doi.org/10.30473/fmss.2020.53082.2142>

تاجی، زهرا، و بردبار، غلامرضا. (۱۳۹۴). بررسی رابطه رهبری تحول‌آفرین و چابکی منابع انسانی. پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی، ۷ (۲)، ۱۵۳-۱۷۷.

<https://doi.org/10.30473/fmss.2020.53082.2142>

توکلی‌مقدم، فرهاد، سید تقوی، میرعلی، اسلامبولچی، علیرضا، و ربیعی‌مندجین، محمدرضا. (۱۳۹۸). الگوی چابکی منابع انسانی: تحلیلی برآمده از شرکت‌های خدمات پس از فروش خودرو در ایران. فصلنامه مدیریت کسب‌وکار، شماره ۴۴، ۴۸-۶۵.

<https://doi.org/20.1001.1.22520104.1398.11.44.3.9>

خدابنده، ناهید، محمدی، نبی‌الله، درودی، هما، و منصوری، علی (۱۳۹۷). مدل‌یابی چابک‌سازی منابع انسانی براساس رویکرد نظریه‌پردازی داده‌بنیاد (مطالعه موردی). رهبری و مدیریت

آموزشی، ۱۲ (۳)، ۱۰۸-۸۷. <https://doi.org/20,100,1,1,85005421,1397.04,08,2,2>

راحمی، مهدی، مجیدی، مریم، و مهتری‌آرانی، محمد. (۱۴۰۲). طراحی مدل چابکی نیروی انسانی در شرکت‌های متوسط و بزرگ. پایان‌نامه دکتری مدیریت منابع انسانی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه.

رستگار، عباسعلی، دهقان، احسان، و هوشمندی باقری، قره‌بلاغ. (۱۳۹۹). طراحی و تبیین مدل چابکی منابع انسانی در سازمان‌های پروژه‌محور. پژوهشنامه مدیریت اجرایی، ۱۲ (۲۴)،

۲۹۵-۳۲۰. <https://doi.org/10.22080/jem.2021.18758.3195>

رئیمی، شهناز. (۱۴۰۰). تأثیر حکمرانی خوب سازمانی بر چابکی و سکوت سازمانی (مورد مطالعه: کارکنان فرمانداری شهرستان شهرکرد). پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت. دانشگاه پیام نور. دلیجان.

روغنی‌مقانی، عیسی، حقیقت‌منفرد، جلال، و جعفرنژاد، احمد. (۱۳۹۹). تبیین الگوی راهبرد چابکی در صنعت خودروسازی کشور بر مبنای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی. پژوهش‌های



مدیریت راهبردی، ۲۶ (۷۶)، ۱۰۳-۱۲۸.

<https://doi.org/20.1001.1.22285067.1399.26.76.5.9>

سلطانی، فاطمه، ناظم، فتاح، و ایمانی، محمدنقی. (۱۳۹۹). ارائه الگوی چابکی سازمانی براساس توسعه منابع انسانی در دانشگاه آزاد اسلامی استان تهران. *نوآوری‌های مدیریت آموزشی*، ۱۵ (۳)، ۲۲-۱. <https://doi.org/20.1001.1.20081138.1399.15.3.1.1>

ضیایی، محمدصادق، حسنگلی، طهمورث، عباسپور، عباس، و یاراحمدزهی، محمدحسین. (۱۳۹۱). تبیین مدل توسعه قابلیت‌های فردی سرمایه انسانی با هدف چابک‌سازی بنگاه‌های کوچک و متوسط. *پژوهش‌های مدیریت عمومی*، ۵ (۱۵)، ۲۷-۴۴.

<https://doi.org/10.22111/jmr.2012.66010.22111/jmr.2012.660>

طبرسا، غلامعلی، شریفی، صدیقه، و حسینی، سیداحمد. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر سواد اطلاعات کارکنان بر چابکی سازمان. *پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی*، ۸ (۲)، ۱۱۳-۱۳۶. <https://doi.org/20.1001.1.20084528.1395.8.2.5.6>

عالی، علی، ضیاءالدینی، محمد، و هادوی‌نژاد، مصطفی. (۱۴۰۰). توسعه و تحول مدل چابکی نیروی انسانی. *مجله مدیریت توسعه و تحول*، شماره ۴۵، ۸۷-۱۰۱. <https://doi.org/100.1.1.258954.1400.02.25.5.8>

عارف‌نژاد، محسن، سپهوند، رضا، و رحیمی اقدم، صمد. (۱۳۹۶). مدل ارتقای چابکی سازمانی مبتنی بر انعطاف‌پذیری منابع انسانی در صنعت بانکداری. *مطالعات منابع انسانی*، ۱۰ (۱)، ۱-۲۶. <https://doi.org/10.22034/jhrs.2020.155360.1111>

قانع‌عبادی، ملیحه، آراسته، حمیدرضا، نوه‌ابراهیم، عبدالرحیم، و عبدالهی، بیژن. (۱۳۹۶). طراحی الگوی چابکی سازمانی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران. *مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی*، ۱۲ (۲)، ۱۳-۴۰. <https://doi.org/10.29252/mpes.12.2.13>

محمدی، علی، و امیری، یاسر. (۱۳۹۱). ارائه مدل ساختاری تفسیری دستیابی به چابکی از طریق فناوری اطلاعات در سازمان‌های تولیدی. *مدیریت فناوری اطلاعات*، ۴ (۱۳)، ۱۱۵-۱۳۴.

محمدی، فاطمه. (۱۳۹۶). *ارائه مدلی جهت چابکی منابع انسانی سازمان با استفاده از سیستم‌های اتوماسیون اداری*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مهندسی فناوری اطلاعات. مؤسسه آموزش عالی صنعتی فولاد.

مروتی شریف‌آبادی، علی، یونسی‌فر، سیدعبدالعزیز، آقاباقری، حسین، و کشورشاهی، محمدکاظم. (۱۳۹۱). ارائه چارچوبی مفهومی برای ارزیابی چابکی و رتبه‌بندی سازمان‌ها با استفاده از

تکنیک Interval fuzzy electur. *مدیریت تولید و عملیات*، ۳ (۵)، ۲۳-۴۰.

Ahammad, M. F., Glaister, K. W., & Gomes, E. (2020). Strategic agility and human



- resource management. *Human Resource Management Review*, 30 (1), 100700. <https://doi.org/10.1016/j.hrmr.2019.100700>
- Akkaya, B., & Tabak, A. (2020). The link between organizational agility and leadership: A research in science parks. *Academy of Strategic Management Journal*, 19 (1), 1-17.
- Asari, M., Sohrabi, R., & Reshadi, M. (2014). A Theoretical Model of Workforce Agility Based on the Theory of Planned Behavior. *The 3th International Conference on Behavioral Science*, 28th February, Kish – IRAN.
- Asfahani, A. (2021). The impact of modern strategic human resources management models on promoting organizational agility. *Academy of Strategic Management Journal*, 20 (2): 1-11.
- Azuara, V. (2015). *A human resource perspective on the development of workforce agility*. Thesis PHD. School of Business and Management. Pepperdine University.
- Breu, K., Hemingway, C.J., Strathern, M., & Bridger, D. (2002). Workforce agility: the new employee strategy for the knowledge economy. *Journal of Information Technology*, 17 (1), 21-31. <https://doi.org/10.1080/02683960110132070>
- Chan, F. K., & Thong, J. Y. (2009). Acceptance of agile methodologies: A critical review and conceptual framework. *Decision Support Systems*, 46 (4), 803-814.
- Chonko, L. B., & Jones, C. (2005). The need for speed: Agility selling. *Journal of Personal Selling & Sales Management*. J. Person. Sell. Sales Manag, 25 (4): 371-82.
- Dyer, L., Shafer, R.A., (1998). From Human Resource Strategy to rganizational Effectiveness: Lessons from Research on Organizational Agility. *Center for Advanced Human Resource Studies*. Ithaca, NY. <https://doi.org/10.1002/hrm.20059>
- Goodarzi, B., Shakeri, K., Ghaniyoun, A., & Heidari, M. (2018). Assessment correlation of the organizational agility of human resources with the performance staff of Tehran Emergency Center. *Journal of education and health promotion*, https://doi.org/7.10.4103/jehp.jehp_109_18
- Goldman, S. L., Nagel, R. N., & Preiss, K. (1995). *Agile competitors and virtual organizations: strategies for enriching the customer* (Vol. 8). New York: Van Nostrand Reinhold.
- Harvey, C. M., Koubek, R., Chin, L. (1999). Toward a model of workforce agility. *International journal of agile manufacturing*, 2 (2), 203-218. <https://doi.org/10.1016/j.ijpe.2010.08.010>
- Hopp, W. J., & Oyen, M. P. (2004). Agile workforce evaluation: a framework for cross-training and coordination. *Iie Transactions*, 36 (10), 919-940. <https://doi.org/10.1080/07408170490487759>
- Johnson, D. (2004). The University-Private Sector Interface and the Ontario Economy. A Background paper. *Ontario Economic Summit*. Ontario.
- Kaplan, G. (1993), *The Flexible Factory: Case Studies*. IEEE Spectrum.
- Lin, C.-T., Chiu, H., & Chu, P.-Y. (2006). Agility index in the supply chain. *International Journal of Production Economics*, 100 (2), 285-299. <https://doi.org/10.1016/j.ijpe.2004.11.013>
- Meade, L., & Sarkis, J. (1999). Analysing Organizational Project alternatives for agile manufacturing processes: *An analytical network approach IJOPR*, 37 (2), Pages 241-261. <https://doi.org/10.1080/002075499191751>



- Meredith, S., Francis, D. (2000), Journey towards agility: the agile wheel explored. *The TQM Magazine*, 12 (2), 137-143. <https://doi.org/10.1108/09544780010318398>
- Muduli, A. (2013). Workforce Agility: A Review of Literature. *IUP Journal of Management Research*, 12 (3), 55.
- Nijssen M. & Paauwe, J. (2013). HRM in turbulent times: how to achieve organizational agility. *The International Journal of Human Resource Management*, 23 (16), 3315-3335
- Quinn, R.D., Causey, G.C., Merat, F.L. & Sargent, D. (2010). An agile manufacturing workcell design. *IIE Transactions*, 29 (10), 901-909.
- Samdantsoodol, A., Cang, S., Yu, H., Eardley, A., & Buyantsogt, A. (2017). Predicting the relationships between virtual enterprises and agility in supply chains. *Expert Systems with Applications*, No. 84, 58-73. <https://doi.org/10.1016/j.eswa.2017.04.037>
- Sharifi, H., & Zhang, Z. (2001). Agile manufacturing in practice-Application of a methodology. *International Journal of Operations & Production Management*, 21 (5/6), 772-794. [10.1108/01443570110390462](https://doi.org/10.1108/01443570110390462)
- Sherehiy, B., Karwowski, W., & Layer, J. K. (2007). A review of enterprise agility: Concepts, frameworks, and attributes. *International Journal of Industrial Ergonomics*, 37 (5), 445-460. <https://doi.org/10.1016/j.ergon.2007.01.007>
- Sherehiy, B., & Karwowski, W. (2014). The relationship between work organization and workforce agility in small manufacturing enterprises. *International Journal of Industrial Ergonomics*, 44 (3), 466-473. <https://doi.org/10.1016/j.ergon.2014.01.002>
- Suofi, H., Hosnavi, M., & Mirsepasi, N. (2014). A study on relationship between workforce agility and knowledge sharing. *Management Science Letters*, 4 (5), 1015-20.
- Sumukadas, N., & Sawhney, R. (2004). Workforce Agility Through Employee Involvement. *III Transactions*, 1011-1021. <https://doi.org/10.5267/j.msl.2014.3.009>
- Swisher, V. V. Eichinger, R. W. & Lombard. M. M. (2012). Leadership Development: Exploring, Clarifying, and Expanding Our Understanding of Learning Agility. *Industrial and Organizational Psychology: Perspectives on Science and Practice*, 5 (9), 280-6. <https://doi.org/10.1111/j.1754-9434.2012.01445.x>
- Tessarini, G. & Saltorato, P. (2021). Workforce Agility: A systematic Literature Review and a Research Agenda Proposal. *Innovar*, 31 (81). In press. <https://doi.org/10.15446/innovar.v31n81.95582>.
- Youndt, M. A., Snell, S. A., Dean, J. W., Lepak, D.P. (1996). Human Resource Management, Manufacturing Strategy, and Firm Performance. *Academy of management Journal*, 39 (4), 836-866. <https://doi.org/10.2307/256714>

References

- Ahammad, M. F., Glaister, K. W., & Gomes, E. (2020). Strategic agility and human resource management. *Human Resource Management Review*, 30(1), <https://doi.org/100700.10.1016/j.hrmr.2019.100700>



- Aminihajibashi. A., Seyedjavadin. S. R., Amiri. M., and YazdanPanah. A.A. (2017). Designing and explaining the agility model of human resource leadership in higher education institutions. *Human resource management research*, 11, 87-112. <https://doi.org/20.1001.1.82548002.1398.11.2.4.6>. [In Persian]
- Akkaya, B., & Tabak, A. (2020). The linkbetween organizational agility andleadership: A research in science parks. *Academy of Strategic Management Journal*, 19(1), 1-17.
- Ali. A., Ziyadini. A., & Hadavinejad, M. (1400). Development and transformation of manpower agility model. *Journal of Development and Transformation Management*, (45), 87-101. <https://doi.org/20,100,1,1,258954,1400,02,25,5,8>. [In Persian]
- Arefnejad, M., Sepahvand, R., Rahimi Aghdam. S. (2016). A Model of Organizational Agility Improvement Based on Human Resources Flexibility in Banking Industry. *Human Resources Studies*, 10, 1-26. <https://doi.org/10.22034/jhrs.2020.155360.1111>. [In Persian]
- Asari, M., Sohrabi, R., & Reshadi, M. (2014). A theoretical model of workforce agility based on the theory of planned behavior. *The 3th International Conference on Behavioral Science*, 28th February, Kish – IRAN.
- Asfahani, A. (2021). The impact of modern strategic human resources management models on promoting organizational agility. *Academy of Strategic Management Journal*, 20(2), 1-1
- Azuara, V. (2015). *A human resource perspective on the development of work force agility*. Thesis PHD, School of Business and Management, Pepperdine University.
- Basharti-Moghadam. M., Mollae. M., and Ramzaninejad. R. (2019). Examining the effect of organizational structure on the integrity and coherence of the organization; the study of the Ministry of Sports and Youth of the Islamic Republic of Iran. *Organizational Behavior Management in Sport Studies*, 7, 26-27, Summer, 2020, 69-8. <https://doi.org/10.30473/fmss.2020.53082.2142>. [In Persian]
- Breu, K., Hemingway, C.J., Strathern, M., & Bridger, D. (2002). Workforce agility: The new employee strategy for the knowledge economy. *Journal of Information Technology*, 17(1), 21-31. <https://doi.org/10.1080/02683960110132070>
- Chan, F. K., & Thong, J. Y. (2009). Acceptance of agile methodologies: A critical review and conceptual framework. *Decision Support Systems*, 46(4), 803-814. <https://doi.org/10.1016/j.dss.2008.11.009>
- Chonko, L. B., & Jones, C. (2005). The need for speed: Agility selling. *Journal of Personal Selling & Sales Management, J. Person. Sell. Sales Manag*, 25(4): 371-82.
- Dyer, L., Shafer, R.A., (1998). *From human resource strategy to organizational*

effectiveness: Lessons from research on organizational agility. Center for Advanced Human Resource Studies. Ithaca, NY. <https://doi.org/10.1002/hrm.20059>

Goodarzi, B., Shakeri, K., Ghaniyoun, A., & Heidari, M. (2018). Assessment correlation of the organizational agility of human resources with the performance staff of Tehran Emergency Center. *Journal of Education and Health Promotion*, 7. https://doi.org/10.4103/jehp.jehp_109_18

Goldman, S. L., Nagel, R. N., & Preiss, K. (1995). *Agile competitors and virtual organizations: Strategies for enriching the customer* (Vol. 8). New York: Van Nostrand Reinhold.

Harvey, C. M., Koubek, R., Chin, L. (1999). Toward a model of workforce agility. *International Journal of Agile Manufacturing*, 2(2), 203-218. <https://doi.org/10.1016/j.ijpe.2010.08.010>

Hopp, W. J., & Oyen, M. P. (2004). Agile workforce evaluation: A framework for cross-training and coordination. *Iie Transactions*, 36(10), 919-940. <https://doi.org/10.1080/07408170490487759>

Johnson, D. (2004). *The university private sector interface and the Ontario economy. A Background paper*. Ontario Economic Summit. Ontario.

Kaplan, G. (1993), The flexible factory: Case studies, *IEEE Spectrum*.

Khodabandeh, N., Mohammadi, N. A., Dorudi, H., and Mansouri, A. (2017). Human resource agility modeling based on the data base theorizing approach (case study). *Educational Leadership and Management*, 12, 87-108. <https://doi.org/20,100,1,1,85005421,1397.04,08,2,2>. [In Persian]

Lin, C.-T., Chiu, H., & Chu, P.-Y. (2006). Agility index in the supply chain. *International Journal of Production Economics*, 100(2), 285-299. <https://doi.org/10.1016/j.ijpe.2004.11.013>

Meade, L., & Sarkis, J. (1999). Analyzing organizational project alternatives for agile manufacturing processes: An analytical network approach *IJOPR*, 37, 241-261. <https://doi.org/10.1080/002075499191751>

Meredith, S., Francis, D. (2000), Journey towards agility: The agile wheel explored. *The TQM Magazine*. 12(2), 137-143. <https://doi.org/10.1108/09544780010318398>

Mohammadi, A., & Amiri, Y. (1391). Presenting an interpretive structural model of achieving agility through information technology in manufacturing organizations. *Information Technology Management*, 4, 115-134. [In Persian]

Mohammadi, F. (2016). Presenting a model for the agility of human resources of the organization using office automation systems, master's thesis of information technology engineering, Foulad Institute of Higher Industrial Education. [In Persian]



- Morovvati Sharifabadi, A., Yunsifar, S.A., Agha Bagheri, H. & Kishvarshahi, M. (2011). Presenting a conceptual framework for evaluating the agility and ranking of organizations using the Interval fuzzy electur technique. *Production and Operations Management*, 3, 23-40. [In Persian]
- Muduli, A. (2013). Workforce Agility: A Review of Literature. *IUP Journal of Management Research*, 12(3), 55.
- Nijssen M. & Paauwe, J. (2013). HRM in turbulent times: how to achieve organizational agility. *The International Journal of Human Resource Management*, 23(16), 3315-3335
- QaneEbadi. M., Arasteh. H., Noh Ebrahim. A. R. & Abdolhi. B. (2016). Designing organizational agility model of public universities in Tehran. *Management and Planning in Educational Systems*, 12(2): 13-40. <https://doi.org/10.29252/mpes.12.2.13>. [In Persian]
- Quinn, R. D., Causey, G. C., Merat, F. L. & Sargent, D. (2010). An agile manufacturing work cell design. *IIE Transactions* 29(10), 901-909.
- Rahemi, M., Majidi, M., & MehtriArani, M. (1402). *Designing human resource agility model in medium and large companies*. Doctoral thesis of human resources management. Islamic Azad University. Saveh Branch. [In Persian]
- Raisi. SH. (1400). *The effect of good organizational governance on organizational agility and silence (case study: Employees of Shahrekord city governorate)*. Master's thesis in the field of management. Payam Noor University. Dilijan. [In Persian]
- Rastgar. A. A., Dehghan. E., & Houshmandi Bagheri. Q. (2019). Designing and explaining the agility model of human resources in project-oriented organizations. *Executive Management Research Journal*, 12, 295-320. <https://doi.org/10.22080/jem.2021.18758.3195>. [In Persian]
- RoghaniMamqani. I., Haqitmanfard. J., & Jafarnjad. A. (2019). Explaining the model of agility strategy in the country's automobile industry based on general policies of resistance economy. *Strategic Management Researches*, 26, 103-128. <https://doi.org/20.1001.1.22285067.1399.26.76.5.9>. [In Persian]
- Samdantsoodol, A., Cang, S., Yu, H., Eardley, A., & Buyantsogt, A. (2017). Predicting the relationships between virtual enterprises and agility in supply chains. *Expert Systems with Applications*, 84, 58-73. <https://doi.org/10.1016/j.eswa.2017.04.037>
- Sharifi, H., & Zhang, Z. (2001). Agile manufacturing in practice-Application of a methodology. *International Journal of Operations & Production Management*,



21(5/6), 772-794. <https://doi.org/10.1108/01443570110390462>

- Sherehiy, B., Karwowski, W., & Layer, J. K. (2007). A review of enterprise agility: Concepts, frameworks, and attributes. *International Journal of Industrial Ergonomics*, 37(5), 445-460. <https://doi.org/10.1016/j.ergon.2007.01.007>
- Sherehiy, B & ,Karwowski, W. (2014). The relationship between work organization and workforce agility in small manufacturing enterprises. *International Journal of Industrial Ergonomics*, 44(3), 466-473. <https://doi.org/10.1016/j.ergon.2014.01.002>
- Soltani. F., Nazim. F., and Imani. M. N., (2019). Presentation of organizational agility model based on human resources development in Islamic Azad University of Tehran Province. *Educational Management Innovations*, 15, 1-22. <https://doi.org/20.1001.1.20081138.1399.15.3.1.1>. [In Persian]
- Strauss, A. & Corbin, J. (2015). *Fundamentals of qualitative. research: Techniques and stages of grounded theory production*. translated by Ebrahim Afshar. Tehran: Nei Publishing. [In Persian]
- Suofi, H., Hosnavi, M., & Mirsepasi, N. (2014). A study on relationship between workforce agility and knowledge sharing. *Management Science Letters*, 4(5), 1015-20.
- Sumukadas, N., & Sawhney, R. (2004). Workforce agility through employee involvement. *III Transactions*, 1011-1021. <https://doi.org/10.5267/j.msl.2014.3.009>
- Swisher, V. V. Eichinger, R. W. & Lombard. M. M. (2012). Leadership development: exploring, clarifying, and Our understanding of learning agility. *Industrial and Organizational Psychology: Perspectives on Science and Practice*, 5(9), 280-6. <https://doi.org/10.1111/j.1754-9434.2012.01445.x>
- Tabarsa. GH., Sharifi.S., and Hosseini.S.A., (2015). Investigating the effect of employees' information literacy on organizational agility. *Human Resource Management Research*, 8(2): 113-136. DOI. <https://doi.org/20.1001.1.20084528.1395.8.2.5.6>. [In Persian]
- Taji. Z., Bardbar. GH.(2014). Investigating the relationship between transformational leadership and human resource agility. *Human Resource Management Research*, 7(2):153-177. <https://doi.org/10.30473/fmss.2020.53082.2142>. [In Persian]
- TawakliMoghadam. F., Seyed Naqvi. M. A., Islambolchi. A. R., and Rabiei Mandjin. M. R. (2018). Human resource agility model: an analysis of car after-sales service companies in Iran. *Business Management Quarterly*, 44, 65-48. <https://doi.org/20.1001.1.22520104.1398.11.44.3.9>. [In Persian]
- Tessarini, G. & Saltorato, P. (2021). Workforce agility: A systematic LiteratureReview and a Research Agenda Proposal. *Innovar*, 31(81). In press.



ارائه مدل پارادایمی چابکی نیروی انسانی در شرکت‌های صنعتی... مهدی راحمی نوش آبادی و همکاران

<https://doi.org/10.15446/innovar.v31n81.95582>.

Youndt, M. A., Snell, S. A., Dean, J. W., & Lepak, D. P. (1996). Human resource management, manufacturing strategy, and firm performance. *Academy of Management Journal*, 39(4): 836-866. <https://doi.org/10.2307/256714>

Ziyai. M.S., Hassan Qoli. T, Abbaspour. A, & Yarahmadzahi. M. H. (2011). Explaining the model of developing individual capabilities of human capital with the aim of making small and medium enterprises agile. *Public Management Research*, 5, 27-44. 10.22111/jmr.2012.66010.22111/jmr.2012.660. [In Persian]

Presentation of the Paradigmatic Model of Human Resource Agility in Industrial Companies based on Grounded Theory (A Case Study of Industrial Companies of Aran and Bidgol)

Mehdi RahemiNoushabadi

PhD student in human resource management, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Saveh Branch, Saveh, Iran, rahei20@yahoo.com

Maryam Majidi

Assistant Professor, Department of Management, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Saveh Branch, Saveh, Iran, (Corresponding author), fa.ma1382@hotmail.com

Mohammad MehtariArani

Assistant Professor, Faculty of Management, Payam Noor University, Tehran, Iran, M.mehtari@pnu.ac.ir

Received: 19/02/2023

Accepted: 03/06/2023

Introduction

Since 1990s, management science researchers have proposed alternative approaches to achieve and maintain sustainable competitiveness which considers organizational adaptability as a continuous and sustainable process. However, organizations are able to form capabilities in their operational processes that form flexibility, change, and adaptation to changing conditions without any need for permanent, mandatory, and fundamental changes. This approach is known as 'organizational agility'. One of the fundamental components of organizational agility is the agility of human resources of organizations. The expression 'human resource agility' means the scientific readiness of the forces to enforcing fundamental changes in the processes, structures, and organizational culture along greater satisfaction achievement and integration of all processes. Therefore, regarding the significance of this issue, the present research was conducted with the aim of presenting a paradigmatic model of manpower agility in industrial companies based on data base theory in industrial companies of Aran and Bidgol region.

Materials and Methods

In terms of purpose, the present research is fundamental, and regarding its method it is qualitative, focusing on the database approach. The statistical population of this research included all academic experts, whose area of expertise was management, including faculty members of universities in Isfahan province (more than 150 people) as well as the vice-presidents and managers of industrial companies in Aran



and Bidgol industrial towns. Besides, qualified experts acquainted with the category of organizational agility were included in the study. The sample size included 15 academic experts, faculty members, and 15 vice presidents as well as the managers of great and lower industrial companies, selected by purposeful and judgmental sampling. The sampling process continued to achieve theoretical saturation. Sampling criterion was based on knowledge and expertise related to human resource agility. The selection of managers, assistants, and experts were carried out by academic degrees related to the management fields. These included those with occupational experience (10 years and above), career success (size of workforce, size of work space), high production and sales rate with export essentiality, and operational experience in the organizational field. The data collection tool was a semi-focused interview. The data was analyzed using qualitative data analysis software (MAXQDA) and applying coding procedures. For measuring the credibility of the research, the study used Lincoln and Goba criteria, including researcher's immersion in data, composition (data and researcher), external revise, verifiability (keeping data for later analysis), transferability (providing rich and maximal descriptions), and credibility (repeated contacts with research environment and peers). Reliability was confirmed by using structured procedures of convergent interview, structured processes of recording, and compiling and interpreting data using two interviewers to perform interviews separately and in parallel. The analysis of the interview texts provided 443 open codes that were placed in the form of the pillars of the paradigm model of human resource agility in medium and large companies.

Results and Findings

The findings displayed that the central phenomenon of the research, 'agile human forces', consists of eleven components: knowledge and learning, intelligence and competence, innovation and creativity, speed, adaptability, responsiveness, flexibility, resilience, precaution, foresight, and changeability. Causal conditions and determination of human resource agility in medium and great industrial companies included: training and learning agile, the perception of inefficiency and malfunctioning, the benefiting of sustenance and support, occupation turnover and enrichment, responsibility and continuous preparation, agile leadership, benefiting authority and occupation and professional independence, skill enhancement and organizational access. At the same time, the background conditions and platforms for creating human resource agility consisted of personality traits and characteristics, values and occupation platforms, work tendencies, structural factors, open communication, the existence of an environment for cooperation and interaction, the extension of culture of collaboration, and change in the organization. Meanwhile, some intervening factors such as enhancement of welfare indicators, simplicity, variety, and the redesigning of work, the adaptation of performance management, knowledge-based organization of service compensation system and virtualization or organization-based technology in the process of human resource agility in medium and large companies had positive or negative intervention. In this situation, human resources agile action strategies included positive activism, coherent and integrated performance, and group and collective activities. Eventually, the realization of human resource agility in medium and large companies of Aran and Bidgol industrial town conveyed consequences and effects in both inter-organizational and

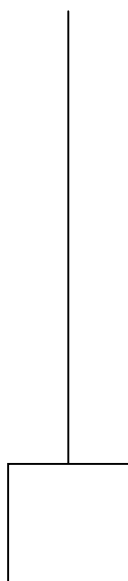


extra-organizational realms. In the inter-organizational field, the agility of employees and the equipping of them with speed, flexibility, adaptation, and optimal response in the organization led to the reduction of organizational costs as a result of increasing the efficiency and effectiveness of human resources. However, among the other consequences of agility were the development of organizational synergy resulted from collaboration among agile employees; the production of required organizational knowledge and experiences; the improvement of the internal quality of the goods and services provided; the external quality (providing the demands and needs of customers and stakeholders) of products and services with content value-added and high quality of product endurance; increased job satisfaction and improved quality of occupational life of human resources; the expansion and development of agility drives to other organizational levels; the reduction of service delivery time and market supply as a result of high speed of service delivery and ease of replacement of forces and job diversity in the aforementioned organizations and companies. In extra-organizational areas, it also increased the satisfaction of the organization's stakeholders and customers; it also expanded the organization's competitive capabilities while it increased the amount of economic savings maximizing profit and competitive advantages in the financial markets.

Conclusion

The results of this research showed that human resource agility in medium and large industries cannot be considered as a single-factor phenomenon isolated from continuous and complementary processes and flows. The agility of human resources in medium and large companies of industrial towns depends on various factors enabling the bases, causal conditions, strategies, and intervening factors of the agility of the forces in industrial organizations. It also conveyed many internal and external effects. The foundation-data model, obtained in this research, confirms the components of human resources agility models by Meredith and Francis (2000), Chan and Tong (2009), Quinn et al, Shrihai and Karosky (2014) and others. It theoretically provides the causal and background conditions and facilitating factors that prepare the organizational environment of medium and large companies in Aran and Bidgol industrial towns to achieve the agility of human resources.

Keywords: human resource agility, Database Theory, industrial companies, AranAnd Bidgol.



ABSTRACTS

- 34 ► Understanding and revision of the technical aspects of lustre inscription- Kashan 7th & 8th Hijri C
- 58 ► Investigating Kashan Woven Silks at Art Institute of Chicago and Metropolitan Museum of Art
- 94 ► Proposing a Model for Color Choice in Sleeping Space in Contemporary Residential Architecture Based on the Principles of HekmateTabieiat (Historical Houses in Kashan: A Case Study)
- 124 ► The Basics of Hadith Research by Fayz Kashi in Shafi'
- 149 ► Translators and commentators of Nahj al-Balagha in Kashan from the 6th to the 10th Centuries of Hijri
- 180 ► Measuring and analyzing the perceived level of competitiveness of tourism destinations (Case study: Kashan city)
- 216 ► Presentation of the Paradigmatic Model of Human Resource Agility in Industrial Companies based on Grounded Theory (A Case Study of Industrial Companies of Aran and Bidgol)

